رویه عملی در زندان

کاربرد مقررات بین‌المللی
در امور زندان‌ها

سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی
P.R.I

www.ParsBook.org

ناشر:
انتشارات راه تربیت
وابسته به سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

مقدمه ناشر

در پی همکاری‌های مطلوب سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با سازمان‌های بین‌المللی و تخصصی و بهره‌مندی از نظرات و تجربیات سایر کشورها، «کتاب رویه عملی در زندان‌ها» که ترجمه و تفسیر حداقل قواعد استاندارد در زندانبانی است به صورت مشترک با همکاری سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی PRI منتشر و آن را به تمامی دست‌اندرکاران عرصه زندانبانی و قضات شریف و دستگاه‌های قضایی و سایر محققین و دانش‌پژوهان تقدیم می‌نماید. امید است این مجموعه در اصلاح رویه زندانبانی مؤثر واقع شود.

"انتشارات راه تربیت"

www.ParsBook.org

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

مقدمه ناشر ۲
مقدمه ۱۳
خاستگاه‌های طرح ۱۳
اهداف ۱۴
شیوهٔ تهیهٔ کتاب ۱۴
قدردانی ۱۵
تشکر از حامیان مالی ۱۵
سخنی با خوانندگان ۱۶
مبانی کتاب ۱۷
حقوق بشر در زندان ۱۷
حقوق جهانی ۱۸
حقوق خاص ۱۸
سلب آزادی و زندگی عادی ۱۹
اصل گشایش زندان به روی خارج ۱۹
وظیفه کمک‌رسانی ۲۰
زندان‌ها و دیگر مکان‌های حبس ۲۰
گروه‌های خاص زندانیان ۲۱
کلمات «زندان» و «زندانی» ۲۱
آرمان و محدودیت‌های کتاب حاضر ۲۱
فصل اول ۲۳
اصول بنیادین ۲۳
مقدمه ۲۳
روح اصول بنیادین ۲۴
موازین و دامنهٔ RMT ها ۲۵
ممنوعیت هر نوع تبعیض ۲۶
احترام به تفاوت‌ها، تبعیض نیست ۲۷
آزادی باورها و ممنوعیت محدودیت‌های مذهبی ۲۷
راه‌اندازی برنامه‌های جامعه‌پذیریِ مجدد زندانیان ۳۰
امنیت، مهم‌ترین ضرورت برای زندانیان و کارمندان زندان ۳۱

www.ParsBook.org

رفتار در زندان و تدارک خروج ۳۲
زندگی جمعی در زندان. اصل عادی‌بودن ۳۳
اصول محوری ناظر بر متهمان ۳۶
ممنوعیت شکنجه و مجازات یا رفتارهای خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز ۳۶
افراد زندانی در سلول‌های پلیس ۳۷
اصل برائت ۳۷
رژیم‌های حبس برای متهمان ۳۸
محکومان بدهکار و زندانیان مدنی ۳۸
فصل دوم ۴۰
شیوه‌های دادرسی و شکایات ۴۰
مقدمه ۴۰
حفظ نظم در زندان ۴۱
زندان‌بان‌ها و مقررات ۴۱
نظام انضباطی و روند طرح شکایات ۴۲
مقررات بین‌المللی مربوط به شیوه‌های قانونی طرح شکایت و درخواست رسیدگی ۴۲
شکایت و درخواست رسیدگی ۴۳
اطلاعات زندانیان و کارمندان زندان دربارهٔ نحوهٔ طرح شکایت ۴۴
تسهیل روند طرح شکایت ۴۵
شکایات مطرح‌شده توسط نزدیکان یا دیگر اشخاص ذینفع ۴۵
شکایت علیه عناصر غیروابسته به ادارهٔ زندان ۴۶
شکایت‌هایی که در داخل زندان و یا در خارج بررسی می‌شوند ۴۶
شیوه‌های طرح شکایت برای متهمان و دیگر گروه‌های خاص زندانیان ۴۷
متهمان ۴۷
زندانیان خارجی ۴۸
دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر یا فاقد امتیاز ۴۸
انضباط ۴۹
مقررات قابل اجرا برای دفاع از حقوق بشر ۵۰
دیگر اسناد قانونی مرجع ۵۰
وظایف نهاد زندان ۵۰
قواعد و مقررات کتبی ۵۱
بازبینی دوره‌ای در قواعد و مقررات زندان ۵۱
انتقال اطلاعات دربارهٔ مقررات ۵۱

www.ParsBook.org

انضباط به‌وسیلهٔ چه ابزاری برقرار می‌شود؟ ۵۲
دفاع قانونی ۵۳
چه کسی مسائل انضباطی را اداره می‌کند؟ ۵۴
تنبیه‌ها ۵۴
حقوق بشر و تنبیه‌ها ۵۵
شکنجه، مجازات و رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز ۵۶
چه زمانی مجازات‌ها و رفتارها قابل تشبیه به شکنجه و یا رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز هستند؟ ۵۷
تناسب تنبیه ۵۸
شکل‌هایِ مختلف تنبیه ۵۹
منزوی‌کردن ۵۹
انزوای طولانی‌مدت ۵۹
انزوا برای مدت نامحدود ۶۰
تکرار انزوا ۶۰
منزوی‌ساختن به همراه دیگر تنبیه‌ها ۶۰
امداد پزشکی به زندانی تنبیه‌شده ۶۱
مقررات مربوط به منزوی‌ساختن باید به روشنی مشخص شود ۶۲
دست‌بند، غُل و دیگر آلات محدودکننده ۶۲
تنبیه بدنی ۶۳
لغو کاهش مدت حبس ۶۳
محرومیت مربوط به حواس ۶۳
محروم‌کردن از غذا ۶۴
دو یا چند تنبیه برای یک جرم ۶۴
تقاضای تجدیدنظر دربارهٔ تنبیه انضباطی ۶۴
اصول قابل اجرای حقوق بشر ۶۵
دیگر اسناد حقوقی ۶۶
ماهیت شیوه تقاضای تجدیدنظر ۶۶
تقاضای تجدیدنظر ۶۶
فصل سوم ۶۸
شرایط مادی و نیازهای اولیه زندانیان ۶۸
مقدمه ۶۸
خلاقیت می‌تواند بهتر از پول به بهبود شرایط زندگی در زندان کمک کند ۶۹
محل اقامت ۷۰

www.ParsBook.org

سلول‌ها و خوابگاه‌ها ۷۰
فضای زندگی ۷۲
روشنایی و تهویه ۷۳
بهداشت ۷۳
بهداشت جسمی و نظافت ۷۳
بهداشت و مراقبت‌های فردی ۷۵
پوشش و وسایل خواب ۷۷
فصل چهارم ۸۲
بهداشت جسمی و روانی زندانیان ۸۲
مقدمه ۸۲
مراقبت‌ها در زندان، اولویتی مهم ۸۳
مراقبت‌ها و وظایف پزشکی ۸۴
حق برخورداری از سلامتی ۸۴
کیفیت مراقبت‌ها ۸۵
بهداشت زندانیان، مسئولیتی که برعهدهٔ تمامی مأموران زندان است ۸۶
وظایف پزشک: اولویت‌دادن به بیمار ۸۶
سوگندنامهٔ آتن ۸۸
خدمات پزشکی ضروری است ۸۹
کارمندان بهداشتی ۹۰
تجهیزات ۹۱
پزشک، مداواکنندهٔ زندانیان ۹۱
معاینه‌هایِ پزشکی سریع و متناسب ۹۱
لزوم اطلاع کارمندان پزشکی از حوادث ۹۳
دسترسی آزاد به مراقبت‌های پزشکی ۹۳
پزشک زندان باید وظایف و تعهدات اخلاقی خود به زندانیان را توضیح دهد ۹۴
پزشک، مشاور مدیر زندان ۹۴
محدوده‌های رازداری پزشکی ۹۵
پزشک و تنبیه‌ها ۹۶
آزمایش پزشکی و تحقیقات کلینیکی ۹۷
بیماری‌های مسری و ایدز ۹۸
خودکشی ۹۹
اعتصاب غذا ۱۰۰

www.ParsBook.org

بیماران علاج‌ناپذیر و مشرف به موت ۱۰۱
پزشک، مسئول سلامتی و بهداشت در درون زندان ۱۰۲
وظیفه پزشک زندان: بازرسی و گزارش وضعیت بهداشت و سلامتی در زندان ۱۰۲
بهداشت غذایی ۱۰۳
کنترل بیرونی ۱۰۴
جایگاه پرسنل پرستاری ۱۰۴
کنترل پرستاران ۱۰۵
وضعیت حقوقی پرسنل پرستاری ۱۰۵
صلاحیت حرفه‌ای پرستاران ۱۰۶
نقش دستیاران پزشک ۱۰۶
مسائل وجدانی پزشک زندان ۱۰۷
حقوق زندانیان در زمینه شکایات پیرامون مراقبت‌ها ۱۰۸
شیوه‌های تجدیدنظرخواهی از سوی کارمندان امور پزشکی ۱۰۸
مراقبت‌های پزشکی ویژه ۱۰۹
مراقبت از زنان زندانی (و نوزادان آنها) ۱۰۹
معالجه معتادان ۱۱۱
مراقبت از بیماران روانی و نامتعادل ۱۱۱
محکومان به مرگ ۱۱۳
شرکت پزشک در اجرای حکم اعدام ۱۱۴
فصل پنجم ۱۱۶
تماس‌های زندانیان با محیط خارج ۱۱۶
مقدمه ۱۱۶
حقوق حفاظت‌شده ۱۱۶
اجتماعی‌کردن، هدف نهایی ۱۱۷
زندان‌های باز و نیمه‌باز ۱۱۷
تماس با خانواده و دوستان ۱۱۸
روابط خانوادگی، عامل اصلی اجتماعی‌شدن ۱۱۸
تماس با دوستان ۱۱۹
اطلاعات دربارهٔ انتقال زندانی ۱۱۹
حبس در نزدیکی محل سکونت ۱۲۰
نامه‌ها و مکالمات تلفنی ۱۲۱
ملاقات‌ها ۱۲۲

www.ParsBook.org

ملاقات خصوصی ۱۲۳
مرخصی‌ها ۱۲۳
روابط زندانیان خارجی با محیط خارج ۱۲۴
تماس‌های شغلی، قضایی و اداری ۱۲۴
تماس با وکیل ۱۲۴
روابط با نمایندگان مذهبی ۱۲۵
روابط با مقامات دولتی (ملّی) و انجمن‌ها ۱۲۵
روابط با نمایندگان هیئت دیپلماتیک و کنسولی ۱۲۶
دیگر حقوق حفاظت‌شده ۱۲۷
تماس با رسانه‌ها ۱۲۷
دارایی‌های زندانیان ۱۲۸
حق رأی زندانیان ۱۳۰
گواهی فوت یا بیماری وخیم ۱۳۰
فصل ششم ۱۳۲
رفتار با زندانیان ۱۳۲
مقدمه ۱۳۲
از رفتار تا مددرسانی به زندانیان ۱۳۳
امنیت پویا ۱۳۳
رفتار باید بر شخص متکی باشد نه بر حفظ نظم در زندان ۱۳۴
عادی‌بودن زندگی در زندان ۱۳۶
واحدهایی در مقیاس بشری ۱۳۸
حق زندانیان در داشتن چشم‌اندازی برای جامعه‌پذیری مجدد ۱۳۹
تمایزیابی و فردی‌سازی ۱۴۰
زندانی، فردی مسئول ۱۴۰
برنامه‌های درمانی ۱۴۱
آزادی باورها و آیین‌های مذهبی ۱۴۱
مذهب یک حق است نه یک وظیفه ۱۴۲
مددرسانی مذهبی و رفتار با زندانیان ۱۴۳
ارزیابی نیازها، طرح‌مندکردن مجازات ۱۴۳
آموزش زندانبانان برای ارزیابی استعدادهای زندانیان ۱۴۳
طرح‌مندکردن رفتار، روند مداومی که از لحظه حبس آغاز می‌شود ۱۴۴
نظام منعطف طبقه‌بندی ۱۴۴

www.ParsBook.org

انتقال زندانیان ۱۴۶
تمایز و امنیت افراد ۱۴۷
جنسیت ۱۴۸
وضعیت حقوقی ۱۴۹
سن ۱۵۰
حفاظت از زندانیان در مقابل دیگر زندانیان ۱۵۱
تشکیل گروه‌های تبهکار ۱۵۲
جداسازی زندانیان آسیب‌پذیر، شیوه‌ای نامناسب ۱۵۲
نوزادان در زندان ۱۵۲
آموزش حرفه‌ای برای زندانبانان ۱۵۳
فعالیت‌ها در زندان: مشارکتی، سازنده، و غیراستثماری ۱۵۳
کار در زندان ۱۵۴
روز کاری عادی ۱۵۵
کار: شیوه‌ای برای آموزش ۱۵۵
شرایط کار ۱۵۶
کار تحت نظارت دولت یا تحت مدیریت مقاطعه‌کار خصوصی ۱۵۷
ایمنی کار ۱۵۷
کمبود کار، دستمزد و جبران خسارت ۱۵۸
کار متهمان ۱۶۰
آموزش و تفریح ۱۶۰
آموزش در زندان: به شکل همیاری یا نهادمند، اما داوطلبانه ۱۶۱
نیازهای ویژه ۱۶۲
کتابخانه: مدیریت و ارزش‌های آموزشی ۱۶۲
تفریح و ورزش ۱۶۳
روابط اجتماعی و آماده‌سازی برای خروج از زندان ۱۶۵
کمیتهٔ آموزش و امداد آزادشدگان (CPAL) و اجتماعی‌سازی زندانیان ۱۶۶
فصل هفتم ۱۶۸
کارمندان زندان ۱۶۸
مقدمه ۱۶۸
فضایی آرام و امیدوارکننده ۱۶۸
ویژگی‌های فردی و نیاز به آموزش ۱۶۹
سازماندهی ۱۷۰

www.ParsBook.org

سازماندهی در سطح داخلی: کنترل و مدیریت ۱۷۰
شرایط کار حرفه‌ای ۱۷۱
استخدام و آموزش اولیه ۱۷۱
موضوعات آموزش ۱۷۳
قابلیت‌های حرفه‌ای ۱۷۴
افکار و رفتار کارمندان در قبال زندان و زندانیان ۱۷۵
سازماندهی خدمات و جایگاه شغلی ۱۷۶
شرایط کار ۱۷۶
حقوق و دستمزدها ۱۷۶
عدم پنهان‌کاری ۱۷۷
تحول شغلی ۱۷۷
مسائل جنسی ۱۷۸
کارمندان متخصص ۱۷۹
استقلال شغلی متخصصین ۱۸۰
اعمال زور، اوضاع بحرانی ۱۸۱
جلوگیری از خشونت و کاربرد زور ۱۸۲
سلاح، پاسخی نامتناسب ۱۸۲
وظیفهٔ مدیر ۱۸۳
مدیر باید مشوق باشد ۱۸۴
مدیر در خدمت منافع زندانیان و جمع ۱۸۴
فصل هشتم ۱۸۶
بازرسی ۱۸۶
مقدمه ۱۸۶
دامنهٔ تحقیقات در بازرسی‌ها ۱۸۷
بازرسی‌های منظم و متناوب توسط افراد صلاحیت‌دار ۱۸۷
بازرسی‌های فوری ۱۸۸
بازرسی‌ها، بررسی و شیوه‌ها ۱۸۸
گزارش‌های بازرسی ۱۸۹
گزارش‌های تخصصی ۱۸۹
بی‌طرفی و استقلال ۱۸۹
دخالت و نقش سازمان‌های غیردولتی، افراد و گروه‌های غیررسمی ۱۹۱
توجه ویژه به افراد آسیب‌پذیر ۱۹۱

www.ParsBook.org

بازرسی‌های بین‌المللی ۱۹۱
جلوگیری از شرایط زیانبار برای زندانیان ۱۹۲
پیشرفت‌های حاصله ۱۹۳
انتشار گزارش‌های بازرسی ۱۹۴
فصل نهم ۱۹۵
رویهٔ قضایی در زمینهٔ مقررات سازمان ملل ۱۹۵
مقدمه ۱۹۵
برد و دامنهٔ اجرای RMT ها ۱۹۶
جایگاه RMT ها ۱۹۷
تفسیر RMT ها ۱۹۸
وضعیت خاص اطفال ۲۰۰
ضمیمه‌ها ۲۰۲
مجموعه مقررات حداقل برای رفتار با زندانیان (RMT ها) ۲۰۲
ملاحظات مقدماتی ۲۰۲
قسمت اول ۲۰۳
مقررات عمومی ۲۰۳
اصول بنیادین ۲۰۳
دفتر ثبت ۲۰۳
جداسازی گروه‌ها ۲۰۴
مکان‌های حبس ۲۰۴
بهداشت فردی ۲۰۵
لباس و وسایل خواب ۲۰۵
تغذیه ۲۰۶
تمرین بدنی ۲۰۶
خدمات پزشکی ۲۰۷
انضباط و تنبیه ۲۰۸
آلات محدودکننده ۲۰۹
اطلاعات و حق شکایت زندانیان ۲۱۰
تماس با محیط خارج ۲۱۰
کتابخانه ۲۱۱
مذهب ۲۱۱
نگهداری اموال متعلق به زندانیان ۲۱۱

www.ParsBook.org

ابلاغ مرگ، بیماری، انتقال و غیره ۲۱۲
حمل‌ونقل زندانیان ۲۱۲
پرسنل زندان ۲۱۳
بازرسی ۲۱۴
قسمت دوم ۲۱۵
مقررات قابل اجرا برای گروه‌های خاص ۲۱۵
الف ــ محکومان به زندان ۲۱۵
اصول محوری ۲۱۵
رفتار با زندانیان ۲۱۷
طبقه‌بندی و فردی‌سازی ۲۱۸
امتیازات ۲۱۸
کار در زندان ۲۱۸
آموزش و تفریحات ۲۲۰
روابط اجتماعی، کمک‌ها پس از آزادی ۲۲۰
ب ــ زندانیان مجنون و مبتلایان به اختلال روانی ۲۲۱
ج ــ افرادی که در انتظار تشکیل دادگاه، در بازداشت به سر می‌برند ۲۲۱
د ــ محکومان به دلیل بدهی و محکومان به حبس مدنی ۲۲۳
ه ــ افرادی که بدون اتهام، بازداشت یا حبس شده‌اند ۲۲۳
سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی ۲۲۴
زیرنویسها ۲۲۵

www.ParsBook.org

مقدمه

خاستگاه‌های طرح

۱. سازمان ملل متحد به شیوهٔ رفتار با انسان‌ها، ازجمله رفتار با افرادی که در حبس به‌سر می‌برند، توجه نشان می‌دهد. به همین دلیل، سازمان مذکور چندین ابزار حقوقی بین‌المللی دراختیار گرفته است که هدف آنها حفاظت و تضمین حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی در درون زندان‌ها می‌باشد. باید اذعان کرد که این اصول در بسیاری از کشورها (اگر نگوییم در اغلب آنها) به‌طور تمام و کمال اجرا نمی‌شوند.

۲. سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی (Penal Reform International) یک سازمان غیردولتی (NGO) است که از جمله اهداف آن تلاش برای «ارتقای اصلاحات در نظام جزایی و زندان‌ها با توجه به تنوع بسترهای فرهنگی» می‌باشد. این سازمان به‌ویژه درصدد «به‌کاربستن و توسعه اصول بین‌المللی حقوق بشر در زمینهٔ مجازات‌های کیفری، شرایط حبس و استانداردهای محیط زندان» است.

www.ParsBook.org

اهداف

۳. سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، طرحی را با عنوان «رویهٔ عملی در زندان» آغاز کرده است که اهداف سه‌گانه‌ای دارد:
ـ بهتر شناساندن مقررات مهم بین‌المللی در زمینهٔ زندان‌ها به‌منظور ایجاد تسهیل در اجرای این مقررات؛
ـ تقویت روابط بین‌المللی میان افراد ذینفع؛
ـ توسعه تبادل نظر به منظور شناساندن تجربیات کشورها در امر زندان‌ها.

٤. اولین اقدام در این زمینه، انتشار کتاب حاضر با عنوان رویه عملی در زندان، کاربرد مقررات بین‌المللی در امور زندان‌ها بوده است.

۵. این کتاب به وضوح، مقررات تدوین‌شده توسط سازمان ملل متحد در رابطه با شرایط زندگی در زندان و نحوهٔ رفتار با زندانیان را برمی‌شمارد و تلاش دارد تا آثار عینی اجرای این قواعد بر سیاست‌های مربوط به حبس و مدیریت روزمره زندان‌ها را توضیح دهد. این کتاب برای تمامی کسانی که در زندان کار می‌کنند و نیز برای مسئولان رسیدگی به امور زندانیان می‌تواند، سودمند باشد.

شیوهٔ تهیهٔ کتاب

۶. محتوی و شکل کتاب حاضر طی کنفرانسی بین‌المللی که در نوامبر سال ۱۹۹۳ در کشور هلند برگزار شد، تعیین گردید، در کنفرانس مذکور بیست کارشناس از نقاط مختلف جهان شرکت داشتند. در مرحلهٔ دوم، هشت تن از کارشناسان، یک گروه تحریریه تشکیل دادند و نگارش متن‌های مقدماتی بر اساس موضوعات مطروحه در کنفرانس ۱۹۹۳ را به‌عهده گرفتند.
در مرحلهٔ سوم، یک کنفرانس بین‌المللی در نوامبر سال ۱۹۹٤ بار دیگر در کشور هلند برگزار شد که طی آن، متن‌های مقدماتی مورد بحث قرار گرفت و پیشنهادهای بسیاری از سوی شرکت‌کنندگان به آن افزوده شد. سپس، گروه تحریریه شروع به نگارش متن نهایی کتاب حاضر نمود.

۷. نسخهٔ انگلیسی این کتاب در میان شرکت‌کنندگان در دو کنفرانس یادشده و تمامی اشخاص علاقه‌مند به این امور، نمایندگان نهادهای دولتی و غیردولتی حاضر در نهمین کنگرهٔ سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جنایت و نحوهٔ رفتار با بزهکاران (قاهره، آوریل و مه ۱۹۹۵) توزیع شد.

www.ParsBook.org

۸. هدف اساسی این طرح، بهبود همکاری بین‌المللی (در این زمینه) است. «سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی» این هدف را در پرتو مباحثات طرح‌شده در جریان کنفرانس سال ۱۹۹٤ و مجمع عمومی این سازمان که درپی آن برگزار شد، دنبال خواهد کرد.

قدردانی

۹. ما از کارشناسانی که در کنفرانس‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹٤ شرکت نمودند قدردانی می‌کنیم. نظرات کتبی و شفاهی آنان، این امکان را فراهم آورد تا کتاب حاضر به یک سندِ قابل استفاده در سطح بین‌المللی تبدیل شود، استفاده‌ای عملی و متناسب.
همچنین از کسانی که متن اصلی انگلیسی را به زبان‌های فرانسه، روسی و اسپانیولی ترجمه کرده‌اند قدردانی می‌کنیم. به‌ویژه از ژرار کابان، کریستیان کارلیه و سوفی لوسیه به‌خاطر نگارش نسخه فرانسوی کتاب تشکر می‌کنیم.
بیشترین قدرشناسی ما بی‌شک متوجه گروه کوچکی از نگارندگان داوطلب می‌باشد: آقای نورمان بیشاپ، مدیر سابق بخش تحقیقات در ادارهٔ امور زندان‌ها و کارآموزیِ بزهکاران در سوئد و کارشناس علمی در شورای اروپا؛ کیز بوئیج، مدیر زندان‌ها در منطقه آلکمار در هلند؛ دکتر سیلویا کازال، جرم‌شناس مستقل در لندن؛ دکتر یوهانس فیست، استاد جرم‌شناسی و حقوق جزایی در دانشگاه برم (Breme) ؛ آقای چیدی آنسلم اودینکالو، مشاور مؤسسهInterights در لندن؛ آقای هانس تولکنس، استاد جرم‌شناسی در دانشگاه گرونینگ و مشاور امور جرم‌شناسی در وزارت دادگستری هلند که در زمان نگارش کتاب مدیر «سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی» بود؛ خانم جوانا ولشر، که مدیر طرح زندان‌ها در سازمان دیدبان حقوق بشر Human Rights Watchدر نیویورک بود؛ آقای دیرک وان‌زیل اسمیت، استاد و رئیس دانشکده حقوق دانشگاه کاپ (Cap) . ما تشکرهای ویژهٔ خود را از انک وان در مئیج به‌خاطر تلاش بی‌وقفه او در ادارهٔ دبیرخانه ابراز می‌داریم و سرانجام از فاهری کاپلان به دلیل کمک‌های گرانبهایش سپاسگزار هستیم.

تشکر از حامیان مالی

۱۰. بدین‌وسیله قدردانی خود را از وزارتخانه‌های دادگستری و امور خارجهٔ هلند به خاطر کمک‌ها، توجه و حمایت سخاوتمندانهٔ مالی آنان ابراز می‌داریم. بدون کمک‌های آنان، طرح ما هرگز به نتیجه نمی‌رسید. سازمان خیریه کلیسای انجیلی آلمان در اشتوتگارت؛ سازمان ادارهٔ زندان‌ها در نیو ووسولد، ووت، تورنبورگ و هیرهوگووارد در کشور هلند و سازمان کاتولیک برای توسعه و همکاری (CEBEMO) در

www.ParsBook.org

شهر اوگستگیست در هلند نیز ما را در این راه یاری کرده‌اند که امتنان ویژهٔ خود را از این سازمان‌ها ابراز می داریم. به لطف کمک‌های بی‌دریغ آنها، کارشناسان ذیصلاح از کشورهای مختلف جهان، توانستند در این طرح شرکت کنند.

همچنین از کمیسیون جوامع اروپایی و وزارت دادگستری هلند به‌خاطر نسخهٔ فرانسوی کتاب تشکر می‌کنیم.

و سرانجام از وزارت امور خارجه کشور انگلستان (F.C.O) به خاطر کمک به ترجمه کتاب به زبان فارسی کمال تشکر را ابراز می‌داریم.

سخنی با خوانندگان

۱۱. کلامی چند در انتهای مقدمه. تلاش‌های مشترک حدود صد کارشناس دولتی و غیردولتی از حدود پنجاه کشور جهان، به این کتاب جنبه‌ای کاملاً بین‌المللی بخشیده است. نوشتهٔ حاضر می‌تواند برای مدیران زندان‌ها، مأمورین زندان‌ها، مسئولین آموزشی و سازمان‌ها و اشخاصی که در سراسر جهان در جهت بهبود نظام زندان‌ها کار می‌کنند سودمند باشد. ما استفاده‌کنندگان از متن حاضر را تشویق به انتشار آن می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم که در صورت لزوم، امکان ترجمهٔ این کتاب به زبان‌های محلی را فراهم آورند.

www.ParsBook.org

مبانی کتاب

حقوق بشر در زندان

۱. حقوق جهانی بشر هیچ حد و مرزی به‌نام زندان نمی‌شناسد. این حقوق شامل حال تمامی افراد بازداشت‌شده و زندانی نیز می‌باشد.

این حقوق عبارتند از:

ـ حق زندگی و برخورداری از احترام به حیثیت فردی؛

ـ حق محفوظ ماندن از اِعمال شکنجه و سوءِرفتار

ـ حق برخورداری از بهداشت؛

ـ حق احترام به شأن انسانی؛

ـ حق برخورداری از اجرای عادلانهٔ قانون؛

ـ حق برکناربودن از هر نوع تبعیض؛

ـ حق برحذر بودن از بردگی؛

ـ حق آزادی اندیشه؛

ـ حق آزادی وجدان؛

ـ حق آزادی مذهب؛

www.ParsBook.org

ـ حق احترام به زندگی خانوادگی؛
ـ حق شکوفایی فردی.

حقوق جهانی

۲. حقوق بنیادین انسانی توسط قوانین و مقررات بین‌المللی تضمین شده‌اند. بسیاری از کشورها در سراسر جهان، پیمان‌ها، کنوانسیون‌ها، توافقات و مقررات بین‌المللی مربوط به این حقوق را امضأ کرده‌اند و مورد تصویب قرار داده‌اند. مهم‌ترین متن‌ها در این زمینه عبارتند از: بیانیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه و مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز. برخی کشورها این حقوق را در کنوانسیون‌ها و یا توافقات فرا ملی مجدداً مورد تأکید قرار داده‌اند

حقوق خاص

۳. تمامی انسان‌ها، بدون توجه به شرایط زندگی آنها، از حقوقی بنیادین برخوردارند و هیچ توجیه قانونی نمی‌تواند آنها را از این حقوق محروم کند. افراد بازداشت‌شده یا زندانی، بدین دلیل حق آزادی خود را از دست داده‌اند که متهم به عدم رعایت قانون شده‌اند. اگر آنها به‌طور غیرقانونی زندانی شوند، تمامی حقوق آنها، ازجمله حق آزادی، باید حفظ شود.

٤. با این حال، برخی حقوق ممکن است در اثر زندانی‌شدن فرد محدود گردد، مثلاً حق برخورداری از برخی آزادی‌های فردی، حق زندگی خصوصی، آزادی جابه‌جایی، آزادی بیان، آزادی گردهمایی و آزادی رأی. اما مهم‌ترین مسئله، دانستن این مطلب است که آیا سلب آزادی فرد می‌تواند به طرز اجتناب‌ناپذیری به سلب دیگر حقوق اساسی او بیانجامد یا نه؟ و به تا چه میزان؟

۵. کنترل اجتماعی جرم می‌تواند کاربرد تنبیه را توجیه کند. اما زندانی‌کردن باید به‌عنوان آخرین راه‌حل قانونی مورد استفاده قرار گیرد، زیرا حبس افراد الزاماً مسئلهٔ حقوق بشر را پیش می‌کشد، مسئله‌ای که محور اصلی کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

www.ParsBook.org

سلب آزادی و زندگی عادی

۶. بسیاری از محبوسان، برای تحمل مجازات در زندان به‌سر می‌برند. این عبارت، مفهومی مبهم دارد: فرد به زندان نمی‌رود تا در آنجا تحت تنبیهات دیگری قرار گیرد، بلکه فقدان آزادی به خودی خود همان مجازات است. لذا، شرایط حبس نباید تنبیه دیگری را بر مجازات زندان بیافزاید و از سوی دیگر آثار زیانبار ناشی از زندانی‌شدن باید تا حد ممکن کاهش یابد و حتی از میان برداشته شود. ایجاد شرایط یک «زندگی عادی» در زندان ناممکن است، اما تمامی تمهیدات برای نزدیک‌شدن به چنین شرایطی باید به‌کار بسته شود.

۷. علاوه بر محکومان، تعدادی از افراد دیگر نیز بنا بر انگیزه‌های مختلف در زندان به‌سر می‌برند، ازجمله افرادی که در انتظار صدور رأی قطعی دادگاه هستند، آوارگانی که درخواست پناهندگی سیاسی کرده‌اند، مهاجرینی که هنوز وضعیت قطعی آنان مشخص نشده و یا تصمیم به اخراج آنها گرفته شده است و دیگران. حبس برای آنان تنبیه محسوب نمی‌شود، بلکه یک تدبیر پیشگیرانه و یا امنیتی است. شرایط حبس این افراد باید تا حد ممکن به زندگی عادی نزدیک باشد.

۸. محبوسانی که در انتظار روشن‌شدن سرنوشت خویش هستند باید از حق دستیابی گسترده به منابع خبری خارج زندان (رسانه‌ها، وکلا،...) برخوردار باشند تا بتوانند از حق دفاع خود به‌طور کامل استفاده نمایند.

اصل گشایش زندان به روی خارج

۹. سلب آزادی همیشه خطر تجاوز به حقوق بشر را در بر دارد. هر انسانی از این حق اساسی برخوردار است که نباید از آزادی محروم شود، مگر آن‌که قوانین کیفری چنین مجازاتی را ایجاب کنند و یا آن‌که مقررات آیین دادرسی کیفری به‌طور کامل رعایت گردد. درعمل، سلب آزادی ممکن است خارج از چهارچوب قانون صورت گیرد، و در اثر نادیده‌گرفتن آیین دادرسی و تمهیدات قانونی عادی، عده‌ای به زندان افکنده شوند. برای حفظ حقوق افراد حبس‌شده لازم است که درهای زندان‌ها و دیگر مکان‌های حبس به روی بازرسان مستقل باز باشد و زندانی‌ها نیز به‌نوبهٔ خود نباید از امکان برقراری ارتباط با جهان خارج محروم شوند.

www.ParsBook.org

وظیفه کمک‌رسانی

۱۰. حکومتی که یک فرد را از آزادی محروم می‌کند، در قبال او دو نوع وظیفهٔ کمک‌رسانی به‌عهـده دارد: زنده نگهداشتن او و تضمین مایحتاج او.

۱۱. در حقوق بین‌الملل، حقوق افراد زندانی بر یک رشته کنوانسیون‌ها و توافقـات متکـی اسـت کـه ارزش آنها با ارزش پیمان‌ها مساوی است. کشورهایی که آنها را امضأ و تصویب می‌کنند خود را ملزم بـه اجـرای توصیه‌های ذکرشده در آنها می‌سازند.

۱۲. نحوهٔ به کاربستن این پیمان‌ها در «مجموعه مقررات حداقل سازمان ملل برای رفتار با حبس‌شدگان» (RMT) تعریف و مشخص شده است.۱ این «مقرراتِ حداقل»، قدیمی‌ترین سند بین‌المللی در زمینهٔ رفتار با «افرادی که در بازداشت و یا در زندان به‌سر می‌برند» محسوب می‌شود. این مقررات بـه‌دلیـل کیفیـت قضایی و اخلاقی آنها، به‌طرز گسترده‌ای به‌رسمیت شناخته شده‌اند و تأثیر مهمی بر توسـعهٔ سیاسـت‌هـای کیفری و رویه‌های عملی در زندان‌ها داشته‌اند. این مقررات جزییات عملی (مثلاً در زمینهٔ کمک رسانی بـه زندانیان) مفصلی را دربردارند که معمولاً در بیانیه‌ها، کنوانسیون‌ها و توافقات بین‌المللی دیده نمی‌شـود. RMT ها توسط نهادهای مختلف، به‌ویژه دادگاه‌های ملی و بین‌المللی، مورد استفاده قـرار گرفتـه‌انـد تـا مشخص شود که زندانیان حق برخورداری از کدام نوع کمک‌هـا را دارا هسـتند.RMT هـا مقـررات پایـه هستند، آنها هنجارها و استانداردهایی را مقرر می‌کنند که اجرای عملی آنها باید اجباری باشد.

زندان‌ها و دیگر مکان‌های حبس

۱۳. بسیاری از افراد در مکان‌هایی به‌جز زنـدان محبـوس شـده‌انـد: بازداشـتگاه‌هـا و سـلول‌هـای پلـیس، تیمارستان‌ها، مراکز نگهداری خارجیان اخراجی و حتی مکان‌های حبس غیررسمی و خصوص که از چارچوب اختیارات سازمان زندان‌ها خارج هستند. حقوق افراد زندانی باید در تمامی این مکان‌های حـبس رعایـت و اجرا شود.

www.ParsBook.org

گروه‌های خاص زندانیان

۱٤. مطالب کتاب حاضر، زندانیان جنگی را دربرنمی‌گیرد، هرچند که تعدادی از مقررات و اصول یادشده در این کتاب باید در مورد آنان نیز به اجرا درآید. در اینجا به ویژگی برخی گروه‌های زندانیان اشاره می‌کنیم و از این موضوع درمی‌گذریم: خردسالان، زنان، خارجی‌ها، بیماران ذهنی و معتادان. در تمامی این موارد لازم است که شرایط حبس متناسب باشد و تمهیدات خاصی برای رفتار با زندانیان درنظر گرفته شود. ما متأسفانه فقط به ذکر آنها اکتفا کردیم و نمی‌توانیم وارد جزئیات شویم.

کلمات «زندان» و «زندانی»

۱۵. طی صفحات آینده، کلمات «زندان» و «زندانی» در مفهوم کلی آنها مورد استفاده قرار خواهد گرفت: واژه «زندانی» بر هر فردی دلالت دارد که از آزادی محروم شده باشد و فرقی نمی‌کند که محل حبس او کجا و دلیل زندانی‌شدن او چه باشد.

آرمان و محدودیت‌های کتاب حاضر

۱. این کتاب مدعی ارائهٔ فهرستی موجز از مقررات و یا توصیه‌های قابل اجرا در زندان نیست و قصد ندارد دست‌اندرکاران را به تجدیدنظر در مقررات موجود تشویق کند.

۲. آرمان کتاب آن است که توضیح دهد چگونه مقررات مربوط به رفتار با زندانیان می‌تواند به‌طور عینی و تعمیم‌یافته در محیط زندان‌ها به‌کار بسته شود، مقرراتی که در سراسر جهان پذیرفته شده‌اند.

۳. این کتاب محصول بحث‌های علنی و عمیق میان کارشناسان (دولتی و غیردولتی) است که از پنجاه کشور جهان گرد هم آمده بودند.

٤. مخاطب نوشته حاضر فقط نظریه‌پردازها نیستند. نگارندگان مجموعه قوانین کیفری و شیوه‌های دادرسی کیفری، مسئولین زندان‌ها و کلاً تمامی کارمندان، اعضای انجمن‌ها و مأمورین خصوصی که به‌نحوی در ارتباط با زندانیان فعالیت می‌کنند، مخاطب این کتاب محسوب می‌شوند.

www.ParsBook.org

۵. این کتاب نه موجز است، نه کامل. اما امیدواریم که در تمامی جهـان مـورد اسـتفاده قـرار گیـرد. چـون نویسندگان کتاب خواسته‌اند نوشته‌ای جهانشمول ارائه دهند، لذا در نگارش کتاب، اسناد قانونی یک کشـور خاص یا یک محل خاص مَتمَع نظر نبوده‌اند. مگر به عنوانِ شاهد مثال.
۶. امیدواریم خوانندگان با ارائهٔ نظرات دقیق‌تر امکان انطباق این کتاب با وضعیت گروه‌های خاص زندانیان و حتی با کشورها و زندان‌های ویژه را فراهم آورند.

۷. رفتار با زندانیان از هشت زاویهٔ مختلـف مطـرح شـده اسـت، ایـن هشـت زاویـه بـا همـاهنگی تمـامی کارشناسانی که در نگارش کتاب همکاری داشتند تعیین و مشخص گردیده‌اند.

۸. مبنای این کتاب، نظرات و تجربیاتی است که کارشناسان طی سالیان، در پی ایجـاد امکـان بـرای اجـرای RMT ها، جمع‌آوری کرده‌اند.

۹. این کتاب، راه‌حل‌های کوتاهی را ارائه نمی‌کند. زندگی در زندان نمی‌توانـد حالـت کلیشـه‌ای پیـدا کنـد. موقعیت و رفتار انسان‌ها پیچیده است، لذا اعمال و تصمیم‌ها باید به‌دقت مورد ارزیابی قـرار گیـرد. پیـرو این اندیشه، کتاب حاضر در تلاش است تا نوعی «پایگاه اطلاعاتی» برای بهبود مداوم سیاست‌های عملـی در زندان در اختیار بگذارد.

www.ParsBook.org

فصل اول

اصول بنیادین

مقدمه

۱. برخی از مقررات حداقل سازمان ملل برای رفتار با زندانیان (RMT ها) مطلقاً الزامی هستند. این مقررات درواقع اصولی بنیادین می‌باشند که در هر زمان و هر مکان باید به اجرا درآیند. این اصول بنیادین از دیگر متون سازمان ملل متحد در زمینهٔ حق دفاع و حقوق بشر نشأت گرفته‌اند.۲

۲. چند نمونه از این اصول بنیادین در ذیل بیان می‌شود:

ــ زندان‌ها باید محیطهای سازمان‌دهی‌شده‌ای به منظور تضمین حیات، بهداشت و حیثیت افراد زندانی باشند.

ــ زندانی‌ها در طول محکومیت خود نباید مورد تبعیض قرار بگیرند.

ــ وقتی که یک دادگاه فرد بزهکاری را به تحمل زندان محکوم می‌کند، درواقع حداکثر مجازات را برای او تعیین کرده است و لذا شرایط حبس نباید شامل تنبیهات اضافی باشد.

ــ فعالیت‌های سازماندهی‌شده در داخل زندان باید به گونه‌ای باشد که زندانیان را آماده ورود به جامعه،

www.ParsBook.org

پس از پایان محکومیت، کند.
درنتیجه، مقررات و نظام‌های حاکم بر زندان‌ها نباید آزادی زندانیان، تماس آنان با محیط خارج و امکان شکوفایی فردی آنان را بیش از حدّ مقرر، محدود نماید. برعکس، مقررات و نظام‌های حاکم بر زندان‌ها باید طوری باشد که امکان جذب مجدد فرد زندانی در جامعه، پس از آزادی وی، را فراهم آورد.
این اصول بنیادین در پاراگراف‌های بعدی به تفصیل شرح داده خواهد شد.

روح اصول بنیادین

۳. فلسفهٔ اصول بنیادین در بخش ملاحظات مقدماتی (قواعد ۱، ۲، ۳ و ٤) معرفی شده است.۳ همچنین قواعد ۲۷ و ۵۶ کمتر به مقررات عمومی و بیشتر به اصول بنیادینی مربوط می‌شود که مدیریت هر زندان باید بر اساس آنها اَعمال گردد. تمامی RMT ها باید ضمن توجه به این اصول بنیادین مورد مطالعه قرار گیرند.

٤. ملاحظات مقدماتی (۱، ۲، ۳ و ٤) را می‌توان بدین‌شکل خلاصه کرد: RMT ها قصد ندارند جزییات یک نظام الگو برای نهادهای کیفری را توضیح دهند، بلکه هدف آن است که اصول اساسی و دستورالعمل‌هایی که باید بر شیوهٔ رفتار با زندانیان و مدیریت زندان‌ها حاکم باشد، به‌طور صادقانه و طبق یک توافق عمومی به‌اجرا درآیند. شرایط حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی از یک کشور به کشور دیگر به‌طور محسوسی متفاوت است، لذا این مقررات در همه‌جا و در آنِ واحد قابل اجرا نیستند. با این حال باید تلاش مداومی صورت گیرد تا از یک‌سو روند اجرای مقررات حداقل تسریع گردد و گسترش یابد و از سوی دیگر، راه اجرای سیاست‌های تجربیِ الهام‌گرفته از این مقررات هموار گردد.

۵. هیچ‌یک از نظام‌های حبس نمی‌تواند انتظارات RMT ها را به‌طور کامل برآورده کند و حتی برخی از سیاست‌های کیفری فاصله بسیاری از این مقررات دارند. لذا تلاش زیادی لازم است تا خودِ این RMT ها به محک تجربه سپرده شوند، توسعه یابند و کامل‌تر گردند. قاعده ۵۶ را باید به‌خاطر داشت: «هدف اصول راهنما که در پی می‌آید، بیان روح حاکم بر نحوهٔ ادارهٔ نظام‌های حبس است و نیز مشخص کردن اهدافی است که این نظام‌ها باید، طبق موارد ذکر شده در ملاحظات مقدماتی (بند ۱) متن حاضر، درصدد دستیابی به آن باشند.»

۶. قاعده ۲۷ تصریح می‌کند که نظم و انضباط باید با قاطعیت تمام حفظ شود، اما برای حفظ امنیت و زندگی جمعی منظم، نباید محدودیت‌ها بیش از حد لزوم باشد. این قاعده در حکم یک اصل مسلم است که رعایت آن برای تمامی ادارات زندان‌ها الزامی می‌باشد: اجرای هر مقررات دیگر، به این اصل بستگی دارد. امنیت زندان‌ها، مهم‌ترین اولویت به‌شمار می‌رود: زندان‌ها باید برای زندانیان، مأموران زندان و

www.ParsBook.org

برای کل جامعه، محیطی امن باشند. مادهٔ ۳ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر سازمان ملل مقـرر کـرده اسـت کـه: «هر انسانی از حق زندگی، آزادی و امنیت فردی برخوردار است.» بنابراین، مهم‌ترین وظیفـهٔ تمـام ادارات زندان‌ها، تضمین امنیت برای زندانیان، که مجبور به اقامت در آنجا هستند، و نیز برای پرسنل زندان، کـه مجبور به کار در آنجا هستند، می‌باشد. زندانیان و مأمورین باید از هـر نـوع خشـونت اجتنـاب کننـد و از تهدید زندگی و سلامتی دیگران بپرهیزند. جامعه حق دارد این توقع را داشته باشد که تک‌تـک اعضـای آن از فعالیت‌های تهاجمی زندانیان درامان باشند. مفهوم ماده ۳ بیانیهٔ جهانی و تفسـیری کـه از آن درRMT ها شده است، لزوم تأمین امنیت زندان‌ها و درعین حال اعمال حداقل محدودیت‌ها است.

۷. مقررات عمومی برای تمامی گروه‌های زندانیان قابـل اجـرا هسـتند و اغلـبِ مقرراتـی کـه در دفـاع از محکومان تدوین شده‌اند، شامل گروه‌های خاص زندانیان (که درRMT ها ذکر شده) نیز می‌شوند. ایـن تدبیر، اهمیت قابل توجهی دارد، زیرا تعداد افرادی که بنا بر دلایل پیشگیرانه و یا دیگـر دلایـل در سراسـر جهان در زندان به‌سر می‌برند، بسیار زیاد است. شرایط بازداشت این افراد در مقایسـه بـا شـرایط حـبس محکومان، خیلی بدتر است و این امر با توجه به اصل برائت و توصیه‌هـای بنـد مقـدماتی ٤، بـه‌هـیچ‌وجـه پذیرفتنی نیست.

موازین و دامنهٔ RMT ها

۸. مقررات از اصول بنیادین نشأت می‌گیرند، اصولی که به محتوی و روح حاکم بر آنهـا اشـاره نمـودیم. از همین اصول می‌توان به اهداف و محدوده‌هایRMT ها پی برد. هدف ایـن مقـرراتِ حـداقل، ایجـاد یـک نظام کیفری مطلوب نیست. یک چنین جاه‌طلبی‌ای، نه واقع‌گرایانه است و نـه مشـروع. بـرای دسـتیابی بـه چنین هدف بلندپروازانه، از یک‌سو لازم است کارشناسان، شناخت و صـلاحیت بیشـتری داشـته باشـند و از سوی دیگر، مسئلهٔ مکان (متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی هریک از کشورها) و مسئلهٔ زمان (حفظ تکامل دایمی) کنار نهاده شود و یا به‌طور کامل حل گردد. وانگهی، این بلندپروازی بـا آرمـان تغییـر مثبت دائمی کاملاً متضاد است.

۹. هدف اصلیRMT ها به‌وضوح در بند مقدماتی ۱ مشخص شده اسـت: ایـن مقـررات در جهـت تبیـین «عناصر اساسی مناسب‌ترین نظام‌های معاصر» تنظیم شده‌اند و قصـد دارنـد «اصـول و قواعـد یـک نظـام مطلوب حبس و بهترین شیوهٔ برخورد با زندانیان» را به نمایش بگذارند. اشاره به «عناصر اساسی» حاکی از این مسئله است کهRMT ها فقط به حداقل ضرورت‌های پایه‌ای توجه می‌کنند، یعنی شـرایط ضـروری در یک نظام حبس برای آنکه زندانیان از حداقل شئونات انسانی برخوردار شـوند. «عناصـر اساسـی» بـه‌طـور غیرمستقیم به آن نوع حقوق بشر اشاره دارند که در اسناد مختلف بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته‌اند و

www.ParsBook.org

ما در فصل نهم به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

ممنوعیت هر نوع تبعیض

۱۰. قاعده ۶

۱) مقرراتی که در پی می‌آید باید به‌طور بی‌طرف به اجرا درآید. هیچ نوع تبعیضی در نحوهٔ برخورد با زندانیان نباید وجود داشته باشد، تبعیضی که می‌تواند ناشی از پیشداوری‌ها دربارهٔ نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، افکار سیاسی و یا هرنوع طرز تفکر دیگر، خاستگاه ملی، اجتماعی، مالی، محل تولد و هر شرایط دیگر باشد.

۲) برعکس، این‌امرحائز اهمیت‌است که‌به باورهای مذهبی و اصول اخلاقی زندانیان احترام گذاشته شود.
الزامات قاعده ۶ــ(۱) به‌هیچ‌وجه قابل تغییر نیستند و جایگزینی ندارند. RMT ها باید به‌طور «بی‌طرفانه» اجرا شوند، یعنی با رعایت عدالت و قانون. تبعیض زمانی روی می‌دهد که به برخی زندانیان یا گروه‌های زندانی بنابردلایل ذکرشده درقاعده ۶، لطمه وارد آید و یا از آنان سلب امتیاز شود.
درنتیجه هر نوع رفتار با زندانیان که برمبنای موضع‌گیری، فرقه‌گرایی، تعصب و یا پیشداوری صورت می‌گیرد ممنوع است. قاعده ۶ــ(۱) برای جلوگیری از هر نوع تبعیض، از جملات بند ۲ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد استفاده کرده است. ممنوعیت مشابهی نیز در دومین اصل از «اصول اساسی رفتار با زندانیان» ذکر شده است. این اصول در شصت و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۹۰، به تصویب این مجمع رسیده است. بند ۷ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹٤۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، تأکید دارد:

«همهٔ شهروندان در مقابل قانون مساوی هستند و حق دارند بی‌آنکه تمایزی بین آنها باشد، به‌طور مساوی از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند. همه حق دارند در برابر هر نوع تبعیض که تجاوزی بر بیانیهٔ حاضر محسوب می‌شود و نیز هر نوع تحریک به چنین تبعیضی از حمایت قانونی برخوردار شوند.»

۱۱. قاعده ۶ــ(۱) هرنوع تبعیض برپایهٔ «شرایط دیگر» را ممنوع می‌سازد. این نوع «شرایط دیگر» متأسفانه به‌طور گسترده‌ای در داخل زندان‌ها وجود دارد: زندانیانی که حامل ویروس ایدز شناخته شده‌اند نباید مجبور به تحمل هیچ تبعیضی باشند. به‌ندرت پیش می‌آید که با این افراد رفتار مناسبی صورت گیرد. ترس و بی‌اطلاعی از نحوهٔ انتقال بیماری توسط زندانیان آلوده اغلب باعث می‌شود که آنان مورد تبعیض قرار بگیرند و به‌ویژه از جمع دیگران طرد و حتی دچار انزوای فیزیکی شوند که این امر در بسیاری از موارد نه توجیه پزشکی دارد و نه توجیه رفتاری. در حالت‌های وخیم‌تر می‌توان تدابیر ویژه‌ای اتخاذ کرد، اما به‌جز این موارد استثنایی، منزوی‌کردن زندانیانِ حامل ویروس، تبعیضی تمام‌عیار محسوب می‌شود.٤

www.ParsBook.org

احترام به تفاوت‌ها، تبعیض نیست

۱۲. ممنوعیت تبعیض به‌هیچ‌وجه به معنی عدم به‌رسمیت شناختن تفاوت‌ها در زمینه‌های اعتقادات فلسفی، اخلاقی و مذهبی نیست. جا دارد که در این‌جا میان تبعیض و تفاوت، تفکیک قایل شویم. «تبعیض» درنهایت به ایراد زیان و یا سلب امتیاز به بهانه‌های غیرعادلانه و زیانبار منجر می‌شود. درحالی‌که «تفاوت» به معنی تنوع رفتار با زندانیان است که ناشی از باورها، نیازهای خاص، شرایط و یا جایگاه حقوقیِ متفاوت آنان می‌باشد (مثلاً خارجی و یا زن‌بودن و یا پیروی از یک اقلیت قومی یا مذهبی). به‌رسمیت شناختن تفاوت میان افراد، برخلاف تبعیض، نباید به تحمیل زیان و یا سلب امتیاز به بهانه‌های غیرعادلانه و زیانبار منجر شود.

۱۳. با این وجود زندانیانی که به اکثریت تعلق دارند ممکن است تفاوت رفتار با زندانیان اقلیت را نوعی تبعیض علیه خود ارزیابی کنند، به‌ویژه زمانی که اکثریت به «پست‌بودن» آن اقلیت اعتقاد داشته باشد. کارمندان زندان باید از این مشکلات آگاه باشند تا بتوانند توضیحات معقولی در رابطه با این رفتارهای متفاوت ارائه دهند، مخصوصاً زمانی‌که از زندانیان اکثریت شکایاتی در این زمینه دریافت می‌کنند.

۱٤. مجازات زندان ناگزیر به اعمال برخی محدودیت‌ها دربارهٔ زندانیان منجر می‌شود. یک زندانی پس از پایان دوران محکومیت خود فقط زمانی اجازهٔ خروج از زندان را دریافت می‌کند که مقامات قضایی از عدم تکرار جرم از سوی او اطمینان حاصل کنند. عدم اجازهٔ خروج، در این حالت پذیرفتنی نیست مگر آنکه مجازات زندان به‌طور قانونی اعلام و به‌طور صحیح اجرا شده باشد. یعنی امکان ارتکاب جرم از سوی زندانی ناشی از شرایط حبس نبوده باشد. تفاوت رفتار با زندانیان نباید حاصل پیشداوری، موضع‌گیری، تعصب و یا فرقه‌گرایی باشد. رفتارهای متفاوت فقط زمانی مشروع هستند که نتیجهٔ عادلانه و معقول محکومیت باشد و دانش و تجربهٔ مدیریت زندان چنین کاری را تأیید و توجیه کند. این رفتارها باید در جهت بهبود شرایط فردی و اجتماعی زندانی‌ها و برپایهٔ بالاترین درجهٔ مدارا و درک صورت گیرد. میزان بی‌طرفی و تناسب محدودیت‌های زندان باید مورد آزمایش قرار گیرد و این امر زمانی قابل تحقق است که زندانیان امکان طرح شکایت در یک مرجع بی‌طرف را داشته باشند. زمانی‌که الگوهای انحرافی رفتار، الهام‌بخش اعمال انحرافی باشد، تبعیض جنبه‌ای عینی و طبیعی به‌خود می‌گیرد.۵

آزادی باورها و ممنوعیت محدودیت‌های مذهبی

www.ParsBook.org

آزادی باور مذهبی یکی از حقوق بنیادی انسان محسوب می‌شود. آزادی مذهب در بند ۱۸ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر و بند ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است.
هر محدودیتی در انتخاب مذهب، ممنوع است. قاعده ۶ــ(۱) RMT ها، لزوم احترام به باورهای مذهبی و اصول اخلاقی زندانیان را به رسمیت شناخته است.۶

۱۶. در قبال گروه‌هایی که باورهای مذهبی یا اصول اخلاقی آنان منجر به اعمال بی‌رحمی و خشونت و یا تهدید علیه دیگر گروه‌ها می‌شود، چه رفتاری باید درپیش گرفته شود؟ آیا می‌توان هر نوع رفتاری را با این بهانه که بر اصول مذهبی و اخلاقی متکی است تحمل نمود؟ قاعده ۶ـــ(۲) درواقع هیچ نوع اعمال محدودیت را نمی‌پذیرد. با این حال اگر باورهای مذهبی و یا اصول اخلاقی توجیهی بر هر نوع رفتار بود، زندگی در زندان و حتی زندگی در جامعه عملاً غیرممکن می‌شد. پیش‌فرض احترام به باورهای مذهبی و اصول اخلاقی آن است که این باورها و اصول، وجود دیگر باورها و اصول را نفی و بی‌رحمی و خشونت و تهدید را تبلیغ نکنند. مناسب است که در این‌جا به بند ۱ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر اشاره شود:
«تمامی انسان‌ها آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ شأن و حقوق مساوی هستند. آنان باید در رفتار با یکدیگر روحیهٔ برادرانه داشته باشند.»
باورهای مذهبی و اصول اخلاقی‌ای که این حقوق را انکار می‌کنند، ترویج‌دهندهٔ تبعیض هستند و به همین دلیل مشمول ممنوعیتِ اعلام‌شده در بند ۷ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر می‌شوند.
رسیدگی به دفتر ثبت هویت زندانیان برای جلوگیری از بازداشت‌های خودسرانه

۱۷. رعایت قاعده ۷ (RMT ها) که به ثبت هویت زندانیان مربوط می‌شود، اجباری است و با توجه به محتوای آن، هیچ استثنایی در آن وجود ندارد:
قاعده ۷ ــ (۱)
در تمامی مکان‌هایی که افراد زندانی هستند، باید یک دفتر ثبت، به‌طور صحافی و کلاسه‌بندی‌شده، وجود داشته باشد و دربارهٔ هر زندانی موارد زیر در آن درج گردد:
الف) هویت زندان؛
ب) دلایل زندانی‌شدن وی و مرجع ذیصلاحی که این تصمیم را گرفته؛
ج) روز و ساعت پذیرش وی در زندان و تاریخ خروج او.
(۲) هیچ‌کس، بدون حکم معتبر، نباید به‌عنوان زندانی در یک زندان پذیرفته شود و جزییات حکم باید پیشاپیش در دفتر ثبت درج شده باشد.

۱۸. قاعده ۷ را با استفاده از تمهیدات مواد ۹ و ۱۰ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر باید تفسیر کرد، طبق این دو ماده هر نوع بازداشت خودسرانه ممنوع است. مواد ۹ و ۱۰ اعلام می‌کنند که:
مادهٔ ۹

www.ParsBook.org

هیچ‌کس نباید به‌طور خودسرانه بازداشت، زندانی و یا تبعید شود.
مادهٔ ۱۰
هرکسی از این حق برخوردار است که شکایت علیه او به‌طور عادلانه و علنی توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف مورد رسیدگی قرار گیرد، و دادگاه نیز یا طبق حقوق و وظایف فرد و یا براساس اتهاماتی که بر او وارد شده، تصمیم نهایی را اتخاذ خواهد کرد.
میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۱ــ۹ خود پیش‌بینی می‌کند: «هر فرد از حق آزادی و امنیت برخوردار است. هیچ‌کس نباید به‌طور خودسرانه بازداشت و زندانی شود. هیچ‌کس نباید از آزادی محروم شود، مگر براساس دلایل و مطابق آیین دادرسیِ پیش‌بینی‌شده در قانون.»
برای آنکه این شرایط به‌طور کامل رعایت شود، کارمندان زندان باید اطمینان حاصل کنند که ثبت هویت زندانیان به هنگام ورود به زندان، بر اساس حکم معتبر محکومیت زندان صورت گرفته است. مسئولیت اجرای این بخش از قاعده ۷ هم به‌عهدهٔ ادارهٔ مرکزی زندان‌ها در کشور است و هم برعهدهٔ کارمندان هریک از زندان‌ها.

۱۹. قاعده ۷ در واقع از متن دیگری نیز برگرفته شده که آن اصل ۱۲ از مجموعهٔ اصول حفاظت از تمامی افرادی است که به شکلی در بازداشت یا در زندان به‌سر می‌برند. این اصل به‌ویژه دربارهٔ افرادی که در بازداشتگاه‌های پلیس حبس شده‌اند و نیز افرادی که به‌خاطر پیشگیری از جرم بازداشت شده‌اند، قابل اجراست.
۱. موارد زیر باید به دقت ثبت شوند:
الف) دلایل بازداشت؛
ب) ساعت بازداشت، ساعت انتقال فرد به محل حبس و تاریخ اولین حضور وی در برابر مرجع قضایی یا دیگر مراجع؛
ج) هویت مسئولین اجرای قوانین مربوطه؛
د) ذکر مشخصات دقیق محل بازداشت.
۲. این اطلاعات باید به بازداشت شده و در صورت لزوم به مشاور وی، به شکلی که در قانون تعیین شده، ابلاغ گردد.

ثبت جزییات این اطلاعات و نیز اطلاعاتی که در قاعده ۷ مقرر شده، حفاظت مهمی برای جلوگیری از مسئله «ناپدیدشدن» افراد محسوب می‌شود، گاهی اوقات زندانیان در درون نظام حبس ناپدید می‌شوند و هیچکس از محل نگهداری آنها اطلاعی پیدا نمی‌کند.

۲۰. قاعده ۷ در بخش اول خود همچنین مقرر می‌کند که هویت هر زندانی، دلیل یا دلایل زندانی‌شدن او، تاریخ و ساعت بازداشت و سرانجام ماهیت مرجعی که حکم زندان را صادر کرده باید ثبت شود. در طول

www.ParsBook.org

مدت حبس احتمال دارد اتفاقات کاملاً متفاوتی پیش آید که در اختیار داشتن دقیق این اطلاعات را ضروری می‌سازد؛ اتفاقاتی از قبیل: بی‌انضباطی، فرار، حادثه، بیماری، فوت، آتش‌سوزی، شورش و غیره، این اتفاقات نیاز به تحقیق و بررسی‌های قانونی دارد. توصیه‌های ریزبینانهٔ قاعده ۷ (دفتر صحافی و کلاسه‌بندی‌شده) شاید کهنه به‌نظر آید چرا که بسیاری از ادارات زندان‌ها از سیستم‌های انفورماتیک استفاده می‌کنند. شیوه‌های ثبت می‌تواند با آنچه در این قاعده ذکر شده متفاوت باشد، به شرطی که قابل اعتماد و حتی تضمین‌شده باشد و در مواقع ضروری به‌راحتی و به‌سرعت بتوان به اطلاعات آن دست یافت. به هنگام آتش‌سوزی‌ها و شورش‌ها، ممکن است این اطلاعات خیلی سریع از میان بروند، درحالی‌که وجود آنها برای کنترل اوضاع کاملاً مهم است. لذا ادارات زندان‌ها باید با دقت تمام بر حفظ این اسناد همت گمارند، به‌ویژه وقتی که تعداد زندانیان زیاد است.

راه‌اندازی برنامه‌های جامعه‌پذیریِ مجدد زندانیان

۲۱. قاعده ٤ حکم می‌کند که مقررات قابل اجرا برای محکومان درواقع برای تمامی گروه‌های خاص زندانی نیز باید به اجرا درآید، به‌شرطی که با مقررات مربوط به برخی گروه‌های زندانیان متضاد نباشد. با توجه به این شرط، مقرراتی که در پی می‌آید، برای متهمان (که جرم‌شان ثابت نشده ولی در بازداشت هستند)، بیماران روانی یا افراد نامتعادل، زندانیان بدهکار و افرادی که بدون اتهام قانونی زندانی شده‌اند قابل اجراست.

۲۲. قاعده ۵۷

حبس و دیگر تدابیری که به هدف جدا کردن فرد بزهکار از جهان خارج به اجرا درمی‌آیند، به این دلیل که او را از طریق سلب آزادی، از داشتن اختیار بر خویشتن محروم می‌کنند، فی نفسه رنج‌آور هستند. جز در مواردی که عمل جداسازی توجیه‌پذیر است و یا به حفظ انضباط مربوط می‌شود، نظام حبس نباید آلام مربوط به چنین وضعیتی را تشدید کند.

این قاعده تعریفی روشن از مجازات زندان ارائه می‌دهد و خاطرنشان می‌کند که این مجازات ماهیتی تنبیه‌گونه دارد و این تنبیه نباید به جز در اثر جداسازی توجیه‌شدهٔ زندانیان و یا حفظ نظم در زندان، تشدید شود. قاعده ۵۷ را می‌توان به این شکل خلاصه کرد: بزهکاران فقط مجازات زندان را باید تحمل کنند و نه مجازات «در» زندان را.

۲۳. زندانی‌شدن ناگزیر یک رشته محرومیت‌هایی را درپی دارد. زندانیان مجبورند با کسانی زندگی کنند که خودشان انتخاب نکرده‌اند. آنان باید از مقررات جاری در زندان پیروی نمایند. آنان از داشتن روابط عادی با جنس مخالف محروم هستند، که این امر هم از نظر ابراز احساسات و هم از نظر تأکید بر هویت

www.ParsBook.org

فردی نوعی سرخوردگی به‌بار می‌آورد. زندانیان از دسترسی عادی به دارایی‌ها و خدمات محروم هستند. درجهٔ مسئولیت آنان در هدایت زندگی روزمره‌شان بسیار محدود است. میزان این محرومیت‌ها از یک نظام حبس به نظام دیگر و حتی از یک زندان به زندان دیگر، از نظر ابعاد و گستردگی، متفاوت است، اما هرچه که هست، مجازات زندان به خودی خود بسیار سخت و طاقت‌فرساست.

۲٤. محرومیت‌ها و رنج‌های حاصل از زندگی در زندان در بسیاری از تحقیقات و مطالعات جرم‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که محرومیت‌های مذکور موجب تشدید عادات جنایتکارانه و تشکیل گروه‌های جانی می‌شود و فرد را به سمت نفی ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد. هرچند حق خلاقیت شخصی به دلیل زندانی‌شدن به‌شدت لطمه می‌بیند، اما ادارهٔ زندان وظیفه دارد حداکثر فرصت‌ها را به منظور احیای این حق و تقویت مسئولیت فردی برای زندانیان فراهم آورد. بنابر ملاحظات قضایی و عملی، مهم است که رنج‌های زندانیان فقط همان رنج‌هایی باشد که به‌خاطر شرایط خاص زندان اجتناب‌ناپذیر هستند. این رنج‌های اجتناب‌ناپذیر باید به‌طور مداوم تحت کنترل و بررسی باشند و ادارهٔ زندان باید در جهت کاهش آنها تلاش نماید.

امنیت، مهم‌ترین ضرورت برای زندانیان و کارمندان زندان

۲۵. قاعده ۵۷ به محدودیت‌هایی اشاره دارد که در اثر حفظ نظم در زندان بر خلاقیت و آزادی شخصی تحمیل می‌شود. نیازی به تکرار نیست که: در تمامی نظام‌های حبس، حفظ نظم در درون جامعه زندانیان اهمیتی اساسی دارد و امنیت در زندان‌ها باید هم برای زندانیان و هم برای پرسنل زندان تضمین شده باشد. تحمل مجازات نباید به این معنی باشد که زندانیان و زندانبان‌ها از حق محافظت‌شدن در برابر تهدید به خشونت، قتل، اخاذی، تعرضات جنسی و دیگر تعرضات صرف‌نظر کنند و یا بهداشت جسمی و ذهنی و حیثیت فردی آنان با خطر روبرو گردد. زندانیان و زندانبان‌ها در یک چیز منافع مشترکی دارند و آن حفظ نظم در درون زندان است.

۲۶. نظم در داخل یک مکان جمعی زمانی تضمین می‌شود که (این نظم) بر اساس مقرراتی بنا شده باشد که تمامی اعضای آن جمع به‌طور داوطلبانه از آن مقررات پیروی نمایند. در این کتاب به فعالیت‌های مثبتی اشاره خواهیم کرد که برای نیل به این هدف سودمند هستند. محدودکردن آزادی عمل برخی زندانیان برای جلوگیری از فعالیت‌های تخریبی آنان گاهی اوقات ضروری است. این محدودیت‌ها باید به‌طور مداوم بازنگری شوند و تلاش‌هایی در جهت بازگرداندن این‌گونه زندانیان به زندگی عادی در زندان صورت گیرد.

www.ParsBook.org

رفتار در زندان و تدارک خروج

۲۷. قاعده ۵۸
هدف و توجیه مجازات و تدابیر سلب‌کنندهٔ آزادی، نهایتاً حفاظت از جامعه در برابر جرم و جنایت است. چنین هدفی تحقق نمی‌یابد، مگر آنکه دوران سلب آزادی، طبق هر تدبیر ممکن، طوری مورد استفاده قرار گیرد که فرد بزهکار به هنگام آزادشدن، نه‌تنها علاقمند بلکه قادر به رعایت قانون و تأمین مایحتاج زندگی خود باشد.
قاعده ۵۹
به این منظور، نظام حبس باید از تمامی ابزارهای درمانی، آموزشی، اخلاقی و معنوی و دیگر ابزارها و نیز از تمامی شیوه‌های کمک‌رسانی مناسبی که در اختیار دارد استفاده نماید و این ابزارها باید مطابق با نیازهای فردی زندانیان به‌کار بسته شود.

این مقررات خاطرنشان می‌کنند که هدف اساسی سلب آزادی، چیزی نیست جز حفاظت جامعه. اما این امر بدان معنی نیست که زندان وسیله‌ای برای رهایی جامعه از دست بزهکاران، با هدف ریشه‌کنی بزهکاری، می‌باشد. بسیاری از تحقیقات به ثابت شدنِ این موضوع گرایش دارند که توسل به مجازات زندان تأثیر اندکی بر کاهش نرخ بزهکاری، بدون توجه به نوع جامعه، دارد. این مقررات می‌خواهند این مفهوم را برسانند که مجازات زندان تنبیهی است که فقط باید زمانی مورد استفاده قرار گیرد که امنیت جامعه به‌شدت تهدید شده باشد. حتی در این صورت، مقامات و کارمندان زندان موظف هستند در جهت امنیت آیندهٔ جامعه تلاش کنند، چرا که لحظهٔ آزادی زندانی فراخواهد رسید و او به جایگاه قبلی خود در جامعه بازخواهد گشت. این هدف به شرطی قابل دسترس است که آثار زیان‌بار دورهٔ محکومیت تا حد ممکن کاهش یابد و زندانی متقاعد شود که نفع او در این است که از تمامی فرصت‌ها برای ادامه یک زندگی مسئولانه و قابل پذیرش در اجتماع (پس از آزادی) استفاده کند.

۲۸. قاعده ۵۸ خاطرنشان می‌سازد که تقریباً تمامی زندانیان پس از گذراندن محکومیت کمابیش طولانی خود، سرانجام به جامعه بازمی‌گردند. در بسیاری از موارد، بازگشت به جامعه قبل از پایان محکومیت و به‌خاطر کاهش مجازات و یا آزادی مشروط امکان‌پذیر می‌شود. جامعه هیچ نفعی نمی‌برد اگر زندانیان با آلودگی بیشتر به شیوهٔ زندگی بزهکارانه به جامعه بازگردند. تعداد بی‌شماری از تحقیقات جرم‌شناسی که در سراسر جهان انجام گرفته‌اند نشان می‌دهند که این پدیده (آلودگی بیشتر به شیوهٔ زندگی بزهکارانه) یکی از آثار بسیار رایجِ محکومیت زندان است. بسیاری از دولت‌ها تلاش دارند تا از آثار زیانبار فردی و اجتماعی زندان بکاهند. این اولین گام در روند جامعه‌پذیری مجدد زندانیان است و لازمهٔ آن، توسعهٔ بسیاری از طرح‌های عملی می‌باشد، طرح‌هایی که همه حولِ محور بازگشت زندانی به جامعه تدوین

www.ParsBook.org

شده‌اند. قاعده ۵۸ همچنین مقرر می‌کند که عادات اجتماعی‌شدن باید مورد تشویق قرار گیرد و امکان دستیابی زندانی به اطلاعات و هر نوع ابزاری که زندگی درستکارانه پس از آزادی را تسهیل می‌کنند، فراهم آید.

۲۹. قاعده ۵۹ اذعان دارد که برنامه‌های جامعه‌پذیری زندانیان فرآیند پیچیده‌ای دارند. لازم است طیف گسترده‌ای از این برنامه‌ها در دستور کار قرار گیرد و برای این کار به تنوع مشکلاتی که زندانیان با آنها روبرو هستند توجه شود.۷ این برنامه‌ها باید فرصت‌های بیشتری برای زندانیان ایجاد کنند، فرصت‌هایی که طبق آنها زندانیان بتوانند مسیر زندگی خود را به‌طور مسئولانه، هم در زندان و هم پس از آزادی، انتخاب نمایند. با این حال، زندانیانی وجود دارند که به‌صراحت اعلام می‌کنند که پس از آزادی قصد ندارند زندگی شرافتمندانه‌ای درپیش بگیرند. پرسنل زندان وظیفه و مسئولیت دارند که با این‌گونه اظهارات به‌طور مداوم مقابله کنند، چرا که این‌گونه سخنان می‌تواند به هدف جلب تأیید دیگران بیان شود. برخی زندانیان می‌توانند رفتار خود را تغییر دهند، اما احتمال دارد هستهٔ کوچکی از زندانیان هیچ تمایلی به زندگی مطابق قانون نداشته باشند و توجه اندکی به برنامه‌های آماده‌سازی زندانیان برای رهایی نشان دهند و یا هیچ توجهی نشان ندهند. به این افراد باید اجازه داد که حداقل در این برنامه تا هراندازه که مایلند شرکت کنند. استفادهٔ مثبت از زمانی که در زندان سپری می‌شود نباید به‌هیچ‌وجه مورد غفلت واقع شود.

۳۰. شیوه‌های مختلف کمک‌رسانی به زندانیان نباید فقط به دورهٔ کوتاه‌مدتِ بازگشت زندانی به جامعه توجه کند. شهروندان از حمایت‌های گوناگونی برخوردارند که حق خود می‌دانند و هیچ دلیل معتبری وجود ندارد که براساس آن زندانیان از چنین حقوقی محروم شوند. مثلاً معالجهٔ پزشکی می‌تواند به جامعه‌پذیری مجدد فرد زندانی در آینده کمک کند، هرچند این امر نباید تنها هدف اقدام پزشکی مذکور باشد.

زندگی جمعی در زندان. اصل عادی‌بودن

۳۱. قاعده ۶۰ (۱)

ادارهٔ زندان باید در پی کاستن از تفاوت‌هایی باشد که میان زندگی در زندان و زندگی آزادانه وجود دارد، خصوصاً تفاوت‌هایی که مفهوم مسئولیت‌پذیری زندانی و احترام به حیثیت فردی او را محدود می‌کند.

(۲)

پیش از پایان اجرای مجازات یا تنبیه، بهتر است که تدابیر ضروری برای بازگرداندن تدریجی زندانی به زندگی اجتماعی، اتخاذ شود. این هدف، برحسب مورد، از طریق ایجاد نظام مهیاسازی برای آزادی قابل حصول است، نظامی که می‌تواند در همان زندان محل حبس یا زندان مناسب دیگری سازماندهی شود و

www.ParsBook.org

یا به شکل آزادی مشروط و تحت کنترل باشد، این کنترل نباید به پلیس سپرده شود و باید شامل مددهای اجتماعی مؤثر باشد.

در پاراگراف ۲ از همین فصل تصریح کردیم که آزادی‌های زندانیان، تماس آنان با خارج و امکان شکوفایی فردی آنان نباید بیش از حد لزوم محدود شود و مقررات و الزامات زندان نباید مانعی در راه آمادگی زندانیان برای زندگی عادی پس از آزادی باشد. این مفاهیم معمولاً در قالب یک اصل بیان می‌شوند که به آن «اصل عادی‌بودن»۸ می‌گویند. از اصل عادی‌بودن نمی‌توان نتیجه گرفت که شرایط زندگی در زندان باید دقیقاً مانند شرایط زندگی در خارج زندان ــ مثلاً راحت در جامعه‌ای ثروتمند و دشوار در جامعه‌ای فقیر ــ باشد. برعکس قاعده ۶۰ــ(۱) تأکید دارد که تفاوت میان شرایط زندگی در زندان و شرایط زندگی در بطن جامعه باعث می‌شود که مفهوم مسئولیت‌پذیری برای فرد زندانی از میان برود یا او از احترامی که همانند بقیهٔ انسان‌ها باید برخوردار باشد محروم شود.

۳۲. قاعده ۶۰ــ(۱) خاطرنشان می‌کند که نظام‌های حبس به‌طور سنتی توجه خود را بر قاعده‌مندبودن زندگی زندانیان متمرکز می‌کنند، درنتیجه فرصت ابتکار عمل و اعمال مسئولیت فردی برای زندانیان محدودتر می‌شود. اگر بخواهیم به اهداف مجازات زندان که در قاعده ۵۸ ذکر شده (بازگرداندن زندانی به جامعه، درحالی‌که از توانایی حل‌شدن در اجتماع، پس از آزادی، برخوردار باشد) برسیم، لازم است تفاوت‌ها میان زندگی «در داخل زندان» و زندگی «در خارج زندان» تا حد ممکن کاهش یابد. قاعده ۶۰ــ(۲) به لزوم بازگشت تدریجی اشاره دارد، بازگشتی که باید طی مراحل متعدد و مطابق شیوه‌های کاملاً ملایم صورت گیرد. همین قاعده ۶۰ــ(۲) از لزوم اجرای طرحی برای زمینه‌سازی خروج از زندان، در داخل همان زندان یا مکان مناسب‌تر، سخن می‌گوید. فردی که محکومیت خود را در زندانی با ضریب امنیتی بالا سپری می‌کند، به‌عنوان مثال می‌تواند به دلیل اجرای طرح زمینه‌سازی، به زندانی سهل‌گیرتر و یا مکانی که به محل سکونت او نزدیک‌تر است انتقال یابد.

۳۳. قاعده ۶۰ــ(۲) تصریح دارد که زندانی می‌تواند از آزادی تحت کنترل قضایی برخوردار شود. تدابیری مانند آزادی مشروط، کاهش مجازات، مرخصی و عفو فقط در صورتی می‌توانند بخشی از «بازگشت تدریجی به جامعه» باشند که در چارچوب یک برنامهٔ زمینه‌سازی برای آزادی انجام گرفته ۱باشند. در غیر این‌صورت این تدابیر درواقع موجب بازگشت دفعی و ناگهانی به زندگی اجتماعی می‌شوند و در این حالت فرد زندانی با مشکلات عملی و لاینحلی روبرو می‌شود. زندانیانی که محکومیت طولانی‌مدتی را سپری کرده‌اند معمولاً در مواجهه با ساده‌ترین شرایط، احساس ناتوانی می‌کنند، مثلاً به هنگام مسافرت با اتوبوس یا قطار، نگرانی از وضعیت خود در قبال امنیت اجتماعی، جست‌وجوی کار و مسکن. قاعده ۶۰ــ(۲) به نیاز ضروری زندانی برای زمینه‌سازی قبل از خروج اشاره می‌کند، این زمینه‌سازی باید شامل دسترسی زندانی به اطلاعاتِ مهم اجتماعی و کسب توانایی‌ها و رفتارهای مورد

www.ParsBook.org

لزوم برای زندگی در جامعه باشد. قاعده ۶۰ــ(۲) تصریح دارد که همه این توانائی‌ها در داخل زندان قابل آموختن نیستند، اما برای تمرین زندگی در جامعه لازم هستند، این تمرین فقط در قالب خروج از زندان عملی می‌باشد.

۳٤. قاعده ۶ــ(۲) دربارهٔ شیوهٔ گزینش زندانیانی که می‌توانند از انواع اجازهٔ خروج برخوردار شوند سخنی به میان نمی‌آورد. این انتخاب دشوار است زیرا باید با توجه به درجهٔ خطری که زندانیان برای جامعه دارند انجام گیرد، مثلاً زندانیانی که به‌خاطر جنایات و یا بزه‌های وخیم محکوم شده‌اند و یا نشانه‌هایی از ناهنجاری ذهنی در آنان دیده می‌شود. بسیاری از زندانیان سرانجام به جامعه بازمی‌گردند و مسئلهٔ اساسی، دانستن این موضوع است که آیا آنان به‌طور مناسب آمادهٔ ورود به جامعه هستند و آیا به‌طرز مؤثری در جامعه کنترل خواهند شد؟ زندانی باید بتواند به‌سهولت از تدابیری که جامعه‌پذیری مجدد او را تضمین می‌کنند استفاده نماید، اما تدابیر احتیاط‌آمیز، هم در قبال زندانی و هم در قبال جامعه و حتی در قبال ادارهٔ زندان‌ها نباید فراموش گردد. در موارد دشوار، بهتر است که اجازهٔ خروج از زندان و یا آزادی مشروط از سوی یک مرجع مستقل صادر شود. این شیوه با تمهیداتی که در اصل ٤ از مجموعهٔ اصول حفاظت از افرادی که به هر دلیل در بازداشت یا زندان به‌سر می‌برند، سازگار است. اصل ٤ از مجموعه اصول حمایت از همه افرادی که به نحوی از انحأ در بازداشت و یا زندان به سر می‌برند که در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۸۸ به تصویب رسیده، چنین مقرر می‌دارد:
" هر نوع بازداشت یا زندانی‌کردن و هر اقدامی که حقوق فردی شخص بازداشت یا زندانی‌شده را مختل کند باید به دستور یکی از مراجع قضایی و تحت کنترل مؤثر، صورت گرفته باشد.``

اصل ۱۱ــ(۳) از همین سند مقرر می‌دارد: یک مرجع قضایی و یا یک مرجع صالح دیگر باید عهده‌دار کنترل روند بازداشت باشد.

۳۵. قاعده ۶۰ــ(۲) پلیس را از اعمال چنین کنترلی برحذر می‌دارد. و برعکس، خواهان آن است که زندانیِ آزادشده از مددهای مؤثر اجتماعی، بدون توجه به شیوه‌های کنترل وی، برخوردار گردد. این الزام به‌طور طبیعی از هدفی که سازگارکردن زندانی با جامعه است نشأت می‌گیرد، یعنی همان هدفی که در اجازهٔ خروج نهفته است.

۳۶. تاکنون هیچ نیازی به سخن‌گفتن از اصول عمومی نبوده است. مقررات دیگر، که در ادامه کتاب آنها را ذکر و تفسیر خواهیم کرد، به توصیف ابزاری عینی می‌پردازند که می‌تواند و باید در جهت سازگاری تدریجی زندانی آزادی شده با زندگی اجتماعی به‌کار بسته شود.

www.ParsBook.org

اصول محوری ناظر بر متهمان

۳۷. معمولاً شرایط بازداشت بدتر از شرایط محکومان است. هرچند که بنا بر «اصل برائت» آنـان بایـد در شرایط بهتری نگهداری شوند.

قاعده ۸٤ــ(۱)

هر فردی که به دلیل عدول از قانون کیفری بازداشت یا زندانی شده و در بازداشتگاه پلیس یا در زنـدان به‌سر می‌برد اما هنوز محاکمه نشده است، در تمهیدات ذیل از او به‌عنوان «متهم» نام برده می‌شود.

(۲)

متهم از اصل برائت بهره‌مند است و بر همین اساس باید با او رفتار شود.

(۳)

نگهداری متهمان از نظام ویژه‌ای پیروی می‌کند که در مقررات بعدی به نکـات اساسـی آن اشـاره خواهـد شد، در این میان نباید به تمهیدات قـانونی مربـوط بـه حفاظـت از آزادی فـردی خدشـه‌ای وارد شـود و شیوه‌های قانونی در قبال این متهمین باید مشخص گردد.

ممنوعیت شکنجه و مجازات یا رفتارهای خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز

۳۸. مجموعهٔ عظیمی از شواهد که توسط سازمان‌هـای دولتـی و غیردولتـی گـردآوری شـده‌انـد، نشـان می‌دهند که در سراسر جهان، شرایط بازداشت و حبس افرادی که در انتظـار محاکمـه بـه‌سـر مـی‌برنـد طوری است که انتقادهای به‌عمل‌آمده از این شرایط را صحیح جلوه می‌دهد. این انتقادها بسیار گسترده و متنوع حکایت می‌کنند. اسنادی ضمیمهٔ این انتقادها می‌شود که از شکنجه و اعمال شدیدترین محرومیت‌ها علیه افرادی که هنوز به‌خاطر ارتکاب جرم گناهکار شناخته نشده‌انـد. ممنوعیـت شـکنجه جنبـه‌ای مطلـق و اکید دارد. ماده ۵ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر این ممنوعیت را به‌صراحت اعلام کرده است:

هیچکس نباید تحت شکنجه و یا مجازات و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد.

این گفته طی جملات مشابهی در ماده ۷ میثاق بین‌المللی سازمان ملل متحد دربارهٔ حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ و نیز در بیانیهٔ سازمان ملل متحد پیرامون حفاظت از تمامی افراد در برابر شکنجه و دیگـر تنبیهات و رفتارهای غیرانسانی، خشن و تحقیرآمیز، مصوب ۱۹۷۵ مورد تأییـد قـرار گرفتـه اسـت. بنـد ۲ بیانیهٔ سازمان ملل، شکنجه را نوعی «تجاوز به حیثیت انسانی» تعریف کرده است. کنوانسیون سازمان ملـل متحد علیه شکنجه و دیگر تنبیهات و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز نیز شکنجه را ممنـوع کـرده است. این کنوانسیون به‌عنوان مکمل بیانیه سازمان ملل، در سال ۱۹۸٤، توسط مجمع عمومی سازمان ملل،

www.ParsBook.org

تصویب و در سال ۱۹۸۷، جنبهٔ اجرایی پیدا کرده است.۹

۳۹. در رابطه با رژیم‌های حبس باید گفت که مهم‌ترین رفتار غیرقانونی، نگهداشتن زندانی در انزوای مطلق در تمامی روز یا بخشی از روز است. افراد ممکن است به‌طور مداوم و برای مدت‌های طولانی و حتی در برخی موارد طی سال‌ها، در سلول‌های بسیار کوچک ــ به‌ویژه در سلول‌های دستگاه پلیسی ــ نگهداری شوند. زندانیان حق انجام فعالیت‌های بسیار محدودی دارند و گاهی اوقات در طول تمامی روز و شب در سلول به حال خود رها می‌شوند. ماهیت محدودکنندهٔ بسیاری از رژیم‌های حبس می‌تواند تأثیرات وخیمی بر بهداشت و سلامتی افراد داشته باشد، به‌ویژه آنکه زندانیان در وضعیت تنش روحی و اضطراب به‌سر می‌برند. خودکشی و خودزنی وخیم‌ترین عواقب این نوع حبس‌ها به‌شمار می‌روند. پرسنل پلیس و زندان‌ها باید دوره‌های آموزشی لازم را برای شناسایی افراد ضعیف، بگذرانند و تمهیداتی در رابطه با آنان اتخاذ نمایند. مدیریت زندان مسئول اجرای سیاست پیشگیری از این خطرات و ارائهٔ اطلاعات لازم به مأموران است.

افراد زندانی در سلول‌های پلیس

۴۰. قاعده ۸۴ــ(۱) به صراحت اعلام می‌کند که واژهٔ «زندانی» فقط شامل کسانی که در زندان به‌سر می‌برند نیست بلکه آنهایی را که در سلول‌های پلیس نگهداری می‌شوند نیز دربرمی‌گیرد. تأکید بر این تعریف صریح اهمیت بسیاری دارد، چرا که تجاوز به حقوق بشر اغلب در این مکان‌های بازداشت صورت می‌گیرد. درنتیجه، دولت‌ها مسئولیت دارند تا بر مسئلهٔ شناخت و اجرایRMT ها و دیگر اسناد بین‌المللی ذیربط از سوی پلیس، نظارت داشته باشند.

اصل برائت

۴۱. قاعده ۸۴ــ(۲) بر اصل برائت تأکید دارد. ماده ۱۱ــ(۱) بیانیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ــ(۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اصل ۳۶ از مجموعه اصول برای حفاظت تمامی افرادی که به نحوی از انحأ در بازداشت یا زندان به‌سر می‌برند، بر اصل برائت صحّه گذاشته شده‌اند. اصل برائت نقش مهمی در آیین دادرسی کیفری دارد. مقررات حکم می‌کند که با متهمان به‌خاطر برخورداری از اصل برائت، رفتارهای مناسب‌تری نسبت به محکومین صورت گیرد. تفاوت میان برخورد با متهمان و برخورد با محکومان در قاعده ۸۴ــ(۳) توضیح داده شده است.

www.ParsBook.org

۴۲. قاعده ۸۴ــ(۳) به‌وضوح حکم می‌کند که RMT ها نباید از مقررات قانونی حاکم بر روند دادرسی کیفری فاصله بگیرند و یا اصل حفاظت از آزادی‌های فردی را به‌خطر اندازند. در چارچوب این محدوده‌هاست که RMT ها خواهان برخورداری متهمان از رژیم خاص حبس، طبق اصل برائت، می‌شوند.

رژیم‌های حبس برای متهمان

۴۳. برخی مقررات ــ که بعداً به آنها خواهیم پرداخت ــ ویژگی‌های اساسی این رژیم‌ها را مشخص کرده‌اند. قاعده ۸۴ــ(۳) خاطرنشان می‌کند که این الزامات درواقع حداقل شرایط لازم برای حبس متهمان محسوب می‌شوند. این امر به این معنی است که دولت‌ها باید تلاش کنند تا شرایط بهتری نسبت به آنچه در این بند ذکر شده برای متهمان فراهم آورند، اما واقعیت فاصله بسیاری از این شرایط دارد. رژیم‌های ویژهٔ متهمان باید امکان ملاقات‌های خانوادگی و رسمی، کار داوطلبانه و فعالیت‌های آموزشی و ورزشی را برای این زندانیان به‌وجود آورد.

۴۴. برخی متهمان به جرم خود اعتراف می‌کنند و قصد دارند از این طریق به دفاع قانونی از خود بپردازند. وقتی که معلوم شود محکومیت آنان قطعی خواهد بود، بهتر است در مناسب‌ترین فرصت، برنامه‌های سازندهٔ رفتار با زندانیان در مورد آنان به‌کار بسته شود.

محکومان بدهکار و زندانیان مدنی

۴۵. قاعده ۹۴

در کشورهایی که قانون اجازه حبس بدهکاران را می‌دهد و یا افراد در پی دادرسی غیرکیفری توسط رأی قضایی به حبس محکوم می‌شوند، این دسته از زندانیان به‌هیچ‌وجه نباید بیش از آنچه برای تضمین امنیت و حفظ نظم ضروری است، متحمل محدودیت و سختگیری شوند. رفتار با آنها نباید از امتیازات کمتری نسبت به رفتار با متهمان، برخوردار باشد با این تفاوت که از بدهکاران ممکن است خواسته شود کار کنند.
قاعده ۹۴ برای زندانیان مدنی، که معمولاً به‌خاطر بدهی متحمل حبس می‌شوند، قابل اجراست. این افراد پس از دادرسی غیرکیفری راهی زندان می‌شوند. بند ۹۴ میان این افراد و بزهکاران محکوم‌شده تمایز قایل می‌شود و مقرر می‌کند که زندانیان مدنی نباید مجبور به تحمل محدودیت‌هایی باشند که معمولاً

www.ParsBook.org

به بزهکاران تحمیل می‌گردد. رفتار با آنان باید مشابه رفتار با متهمان باشد، با این تفاوت که زندانیان مدنی ممکن است مجبور به کارکردن باشند.
افرادی که بدون اتهام، بازداشت یا زندانی شده‌اند

۴۶. قاعده ۹۵
بدون آنکه از مقررات مادهٔ ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی عدول شود، افرادی که بدون اتهام بازداشت یا زندانی شده‌اند از حمایتی برخوردارند که در قسمت اول و بخش «ج» قسمت دوم (RMT ها)تضمین شده است. تدابیری که در بخش «الف» قسمت دوم (RMT ها) اندیشیده شده زمانی قابل اجراست که برای این گروه از زندانیان مفید باشد، مگر آنکه مقرر شده باشد که برنامه‌های بازپروری و توان‌بخشی در تمامی زمینه‌ها دربارهٔ متهمان، به اجرا درآید.
قاعده ۹۵ برای افرادی قابل اجرا است که نه در انتظار محاکمه‌اند و نه به‌خاطر عدول از قانون محکوم شده‌اند. این افراد از حقوق و حمایت‌های بسیاری که در بند ۹ میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی مشخص شده برخوردار هستند. بند ۹ حکم می‌کند که بازداشت، حبس و هر نوع سلب آزادی نباید خودسرانه باشد و باید طبق دلایل و روندی که در قانون پیش‌بینی شده انجام گیرد. این بند همچنین مقرر می‌کند که افراد بازداشت‌شده باید بلافاصله از تمامی اتهامات علیه خود آگاه شوند و آنان حق دارند در مدّتی قابل قبول محاکمه یا آزاد گردند. علاوه براین، افراد بازداشت‌شده و زندانی باید بتوانند به دادگاه رجوع کنند و دادگاه باید بلافاصله دربارهٔ قانونی‌بودن حبس رأی دهد و در صورت غیرقانونی‌بودن آنِ دستور آزادی زندانیان ذینفع را صادر نماید. قاعده ۹۵ هیچ‌یک از این حقوق و حمایت‌ها را تضعیف یا بی‌اعتبار نمی‌سازد.

۴۷. بدین‌ترتیب شرایط نامساعد زندانی برای این‌گونه افراد به‌هیچ‌وجه توجیه‌پذیر نیست. فقدان اتهام و درنتیجه عدم محکومیت به مجازات زندان به افراد ذینفع این حق را می‌دهد که از شرایط مناسب حبس برخوردار باشند. ضمناً، این گروه خاص از زندانیان نباید مشمول طرح‌های بازآموزی و اجتماعی‌کردن، شوند. زیرا این طرح‌ها برای افرادی تنظیم شده‌اند که به‌خاطر ارتکاب جرم محکوم شناخته شده‌اند. درعمل، افراد ذینفع در قاعده ۹۵، بیشتر خارجیانی هستند که بعضاً به همراه خانوادهٔ خود در انتظار اخراج از کشور میزبان به‌سر می‌برند. این افراد مستحق برخورداری از کمک‌های ویژه هستند.

www.ParsBook.org

فصل دوم

شیوه‌های دادرسی و شکایات

مقدمه

۱. زندان‌ها محل سکونت انسان‌ها هستند. هرچند این امر کاملاً واضح است اما باز هم باید تکرار شود که زندانی‌ها به‌عنوان انسان، صاحب حقوقی هستند و احساساتی دارند. هیچ زندانی از دایرهٔ قانون بیرون نیست و باید گفت که خود قانون زندان‌ها را به‌وجود آورده است. زندانیان و پرسنل زندان مجبور به پیروی از قانون هستند، از جمله، آن قوانینی که حقوقی را برای زندانیان ایجاد و از آنان حفاظت می‌کند.

۲. در این فصل به شیوهٔ دادرسی قانونی و شکایات خواهیم پرداخت؛ لذا به مسئلهٔ نظام انضباطی و مسئلهٔ امکان دفاع زندانی از خود، به‌ویژه به هنگام طرح شکایت و یا فرجام‌خواهی اشاره خواهیم کرد. این مسائل مهم، هم به حفظ حقوق زندانیان و هم به حفظ آرامش و هماهنگی در درون نظام حبس مربوط می‌شود.

۳. هدفِ تدابیر انضباطی و روند طرح شکایت در زندان، به‌طور طبیعی، حفظ یا استقرار نظم و امنیت در محیط زندان است. این هدف فقط از طریق ایجاد محدودیت قابل دسترسی نیست. کارمندان زندان

www.ParsBook.org

می‌توانند و باید زندانیان را به همکاری در جهت رسیدن به این هدف تشویق کنند آن هم از طریق ارائهٔ الگو به آنان و سازماندهی مدیریت انسانی در زندان. وقتی که با زندانی‌ها به‌عنوان یک انسان مسئول و با احترام و حفظ شأن برخورد شود، معمولاً آنان نیز رفتار مناسبی درپیش می‌گیرند. کارمندان زندان ممنوعیتی برای ایجاد روابط دوستانه و سالم با زندانیان ندارند؛ اصولاً این راهکار یکی از مؤثرترین ابزارها برای تضمین آرامش در زندان است، به‌ویژه وقتی که از تنبیهات انضباطی تا حد ممکن کمتر استفاده شود.

حفظ نظم در زندان

٤. علاوه بر این روابط غیررسمی و دوستانه، انضباط زمانی تضمین می‌شود که مقررات، انعکاسی منطقی از رفتار خود زندانیان باشد. مثلاً منطقی است، زندانی‌ای که دیر از خواب برخاسته از خوردن صبحانه محروم شود. در این حالت، تحمیل‌کردن کار اجباری به او غیرمنطقی است. لذا واکنش‌های انضباطی باید با بی‌انضباطی‌ها متناسب باشد، و درعین حال نباید به‌هیچ‌وجه خودسرانه عمل شود. تنبیه براساس مکانیسم خودکار و یا به‌خاطر انتقام‌گیری، نه‌تنها کار شایسته‌ای نیست، بلکه هیچ سودی به‌دنبال ندارد. اعمال تنبیه به‌طور یکدست و بدون درنظرگرفتن تفاوت‌ها، نتیجه‌ای به‌بار می‌آورد که با هدف مطلوب متضاد است و لذا توصیه نمی‌شود. در اجرای مقررات انضباطی، مأموران باید همانند یک کارشناس عمل کنند، یعنی با درک دقیق از مسائل و با احتیاط رفتار کنند و همیشه به‌یاد داشته باشند که مقررات برای انسان‌ها ساخته شده و نه انسان‌ها برای مقررات.

۵. واقعیت فوق عواقب مهمی به‌دنبال دارد. گذراندن دوره‌های خاص آموزشی، برای کسب برخی از صلاحیت‌ها، برای زندانبانان ضروری است. آنان باید متخصص روابط اجتماعی و انسانی و قادر به دخالت در کاهش تنش‌ها و فرونشاندن مناقشات باشند، مناقشاتی که ناگزیر در اثر زندگی در زندان بروز می‌کند. آنان باید از قدرت قابل توجهی در مقابل زندانیان برخوردار باشند و با خونسردی، بلوغ فکری و انسان‌گونه رفتار نمایند.۱۰

زندان‌بان‌ها و مقررات

۶. مقررات انضباطی از یک‌سو و برخورداری زندانیان از حق شکایت علیه تنبیهات از سوی دیگر، به روابط متقابل میان زندانیان و زندان‌بان‌ها لطمه می‌زند. شیوه‌های انضباطی و طرح شکایات باید به‌طور صحیح و مؤثری انجام گیرد و این شرط لازم برای جلب اعتماد زندانیان، زندان‌بان‌ها و جامعه است.

www.ParsBook.org

۷. بحران‌های داخل زندان (اعتصاب غذا، فرار، شورش و حتی خودکشی) اغلب نشانه‌ای از حس عدم اعتماد زندانیان در قبال نظام انضباطی و روند طرح شکایت یا فرجام‌خواهی است. از سوی دیگر، اگر زندان‌بان‌ها معتقد به بی‌حاصل بودن نظام انضباطی باشند، می‌توانند سرخوردگی‌های خود را بـه روی زنـدانیان خـالی کنند و تنبیهات غیرقانونی و خودسرانه‌ای را بر آنان تحمیل نمایند. در هردوی این حالت‌ها، نظام انضباطی فاقد تعادل خواهد بود.

نظام انضباطی و روند طرح شکایات

۸. زندانیان نباید تنبیه شوند، مگر آنکه مقررات انضباطی به‌طرز دقیقی به‌اجرا درآید. اگر زندانی احسـاس کند که مقررات به‌دقت اجرا نمی‌شود و یا از تنبیهی که بر او اعمال شده احساس نارضایتی بکند، حـق دارد که درخواست رسیدگی نماید. زندانی در قبال هر نوع شرایط زندگی در زندان کـه از آن ناراضـی باشـد می‌تواند به مرجع ذیصلاح شکایت کند.

مقررات بین‌المللی مربوط به شیوه‌های قانونی طرح شکایت و درخواست رسیدگی

۹. مجموعهٔ قوانین حداقل سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (RMT ها) هـیچ توضـیحی در ایـن زمینه نداده است. این مجموعه قوانین فقط شامل تمهیداتی در ارتباط با مسئلهٔ انضباط در زنـدان اسـت و دربارهٔ طرح شکایت و حتی روند درخواست رسیدگی تقریباً سکوت نموده است.

۱۰. لذا در این فصل، علاوه بر تذکرات به‌جایی که درRMT ها وجود دارد، رجـوع اصـلی مـا بـه مقـررات مهم بین‌المللی خواهد بود که عبارتند از: بیانیهٔ جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسـی، کنوانسیون مبارزه علیه شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسـانی یـا تحقیرآمیـز، مجموعـهٔ اصول برای حفاظت از هر فردی که به نحوی از انحأ در بازداشت یا زندان به‌سر مـی‌بـرد، اصـول اساسـی مربوط به رفتار با زندانیان و سرانجام معاهدات بین‌المللی پیرامون حقوق بشر در آفریقا، اروپا و آمریکـا. برای تکمیل این اسناد، از رویهٔ قضایی و نظرات کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی و ملّی استفاده خواهیم کرد. به‌جاست که در تمامی دیگر زمینه‌ها نیز این مقـررات و آیـین‌نامـه‌هـا بـه‌طـرز صحیحی تحلیل و با دیدی انسانی مورد تفسیر قرار گیرند.

www.ParsBook.org

شکایت و درخواست رسیدگی

رعایت شیوهٔ اقامهٔ دعوی اجباری است

۱۱. قواعد ۳۵ و ۳۶RMT ها حاوی چند جمله در ارتباط با نحوهٔ شکایات زندانی‌هاست.

قاعده ۳۵ــ(۱)

هر زندانی به هنگام پذیرش در زندان باید اطلاعاتی مکتوب دریافت کند که شامل نحوهٔ نگهداری زندانیان هم‌گروه او، مقررات انضباطی آن زندان، ابزار مجاز برای دستیابی به اطلاعات و نحوهٔ تنظیم شکایت و هر نکتهٔ دیگری که می‌تواند برای شناخت زندانی از حقوق و وظایف خود و نیز نحوهٔ سازگاری با زندگی در آن زندان مفید و ضروری باشد، است.

قاعده ۳۵ــ(۲)

اگر زندانی بی‌سواد باشد، این اطلاعات باید به‌طور شفاهی به اطلاع او برسد.

قاعده ۳۶ــ(۱)

هر زندانی باید بتواند در همه روزهای غیرتعطیل درخواست رسیدگی یا شکایت خود را به مدیر زندان یا کارمندی که نمایندهٔ مجاز او محسوب می‌شود تسلیم نماید.

قاعده ۳۶ــ(۲)

درخواست رسیدگی یا شکایت را می‌توان به هنگام بازرسی زندان به بازرس زندان‌ها تحویل داد. زندانی می‌تواند با بازرس و یا هر کارمندی که عهده‌دار بازرسی است، بدون حضور مدیر یا دیگر کارمندان زندان، گفتگو کند.

قاعده ۳۶ــ(۳)

هر زندانی باید مجاز باشد درخواست رسیدگی یا شکایت خود را، بدون سانسور محتوی امّا در قالبی آراسته، به ادارهٔ مرکزی زندان‌ها یا مرجع قضایی و یا دیگر مراجع ذیصلاح، از طرق مقررشده در قانون، ارسال نماید.

قاعده ۳۶ــ(٤)

درخواست رسیدگی یا شکایت، جز در مواردی که به‌وضوح بی‌پایه و دلیل باشد، باید بدون تأخیر مورد بررسی قرار گرفته و در مدت زمان قابل قبول، پاسخ زندانی داده شود.

۱۲. قاعده ۳۵ مقامات زندان را موظف می‌کند تا به زندانیان دربارهٔ حقوق‌شان و نیز مقررات و قواعد قابل اجرا در زندان اطلاعات لازم را ارائه دهد. این اصل اهمیتی اساسی برای حفظ نظم در زندان دارد. این بند به‌طرز مؤکدی خواهان آن می‌شود که اطلاعات لازم به هنگام ورود زندانی به زندان در اختیار او قرار گیرد، تا روند سازگاری او با شرایط حبس تسهیل گردد. کارمندان زندان نیز باید اطلاعات کافی از این مقررات و آیین‌نامه‌ها داشته باشند. همه برنامه‌های آموزشی متناسب باید در چنین بستری سازماندهی شود.

www.ParsBook.org

مفهوم کلمه‌های «بی‌پایه» و «بدون دلیل» در قاعده ۳۶ــ(٤) به‌روشنی توضیح داده نشده‌اند و همان‌گونه که در پاراگراف ۱۷ این فصل خواهیم دید، راه را برای تفسیرهای خودسرانه بازگذاشته‌اند.

اطلاعات زندانیان و کارمندان زندان دربارهٔ نحوهٔ طرح شکایت

۱۳. مؤثرترین شیوه برای انتقال این اطلاعات آن است که مقررات قابل اجرا در زندان، در زمینهٔ انضباط، به‌شکل یک بروشور جمع‌آوری و به هنگام ورود زندانی به زندان، به وی تحویل گردد. این مقررات را می‌توان به‌صورت آگهی در مکان‌های پررفت‌وآمد زندان نصب کرد. برای تهیهٔ این آگهی‌ها می‌توان از خود زندانی‌ها کمک گرفت. در کشورهایی که چند زبان رایج دارند، این بروشورها و آگهی‌ها باید به تمامی زبان‌های داخلی ترجمه شود. در کشورهایی که تعداد زندانیان خارجی در آنها زیاد است، بروشورها و آگهی‌های یادشده باید به رایج‌ترین زبان‌ها برگردانده شود. در مورد ملیّت‌هایی که جمعیت آنها کم است، ادارهٔ زندان باید تلاش کند تا ترجمهٔ مقررات به زبان ملیت‌های کم‌جمعیت را تهیه و به هنگام پذیرش زندانیان تابع آن ملیت‌ها، به آنها تحویل دهد. این تأکیدات نشان می‌دهد که وجود «واحد پذیرش» در زندان تا چه حد اهمیت دارد، ارائهٔ اطلاعات به زندانی یکی از چندین وظیفهٔ واحد مذکور است.

١٤. قاعده ۳۶ زندانیان را تشویق می‌کند که شکایات خود را به ادارهٔ زندان ارسال کنند. مدیران و پرسنل زندان باید پذیرای این شکایات باشند و حداقل هفته‌ای یک‌بار جلسه‌ای را جهت بررسی آنها تشکیل دهند. لازم به یادآوری نیست که ارتباط سالم میان اعضای گروه‌های انسانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. زندانیان باید تشویق شوند که تمامی مشکلات خود را با ادارهٔ زندان در میان بگذارند، و مطمئن باشند که درخواست رسیدگی آنها همیشه مورد بررسی قرار می‌گیرد و به آن توجه می‌شود. درعمل، مشارکت‌دادن زندانیان در مدیریت زندان کاری است مناسب و این نظام مشارکتی موجب گسترش روابط میان زندانبانان و زندانیان می‌شود.

۱۵. موانع موجود برای ایجاد رابطه میان زندانیان و مقامات زندان باعث سرخوردگی می‌شود. احساس ناتوانی‌ای که ناشی از این سرخوردگی است می‌تواند به بروز معضلاتی بیانجامد. هیچ‌گاه نباید با توسل به تهدید، زندانی‌ها را از اظهار شکایت علیه مدیریت زندان منع کرد و کارمندان زندان وظیفه دارند این شکایت‌ها را با گشاده‌رویی و آرامش دریافت نمایند.

www.ParsBook.org

تسهیل روند طرح شکایت

۱۶. زندانیان معمولاً به‌واسطهٔ ترس از تنبیه، از شکایت علیه زندانبانان یا مدیریت زندان منصرف می‌شوند. قاعده ۳۶ـ(۲) ازRMT ها و اصل ۳۳ـ (۳) از مجموعهٔ اصول حفاظت از تمامی افرادی که به‌نحوی از انحأ در بازداشت یا زندان به‌سر می‌برند، مقامات زندان را ترغیب می‌کنند که زندانی را از محرمانه‌بودن شکایت او ــ ناشناس‌ماندن شاکی و عدم افشای محتوای شکایت‌نامه ـــ مطمئن سازند. زندانیان زمانی اعتماد خود را حفظ می‌کنند که از امکان ارسال شکایات به افراد یا سازمان‌های مستقل ادارهٔ زندان، میانجی‌ها و حقوقدان‌ها برخوردار باشند.

۱۷. سالم‌بودن روند طرح شکایت و اعتماد زندانیان به این روند به شرطی حفظ می‌شود که مقامات زندان از قدرت ردّ شکایت‌ها، حتی قبل از بررسی آنها، به بهانه «بی‌پایه و دلیل» قاعده ۳۶ـ (٤) بودن آنها برخوردار نباشند. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های ادارهٔ زندان، بررسی تمامی شکایت‌های طرح‌شده از سوی زندانیان است. با توجه به اینکه کلمات و عباراتی نظیر «با وضوح کامل» و «بی‌پایه و دلیل» مفاهیمی گنگ و مبهم دارند، این موضوع اهمیت دارد که یک سازمان مستقل به بررسی شکایت‌ها بپردازد و مشخص کند که شکایت طرح‌شده، «با وضوح کامل» است یا «بی‌پایه و دلیل».

شکایات مطرح‌شده توسط نزدیکان یا دیگر اشخاص ذینفع

۱۸. خانواده‌های زندانیان و وکلای آنها و همچنین بازدیدکنندگان داوطلب و نمایندگان سازمان‌های غیردولتی نیز می‌توانند به‌جای زندانی اقدام به طرح شکایت کنند و البته این به‌شرطی است که انگیزه و دلیل کافی برای چنین کاری وجود داشته باشد. اصل ۳۳ از مجموعه اصول حفاظت از تمامی افرادی که به‌نحوی از انحأ در بازداشت یا زندان به‌سر می‌برند، این موضوع را توضیح داده است:

(۱)

هر فرد زندانی و بازداشت‌شده، یا مشاور او، حق دارد دربارهٔ نحوهٔ رفتار با زندانی درخواست کرده رسیدگی یا به طرح شکایت بپردازد، به‌ویژه درحالتی‌که موضوع شکنجه یا دیگر رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز در میان باشد. فرد شاکی حق دارد درخواست خود را خطاب به مقامات مکان حبس و مقامات بالاتر و یا در صورت لزوم به مقامات ناظر یا مراجع ذیصلاح ارائه کند.

(۲)

زمانی‌که فرد زندانی یا بازداشتی، خود و یا توسط مشاورش امکان استفاده از حقوق یادشده در بند یک این اصل را نداشته باشد، یکی از اعضای خانوادهٔ فرد زندانی و یا هرکس دیگری که اطلاع کافی از موضوع

www.ParsBook.org

دارد می‌تواند تقاضای اجرای این حقوق را نماید.

شکایت علیه عناصر غیروابسته به ادارهٔ زندان

۱۹. زندانیان باید از این امر اطلاع یابند که می‌توانند علیه افرادی که به ادارهٔ زندان وابسته نیستند، مانند وکلا و یا کارمندان امور بهداشتی، شکایت کنند. کارمندان امور بهداشتی همیشه مقررات مربوط به شغل خود را رعایت نمی‌کنند به بهانه اینکه به‌عنوان داوطلب یا عضو سازمان‌های بشردوستانه به زندانیان کمک می‌کنند. برعهدهٔ مقامات زندان و یا مسئولین مشاغل مربوطه (رئیس خدمات پزشکی یا رئیس کانون وکلا) است که اطلاعات لازم در این زمینه را به زندانیان بدهند.۱۱

شکایت‌هایی که در داخل زندان و یا در خارج بررسی می‌شوند

۲۰. ارائه شکایات بدین معنی نیست که مقامات زندان به ملاحظات و پاسخ‌های سطحی اکتفا کنند. مأموران زندان در مقامی هستند که می‌توانند بسیاری از شکایات را مدّنظر قرار داده و در وظایف روزمرهٔ خود به حل آنها بپردازند، آنان در این مورد نیازی به رجوع به مقام مافوق ندارند. فقط شکایت‌های بسیار جدّی باید به مدیر زندان تسلیم شود و او نیز شخصاً باید به بررسی موضوع بپردازد.

۲۱. مدیریت زندان می‌تواند زندانیان را تشویق کند که درخواست‌های رسیدگی و شکایات خود را به سازمان‌های داوطلب خارج زندان و غیردولتی ارسال کنند، این سازمان‌ها نیز می‌توانند شایستگی خود را در حل مسایلی که مدیریت زندان از حل و فصل آن عاجز است نشان دهند. همچنین، ادارهٔ زندان می‌تواند امکان ایجاد تماس میان زندانیان خارجی و انجمن‌های محلی یا سازمان‌های بشردوستانه را فراهم آورد، این انجمن‌ها و سازمان‌ها باید به ارائهٔ توصیه‌های لازم و کمک‌های ویژهٔ در چارچوب بازدید از زندان و یا دیگر اشکال مداخله، قادر باشند.

۲۲. قاعده ۳۶ــ(۲) بازرسان خارج زندان را به نظارت بر نحوهٔ رسیدگی به شکایات زندانیان موظف می‌سازد. در فصل هشتم به موضوع بازرسی از زندان‌ها خواهیم پرداخت. از هم‌اینک خاطرنشان کنیم که اصل ۲۹ از مجموعهٔ اصول حفاظت از تمامی افرادی که به‌نحوی از انحأ در بازداشت یا زندان به‌سر می‌برند، مقرر کرده است که دولت‌ها مراجعی را تأسیس کنند که عهده‌دار کنترل، نظارت و بازرسی از ادارهٔ زندان‌ها باشند.

www.ParsBook.org

اصل ۲۹

(۱)

برای تضمین رعایت دقیق قوانین و مقررات مناسب، مکان‌های حبس باید به‌طور منظم تحت بازرسی افراد ذیصلاح و باتجربه قرار گیرند که توسط مرجعی صلاحیت‌دار، انتخاب شده و در مقابل آن مسئول باشند، این مرجع نمی‌تواند از مقامات مدیریت زندان تشکیل شده باشد.

(۲)

هر فرد زندانی یا بازداشت‌شده حق دارد آزادانه و با اعتماد کامل با کسانی که از محل حبس بازرسی به‌عمل می‌آورند، مطابق پاراگراف (۱) اصل حاضر، به گفت‌وگو بپردازد به این شرط که مقررات لازم برای حفظ امنیت و نظم در مکان‌های حبس به‌طور کامل رعایت شود.

۲۳. هرقدر هیأت بازرسان از افراد شناخته‌شده‌تری تشکیل گردد، اعتماد مردم به نظام زندان‌ها بیشتر خواهد بود تجدیدنظر، این افراد می‌توانند از ادارات مرکزی زندان‌ها و یا کارشناسان حقوق و بهداشت و یا عضو سازمان‌های غیردولتی‌ای باشند که در زمینهٔ زندان‌ها کار می‌کنند. یکی از وظایف چنین هیأتی، تجدیدنظر دربارهٔ تنبیه‌ها و دیگر تدابیر انضباطیِ تحمیل‌شده بر زندانیان است. اگر هیأت مذکور از چنین اختیاری برخوردار نباشد هر شیوه‌ای در زمینهٔ رسیدگی به شکایات بی‌مفهوم خواهد بود.

۲٤. اینکه مرجع تنبیه‌کننده و مرجع دریافت‌کننده شکایات، یکی باشد بسیار بی‌معنی است چرا که در این‌صورت مرجع انضباطی به رسیدگی دربارهٔ تصمیم‌های خود خواهد پرداخت. نتیجهٔ این رسیدگی به‌طور طبیعی از اعتبار ساقط است. لذا کاملاً ضرورت دارد که این دو مرجع از یکدیگر متمایز و جدا باشند.

شیوه‌های طرح شکایت برای متهمان و دیگر گروه‌های خاص زندانیان

۲۵. مقررات زندان برای گروه‌های مختلف زندانیان به اجرا درمی‌آید، گروه‌هایی از قبیل: افرادی که در انتظار محاکمه هستند، خارجی‌ها، گروه‌های اقلیت یا حاشیه‌ای مانند بیماران روانی، معلولین، بی‌سوادان و اعضای اقلیت‌های قومی.

متهمان

۲۶. زندانیانی که در انتظار محاکمه هستند، گروه کاملاً خاصی از زندانیان به حساب می‌آیند. آنان که هنوز

www.ParsBook.org

گناهکار شناخته نشده‌اند، طبق قانون، اصل بر بی‌گناهی آنان است. هـدف نهـایی متهمـان اغلـب دفـاع در مقابل اتهاماتی است که بر دوش آنان سنگینی می‌کند. طبق قاعده RMT۹۳ ها:
متهم مجاز به درخواست انتخاب وکیل تسخیری است و حق دارد به منظور دفاع از خویش با وکیل ملاقات کند. او باید بتواند اسناد و اطلاعات محرمانهٔ خود را به وکیل منتقل نماید. بـه همـین منظـور، در صـورت تقاضای متهم، باید نوشت‌افزار در اختیار او قرار داده شود. ملاقات میـان مـتهم و وکیـل‌اش مـی‌توانـد در معرض دید مأموران پلیس یا زندان صورت گیرد امّا نباید توسط آنها استراق سمع شود.

۲۷. هدف قاعده ۹۳ آن است که متهمان بتوانند به شیوه‌های شرافتمندانه در مقابل اتهاماتی که بـر آنـان وارد است در دادگاه از خود دفاع کنند. کارمندان زندان موظف هستند تمـاس و ارتبـاط میـان متهمـان و وکلا را تسهیل کنند و به‌ویژه به وکیل امکان دهند تـا بـا زنـدانی بـه مشـاوره بپـردازد، لـذا ابـزار ارتبـاط نوشتاری و در صورت امکان تلفن یا فاکس را باید در اختیار زندانی قرار دهند تا او بتوانـد بـا وکیـل خـود تماس برقرار کند.

زندانیان خارجی

۲۸. زندانیان خارجی گروه کاملاً آسیب‌پذیری به‌حساب می‌آیند: آنان هیچ قوم و خویشی و یا حامیانی کـه معمولاً به زندانیان بومی کمک می‌کنند، ندارند و معمولاً زبان کشور میزبان، یعنی کشور زندانی‌کننـده، را نمی‌دانند. زندانیان خارجی هیچ ابزاری برای شکایت در مقابل بدرفتاری‌ها ندارند و یا برای شکایت‌کـردن مردد هستند. چرا که از امکان اخراج از کشور میزبان می‌هراسند. مسئولان زندان باید جهت ارائهٔ کمک به این زندانیان بسیج شوند، آنان باید حساسیت بسیاری نسبت به شکایاتی که از سوی زندانیان خارجی مطرح می‌شود نشان دهند.

دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر یا فاقد امتیاز

۲۹. بیماران روانی، بی‌سوادان و اعضای اقلیت‌های قومی باید بیش از سـایر زنـدانیان تحـت حمایـت قـرار گیرند. آنان باید بتوانند به‌راحتی شکایت خود را مطرح نمایند. کارمندان زندان وظیفه دارند بـه نیازهـای آنها پاسخ دهند. زندانبان‌ها می‌توانند به عنوان مثال بی‌سوادان را، در صـورت درخواسـت شـفاهی آنـان، برای مکاتبه با دادگاه‌ها یاری دهند.

www.ParsBook.org

۳۰. با تأکید و رسمیت تمام باید به زندانبان‌ها، چه در دورهٔ کارآموزی و چه در دورهٔ انجام وظیفه، یادآوری شود که مکاتبه زندانیان با وکلای آنها جنبه‌ای کاملاً محرمانه دارد. این امتیاز اساسی نه‌تنها برای متهمان بلکه برای تمامی گروه‌های خاص زندانی محفوظ است.

انضباط

۳۱. نظام انضباطی به حفظ نظم در زندان کمک می‌کند. این نظام زمانی حداکثر کارآیی خود را نشان می‌دهد که در جهت رفع بی‌انضباطی‌ها مورد استفاده قرار گیرد، آن هم وقتی که دیگر شیوه‌های برقراری نظم به ناکامی انجامیده باشد. قاعده‌های ۲۷ و ۳۰ از RMT ها چارچوبی را که انضباط در داخل آن باید اعمال شود مشخص می‌کنند.

قاعده ۲۷

نظم و انضباط باید با قاطعیت تمام حفظ شود، اما برای حفظ امنیت و زندگی جمعی منظم، نباید محدودیت‌هایی بیش از حدّ لزوم مقرر شود.

۲۸ــ(۱)

هیچ زندانی‌ای نمی‌تواند شغلی را که متضمن اختیارات انضباطی است به‌عهده گیرد.

(۲)

در عین حال، این قانون نباید مانعی برای عملکرد نظام‌های خودگردان (Self-government) در داخل زندان‌ها باشد. چنین نظام‌هایی ایجاب می‌کنند که برخی از فعالیت‌ها یا مسئولیت‌های اجتماعی، آموزشی و ورزشی به شکل کنترل‌شده به زندانیان سپرده شود. زندانیانی که به دلیل اهداف اصلاحی در گروه‌هایی دسته‌بندی شده‌اند.

قاعده ۲۹

نکات ذیل باید یا توسط قانون یا به‌واسطهٔ مقررات از سوی مرجع اداری ذیصلاح، دقیقاً، مشخص شود:

الف) رفتاری که عدول از انضباط محسوب می‌شود؛

ب) نوع و مدت تنبیه که می‌توان بر زندانی تحمیل کرد؛

ج) مرجع ذیصلاحی که باید این تنبیهات را تعیین نماید.

قاعده ۳۰ــ(۱)

زندانیان فقط مطابق تمهیدات ذکرشده در چنین قانون یا مقرراتی، باید تنبیه شوند و برای یکبار عدول از انضباط به‌هیچ‌وجه نباید دوبار تنبیه اعمال گردد.

(۲)

هیچ زندانی بدون تفهیم عدول از انضباط نباید تنبیه شود و قطعاً باید از فرصت دفاع برخوردار گردد. مرجع ذیصلاح باید مسئله را به‌طور کامل بررسی نماید.

www.ParsBook.org

(۳)
در صورت لزوم و امکان، زندانی باید بتواند از طریق مترجم به دفاع از خویش بپردازد.

مقررات قابل اجرا برای دفاع از حقوق بشر

۳۲. ماده ۹ بیانیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ـ(۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌طور علنی هر نوع بازداشت خودسرانه را ممنوع و مبانی قانونی اصول حفظ نظم و انضباط در زندان را مشخص می‌سازد. ممنوعیت بازداشت و حبس خودسرانه نه‌تنها محتوای مقررات انضباطی، بلکه نحوهٔ اجرای این مقررات را نیز دربرمی‌گیرد.

۳۳. قاعده RMT۲۷ ها مقامات را تشویق می‌کند که انضباط در زندان را طریق زیر برقرار نمایند" با قاطعیت اما برای حفظ امنیت و زندگی جمعی منظم، نباید محدودیت‌هایی بیش از حد لزوم مقرر شو¢`` قاعده RMT ۲۹ ها به‌منظور جلوگیری از اقدامات خودسرانه، مقرر می‌کند که «رفتارهای متضاد با نظام انضباطی» توسط «قانون یا مقررات مرجع اداری ذیصلاح» کاملاً مشخص شود. قاعده RMT۳۰ ها ابزارهایی را که زندانی برای حفاظت خود در مقابل اقدامات خودسرانه در چارچوب ادارهٔ انضباطی زندان باید دراختیار داشته باشد، برمی‌شمرد.

دیگر اسناد قانونی مرجع

۳٤. ممنوعیت اقدامات خودسرانه جهت حفظ انضباط در زندان در اسناد ذیل مورد تأکید قرار گرفته است: بند ۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها؛ بند ۷ (۲) و (۳) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند ۵ (۱) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز قانون اساسی چندین کشور.

وظایف نهاد زندان

۳۵. تمهیدات پیش‌بینی‌شده در RMT ها راجع به انضباط و مبارزه علیه خودسری در زندان تکالیف بسیاری را برای سازمان و مدیریت زندان مقرر می‌کند. در سطور بعدی مهم‌ترین این وظایف را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

www.ParsBook.org

قواعد و مقررات کتبی

۳۶. مقررات مربوط به انضباط در زندان باید اکیداً مکتوب شود و از این نظر با مقررات عمومی زندان‌ها و دیگر مقررات رویه کیفری حکم مشابهی دارند. اصل ۳۰ از اصول حفاظت از تمامی افرادی که به نحوی از انحأ در بازداشت یا زندان به‌سر می‌برند حکم می‌کند که در مقررات مکتوب نکات زیر مشخص شود:
۱. نوع رفتارِ فرد بازداشتی یا زندانی که در طول دوران حبس یا بازداشت، عدول از انضباط محسوب می‌شود؛
۲. نوع و مدت تنبیه انضباطی که ممکن است (در مورد فرد خاطی) به اجرا گذاشته شود؛ و
۳. مراجع ذیصلاحی که این تنبیهات را تعیین می‌کنند.

۳۷. اختیارات انضباطی نباید به هر مأموری سپرده شود، این اختیارات باید از سوی مأموران بلندپایه اعمال گردد و هربار جریان ماوقع باید به‌صورت مکتوب نوشته و نگهداری شود. فرد زندانی که قرار است تنبیه شود باید نسبت به وجود راه‌های فرجام‌خواهی و درخواست تجدیدنظر در صورت مخالفتش با تنبیه تعیین‌شده، آگاه گردد.

بازبینی دوره‌ای در قواعد و مقررات زندان

۳۸. اقدامات خودسرانه نه‌تنها از فقدان مقررات جدید بلکه از کهنگی مقررات نیز ناشی می‌شود. در بسیاری از کشورها، قواعد و مقررات زندان نیاز به تحولی اساسی و حتی تغییر کامل دارد. برای جلوگیری از به‌کارگیری مقررات کهنه، قواعد و مقررات باید به‌طور دوره‌ای مورد بازنگری قرار گرفته و روزآمد شوند تا بدین‌ترتیب این مقررات با اصول قانونی‌ای که عموماً پذیرفته شده‌اند هماهنگ گردند.

انتقال اطلاعات دربارهٔ مقررات

۳۹. اگر کسی از مقررات اطلاع نداشته باشد، وضع قواعد و مقررات مفصل و پیچیده هیچ فایده‌ای نخواهد داشت. لذا مقامات زندان وظیفه دارند که هم زندانیان و هم مأموران زندان را در جریان این مقررات قرار دهند و این کار باید به محض ورود افراد فوق به زندان انجام گیرد.۱۲

www.ParsBook.org

انضباط به‌وسیلهٔ چه ابزاری برقرار می‌شود؟

۴۰. تجاوز به مقررات انضباطی در زندان می‌تواند دو نوع واکنش (از سوی مقامات) به‌دنبال داشته باشد که البته این دو به‌طور کامل از هم مستقل و جدا نیستند: یا زندانی باید توسط ادارهٔ زندان تنبیه شود (شیوهٔ داخلی)؛ و یا تعدی او به مقررات انضباطی نوعی جرم محسوب می‌شود و موضوع باید از طریق نظام عادی کیفری مورد بررسی قرار گیرد (شیوهٔ خارجی). اجرای شیوه‌های تنبیه انضباطی برای یک خطای کوچک نه واقع‌گرایانه است و نه مورد انتظار. اغلب اوقات برای متوجه‌کردن زندانی به عواقب خطای خود، فقط یک هشدار شفاهی، یا یک توصیه دوستانه و یا عدم تأیید کفایت می‌کند. توسل به تنبیه‌های رسمی انضباطی زمانی باید به‌کار بسته شود که شیوه‌های فوق نامتناسب باشند و یا با ناکامی روبرو شوند.

۴۱. لازم نیست تمامی جرم‌هایی که در زندان اتفاق می‌افتد مستقیماً توسط یک دادگاه کیفری تحت پیگرد قرار بگیرد. آیا زندانی‌ای را که یک قطعه صابون به‌سرقت برده است تا بتواند بهتر استحمام کند باید به مقابل دادگاه کیفری کشاند؟ تنها جرم‌های بسیار بزرگ باید تحت پیگرد قرار بگیرند. این امر به‌عهدهٔ کارمندان زندان است که قابل پیگردبودن یک عمل را مورد ارزیابی قرار دهند. مسئولان زندان باید مقرراتی تدوین نمایند که به زندانبان‌ها امکان دهد دربارهٔ نحوهٔ مجازات (شیوه‌های داخلی یا دادرسی کیفری) تصمیم‌گیری کنند.

۴۲. به هنگام اجرای شیوه‌های تنبیهی باید به تضمین‌های مقررشده در RMT ها توجه و عمل شود. طبق قاعده ۳۰ــ(۲)، زندانی باید از اتهاماتی که بر او وارد است آگاه شود و بتواند به دفاع از خود بپردازد. زندانی‌ها هیچ‌گاه نباید براساس شایعات بی‌پایه و یا موثق، تنبیه گردند؛ مقامات زندان وظیفه دارند هر نوع گزارشی را که اتهامی را متوجه زندانی می‌کند به او ابلاغ نمایند و در صورتی‌که این اتهام منجر به دادرسی کیفری شود، زندانی باید بتواند پاسخ مناسبی به این‌گونه گزارش‌ها بدهد. اگر دادرسی کیفری به تغییر در میزان مجازات زندان، مثلاً لغو کاهش مدّت حبس، بیانجامد، حق زندانی برای دفاع خویش از اهمیتی دوچندان برخوردار می‌شود. در پروندهٔ کامپل و فل علیه انگلستان (۱۹۸۲)، کمیسیون حقوق بشر اروپا چنین رأی داد که زندانیان درصورتی‌که با احتمال لغو کاهش مجازات حبس روبرو باشند حق دارند از تمامی تضمین‌هایی که طی دادرسی کیفری در اختیار آنان قرار می‌گیرد، ازجمله حق تعیین وکیل مدافع، استفاده کنند.

۴۳. اگر بی‌انضباطی فرد زندانی در محیط زندان مورد بررسی قرار گیرد و تصمیمی دربارهٔ آن اتخاذ شود، زندانی می‌تواند از یک مرجع بالاتر بررسی دوبارهٔ تصمیم اتخاذ شده را خواستار شود. این موضوع در اصل ۳۰ــ(۲) از مجموعه اصول حفاظت از تمامی افرادی که به‌نحوی از انحأ در زندان یا بازداشت

www.ParsBook.org

به‌سر می‌برند مقرر شده است.۱۳

٤٤. اگر بی‌انضباطی به‌عنوان جرم کیفری تحت بررسی قرار گیرد زندانی از تمامی حمایت‌های قانونی و ابزارهای دفاع برخوردار خواهد بود. او به‌ویژه حق دارد آزادانه با وکیل یا هر نمایندهٔ قانونی و یا افراد خانوادهٔ خود ملاقات و گفت‌وگو کند. اگر زندانی به‌خاطر هر اتهامی دیگر با احتمال مجازات زندان روبرو باشد، از تمامی حقوق یک فرد متهم، همان‌گونه در پاراگراف‌های ۲۶ و ۲۷ فصل حاضر ذکر شده، برخوردار می‌شود.

دفاع قانونی

٤٥. هرچند که زندانی در محکمهٔ داخل زندان می‌تواند از خود دفاع کند، امّا ضروری نیست که در دادگاه داخل زندان از وکیل کمک بگیرد. اگر قرار باشد وکیل به‌خاطر هرنوع اتهام وارده بر موکل در محکمهٔ داخل زندان حضور پیدا کند، اداره‌کردن زندان غیرممکن می‌شود. در اغلب موارد، کافی است که زندانی نقطه‌نظر خود را اعلام و از شواهد موجود کمک بگیرد و ادارهٔ زندان نیز در تصمیم‌گیری خود باید اظهارات زندانی را به‌دقت مورد بررسی قرار دهد.

٤٦. زندانیانی که طی دادرسی رسمی در داخل زندان به‌عنوان شهود حاضر می‌شوند، به‌هیچ‌وجه نباید مورد تهدید و یا آزار و اذیت قرار گیرند، این امر برای حفظ صحت و اعتماد در روند بررسی مسایل انضباطی و یا شکایات، کاملاً ضروری است. ادارهٔ زندان موظف است از چنین اقداماتی که به آزار زندانیان حاضر در مقابل محاکم انضباطی و یا مراجع بازرسی می‌انجامد جلوگیری و عاملین آن را تنبیه نماید.

٤٧. اگر در یک پرونده انضباطی تنبیه‌های سنگینی مقرر شود و یا مسایل حقوقی پیچیده‌ای مطرح شود، مقامات زندان می‌توانند به زندانی اجازه دهند که‌ازیک نمایندهٔ قانونی کمک بگیرد. شرایطی که یک‌چنین نمایندگی‌ای را ممکن می‌سازد نباید به‌طور خودسرانه، بلکه باید به‌طور روشن و واضح و طبق مقرراتی که در میان زندانیان توزیع می‌شود مشخص گردد.

٤٨. دولت و مقامات زندان در بسیاری از کشورها برای تعیین نمایندهٔ قانونی زندانیانی که در مقابل محکمهٔ داخلی زندان قرار دارند با عدم توانایی مالی روبرو هستند. این مقامات باید سازمان‌های غیردولتی، داوطلبان و سازمان‌های خیریه را مورد تشویق قرار دهند تا برای توسعهٔ برنامه‌های کمک و حمایت قانونی از زندانیان بیش از پیش در زندان حضور یابند. بدین‌منظور، بهتر است مقامات زندان

www.ParsBook.org

روند ملاقات میان زندانیان و سازمان‌های غیردولتی را تسهیل کنند.

چه کسی مسائل انضباطی را اداره می‌کند؟

۴۹. فقط مأموران ادارهٔ زندان از صلاحیت اعمال اختیارات انضباطی در درون زندان برخوردار هستند. قاعده ۲۸ــ(۱)RMT ها انتقال تمامی یا بخشی از اختیارات انضباطی به برخی از گروه‌های خاص زندانیان را به‌طور اکید ممنوع کرده است. این بند ادارهٔ زندان را از سپردن امور انضباطی خوابگاه‌ها، مجتمع‌ها و یا سلول‌ها به زندانیان منع می‌کند (این اقدامات در بسیاری از کشورها رایج است).

تنبیه‌ها

۵۰. تصمیم به تنبیه باید در یک دادرسی انضباطی اتخاذ گردد و دادرسی نیز باید درپی یک شکایت یا گزارشی که زندانی را مورد اتهام قرار می‌دهد شکل گیرد. در بسیاری از نظام‌های حبس (در کشورهای مختلف) ، نظم بدون توجه به حدود تنبیه‌های انضباطی برقرار می‌شود، و زندانبان‌ها با توسل به شیوه‌های کنترل‌نشده و خشن برای مطیع‌کردن افراد متمرد باعث ایجاد هراس در میان زندانیان می‌شوند. مقررات انضباطی ذکرشده درRMT ها و دیگر متون بین‌المللی، این‌گونه اقدامات را ممنوع می‌سازد. چارچوب کلی تنبیهات انضباطی در قواعد ۳۱ و RMT۳۲ ها مشخص شده است:

قواعد ۳۱

مجازات بدنی، زندانی‌کردن در سیاهچال‌های تاریک و هر نوع تنبیه خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز باید به‌طور کامل در نظام تنبیه‌های انضباطی ممنوع شود.

بند ۳۱ــ(۱)

مجازات‌هایی از قبیل منزوی‌کردن و کاهش جیرهٔ غذایی به‌هیچ‌عنوان نباید بر زندانی تحمیل شود، مگر آنکه پزشک وی را تحت معاینه قرار دهد و به‌طور کتبی گواهی دهد که زندانی قادر به تحمل چنین مجازاتی است.

(۲)

تمام تدابیر تنبیهی که احتمال دارد بر بهداشت جسمی یا روانی زندانیان لطمه وارد کند، مشمول پاراگراف (۱) بند حاضر هستند. در هر صورت، چنین تدابیری نباید با اصل مطرح‌شده در بند ۳۱ مباینت داشته باشد و از این اصل فاصله بگیرد.

www.ParsBook.org

(۳)
پزشک باید هر روز زندانیانی را که متحمل این تنبیه‌های انضباطی می‌شوند تحت معاینه قرار دهد و در صورتی که معتقد به اصلاح و یا پایان تنبیه، بنا بر دلایل جسمانی یا روانی، باشد باید گزارش امر را به اطلاع مدیر زندان برساند.

۵۱. اگر بخواهیم فلسفهٔ حقوق بشر معاصر را مبنا قرار بدهیم، متوجه خواهیم شد که قاعده ۳۲ علاوه بر این‌که با قاعده ۳۱، درمقایسه با روح حاکم بر مقررات بین‌المللی رفتار با زندانیان، بسیار کهنه و از کارافتاده به‌نظر می‌آید. محروم‌کردن از غذا، تنبیهی غیرقابل توجیه است که بر سلامتی زندانی آسیب می‌رساند. قاعده ۳۲، تعریفی از واژهٔ «منزوی‌کردن» ارائه نمی‌دهد و هیچ محدودیتی در رابطه با مدت این نوع تنبیه مشخص نمی‌سازد. به هر حال، مسلم است که منزوی‌کردن که به سلامت زندانیان لطمه می‌زند، با مقررات عمومی دفاع از حقوق بشر تضاد دارد.

۵۲. برخی از تنبیهات دسته‌بندی‌شده در قاعده ۳۲ به منظور پیشگیری از بی‌نظمی در زندان بر زندانیان تحمیل می‌شود، یعنی پیش از آنکه هر نوع بی‌انضباطی روی دهد و این امر با اصول حقوق بشر وRMT ها که خواهان دادرسی انضباطی پیش از هر نوع تنبیه هستند درتضاد است.

۵۳. شیوه‌های طرح شکایت، آن‌گونه که درRMT ها معین شده، در زمینه‌های انضباطی نیز با همان شدّت قابل اجراست. زندانیان حق دارند علیه تنبیه‌ها، هم از نظر نحوه تعیین آنها و هم از نظر نحوهٔ اجرای آنها، شکایت کنند. مقامات زندان باید به‌هروسیله ممکن از سوءِاستفاده‌های احتمالی در زمینهٔ اختیارات انضباطی پیشگیری کنند و به‌ویژه به‌طور مرتب و مداوم امکان بررسی تنبیه‌ها به‌وسیلهٔ اشخاص یا سازمان‌های مستقل را فراهم آورند.

حقوق بشر و تنبیه‌ها

۵٤. ماده ۵ بیانیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، شکنجه و هر نوع مجازات و رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز را ممنوع می‌سازند و لذا تأییدکنندهٔRMT های مربوط به تنبیهات انضباطی محسوب می‌شوند. ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی به‌ویژه مقرر می‌کند:
۱۰ـ(۱)
با هر فردی که از او سلب آزدای شده باید به‌طور انسانی و توأم با احترام به حیثیت انسان رفتار شود.
(۲)

www.ParsBook.org

الف) متهمان، به‌جز در موارد استثنایی، باید از محکومان جدا باشند و در نظام حبس متمایزی نگهداری شوند که با شرایط آنان به‌عنوان فرد غیرمحکوم متناسب باشد.
ب) متهمان جوان باید از بزرگسالان جدا نگهداری شوند و دربارهٔ آنها نیز تا حدّ امکان باید سریع‌تر تصمیم‌گیری شود.
(۳)
در نظام حبس باید نوعی شیوهٔ رفتار با محکومان وجود داشته باشد که هدف آن اصلاح و بازپروری اجتماعی آنان است. جوانان بزهکار باید از بزرگسالان جدا باشند و در نظام حبسی نگاهداری شوند که با سن و سال و موقعیت حقوقی آنان متناسب باشد.

۵۵. کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل متحد در بند تفسیری ۲۱ـــ(٤٤) مورخ ۶ آوریل ۱۹۹۲، درخواست کرده است که کشورها به حیثیت زندانیان و بازداشت‌شدگان احترام بگذارند. کمیتهٔ مذکور این اصل را به‌عنوان یکی از اصول «اساسی و جهانی» برشمرده است که اجرای آن جزو اقدامات حداقل محسوب می‌شود و ارتباطی به منابع مادی کشورها ندارد.

شکنجه، مجازات و رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز

۵۶. شکنجه، مجازات و رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز در ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ممنوع اعلام شده است.

۵۷. ماده ۵ کنوانسیون قارهٔ آمریکا علیه شکنجه مقرر می‌کند که: خطرناک بودن فرد زندانی یا بازداشت شده و یا فقدان امنیت در یک محیط حبس، هیچکدام نمی‌توانند توجیهی بر شکنجه باشند.

۵۸. ممنوعیت شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز (گاهی به‌طور غیرمستقیم) در قانون‌های اساسی تمامی کشورهای جهان مورد تأیید قرار گرفته است. برای تقویت جنبهٔ جهانی این اصل، کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه و دیگر مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز، کشورها و دولت‌ها را موظف می‌سازد تا به تعقیب و تنبیه عاملین چنین اقداماتی بپردازند و خسارات وارده به قربانیان را جبران نمایند.

۵۹. ممنوعیت چنین اقداماتی باید یکی از اصول محوری حاکم بر نظام انضباطی در زندان‌ها باشد. کنوانسیون مبارزه علیه شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۹۸٤) در

www.ParsBook.org

بند ۱ــ۱ خود، شکنجه را این‌گونه تعریف می‌کند:
طبق مفاد کنوانسیون حاضر، واژهٔ «شکنجه» به‌معنای هر عملی است که در اثر آن درد یا رنج شدید جسمانی یا روانی به‌طور عامدانه بر شخصی تحمیل شود، هدف از شکنجه می‌تواند این موارد باشد: کسب اطلاعات دربارهٔ خود فرد یا شخص ثالث، گرفتن اعتراف، تنبیه فرد به‌خاطر عملی که او و یا فرد ثالث مرتکب شده‌اند و یا مظنون به ارتکاب آن هستند، ایجاد رعب و یا اعمال فشار بر فرد و یا بر شخص ثالث و یا هر انگیزه‌ای که بر نوعی تبعیض استوار باشد. شکنجه زمانی روی می‌دهد که درد و آلام توسط مأمور بخش دولتی و یا هر فرد دیگری که دارای عنوان رسمی است بر قربانی تحمیل شود و یا با اشاره و موافقت صریح یا ضمنی چنین فردی انجام گیرد. هر رنج و دردی که در اثر تنبیه‌های قانونی و یا در ارتباط با این نوع تنبیه‌ها بر فرد تحمیل شود، مصداق شکنجه نمی‌باشد.

چه زمانی مجازات‌ها و رفتارها قابل تشبیه به شکنجه و یا رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز هستند؟

۶۰. در پی قضایای متعددی که طی آنها زندان‌ها به خاطر اعمال شکنجه یا مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز مورد انتقاد قرار گرفتند، مجموعه‌ای از اصول کلی، چه در عرصه بین‌المللی و چه در داخل کشور، تدوین شده است. طبق این اصول، برخی تنبیه‌های انضباطی را می‌توان به مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز تشبیه کرد و درنتیجه آنها را غیرقابل پذیرش دانست.
مشخصات این‌گونه تنبیه‌ها عبارتند از:
الف) نامتناسب‌بودن با جرم و ناسازگاری با مسئلهٔ حفظ انضباط و نظم در محیط زندان؛
ب) نامعقول بودن؛
ج) بیهوده بودن؛
د) خودسرانه بودن؛
ه) منشأ سرخوردگی و یا رنجی تحمل‌ناپذیربودن.

۶۱. بر اساس معیارهای مختلف می‌توان مشخص کرد که آیا یک تنبیه، تجاوزی به اصول فوق است یا خیر، معیارهایی از قبیل:
۱) ماهیت و مدّت تنبیه؛
۲) تعداد تکرار تنبیه و عواقب این تکرار با توجه به جنسیت، سن و دیگر ویژگی‌های جسمانی زندانی تنبیه‌شده؛
۳) وضعیت بهداشت جسمانی روانی زندانی تنبیه‌شده؛

www.ParsBook.org

٤) صلاحیت و استقلال کارمندان بخش پزشکی که مأمور ارزیابی عواقب تنبیه بر سلامتی جسمانی و روانی فرد زندانی هستند؛
۵) منطبق‌بودن تنبیه بر قوانین.

۶۲. مسئولان زندان نمی‌توانند رفتار خشن با زندانیان را به این بهانه که مطابق قانون و یا به دستور مافوق انجام داده‌اند توجیه کنند. ماده ۵ آیین‌نامهٔ انضباطی سازمان ملل برای مسئولان اجرای قوانین، در این زمینه تصریح می‌کند:
هیچ‌یک از مسئولان اجرای قوانین نمی‌توانند اقدام به شکنجه یا هر نوع مجازات و رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را تحمیل، ترغیب و یا با آن مدارا کنند، بهانه‌هایی همچون اطاعت از دستور مافوق و وجود شرایط استثنایی مانند وضعیت جنگی، تهدید جنگی، تهدید علیه امنیت ملّی، بی‌ثباتی سیاسی یا دیگر وضعیت‌های استثنایی برای توجیه شکنجه یا مجازات و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز پذیرفته نیست.

تناسب تنبیه

۶۳. مقررات مربوط به حقوق بشر در نظام انضباطی زندانی، به اصل متناسب‌بودن اشاره کرده‌اند که طبق آن تنبیه به‌هیچ‌وجه نباید با جرم نامتناسب باشد. ماده ۳ آیین‌نامهٔ انضباطی سازمان ملل برای مسئولین اجرای قانون، آنان را از کاربرد زور منع می‌کند، «مگر در صورتی که استفاده از زور کاملاً اجتناب‌ناپذیر و فقط در حدی باشد که نحوهٔ انجام وظیفهٔ این مسئولان ایجاب می‌کند». ضمناً، اصل ۱۶ از اصول پایه‌ای سازمان ملل پیرامون توسل به زور و استفاده از سلاح گرم توسط مسئولان اجرای قانون، یادآور می‌شود:
مسئولان اجرای قانون نباید در چارچوب روابط خود با متهمین یا محکومین زندانی به سلاح گرم متوسل شود، مگر در موارد مشروع برای دفاع از خود یا دفاع از فرد ثالث در مقابل تهدید به مرگ یا جراحت جدی و یا زمانی‌که استفاده از سلاح گرم برای جلوگیری از فرار متهمان یا محکومان زندانی که خطرات ذکرشده در اصل ۹ را به‌وجود می‌آورد اجتناب‌ناپذیر باشد.
(منظور از خطرات ذکرشده در اصل ۹، جرم‌هایی وخیم است که زندگی انسان‌ها را به‌طور جدی در معرض خطر قرار می‌دهد).

www.ParsBook.org

شکل‌هایِ مختلف تنبیه

۶۴. قاعده ۲۹ــ ب از RMT ها و اصل ۳۰ــ(۱) از مجموعهٔ اصول حفاظت از تمامی افرادی که به نحوی از انحأ در بازداشت یا زندان به‌سر می‌برند، مقرر می‌کند که ماهیت و مدّت تنبیه در قوانین و مقررات مکتوب، مشخص گردد. درعمل شکل‌هایِ مختلف تنبیه که به‌خاطر بی‌انضباطی بر زندانی تحمیل می‌شود، متعدد و متنوع است. ما در اینجا فقط به بررسی برخی اشکال می‌پردازیم.

منزوی‌کردن

۶۵. منزوی‌کردن شناخته‌شده‌ترین شکل تنبیه در میان تمامی اشکال مختلف تنبیه است. قاعده ۳۲ــ(۱) RMT ها «مجازاتی از قبیل منزوی‌ساختن و محروم‌کردن از غذا» را ممنوع می‌کند، مگر آنکه «پزشک زندانی را معاینه کرده باشد و به‌طور کتبی گواهی داده باشد که فرد زندانی قادر به تحمل چنین تنبیهی است».

۶۶. RMT ها به‌طور واضح مجازات منزوی‌ساختن را ممنوع نمی‌کنند، اما آن را به‌وضوح شکلی از تنبیه می‌دانند که فقط در شرایط استثنایی قابل استفاده است. کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل متحد در بند تفسیری ۲۰ــ(٤٤) خاطرنشان می‌کند که «منزوی ساختن طولانی‌مدّت» می‌تواند نوعی شکنجه باشد. اصل ۷ از اصول بنیادین سازمان ملل متحد پیرامون رفتار با زندانیان خواستهٔ زیر را مطرح کرده است:
بهتر است تلاش‌هایی انجام و مورد تشویق قرار گیرد که هدف آنها الغای تنبیه حبس در سلول و یا محدودکردن توسل به چنین تنبیهی است.

۶۷. بسیاری از نظرات و تصمیم‌های کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های ملّی و بین‌المللی دربارهٔ «منزوی‌ساختن»، امکان تدوین مجموعهٔ مقرراتی برای رفتار بهتر در این زمینه را فراهم می‌آورند.

انزوای طولانی‌مدت

۶۸. منزوی‌کردن طولانی‌مدت، قانونی نیست. کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل متحد در بند تفسیری شمارهٔ ۲۰ــ(٤٤) دربارهٔ ماده ۷ میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، ابراز عقیده می‌کند که

www.ParsBook.org

«منزوی‌کردن طولانی‌مدت یک فرد زندانی یا بازداشتی» می‌تواند با شکنجه معادل باشد. در قضیه لاروزا علیه دولت اوروگوئه (ابلاغیه شمارهٔ ۸۸/۱۹۸۱)، کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل متحد حکم داد که منزوی‌کردن بیش از یک‌ماه، انزوای طولانی‌مدّت محسوب می‌شود و نوعی تجاوز به حقوق و حیثیت زندانی است.

انزوا برای مدت نامحدود

۶۹. انزوا به‌هیچ‌وجه نباید برای مدتی نامحدود بر زندانی تحمیل شود. در پروندهٔ دیوماره علیه دولت ماداگاسکار (ابلاغیه ۴۹/۱۹۷۹) ، دیوماره که شهروند آفریقای جنوبی بود و به تحمل زندان در ماداگاسکار محکوم شده بود، پس از تلاش برای فرار به مدت سه‌سال از داشتن تماس با محیط خارج محروم و در یک سلول به ابعاد ۱ متر در دو متر محبوس شد. در تمام این مدت، او فقط دوبار آن‌هم به مدتی کوتاه از سلول خود خارج و در مقابل دادگاه شهر آنتاناناریوو، پایتخت ماداگاسکار، حاضر شد. کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل متحد این اقدام را غیرانسانی ارزیابی کرد.

تکرار انزوا

۷۰. تکرار تنبیه منزوی‌ساختن نیز غیرقانونی است. ادارهٔ زندان اغلب منزوی‌ساختن را راحت‌ترین و مؤثرترین شیوه برای برخورد با زندانیان خطرناک می‌داند و آن را به‌کار می‌برد، بدون آنکه به اتهامات وارده بر زندانیان، مثلاً وقتی آنان برای دومین بار زندانی می‌شوند، توجهی کند. مقامات زندان فکر می‌کنند که اگر زندانی تنبیه اول را تحمل کند، با تنبیه‌های بعدی نیز بدون مقاومت کنار خواهد آمد، لذا زندانی را بدون هیچ توجیه و عذر قابل قبولی در حالت منزوی نگه می‌دارند. منزوی‌کردن می‌تواند تأثیرات خطرناکی بر سلامت جسمانی و روانی زندانی به‌جا گذارد؛ و ادارهٔ مرکزی زندان وظیفه قانونی دارد که جلوی این‌گونه اعمال را بگیرد.

منزوی‌ساختن به همراه دیگر تنبیه‌ها

۷۱. منزوی‌ساختن به‌هیچ‌عنوان نباید با اشکال دیگری از تنبیه همراه شود. این موضوع در بند ۳۰ـــ(۱) RMT ها مورد تأکید قرار گرفته که طبق آن هیچ زندانی‌ای نباید به‌خاطر یک جرم دوبار تنبیه شود. در

www.ParsBook.org

قضیه‌ای که در زیمبابوه روی داد، یک نفر به جرم سرقت به سه سال زندان محکوم شد وی در گذشته نیز به سه سال زندان تعلیقی با کار اجباری محکوم شده بود که این مجازات به مجازات دوم او افزوده می‌شد، اما قاضی حکم داد که محکوم باید یک‌پنجم اول و یک‌پنجم آخر از مدت محکومیت خود را در زندان انفرادی و تحت رژیم غذایی سختگیرانه‌ای سپری کند. دادگاه عالی زیمبابوه نظر داد که زندان انفرادی در کنار رژیم سختگیرانهٔ غذایی نوعی مجازات غیرانسانی و تحقیرآمیز محسوب می‌شود و بدین‌دلیل با قانون اساسی مغایر است. دادگاه مذکور توضیح داد که «این نوع تنبیه‌ها یادآور دوره‌های کهن» هستند.

امداد پزشکی به زندانی تنبیه‌شده

۷۲. یک پزشک یا هر فرد صلاحیت‌دار دیگر در زمینه پزشکی باید بر نیازهای پزشکی زندانیان تنبیه‌شده نظارت کند؛ نقش آنان نباید فقط به این امر محدود شود که گواهی دهند زندانی از نظر جسمانی قادر به تحمل تنبیه است یا نه. مشارکت کارمندان امور پزشکی در اعمال تنبیه در زندان، مسایل اخلاقی مهمی را به‌وجود می‌آورد۱٤، در قاعده ۳۲ــ(۱) RMT ها خواسته شده که پزشک قبل از دادن گواهی کتبی مبنی بر اینکه زندانی قادر به تحمل تنبیه‌هایی مانند زندان انفرادی است باید وی را به‌دقت معاینه نماید. اصل ۳ از اصول اخلاق پزشکی که توسط کارمندان امور بهداشتی و به‌ویژه پزشکان به هنگام حفاظت از زندانیان و بازداشت‌شدگان در مقابل شکنجه و دیگر مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز قابل اجراست و در دسامبر ۱۹۸۲ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده است، تأکید می‌کند:
اگر کارمندان امور بهداشتی، به‌ویژه پزشکان، از نظر شغلی روابطی با زندانیان و بازداشت‌شدگان داشته باشند که هدف آن منحصراً ارزیابی، حفاظت و یا بهبود وضعیت بهداشت جسمانی و روانی زندانیان نباشد، در این‌صورت اخلاق پزشکی زیرپا گذاشته شده است.

۷۳. پزشکی که گواهی می‌دهد یک زندانی قادر به تحمل زندان انفرادی است درواقع از اصل فوق عدول می‌کند. امّا اگر پزشک به نیازهای پزشکی زندانیانی که در انفرادی به‌سر می‌برند و یا تنبیه مشابهی را تحمل می‌کنند رسیدگی نماید، در این‌صورت خطایی از پزشک سرنزده است. درصورتی که سلامت زندانیان تهدید شود پرسنل پزشکی حق دارد به ادارهٔ زندان توصیه کند که تنبیه را متوقف نمایند و مقامات زندان موظف هستند این‌گونه نظرات را به‌طور کامل مراعات کنند. در پرونده‌ای که در کمیسیون اروپایی حقوق بشر مفتوح بود، کروشر و مولر که از سوی مقامات سوییس مظنون به اقدامات تروریستی بودند، علاوه بر زندان انفرادی، در سکوت و تاریکی مطلق نگه داشته می‌شدند. آنان تحت کنترل پزشکی و روان‌پزشکی قرار گرفتند و براساس یک نظریه پزشکی، رفته‌رفته شرایط نگهداری آنان بهتر شد و سرانجام آنان پس از دوماه از زندان انفرادی بیرون آورده شدند. کمیسیون اروپایی حقوق

www.ParsBook.org

بشر این اقدام را متناسب ارزیابی کرد (پرونده کروشر و مولر علیه سوییس، سند شمارهٔ ۸۴۶۳/۷۸ مورخ ۱۹۸۳).

۷۴. طبعاً به‌عهدهٔ پرسنل پزشکی است که تمامی ایرادهای اخلاقی مربوط به نقش این پرسنل در درون زندان را به اطلاع ادارهٔ زندان برساند.

مقررات مربوط به منزوی‌ساختن باید به روشنی مشخص شود

۷۵. منزوی‌ساختن زندانیان در برخی شرایط می‌تواند ممنوع شود، این شرایط باید با دقت تمام مشخص و اعلام گردد. اگر زندان‌ها نتوانند کارمندان صلاحیت‌دار در امور پزشکی در استخدام خود داشته باشند (به‌دلیل ضعف منابع کشور)، ادارهٔ زندان باید یک گروه پزشکی داوطلب را که به سازمان‌های غیردولتی، مذهبی و خیریه وابسته هستند به کمک فراخواند، سازمان‌هایی که یکی از اهداف آنها ارائه کمک پزشکی به زندانیانی است که متحمل حبس انفرادی می‌شوند.۱۵

دست‌بند، غُل و دیگر آلات محدودکننده

۷۶. قاعده RMT۳۳ ها به‌طور مطلق استفاده از آلات محدودکننده به‌عنوان تنبیه را ممنوع می‌سازد:
آلات محدودکننده مانند دست‌بند، زنجیر و غُل نباید برای تنبیه مورد استفاده قرار گیرند. زنجیر و غل نیز نباید به‌عنوان ابزار محدودکننده به‌کار روند.

۷۷. قاعده ۳۳ استفاده از آلات محدودکننده را در شرایطی مشخص و برای اهدافی محدود مجاز می‌شمارد:
الف) برای پیشگیری از فرار زندانی به هنگام انتقال او، به‌شرط آنکه به محض حضور زندانی در مقابل مرجع قضایی یا اداری، آلات محدودکننده از بدن او باز شود؛
ب) بنا بر دلایل پزشکی و مطابق دستور صریح پزشک؛
ج) به‌دستور مدیر زندان، در صورتی که روش‌های دیگر برای کنترل زندانی کارآیی نداشته باشد و به هدف جلوگیری از لطمه‌زدن زندانی به خود و دیگران و یا واردکردن خسارت؛ در این حالت مدیر باید به‌طور اضطراری با پزشک مشورت کند و موضوع را به مقامات اداری بالاتر گزارش نماید.
وضعیت بحرانی هرگونه که باشد، قاعده RMT۳٤ ها مقرر می‌کند:
الگو و شیوهٔ استفاده از آلات محدودکننده باید از سوی ادارهٔ مرکزی زندان‌ها مشخص گردد. کاربرد این

www.ParsBook.org

آلات نمی‌تواند بیش از مدتّ لازم، که دقیقاً معین می‌شود، ادامه یابد.

۷۸. قواعد ۳۳ و ۳٤ ظاهراً این مفهوم را می‌رسانند که مسئولان زندان نمی‌توانند از آلات محدودکننده استفاده کنند مگر برای پیشگیری از ایراد جراحت از سوی زندانی به خود یا دیگران و نیز در شرایط خاص پزشکی که در فصل چهار به آن خواهیم پرداخت. یادآوری این نکته مهم است که مقررات ذکرشده در بالا استفاده از آلاتی همچون دست‌بند و غل را به هنگام حضور زندانی در دادگاه یا مرجع اداری ممنوع می‌سازند، امّا این ممنوعیت کمتر رعایت می‌شود.

تنبیه بدنی

۷۹. قاعده ۳۱ تنبیه بدنی را مصداق تنبیه‌های خشن، غیرانسانی و تحقیر می‌داند و آن را رسماً ممنوع ساخته است. لذا کتک یا شلاق‌زدن زندانیان به‌عنوان تنبیه، اقدامی غیرقانونی محسوب می‌شود.

لغو کاهش مدت حبس

۸۰. ممانعت از آزادی زودهنگام و یا لغو کاهش مدت مجازات جزءِ رایج‌ترین تنبیه‌ها هستند. اگر این تنبیه‌ها فقط در قبال جرایم سنگین و اصرار بر جرم اعمال شود و به‌شرطی که ممانعت از آزادی زودهنگام یا مشروط جنبه‌ای مطلق به‌خود نگیرد، جای هیچ‌گونه انتقادی وجود ندارد.

۸۱. تا سال ۱۹۸۳، مقامات زندان در انگلستان از اختیارات نامحدودی در این زمینه برخوردار بودند. درپی قضیه‌ای که در این کشور روی داد، دادگاه اروپایی حقوق بشر رأیی را که به لغو کاهش ۵۷۰ روز از مدت حبس زندانیان حکم داده بود نقض کرد و ابراز عقیده نمود که زندانیان ذینفع می‌بایست از کمک‌های وکلا برخوردار می‌شدند (پروندهٔ کمپل و فل علیه انگلستان).

محرومیت مربوط به حواس

۸۲. طبق قاعده RMT۳۱ ها، مقامات زندان حق ندارند زندانیان را بنا بر دلایل تنبیهی یا هر دلیل دیگر،

www.ParsBook.org

در سلول‌هایی که دارای یک منبع نور مصنوعی و تهویه ناکافی هستند محبوس کنند. در کشور زیمبابوه یک محکوم به مرگ، به‌عنوان تنبیه در سلولی بدون پنجره قرار داده شد که در آن لامپی به‌طور بیست‌وچهارساعته روشن بود و کلید برق نیز در خارج سلول قرار داشت. زندانی فقط حق داشت سی دقیقه در روز به نرمش بپردازد. رفتار مشابهی با زندانیان در یک پروندهٔ دیگر به‌عنوان رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز محکوم شده است (دعوی کنیوایو علیه وزارت دادگستری و امور حقوقی و پارلمانی، ۱۹۹۱).

محروم‌کردن از غذا

۸۳. قاعده ۳۲ــ(۱) محروم‌کردن زندانیان از غذا به‌عنوان تنبیه را ممنوع می‌سازد، مگر آنکه پزشک فرد زندانی را معاینه نماید و کتباً گواهی بدهد که وی قادر به تحمل چنین تنبیهی است. در پاراگراف‌های ۵۰ و ۶۹ فصل حاضر دیدیم که محروم‌کردن از غذا یکی از تنبیه‌های ناشایست محسوب می‌شود.

دو یا چند تنبیه برای یک جرم

۸٤. بند ۳۰ ـ(۱) دوبار تنبیه به‌خاطر یک بی‌انضباطی را ممنوع ساخته است. با این‌حال بسیار پیش می‌آید که زندانیان پس از تحمل یک تنبیه از سلولی به سلول دیگر و یا به زندان دیگر منتقل می‌شوند. این تنبیه‌های مضاعف قابل پذیرش نیستند، مگر آنکه تغییر محل حبس بخشی از تنبیه باشد. اگر به‌عنوان مثال، زندانی باید در محل‌هایی با ضریب امنیتی بالا نگه داشته شود، می‌توان او را به زندانی که از این نظر مناسب‌تر است انتقال داد. مسئولان زندان هربار باید به‌دقت مراقب عواقب عینی تنبیه انتخاب‌شده باشند. در هر صورت باید از تدابیر انضباطی مضاعف، بیش از آنچه در منطق تنبیه انتخابی وجود دارد، اجتناب شود و تدابیری باید اتخاذ شود که از میزان تأثیرات سوءِ تنبیه‌ها بر حقوق و امتیازات زندانیان بکاهد.

تقاضای تجدیدنظر دربارهٔ تنبیه انضباطی

۸۵. حفظ نظم درزندگی‌جمعی زندان زمانی تضمین‌می‌شود که زندانیان ناراضی از نظام حبس و نحوهٔ

www.ParsBook.org

استقرار این نظام از ابزارهای لازم برای طرح شکایت برخوردار باشند. تجدیدنظرخواهی حداقل بنا بـر دو دلیل زیر ضروری است:

ــ محدودکردن و اعمال کنترل بر اختیارات کارمندان زندان در زمینه‌های انضباطی؛

ــ اصلاح سوءِاستفاده‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که ممکن است در روند برقراری نظم روی دهد.

زندانیان باید از شیوه‌های تقاضای تجدیدنظر مطلع شوند و به استفاده از این شیوه‌ها تشویق گردند.

اصول قابل اجرای حقوق بشر

RMT.۸۶ ها در قبال احتمال تقاضای تجدیدنظر در زمینه‌های انضباطی سکوت کرده‌اند. با این حال، مـاده ۸ بیانیه جهانی حقوق بشر به این احتمال اشاره دارد:

هرکس حق دارد علیه رفتارهایی که به حقوق بنیادین او، طبق قانون اساسـی یـا قـوانین موضـوعه، تجـاوز محسوب می‌شود، به مراجع قضایی ذیصلاح ملّی رجوع کند.

۸۷. ماده ۲ــ(۳) از میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی در این زمینه نظر روشن‌تری دارد:

کشورهایی که به میثاق حاضر پیوسته‌اند متعهد می‌شوند:

الف) تضمین کنند هرکسی که حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته‌شدهٔ او در میثاق حاضر مورد تجـاوز قرار بگیرد از امکان رجوع به مراجع قضایی برخوردار شود، حتی اگر این تجاوز از سوی کسـانی باشـد کـه مشاغل رسمی دارند؛

ب) تضمین کنند که مرجع ذیصلاح قضایی، اداری و قانونگذار و یا هر مرجـع ذیصـلاح دیگـر طبـق قـوانین کشور، دربارهٔ حقوق فردی که خواهان دادخواهی است به تصمیم‌گیری بپردازد و امکان دادخواهی قضایی را توسعه دهد؛

ج) تضمین کنند که مراجع ذیصلاح نسبت به هر دادخواستی کـه موجـه شـناخته شـود ترتیـب اثـر لازم را خواهند داد.

۸۸. مواد ۲ و ۱۲ تا ۱۶ کنوانسیون مبارزه علیه شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهـای خشـن، غیرانسـانی و تحقیرآمیز، دولت‌ها را موظف می‌کنند که در خاک کشور خود از هـر نـوع شـکنجه و مجـازات یـا رفتـار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز پیشگیری و آن را مورد پیگـرد و مجـازات قـرار دهنـد و درنهایـت چنـین اقدماتی را اصلاح نمایند. تا جایی‌که به حقوق زندانیان مربوط می‌شود، طبق این وظیفه، مقامات زندان باید امکان فرجام‌خواهی را برای زندانیان فراهم آورند.

www.ParsBook.org

دیگر اسناد حقوقی

۸۹. لزوم برخورداری زندانیان از امکان طرح شکایت در ماده ۱ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، ماده ۲ و ۲۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۶ کنوانسیون مبارزه علیه شکنجه در قارهٔ آمریکا نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

ماهیت شیوه تقاضای تجدیدنظر

۹۰. مقامات زندان طبعاً مسئول اجرا و اداره شیوهٔ تقاضای تجدیدنظر در قبال تنبیه‌های انضباطی داخلی در زندان هستند. این شیوه که باید از مقررات حاکم بر نحوهٔ طرح شکایت برگرفته شود، باید تحت نظارت ادارهٔ مرکزی زندان آغاز شود و توسعه یابد.

۹۱. در نظام حبسِ کشورها، باید یک ساختار مرکزی تقاضای تجدیدنظر به‌وجود آید. این ساختار به جمع‌آوری شکایات زندانیانی خواهد پرداخت که از نتیجهٔ تصمیم‌گیری در مرجع بدوی، در داخل زندان ناراضی هستند. این ساختار مرکزی می‌تواند به‌طرز محسوسی از میزان نگرانی زندانیانی که از تصمیم اولیه در داخل نهاد زندان انتقاد می‌کنند بکاهد.

۹۲. شیوهٔ فرجام‌خواهی برای جلب اعتماد زندانیان باید روندی سریع داشته و بدون تشریفات افراطی باشد. شکایات باید ثبت شوند و روند بررسی‌ها و تشکیل پرونده باید به‌صورت مکتوب باشد و تصمیم‌های متخذه نیز باید موجه باشند.

۹۳. همچنین می‌توان شیوه‌ها و ساختارهای مستقل فرجام‌خواهی (مستقل از ادارهٔ زندان) را به زندانیان پیشنهاد داد.۱۶

تقاضای تجدیدنظر

۹٤. دادگاه‌ها از این اختیار و وظیفه برخوردارند که بر نحوهٔ اعمال تنبیه‌ها در زندان نظارت کنند و

www.ParsBook.org

اطمینان حاصل نمایند که این تنبیه‌ها مطابق قانون بوده و خودسرانه یا ناعادلانه نیستند.

۹۵. با توجه به هزینه‌های دادرسی و دستمزد وکلا، به‌نظر می‌رسد که رجوع به دادگاه تا حدی غیرواقع‌گرایانه است. اغلب زندانیان از منابع مالی لازم برخوردار نیستند و لذا نمی‌توانند علیه تنبیه‌های انضباطی که از نظر آنها تجاوز به حقوق آنها بوده است در دادگاه به طرح شکایت بپردازند. لذا وظیفهٔ سازمان‌های داوطلب و غیردولتی است که این امر را به‌عهده گیرند، سازمان‌هایی که در جهت منافع مردم و زندانیان تلاش می‌کنند. آنان باید موارد تجاوز به حقوق زندانیان را مشخص نمایند و به طرح شکایت در دادگاه‌های ذیصلاح بپردازند. همین سازمان‌ها عامل پیشرفت‌هایی بوده‌اند که در زمینهٔ حقوق زندانیان حاصل شده است.

۹۶. علیرغم مشکلات و محدودیت‌های موجود، دولت‌ها وظیفه دارند به حمایت قانونی از زندانیان بپردازند، این حمایت قانونی موجب می‌شود که نظارت قضایی بر ادارهٔ زندان‌ها برقرار و تقویت شود.

www.ParsBook.org

فصل سوم

شرایط مادی و نیازهای اولیه زندانیان

مقدمه

۱. شرایط زندگی در یک زندان تأثیر سرنوشت‌سازی بر حفظ عزت نفس و حیثیت زندانیان دارد. سلامت جسمانی و روانی زندانی به عوامل مختلفی بستگی دارد: آیا در محل خواب او، تخت‌خواب، ملافه و پتو در اختیار او می‌گذارند، یا اینکه وی باید بر پتوهای مندرس روی زمین بخوابد؟ آیا او آزادانه می‌تواند به دستشویی برود، یا اینکه باید به زندانبان التماس کند تا او را به دستشویی ببرد؟ در یک فاصلهٔ زمانی مشخص وی چندبار می‌تواند استحمام کند؟ زندانی چه لباس‌هایی می‌تواند بپوشد؟ غذای زندانی در کجا سرو می‌شود و محتوی غذا چیست؟ و غیره...

۲. مهم‌ترین قوانینی که در زمینهٔ دفاع از حقوق بشر نگاشته شده‌اند همگی بر حق احترام به شأن انسانی تأکید کرده‌اند. بیانیهٔ جهانی حقوق بشر، این حق را در صدر بند اول خود قرار داده است. ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام می‌کند:

www.ParsBook.org

با هر انسانی که از آزادی محروم شده باید طبق شئون انسانی و با احترام به حیثیت برآمده از شخصیت انسانی او رفتار شود.
اصول بنیادین مربوط به رفتار با زندانیان و مجموعه اصول حفاظت از تمامی افرادی که به‌نحوی از انحأ در زندان یا بازداشت به‌سر می‌برند، در نخستین سطور خود حاوی تمهیدات مشابهی هستند.

۳. شرایط نامساعد حبس نه‌تنها تجاوز به حیثیت زندانی محسوب می‌شود بلکه می‌تواند جزو تنبیه‌های خشن، ناعادلانه و خطرناک برای سلامتی و حتی زندگی زندانی به‌حساب آید: به همین دلیل، شرایط بد زندان نوعی تجاوز به حق مسلم زندانی است که نباید مجبور به تحمل شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز شود، این اصل در ماده ۵ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون مبارزه با شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز، و به‌صورتی صریح‌تر در اصل ۶ از مجموعه اصول حفاظت از تمامی افرادی که به‌نحوی از انحأ در زندان یا بازداشت به‌سر می‌برند، مورد تأکید قرار گرفته است. در برخی موارد، شرایط ناگوار حبس به‌طور عمدی بر زندانی تحمیل می‌شود تا شخصیت او را خرد کنند، یا او را عصبانی نمایند و یا او را مجبور به دادن شهادت و یا اعتراف کنند. شرایط بد زندان می‌تواند ناشی از بی‌توجهی مقامات نیز باشد.

٤. RMT ها، همان‌گونه که خواهیم دید، دارای چندین ماده مشروح هستند که به جنبهٔ مادی زندگی در زندان پرداخته‌اند.

خلاقیت می‌تواند بهتر از پول به بهبود شرایط زندگی در زندان کمک کند

۵. یک ارادهٔ سیاسی و برخی ابتکارهای پرسنل زندان می‌تواند حتی بهتر از صرف هزینه‌های کلان، به بهبود شرایط زندگی روزمره در زندان کمک کند، مثلاً در زمینهٔ نحوهٔ اسکان و یا رفع نیازهای اولیه.

۶. مأموران زندان که مسئول رسیدگی به کیفیت محل اقامت زندانیان (کیفیت محل، تراکم جمعیت و غیره) هستند، باید به‌یاد داشته باشند که سلول برای زندانی مانند آپارتمان است برای خود این مأموران. آنها باید تصور کنند که خودشان در این سلول‌ها زندگی می‌کنند و بر این اساس شروع به طرح سؤالات مقدماتی نمایند: آیا فلان تغییر ضروری را نمی‌توان با صرف هزینهٔ کمتری عملی ساخت؟ آیا قابل تحمل است که فلان بی‌نظمی‌ها ادامه پیدا کند؟ تصمیم برای حداکثر بهره‌برداری از زیربناها و ابزارهای موجود باید طبق چنین افکاری اتخاذ شود.

www.ParsBook.org

۷. عامل مالی را نمی‌توان نادیده گرفت، اما کمبود پول عذر قابل قبولی بـرای تحمیـل شـرایط سـخت بـه زندانیان نیست، شرایطی که درواقع نوعی تجاوز به حقوق بشر و شأن انسانی محسوب می‌شوند.۱۷ ضمناً، شرایط زندان بر فضای زندگی پرسنل نیز تأثیر می‌گذارد، و آنها حق دارنـد کـه از شـرایط کـار مناسـبی برخوردار باشند. لذا وظیفه سندیکاها، سازمان‌های دولتی و افراد باانگیزه (حتی در میان کارمندان زنـدان) است که برای تأمین منافع زندانیان و زندانبانان، نظر مسئولان سیاسی را به ایـن مشـکلات، و بـه‌ویـژه بـه مسئلهٔ تراکم جمعیت در زندان، جلب نمایند.

محل اقامت

سلول‌ها و خوابگاه‌ها

۸. قاعده ۹ــ(۱)

سلول‌ها و اتاق‌هایِ انفرادی که برای نگهداری شبانهٔ زندانی‌ها اختصاص می‌یابد حتماً باید یـک‌نفـره باشـد. اگر بنا بر دلایل خاص، مانند ازدحام موقتی، ادارهٔ مرکزی زندان مجبور به عدول از این قاعده گـردد، در هر صورت باید از اسکان‌دادن دو زندانی در اطاق یا سلول یک‌نفره خودداری کند. هرچند که سـلول‌هـای انفرادی قابل ترجیح است، امّا تجربـه نشـان داده اسـت کـه نگهـداری دو زنـدانی در یـک سـلول همیشـه نامناسب نیست، به‌شرطی که مساحت اتاق، تهویه، اثاث، وسایل بهداشتی و غیـره منطبـق بـر اسـتانداردها باشد. قاعده ۹ از این نظر فاقد اعتبار است. اگر بنا بر دلایل خاص، در هریک از سلول‌ها بـیش از یـک نفـر زندانی نگهداشته شـود، ادارهٔ زنـدان موظـف اسـت تمـامی احتیاطهـای لازم بـرای پیشـگیری از هـر نـوع سوءِاستفادهٔ جنسی را به‌کار بندد.

۹. ادارهٔ زندان موظف است نکات تعیین‌شده درRMT ها را رعایت کند، ازجمله استانداردهای مربوط بـه عوامل زیر:

ــ حجم فضایی که هر زندانی اشغال می‌کند؛

ــ ارتفاع سقف؛

ــ روشنایی و تهویه؛

ــ سهولت استفاده از توالت، دستشویی و دوش استحمام در داخل یا خارج سلول؛

ــ وسایل خواب و اثاثیه لازم برای مرتب‌کردن وسایل شخصی.

۱۰. قاعده ۹ــ(۲)

زمانی‌که برای اسکان زندانیان از خوابگاه استفاده می‌شود، زندانیان بایـد بـه‌دقـت انتخـاب شـوند و ثابـت

www.ParsBook.org

گردد که آنها قادر به سکونت در چنین شرایطی هستند. شب‌ها، خوابگاه‌ها باید به‌طور مرتب تحت نظارت قرار بگیرند و نحوهٔ نظارت منطبق بر نوع زندان خواهد بود.
زندگی در خوابگاه مشکلات متعددی را از نظر امنیتی به‌وجود می‌آورد. مجرمان حرفه‌ای و افراد خشن می‌توانند از شرایط خوابگاه برای سوءِاستفاده از زندانیان ضعیف‌تر بهره‌برداری کنند و یا به فعالیت‌های ناشایست دیگری مانند باندبازی و باجگیری دست بزنند. از سوی دیگر، ایجاد زمینه برای رعایت الزامات ذکرشده درRMT ها همان‌گونه که در پاراگراف ۹ آمده است، در محیط خوابگاه بسیار دشوار است.

۱۱. مأموران زندان پیش از انتقال یک زندانی به خوابگاه، باید کاملاً هشیار باشند. زندانیانی که در داخل یا خارج زندان سابقه خشونت دارند، به‌هیچ‌وجه نباید در خوابگاه اسکان داده شوند. طبق الزامی که در RMT فوق ذکر شده، فقط زندانیانی باید در خوابگاه نگهداری شوند که از نظر زندانبان‌ها استعداد زندگی جمعی را دارند. تازه واردان (متهمان، تازه محکومان و زندانیان منتقل‌شده) تا زمانی‌که میزان توانایی آنها برای زندگی جمعی ارزیابی نشده است، نباید در خوابگاه اسکان داده شوند.

۱۲. برای کنترل صحیح خوابگاه، در تمامی ساعات باید یک نفر زندانبان بر امور آنجا نظارت کند. او باید به‌طور دائم در فاصله‌ای که صدای خوابگاه قابل شنیدن است مستقر شود و آماده باشد در صورت بروز حادثه به استمداد یا مداخله بپردازد. بازدیدها باید به‌طور پنهانی و طوری سازماندهی شود که خواب زندانیان برهم نخورد.

۱۳. قاعدهٔ مربوط به اسکان در سلول باید در تمامی زندان‌ها پذیرفته شود. قاعده RMT۸۶ ها در این زمینه کاملاً نظر روشنی را بیان کرده است:
متهمان باید شب‌ها در اتاق‌های یک‌نفره، نگهداری شوند. مگر اینکه عرف محل به دلایل اقلیمی وضعیت دیگری را اقتضأ کند.
این قاعده درواقع بیان صریح همان چیزی است که قبلاً اشاره کردیم: متهمانی که از اصل برائت برخوردارند، باید شرایط زندگی بهتری نسبت به محکومان داشته باشند.

۱٤. بهتر است یک برنامهٔ روزانه برای فعالیت‌های گروهی به زندانیان پیشنهاد گردد تا آنان بخشی از روز را صرف کارهای مربوط به این برنامه کنند. لذا ضرورت دارد تا نوعی فضای شخصی برای زندانیان تأمین شودتا در آن به امور شخصی خود بپردازند. در چنین شرایطی، نوع محل زندگی ـــ سلول یک‌نفره یا خوابگاه ـــ اهمیت زیادی پیدا می‌کند و به هنگام احداث ساختمان‌های جدید زندان‌ها باید به این مسئله توجه شود.

www.ParsBook.org

فضای زندگی

۱۵. قاعده ۱۰

مکان‌های حبس و به‌ویژه مکانی که برای خوابیدن زندانیان درنظر گرفته می‌شوند باید، با توجه به آب‌وهوای منطقه، با نیازهای بهداشتی زندانیان به‌ویژه در زمینهٔ حجم هوا، مساحت، روشنایی، سیستم گرمایی و تهویه متناسب باشد.

مقررات برخی از زندان‌ها در تعریف حجم هوا، گرما و تهویهٔ سلول‌ها حتی از RMT ها نیز نظر دقیق‌تری ارائه کرده‌اند. در RMT ها به‌طور عامدانه این نکات به دقت تعریف نشده‌اند، سلولی که در کشوری کاملاً سردسیر قرار دارد باید تفاوت بسیاری با سلول کشور گرمسیری داشته باشد. قاعده ۱۰ فقط ایجاب می‌کند که شرایط لازم برای خواب شبانه با نیازهای جسمانی متناسب باشد. خوابیدن در اتاقی که تهویهٔ مناسب ندارد و یا سرد و مرطوب است، بیماری‌های عدیده‌ای به‌وجود می‌آورد. اگر کسی مدت‌های طولانی در سلول پرجمعیتی باقی بماند و برای هواخوری یا کار از آن خارج نشود با خطر تحلیل ماهیچه‌های بدن روبرو خواهد شد. درمقابل، اگر کار در داخل سلول انجام گیرد، ابزارهای کار فضا را بیش از پیش اشغال خواهند کرد و بدین‌ترتیب کار به یکی از عوامل مضر برای سلامتی تبدیل خواهد شد. حل این مشکل چندان ساده نیست، امّا ابزارهایی وجود دارد که به مدیران خلاق اجازه می‌دهد با استفاده از منابع موجود مشکل تراکم جمعیت را حل کنند. برای مثال به چندین راه‌حل اشاره خواهیم کرد.

۱۶. اگر در یک زندان پرجمعیت، برخی زندانیان در داخل سلول و برخی دیگر در کارگاه‌ها مشغول به کار هستند، زندانیان گروه اول به این دلیل که از ازدحام جمعیت رنج می‌برند باید بیش از زندانیان گروه دوم از تدابیر مربوط به کاهش تراکم بهره‌مند شوند.

۱۷. در صورت تراکم زیاد، مقامات زندان و مسئولان ساختمان باید برنامه‌ای را به اجرا درآورند که طی آن زندانیان بتوانند مدّت بیشتری را در خارج سلول (مثلاً در راهروها، سالن ورزش، حیاط و غیره) سپری کنند، این اقدام باعث می‌شود تا از تنش‌های مربوط به تراکم زیاد جمعیت کاسته شود.

۱۸. مأموران زندان باید طرحی را برای توزیع متناسب جمعیت زندانی در فضای موجود تهیه کنند. ممکن است که از تمام امکانات یک سلول به‌طور کامل استفاده نشود و یا برخی سلول‌ها خالی بمانند درحالی‌که سلول‌های دیگر مملو از جمعیت هستند.

www.ParsBook.org

روشنایی و تهویه

۱۹. قاعده ۱۱

در تمامی مکان‌هایی که زندانیان باید زندگی یا کار کنند،

الف) پنجره‌ها باید به اندازه‌ای بزرگ باشند که زندانی بتواند با نور طبیعی به مطالعه و کار بپردازد؛ نحوه قرارگرفتن پنجره باید طوری باشد که در هر صورت، یعنی، چه تهویه مصنوعی موجود باشد چه نباشد، هوای آزاد به‌راحتی وارد محیط شود؛

ب) نور مصنوعی باید به اندازه‌ای باشد که زندانی بدون آنکه آسیبی به بینایی او برسد، بتواند مطالعه یا کار کند.

حضور طولانی‌مدت در جایی‌که فاقد نور مناسب است به بینایی لطمه می‌زند. مقامات زندان باید تلاش کنند تا مکان حبس از نور کافی برخوردار شود. قرارگرفتن طولانی مدت در مقابل نور مصنوعی نیز زیان‌آور است که هم بر قوه بینایی و هم بر بهداشت روانی آسیب می‌رساند. درنتیجه، سلول‌های فاقد پنجره که تجاوزی آشکار به RMT ها محسوب می‌شود باید برچیده شوند و سلول‌های دیگر هم علاوه بر نور طبیعی باید دارای نور مصنوعی کافی باشند. استفاده از ابزارهایی که مقابل پنجرهٔ سلول‌ها قرار می‌گیرد و مانع از ارتباط دیداری میان زندان و خارج سلول می‌شود باید ممنوع گردد.

۲۰. کلید قطع برق باید در داخل سلول باشد: اگر زندانی خود نتواند لامپ را روشن یا خاموش کند، احساس ناتوانی و سرخوردگی در او افزایش خواهد یافت. میزان روشنایی لازم در داخل سلول را به‌راحتی می‌توان تعیین کرد: کافی است که مأموران زندان در داخل سلول کتابی به‌دست بگیرند و تلاش نمایند تا چند سطر از آن را بخوانند.

بهداشت

بهداشت جسمی و نظافت

۲۱. قاعده ۱۲

تأسیسات بهداشتی باید نیازهای طبیعی زندانی را هر زمان که وی بخواهد برآورده سازند، این تأسیسات باید به صورتی بهداشتی و مناسب در دسترس وی قرار گیرد.

برای همه افراد بسیار اهمیت دارد که بتوانند نیازهای فیزیولوژیک خود را به‌طور خصوصی و با حفظ حیا و آبرو برطرف سازند، این امر برای زندانیان اهمیت بیشتری دارد زیرا دیگر عوامل مربوط به شرایط حبس می‌تواند تأثیرات سویی بر عزت نفس و حیثیت زندانیان داشته باشد.

www.ParsBook.org

۲۲. زندانیان در هر لحظه از روز و شب باید بتوانند به توالت دسترسی داشته باشند. هیچ‌کس نباید در شرایطی قرار بگیرد که برای رفع نیازهای اساسی فیزیولوژیکی‌اش به یک فرد ناظر و بالطبع به امکان دسترسی به این فرد بستگی داشته باشد. گشودن در سلول و هدایت زندانی به سوی توالت نباید به میل و ارادهٔ فرد ناظر بستگی داشته باشد.

۲۳. توالت‌هایی که در داخل سلول قرار دارند باید مجهز به درپوش باشند و به‌وسیلهٔ دیوار یا پارتیشن از بقیهٔ سلول جدا شوند، به‌ویژه در زندان‌هایی که زندانیان غذای خود را در داخل سلول می‌خورند: غذاخوردن در کنار توالتِ در باز نه خوشایند است و نه بهداشتی. توالت باید مجهز به سیفون باشد، و در صورت عدم امکان، چندین بار در روز تخلیه شود. کاغذ بهداشتی باید به‌طور دائمی در اختیار زندانیان قرار بگیرد.

۲٤. در خوابگاه‌ها امر نظارت بر توالت‌ها که بنا بر دلایل امنیتی ضروری می‌نماید، باید به‌وسیلهٔ افراد هم‌جنس با زندانیان انجام گیرد.

۲۵. قاعده ۱۳

تعداد حمام‌ها و دوش‌ها باید به اندازه‌ای باشد که هر زندانی بتواند به‌راحتی از آنها استفاده کند. دمای آب باید با آب و هوای محل متناسب باشد و زندانیان بتوانند مطابق فصول سال و منطقهٔ جغرافیایی، به هر تعداد دفعات که بهداشت عمومی زندان ایجاب می‌کند، استحمام نمایند، تعداد دفعات استحمام در آب و هوای معتدل باید حداقل یک‌بار در هفته باشد.

امکان تمیزبودن یکی از مهم‌ترین عوامل برای حفظ منزلت شخصی نزد زندانیان است. ادارهٔ زندان باید تلاش کند برای زندانیان امکان دوش گرفتن را به دفعاتی که مایلند، فراهم کند. اگر امکانات زندان اجازهٔ این کار را نمی‌دهد، ادارهٔ زندان باید برنامهٔ استحمام را مطابق دما و آب وهوای محل طرح‌ریزی نماید.

۲۶. ادارهٔ زندان همچنین باید تلاش کند تا زندانیان آزادانه به آب سرد و یا گرم دسترسی داشته باشند. در آب و هوای گرمسیری، زندانیان می‌توانند از آب سرد برای شستشوی خود استفاده کنند. اگر جریان آب گرم به‌طور دائمی برقرار نباشد، می‌توان آب گرم را در درون ظرف و به‌طور متناوب در اختیار زندانیان قرار داد.

۲۷. زندانیانی که به کارهای سخت و یا کارهای کثیف‌کننده مشغول هستند باید بتوانند در پایان روزِ کاری استحمام نمایند.

www.ParsBook.org

۲۸. قاعده ١٤

تمامی مکان‌هایی که محل رفت‌وآمد دائمی زندانیان است، باید کاملاً مرتب و تمیز نگهداشته شود.

باید از زندانیان خواسته شود که سلول خود را تمیز نگهدارند و البته برای این کار باید ابزار لازم مانند سطل، صابون، گونی، جارو و غیره در اختیار آنان قرار بگیرد. ادارهٔ زندان باید بر نظافت بخش‌های عمومی نظارت کند و به این منظور از زندانیان به‌عنوان نیروی کار استفاده نماید، ادارهٔ زندان باید نظامی را برای پرداخت مزدیا پاداش در قبال انجام این‌گونه خدمات برقرار سازد.۱۹

بهداشت و مراقبت‌های فردی

۲۹. قاعده ۱۵

باید از زندانیان خواسته شود که نظافت فردی خود را حفظ کنند، به این منظور، آب و وسایل بهداشتی لازم برای سلامتی و نظافت باید در اختیار آنان قرار بگیرد.

در اینجا قاعده ۱۳ را یادآوری می‌کنیم: امکان حفظ بهداشت شخصی برای زندانیان تأثیر مهمی بر توانایی آنان در حفظ منزلت شخصی دارد. علاوه بر آب، ادارهٔ زندان باید صابون، مسواک، خمیردندان و حوله نیز در اختیار زندانیان قرار دهد. هرچند زندانیان باید اجازه داشته باشند که این وسایل را از بیرون زندان و یا از طریق خرید برای خود تهیه کنند، اما ادارهٔ زندان باید این‌گونه وسایل را دراختیار زندانیانی که قادر به تهیهٔ آن نیستند قرار دهد. اگر زندان از قدرت مالی لازم برای تهیهٔ این‌گونه وسایل برای همهٔ زندانیان برخوردار نیست، باید حتماً آن را برای زندانیانِ فقیر تهیه نماید و شناسایی این‌گونه زندانیان می‌تواند از طریق زندانبانان صورت گیرد.

۳۰. زندانیان باید جایی را برای مرتب‌کردن وسایل بهداشتی شخصی (مثل مسواک) در اختیار داشته باشند، به‌طوری که از سرقت و مشاجره بر سروسایل جلوگیری شود و جنبهٔ خصوصی این وسایل نیز حفظ گردد.

۳۱. داشتن بدنی تمیز و بدون بوی نامطبوع اهمیت بسیاری در حفظ سلامتی زندانیان و نیز در بهداشت کسانی دارد که به‌طور مداوم با زندانیان در تماس هستند (مانند زندانبانان). این افراد باید زندانیان را تشویق به رعایت نظافت کنند و در این راه نباید به اجبار و فشار متوسل گردند.

۳۲. تعداد اندکی از زندانیان علاقه‌ای به استفاده از دوش ندارند. بهرحال این افراد باید تمیز باشند، به‌ویژه وقتی که در خوابگاه زندگی می‌کنند.

www.ParsBook.org

۳۳. برای زنانی که در دورهٔ قاعدگی هستند باید تمهیدات ویژه‌ای اندیشیده شود. آنان باید بتوانند به دفعات ممکن خود و لباس‌های زیرشان را بشویند و وسایل بهداشتی مورد استفاده (پارچه، پنبه، دستمال و غیره) را دراختیار داشته باشند و برای به‌دست‌آوردن این وسایل نباید دچار مشکلی باشند (این وسایل یا باید به‌طور دائم در اختیار آنان باشد و یا از طریق پرسنل مؤنث به‌دست آنان برسد). کودکانی که همراه زنان زندانی هستند باید از تمامی شرایط بهداشتی مناسب برخوردار باشند.

۳٤. ممکن است مفهوم بهداشت فردی و مراقبت‌های جسمانی، بار مذهبی نیز داشته باشد. قاعده ۶، اصل عدم تبعیض، به‌ویژه در ارتباط با مسائل مذهبی را مطرح می‌سازد و مقرر می‌کند که زندانیان باید بتوانند بهداشت شخصی خود را مطابق تعالیم مذهبی‌شان حفظ کنند.

۳۵. قاعده ۱۶

برای آنکه زندانیان ظاهری مناسب داشته و منزلت شخصی آنان رعایت شود، باید امکاناتی برای اصلاح موی سر و ریش آنان پیش‌بینی گردد؛ مردان باید بتوانند به‌طور مرتب ریش خود را اصلاح نمایند.
این بند درواقع ادامهٔ بند قبل است و نیازی به توضیح اضافی ندارد. فقط باید خاطرنشان کرد که این بند بر بهداشت مو و ریش و اصلاح صورت تأکید کرده است.

۳۶. زندانی به‌هیچ‌وجه نباید علیرغم میل خود مجبور به اصلاح موی سر باشد، مگر در مواردی که دلایل پزشکی مشخصی وجود دارد. زندانیان اگر بخواهند باید بتوانند ریش خود را نگه دارند. مردانی که ریش نمی‌گذارند باید بتوانند آن را مرتباً بتراشند. البته نحوهٔ دسترسی به تیغ و دیگر وسایل ریش‌تراشی باید تحت کنترل باشد. کارمندان زندان باید مراقب باشند که هر زندانی از وسایل مخصوص خود استفاده کند. با توجه به شیوع ایدز (که در میان زندانیان بیشتر رایج است و می‌تواند حتی به زندانیان کشورهای موسوم به «حفاظت‌شده» سرایت کند)، استفادهٔ مشترک از وسایل ریش‌تراشی می‌تواند عامل مؤثری در آلودگی به ویروسHIV و درنتیجه عامل مرگباری باشد. اگر مثلاً به‌خاطر کمبود موقتی برخی وسایل، امکان تهیه وسایل شخصی ریش‌تراشی برای همهٔ زندانیان میسّر نباشد، بهتر است آنان به‌جای استفاده مشترک از تیغ، ریش خود را نتراشند. وسایل دور نیانداختنی که توسط یک زندانی خریداری و یا دریافت می‌شود، باید طوری جاسازی شود که به‌طور تصادفی یا به‌طور عامدانه مورد استفادهٔ زندانی دیگر قرار نگیرد.
اگر امکان تهیهٔ جعبه و کلید مجزا برای همهٔ زندانیان وجود نداشته باشد، یک نفر مراقب باید از تیغ‌های موجود در قفسه‌ها نگهداری کند و نام هر زندانی به‌طور مشخص بر روی قفسه نوشته شود و کل این مجموعه باید در محلی که در آن با کلید بسته می‌شود قرار گیرد.

۳۷. در کشورهایی که زنان به‌طور سنتی آرایش خاصی دارند، زنان زندانی باید مجاز به آرایش خود

www.ParsBook.org

باشند. این امر هیچ تأثیری بر امنیت و هزینه‌های زندان ندارد و زنان زندانی باید محصولات آرایشی را از محل هزینه‌های شخصی تأمین کنند. در مقابل، نحوهٔ تصور زنان دربارهٔ موقعیت و جایگاه‌شان تأثیرات مهمی به‌دنبال دارد.

پوشش و وسایل خواب

۳۸. قاعده ۱۷ــ(۱)

هر زندانی که مجاز به پوشیدن لباس شخصی خود نیست باید لباسی دریافت کند که با آب‌وهوا متناسب و برای حفظ سلامتی کافی باشد. این لباس‌ها به‌هیچ‌وجه نباید تحقیرآمیز باشند.

این بند بر دو جنبهٔ اصلی پوشش تأکید می‌کند: یکی نقش حفاظت‌کننده و دیگری نقش اجتماعی و روان‌شناختی لباس. درنتیجه پوشش باید با گرمای محیط و شرایط ویژهٔ کار، متناسب باشد. پوشش مناسب و محترمانه تأثیر مثبتی بر سلامتی زندانی دارد و بر روحیه او نیز بی‌تأثیر نیست.

این تأثیر به هر نوع لباسی، به‌جز یونیفرم (لباس متحدالشکل)، و به‌ویژه به لباس‌های شخصی مربوط می‌شود. پوشیدن لباس دلخواه درواقع بخشی از هویت هر فرد محسوب می‌شود و تقویت‌کنندهٔ عزت نفس و تأکید بر ویژگی‌های فردی است. امّا یونیفرم‌ها تأثیری معکوس دارند. اگر قرار است به زندانیان لباس داده شود، بهتر است این لباس‌ها غیر متحدالشکل باشند. اگر پوشیدن روپوش به هنگام کار مجاز باشد، توصیه می‌شود که زندانیان مجاز به پوشیدن روپوش‌های شخصی و دلخواه باشند و یا حداقل به هنگام استراحت لباس غیر متحدالشکل بپوشند.

۳۹. قاعده ۸۸ به‌طور خاص به مسئلهٔ لباس متهمان پرداخته است.

قاعده ۸۸ــ(۱)

متهم باید مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی خود باشد، به‌شرطی که این لباس‌ها مرتب و مناسب باشند.

(۲)

اگر متهم ملزم به پوشیدن یونیفرم مخصوص زندان است، این یونیفرم باید با یونیفرم محکومان متفاوت باشد.

قاعده ۸۸ این امر را که متهمان لباس شخصی خود را بپوشند، به‌عنوان یک اصل اساسی مطرح می‌کند. با این حال، اگر متهمان مجبور به پوشیدن یونیفرم زندان‌ها باشند، باید یونیفرم آنان با یونیفرم محکومان متفاوت باشد و مسلماً هدف از قائل‌شدن این تفاوت در زمان نگارش RMT ها (اوایل دههٔ ۵۰) این بوده است که حیثیت متهمان حفظ شود. در دوران فعلی، متهم باید لباس‌های دلخواه خود را بپوشد و در غیر این‌صورت، ادارهٔ زندان باید لباس در اختیار او بگذارد و یا امکان تهیهٔ لباس را برای او فراهم آورد. در این

www.ParsBook.org

صورت بخش دوم بند ۸۸ اکنون دیگر مطرح نیست.
این بند به‌طور ضمنی حکم می‌کند که محکومان برای آنکه انگشت‌نما شوند، باید یونیفرم به‌تن کنند. این اجبار نیز کهنه محسوب می‌شود و هم‌اکنون در بسیاری از کشورها محکومان لباس شخصی دلخواه خود (مثلاً لباس جین) و یا یونیفرم‌های مشابه لباس شخصی را می‌پوشند. پیشرفت‌ها در این زمینه قابل تمجید است و نشان می‌دهد که تمایز میان لباس متهمان و لباس محکومان دیگر ضرورت ندارد.

٤٠. در حالتی که ادارهٔ زندان به زندانیان یونیفرم یا لباس شخصی می‌دهد، باید اندازه‌های مختلفی به زندانیان پیشنهاد شود به‌طوری که هیچ‌یک مجبور به پوشیدن لباس غیرمتناسب با قامت خود نشود چرا که این امر آزاردهنده است و یا ظاهر تمسخرآمیزی از او به نمایش می‌گذارد. زندانبان‌ها باید مراقب باشند که هر زندانی لباسی متناسب با قد و اندازهٔ خود داشته باشد. برای زندانیانی که هیکل غیرعادی دارند، باید لباسی را به اندازهٔ آنها درآورد. این کار باید یا به‌وسیلهٔ خود زندانی (در این صورت وسایل دوخت‌ودوز باید توسط زندانبانان به او داده شود) و یا توسط دیگر زندانیان و یا پرسنل خارج زندان صورت گیرد. دخالت پرسنل خارج زندان در این امر زمانی صورت می‌گیرد که بنا بر دلایل امنیتی نتوان وسایل دوخت‌ودوز (قیچی، سوزن و غیره) را در اختیار برخی زندانیان قرار داد و یا در برخی مکان‌ها توزیع کرد.

٤١. یونیفرم‌ها باید شبیه لباس‌هایی باشند که مردم در جامعه می‌پوشند. اگر زنان غیر زندانی در یک جامعه به‌طور معمول شلوار نمی‌پوشند، زنان زندانی باید از پوشیدن شلوار معاف شوند.

٤٢. بند ۱۷ــ(۲)
تمامی لباس‌ها باید تمیز و مرتب و در وضعیت مناسبی باشند. لباس‌های زیر باید متناوباً عوض و شسته شوند، زیرا این امر برای حفظ بهداشت ضروری است.
ما به جنبه‌های مختلف این قاعده که بیشتر در قواعد ۱۳ و ۱۵ به آنان اشاره شده نخواهیم پرداخت. کارمندان زندان خود قادر هستند برنامه‌های متنوعی را برای حفظ نظافت لباس‌های زندانیان سامان دهند. به‌جز در کشورهای گرمسیری، معمولاً مشکل خشک‌کردن لباس‌ها وجود دارد. زندانبان‌ها که شناخت زیادی از محیط داخل زندان و زندانیان دارند، لایق‌ترین افرادی هستند که می‌توانند این مشکل را حل کنند. آنان مثلاً می‌توانند مکان‌هایی را مشخص کنند که برای خشک کردن لباس‌ها مناسب است و نیز وسایل لازم برای پهن‌کردن لباس‌ها را تهیه نمایند. و البته باید به خطرات احتمالی مانند آتش‌سوزی و سرقت توجه شود.

٤٣. زمانی‌که لباس‌ها ــ و ازجمله لباس‌های زیر ــ از سوی زندان تهیه می‌شود، باید در طول مدت حبس جزو اموال شخصی محسوب گردد و پس از شستشو و احیاناً رفو، مجدداً به زندانی عودت داده شود.

www.ParsBook.org

٤٤. قاعده ۱۷ (۳)

در شرایط استثنایی، وقتی زندانی بنا بر دلایل مجاز، از محیط زندان دور می‌شود، باید اجازه داشته باشد تا از لباس‌های شخصی خود استفاده کند و یا لباس‌هایی بپوشد که جلب توجه دیگران را نمی‌کند.

این قانون به منظور حفاظت از عزت نفس و ناشناخته‌ماندن زندانی یا جلوگیری از جلب توجه مردم به زندانی، وضع شده است. در خارج از زندان، زندانیان باید مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی خود و یا لباس‌هایی که جلب توجه نمی‌کند، باشند، استفاده از لباس متحدالشکلی که به‌راحتی به‌عنوان لباس زندان قابل شناسایی است، مانند شلوار راه‌راه یا پیراهن متحدالشکل با رنگ تند، باید ممنوع گردد.

٤٥. قاعده ۱۸

زمانی‌که زندانیان مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی هستند، باید تمهیداتی اتخاذ شود تا از تمیز، مرتب و قابل استفاده‌بودن لباس‌های آنان به هنگام پذیرش در زندان اطمینان حاصل شود.

زمانی که زندانیان مجاز به پوشیدن لباس‌ها و کفش‌های خود هستند، ادارهٔ زندان باید سیستمی را برای ورود و خروج این اشیا طرح‌ریزی کند و راهکارهایی برای دادن پوشاک به زندانیان فقیر و بی‌حامی پیدا کند. زندانبان‌ها باید به فکر فرسایش لباس‌هایی که زندانیان با خود آورده‌اند باشند و سیستمی را برای جایگزینی لباس‌های فرسوده ایجاد نمایند.

٤٦. قاعده ۱۹

هر زندانی باید مطابق عرف محلی یا ملّی، یک تخت‌خواب و رخت شخصی کافی دراختیار داشته باشد و این وسایل باید به‌طور مناسب نگهداری و تعویض شوند، به‌طوری که از تمیز و مرتب‌بودن آنها اطمینان حاصل شود.

تخت‌خواب‌های شخصی‌مرتب (ویا حصیر درکشورهایی که معمولاً روی حصیر می‌خوابند) و مجهز به رخت‌خواب مناسب، باید در تمامی زندان‌ها در اختیار زندانیان باشد. رویهٔ عملی گاهی اوقات به‌گونه‌ای دیگر است. وقتی که ادارهٔ زندان از تأمین هزینهٔ لازم برای تهیهٔ وسایل خواب ناتوان است، باید به خانواده‌های زندانیان اجازه دهد که این وسایل را از بیرون تهیه کنند. در این‌حالت نیز، زندانبان‌ها موظف‌هستند به‌نیازهای زندانیانِ فقیروبدون حامی توجه کنند. وقتی که تعداد محدودی از تجهیزات خواب در اختیار زندان است، زندانبان‌ها باید تلاش کنند تا آنها را به محتاج‌ترین زندانیان بدهند.

تغذیه

٤٧. قاعده ۲۰ــ(۱)

هر زندانی باید در ساعاتی که غذاخوردن معمول است، غذایی با کیفیت خوب که به‌طرز مناسب تهیه و سرو می‌شود از ادارهٔ زندان دریافت نماید. این غذا باید از ارزش غذایی کافی برای حفظ سلامتی و نیروی

www.ParsBook.org

بدنی زندانیان برخوردار باشد.
همان‌گونه که در توضیح قواعد ۱۸ و ۱۹ ذکر شد، ادارهٔ زندان باید غذایی مناسب برای کسانی که فقیر و بدون حامی هستند تهیه نماید.
٤٨. هرکسی که در امور زندان‌ها تخصص دارد، به‌راحتی خواهد پذیرفت که شکایت زندانیان دربارهٔ کیفیت و یا کمیّت غذا یکی از رایج‌ترین نوع شکایت‌ها در زندان‌هاست. ساده‌ترین راه برای ارزیابی این شکایت‌ها آن است که غذای توزیع‌شده در بخش‌های مختلف زندان به‌طور مداوم و یا گاه به گاه خورده و یا حداقل چشیده شود (که البته از این شیوهٔ آسان به‌ندرت استفاده می‌کنند). علاوه بر کیفیت و کمیت غذای ارائه شده، مسئولین باید به مکان و زمان غذاخوردن و نیز دفعات توزیع غذا در روز توجه نشان بدهند. اگر غذا به‌جای سالن غذاخوری، در سلول توزیع می‌شود، مقامات باید دقت کنند که زندانی به هنگام غذاخوردن از محدودهٔ توالت‌ها که بوی نامطبوع و تهوع‌آوری از آن برمی‌خیزد دور باشند.

٤٩. قاعده ۸۷ نیز به غذای زندانیان مربوط می‌شود. این بند به مشکلاتی اجرایی اشاره‌داردکه بعداً به‌آنها خواهیم‌پرداخت. این بند چنین مقرر می‌کند:
قاعده ۸۷
در چارچوبی که مطابق با حفظ نظم در زندان است، متهمان می‌توانند در صورت تمایل، به هزینهٔ خود غذا بخورند و مواد غذایی را توسط ادارهٔ زندان یا دوستان و خانوادهٔ خود از بیرون تهیه کنند. درغیر این‌صورت ادارهٔ زندان موظف به تأمین غذای آنان است.

۵۰. بند ۲۰ــ(۲)
هر زندانی باید از امکان تهیهٔ آب به هنگام تشنگی برخوردار باشد.
آب آشامیدنی باید در هر موقع از روز و شب در اختیار زندانیان باشد. برای سلول‌هایی که مجهز به شیر آب آشامیدنی نیستند، ادارهٔ زندان باید سیستم جایگزینی را پیش‌بینی بکند که به‌وسیلهٔ آن، آب به‌طور مداوم در اختیار زندانیان قرار بگیرد: مثلاً می‌توان آب را در ظروف و یا بطری‌ها به زندانیان داد، به‌شرطی که آب همچنان آشامیدنی باقی بماند.
تأمین مایحتاج زندانیان، با دریافت کمک از خارج از زندان
۵۱. بارها به لزوم توجه به زندانیان بدون حامی اشاره کرده‌ایم. از جنبه نظری، ادارهٔ زندان باید نیازهای تمامی زندانیان را برآورده سازد، اما درعمل، به زندانیان اجازه می‌دهد که از حمایت خویشانِ خود برخوردار شوند و یا مایحتاج خود را از بیرون خریداری نمایند. بدین‌ترتیب ادارهٔ زندان می‌تواند در جهت مطبوع‌کردن زندگی در زندان عمل کند، و همچنین به‌دلیل ناتوانی در اجرای وظایف خود مبنی بر تأمین مایحتاج زندانیان می‌تواند به این شیوه روی آورد؛ چرا که بدین ترتیب تأمین بخشی از کمبودهای زندان را به خانواده‌های زندانیان واگذار می‌کند. نیازی به ممنوع‌ساختن این اقدامات شایسته نیست، زیرا زندانیان اولین قربانیان آن خواهند بود. فقط از دولت‌ها انتظار می‌رود که وجود این شیوه‌ها در زندان‌ها

www.ParsBook.org

را بهانه‌ای برای فرار از مهم‌ترین مسئولیت خود در قبال زندانیان که همانا رسیدگی به نیازهای زندانیان است قرار ندهند.

۵۲. این نوع عملکرد البته بی‌خطر نیست. این امر به نابرابری‌ها میان زندانیان دامن می‌زند و نظام سلسله مراتبی بین زندانیان ثروتمند و فقیر را توسعه می‌دهد، به ویژه زمانی‌که شیوهٔ تأمین از خارج بر شیوهٔ تأمین داخلی پیشی بگیرد که علت آن‌هم می‌تواندکمبود و بی‌توجهی ویاترکیبی‌از هردو باشد. در این میان ممکن است زندانیانِ بدون حامی به‌برده‌های همقطاران ثروتمند خویش تبدیل شوند و در مقابل دریافت غذا یا پتو مجبور به انجام برخی کارها باشند. کارمندان زندان باید مراقب باشند و مانع از انجام این‌گونه اعمال غیرقانونی شوند، ضمناً آنان باید توجه ویژه‌ای به زندانیان آسیب‌پذیر، خارجی‌ها و زندانیان تهیدست بکنند.

www.ParsBook.org

فصل چهارم

بهداشت جسمی و روانی زندانیان

مقدمه

۱. بهداشت جسمانی و روانی یک زندانی مسئله‌ای بسیار حیاتی و درعین حال شکننده است. مواد ۳ و ۵ بیانیه جهانی حقوق بشر دو اصل اساسی را مطرح می‌کند:

مادهٔ ۳

هر فرد از حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی برخوردار است.

مادهٔ ۵

هیچ‌کس نباید تحت شکنجه و دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای خشن، غیربشری یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

این اصول در مجموعه اصول حفاظت از تمامی افرادی که به‌نحوی از انحأ در بازداشت یا زندان به‌سر می‌برند (اصل ۶)، میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی (بندهای ۶/۱ و ۷) و کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه علیه شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز (مقدمه)، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. مجموعه اصول در یادداشتی که ضمیمهٔ بند ۶ است تصریح می‌کند که عبارت «مجازات یا رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز» باید طوری تعبیر شود که حفاظت زندانیان در مقابل هر نوع آزار تا حدّ ممکن تضمین گردد، چه این آزارها جنبهٔ جسمانی داشته باشند و چه جنبهٔ روانی، به عنوان مثال قراردادن زندانی یا فرد بازداشت‌شده در شرایطی که وی به‌طور موقت یا دائمی از کاربرد حواس خود مانند بینایی و شنوایی محروم شود و یا از محل دقیق نگاهداری خود و زمان بی‌اطلاع باقی بماند.

www.ParsBook.org

۲. مراقبت‌های پزشکی و بهداشت زندانیان باید در نحوهٔ رفتار آنان به‌عنوان یک اولویت مهم درنظر گرفته شود. مراقبت‌ها در زندان باید از نظر کیفی با مراقبت‌هایی که در جامعهٔ آزاد صورت می‌گیرد برابر باشد. برخوردارکردن زندانیان از این مراقبت‌ها در حیطهٔ مسئولیت‌های دولت است که باید این امر را تضمین نماید. طبق قاعده RMT۳۷ ها۲۰، حبس‌کردن فی‌نفسه یک مجازات است که نباید تشدید شود. این بند متذکر می‌شود که سلب آزادی، فرد را از حق کنترل خویشتن محروم می‌کند. محدودیت‌های زندگی روزمره در زندان این محرومیت را برجسته‌تر می‌کند و مانع از آن می‌شود که زندانی ارزیابی صحیحی از خوب و بد در قبال سلامتی خود داشته باشد. این مسئولیت (تشخیص خوب و بد) به دولت واگذار شده است که مهم‌ترین وظیفه‌اش، زنده نگه‌داشتن زندانی است؛ بدین منظور دولت باید موارد زیر را تضمین نماید: سلامتی زندانی در حدّی رضایت‌بخش، شرایط سالم کار و زندگی، رفتارها و فعالیت‌های سالم، مراقبت‌های کافی و اقدامات پزشکی مؤثر.

مراقبت‌ها در زندان، اولویتی مهم

۳. سلامت جسمانی و روانی زندانیان در اولین وهله مشروط به صحت اتهامات وارده بر آنان است و نیز درستکاری قضات پرونده و درستی اطلاعاتی که در زمینهٔ دادرسی قضایی، مشاوره‌های حقوقی و مقررات زندان به زندانیان ارائه شده است. برخی از حبس‌ها به علت طولانی‌بودن ناگزیر به سلامت زندانیان لطمه می‌زند: میزان حبس باید با رعایت اعتدال معین شود. اگر ادارهٔ زندان مسئولیت تعیین مدت حبس را ندارد، حداقل می‌تواند نسبت به کاهش آن اقدام کند، و مثلاً راه را بر آزادی زودهنگام، مرخصی، کاهش مجازات و یا عفو زندانی هموار نماید. زندانیانی که دچار بیماری‌های وخیم هستند و هیچ امیدی به معالجهٔ آنان نیست باید آزاد شوند و در مکانی تحت نظر قرار گیرند تا بتوان آخرین معالجه‌های پزشکی را با کمک خانواده، دوستان و یا هر نهاد ذیصلاح روی آنها انجام داد.

٤.RMT ها اشارهٔ بسیار کوتاهی به مراقبت‌های پزشکی در زندان کرده‌اند.۲۱ مجدداً آنچه را که گفتیم‌تکرار می‌کنیم:RMT ها، به‌ویژه بخش‌هایی از آنها که به بهداشت و سلامتی مربوط می‌شود، باید دربارهٔ کسانی اجرا شود که در بازداشتگاه‌ها، سلول‌های پلیس و دیگر مکان‌های حبس زندانی شده‌اند.

۵. زندانی‌شدن برای فرد زندانی به معنی ناتوانی، وابستگی، بلاتکلیفی در قبال آینده و عدم توانایی در برخورد با این وضعیت است. زندانی‌شدن منشأ اندوه، پرخاشگری، عصبیت و اضطراب است و شاهد این مدعا، مراجعه‌های مکرر به پزشک، حجم بالای استفاده از داروهای خواب‌آور، آرام‌بخش و مواد مخدر و تلاش افراد بسیار به خودکشی، به‌ویژه در دوران قبل از محاکمه می‌باشد. سلامتی روانی و وضعیت

www.ParsBook.org

جسمانی تأثیر متقابلی برهم دارند.
برای معالجهٔ مشکلات روانی باید امکان زندگی خوشایند برای زندانیان فراهم آید و برخورد روان‌شناختی و اجتماعی محرکی در قبال آنان اتخاذ شود. اعتماد زندانیان به مراقبت‌های پزشکی به‌خودی خود عامل مثبتی محسوب می‌شود. این اعتماد وقتی به‌دست می‌آید که پزشک، پرستار یا مددکار اجتماعی به هنگام انجام وظیفه نشان دهند که مراقبت از زندانی مهم‌ترین و الویت از نظر آنان است و حتی از نظم، انضباط و تمامی الزامات دیگر در زندان اهمیت بیشتری دارد.

مراقبت‌ها و وظایف پزشکی

۶. در میان RMT ها مقرراتی وجود دارد که تمهیدات لازم در زمینهٔ بهداشت جسمی و روانی را ذکر کرده‌اند و زندانیان باید هرچه سریع‌تر از محتوای این مقررات آگاه شوند. زندانیان همچنین باید با شیوه‌های دستیابی به مراقبت‌ها، ماهیت داروهای تجویزشده و محتوای گزارش‌ها و پرونده‌های پزشکی مربوط به خود اطلاع داشته باشند. طبق قاعدهٔ کلی، زندانیان بایستی بیش از پیش با نحوهٔ معالجهٔ خود آشنا شوند و از وضعیت سلامتی خود اطلاعات بیشتری کسب کنند.

حق برخورداری از سلامتی

۷. RMT ها اشاره‌ای به میزان سلامتی زندانیان ندارند و حقوق خاصی در این زمینه، مانند حق سلامت جسمانی و روانی را وضع نکرده‌اند، اما بیانیهٔ جهانی حقوق بشر در ماده ۲۵ خود تصریح می‌کند:
هرکسی این حق را دارد که خود و خانواده‌اش، از سطح مطلوبی از سلامتی جسمی و روحی برخودار باشند.

۸. همین بیانیه در ماده ۲۹/۲ خود به تنها محدودیت‌های قابل پذیرش در این زمینه اشاره می‌کند:
هرکس به هنگام برخورداری از حقوق و آزادی خود فقط دارای محدودیت‌هایی است که منحصراً توسط قانون و به منظور رعایت و احترام به حقوق و آزادی دیگران تعیین شده است، و نیز به منظور پاسخ به الزامات صحیح اخلاقی، نظم عمومی و سلامت روانی عمومی در یک جامعهٔ دموکراتیک، این محدودیت‌ها درواقع هیچ ارتباطی به حقوق بهداشتی ندارد.

۹. مقررات ذکرشده در پاراگراف‌های ۷ و ۸ از کلمهٔ «حقوق» استفاده کرده‌اند، که به‌طور ضمنی این معنا

www.ParsBook.org

را می‌رساند که زندانیان در قبال شرایط زندگی خود هنوز دارای نوعی مسئولیت هستند و حفظ بهداشت فردی تا حدّی به‌عهدهٔ خود آنان است، اما آنان از برخی ابزارها برای مراقبت از سلامت خود محروم شده‌اند. مأموران زندان باید زندانیان را به اجرای این مسئولیت تشویق کنند (و نه اجبار یا تهدید به تنبیه نمایند)، و مثلاً: آنها را به نرمش، استحمام، تراشیدن صورت، مسواک زدن، ترک سیگار و مرتب بودن نگاه داشتن توصیه کنند. زندانیان باید از مقررات مربوط به تندرستی و شرایط بهداشتی، جلوگیری از خطرات، تمهیدات مربوط به امداد اضطراری و غیره مطلع باشند. اگر آنان رفتار غیرمسئولانه‌ای داشته باشند و سلامتی دیگران را تهدید نمایند، تدابیر بهداشتی را می‌توان بر آنان تحمیل کرد.
اگر تمهیدات و احتیاطهای لازم برای شرکت‌دادن زندانیان در مدیریت سلامتی و بهداشت خودشان، مثلاً به شکل جلسات مشاوره‌ای از سوی سرویس پزشکی، وجود نداشته باشد، نمی‌توان زندانیان را به‌خاطر بی‌مسئولیتی مورد تنبیه قرار داد.

۱۰. در RMT ها ابراز امیدواری شده است که سرویس‌های پزشکی زندان‌ها براساس «روابط تنگاتنگ با ادارهٔ عمومی بهداشت منطقه یا کشور» سازماندهی شود (بند ۲۲).
لذا از جنبهٔ نظری هیچ چیز مانع آن نیست که پزشک‌های فعال در خارج زندان بتوانند به زندان وارد شوند و یا زندانیان بتوانند به مشاوره با پزشکان خارج زندان بپردازند و یا تحت درمان آنان قرار گیرند. پزشکان زندان نباید به‌خاطر نظرخواهی یا استمداد از پزشکان خارج زندان احساس عذاب وجدان و یا شرم کنند.

کیفیت مراقبت‌ها

۱۱. مسئلهٔ سطح مراقبت‌های پزشکی در زندان زیاد مطرح می‌شود. این سطح در بسیاری از مناطق و کشورها بسیار نازل است. دسترسی به مراقبت‌ها ممکن است به دلیل کمبود پزشک و یا به‌خاطر هزینهٔ بالای معالجه‌های پزشکی، بسیار دشوار باشد. آیا می‌توان تصور کرد که در کشوری، مراقبت‌های پزشکی در داخل زندان بهتر و مؤثرتر از مراقبت‌ها در جامعه بیرون زندان باشد؟

۱۲. مقررات بین‌المللی (و به‌ویژه RMT ها) جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای را در این زمینه باقی نگذاشته‌اند: حتی زمانی‌که سطح مراقبت‌ها در یک جامعهٔ نمونه، فاجعه‌بار باشد، نمی‌توان تحمل کرد که زندانیانِ کشور مذکور از مراقبت‌های پزشکی محروم باشند. دولت‌ها اختیار کامل افراد زندانی را در دست دارند و مسئولیت کامل زندانیان به‌عهدهٔ دولت آنها است. پذیرفتنی نیست که مجازات حبس به بروز بیماری و یا رنج روحی و جسمی بیانجامد. بهداشت در زندان، مهم‌ترین اولویت است و زندانی‌شدن فی‌نفسه برای سلامتی جسمی و روانی زندانیان مضرّ است. علاوه بر این، طبق بند ٥٤ و اصل ٢٤ از

www.ParsBook.org

مجموعه اصول، مراقبت‌های پزشکی در زندان باید به‌طور رایگان انجام گیرد، هرچند که ممکن است در جامعه آزاد خارج زندان مراقبت‌های پزشکی مستلزم صرف هزینه باشد.

بهداشت زندانیان، مسئولیتی که برعهدهٔ تمامی مأموران زندان است

۱۳. از مقررات ذکرشدهٔ می‌توان نتیجه گرفت که نه‌تنها رسیدگی به بهداشت جسمی و روحی زندانیان در حیطهٔ مسئولیت دولت‌ها، ادارهٔ مرکزی زندان و سرویس‌های پزشکی زندان است، بلکه تمامی کارمندان زندان نیز در این زمینه مسئول هستند. هر مأمور باید مراقب باشد که حقوق هر زندانی در زمینهٔ بهداشت رعایت شود. روان‌شناسان و کلاً مددکاران اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در این عرصه و به‌ویژه در زمینهٔ بهداشت روانی ایفأ کنند، لذا با آنان نیز باید همانند اعضای کادر پزشکی، با احترام برخورد شود، با آنان مشورت و در صورت لزوم به آنان کمک شود.

۱٤. آیین‌نامهٔ انضباطی سازمان ملل برای مسئولان اجرای قانون در ماده ۶ خود اعلام می‌کند:
مسئولان اجرای قانون باید مراقب باشند که بهداشت زندانیان به‌طور کامل رعایت گردد و به‌ویژه آنکه باید تدابیری اتخاذ کنند که مراقبت‌های پزشکی هربار که لازم باشد در اختیار زندانیان قرار گیرد.
این آیین‌نامه توسط مسئولان زندان‌ها قابل اجراست، آنان باید مراقب اجرای دقیق ماده ۶ باشند. به‌جز در مواردی که به‌وضوح نشان از سوءِاستفاده دارد، به درخواست زندانی برای مشاوره با پزشک بلافاصله باید ترتیب اثر داده شود. در صورتی که نسبت به صحت ادعای زندانی تردید وجود داشته باشد، تحقیقی باید انجام گیرد، تحقیقی که می‌تواند به تنبیه انضباطی زندانی بیانجامد. با این حال، درخواست مجدد از سوی همان زندانی برای مشاوره پزشکی نباید به بهانهٔ سوءِاستفادهٔ قبلی او، رد شود.

۱۵. در این‌جا باید به چاپ چندین «آیین‌نامهٔ شغلی» از سوی سازمان عفو بین‌المللی اشاره کنیم که به حرفهٔ پزشکی مربوط می‌شوند. در این آیین‌نامه‌ها، منتخبی از متون اخلاقی پزشکی وجود دارد که توسط انجمن‌های بین‌المللی پزشکان، روان‌کاوان، پرستاران و روان‌شناسان نگاشته شده‌اند.

وظایف پزشک: اولویت‌دادن به بیمار

۱۶. با تحلیل موشکافانهٔRMT ها درمی‌یابیم که سه شغل مختلف به پزشکان در زندان محول شده و هر پزشک باید یکی از این شغل‌ها را به‌عهده گیرد و وظایف مربوط به آن را به‌جا آورد:

www.ParsBook.org

۱) پزشک مراقب زندانی
۲) پزشک مشاورِ رییس زندان که در زمینهٔ مسائل مربوط به رفتار با زندانیان (انضباط، نظام حبس و غیره) رییس را یاری می‌کند؛
۳) پزشک مسئول وضعیت عمومی بهداشت و تندرستی در زندان که از این نظر با مسئولین بازرسی در ارتباط است و باید به آنان گزارش دهد.
تمایز میان این مشاغل هرقدر هم که باشد، یک پزشک که در زندان کار می‌کند، درحقیقت یک پزشک است. او به‌عنوان پزشک در زندان حاضر می‌شود، یعنی فقط به‌خاطر رسیدگی به امور زندانیان بیمار و نیازی نیست که به افراد دیگر و یا منافع دیگران توجه کند.

۱۷. پزشک زندان به منزلهٔ یکی از کارمندان زندان، باید به درخواست زندانیان پاسخ دهد و برای حفاظت از سلامتی آنان به نزد شاه برود. قواعد ۲۲، ۲۳، ۲۵ــ(۱) و ۹۱ که بعداً به آنها خواهیم پرداخت، پزشکان را ملزم می‌کنند که زندانیان را از مراقبت‌های با کیفیتی برخوردار کنند. در قاعده ۲۶، به موضوع مسئولیت عمومی در زمینهٔ بهداشت و سلامتی پرداخته شده است: در این شغل، پزشک وظیفهٔ پیشگیرانه به‌عهده دارد، او باید مطمئن شود که وضعیت و شرایط زندگی در زندان برای سلامتی زندانیان خطرآفرین نیست. بندهای دیگری نیز به روابط ممتاز میان پزشکان و زندانیان اشاره می‌کنند. مدیر زندان مسئولیت دوگانه‌ای در قبال سلامتی زندانیان دارد، او باید مراقب عملکرد صحیح سرویس‌های پزشکی باشد و از سوی دیگر اطمینان حاصل کند که نظام حبس لطمه‌ای به سلامتی زندانیان وارد نمی‌آورد. مدیر برای اجرای صحیح مسئولیت دوگانهٔ خویش به نظرات روشن پزشک مشاور نیاز دارد.

۱۸. RMT ها مشخص نکرده‌اند که آیا سه عملکرد فوق‌الذکر باید توسط پزشک‌های مختلفی انجام گیرد یا خیر؟ اما این تقسیم کار نمی‌تواند همیشه ممکن باشد، و لذا این خطر وجود دارد که یک پزشک مجبور به حل چندین مسئلهٔ متضاد باشد. اگر چنین موردی پیش آید، پزشک باید به‌خاطر داشته باشد که پیش از هر چیز، پزشک زندانیان است و مهم‌ترین رسالت او ارایهٔ مراقبت‌های پزشکی به زندانیان متقاضی است. به‌هرحال شغل او هرچه باشد، نباید از سلامتی زندانیان غافل شود. برای یک پزشکِ زندان، همانند تمامی پزشکان، فقط سلامتِ بیمار اهمیت دارد رسیدگی به امور زندانی به‌عنوان بیمار باید مهم‌ترین اولویت باشد.

۱۹. مسئولیت پزشک در قبال بیماران، در زندان از ابعاد خاصی برخوردار است و سلامت روحی و جسمی زندانیان به تلاش آنان در راه جامعه‌پذیری کمک می‌کند. قاعده ۶۲ که شامل یک اصل محوری است، از این نظر اهمیت ویژه‌ای دارد:
بند ۶۲
خدمات پزشکی زندان باید تلاش کنند تا تمامی کمبودها و بیماری‌های جسمی و روانی را کشف و معالجه

www.ParsBook.org

نمایند، این کمبودها و بیماری‌ها می‌تواند مانعی در راه بازگشت زندانیان به جامعه باشند. هر نوع معالجهٔ پزشکی، روان‌درمانی و عمل جراحی که لازم تشخیص داده می‌شود باید در جهت رسیدن به این هدف انجام گیرد.
شرایط ناگوار زندگی فقط بر زندانیان بیمار تأثیر سوءِ نمی‌گذارد، بلکه بر تمامی زندانیان تأثیرگذار است. قاعده ۶۲ مسئولیت اصلی سرویس‌های پزشکی در زندان را تعریف می‌کند، مسئولیتی که هم به محکومان و هم به دیگر گروه‌های خاص زندانیان مربوط می‌شود.

سوگندنامهٔ آتن

۲۰. شورای بین‌المللی خدمات پزشکی در زندان طبق آنچه که، مناسب است سوگندنامهٔ آتن نامیده شود، به اهمیت مسئولیت پزشکان در زندان اذعان کرده است:
«ما، شاغلین در امور بهداشتی که در زندان‌ها فعالیت می‌کنیم، در ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۹ در آتن گردهم آمدیم تا مطابق روح حاکم بر سوگندنامهٔ بقراط متعهد شویم که بهترین مراقبت‌های پزشکی را در اختیار زندانیان قرار خواهیم داد، و دلیل زندانی‌شدن آنها تأثیری در این انجام وظیفه نخواهد داشت، ما بدون پیشداوری و در چارچوب اخلاق حرفه‌ای خود به مراقبت خواهیم پرداخت. ما حق افراد زندانی‌شده برای برخورداری از بهترین مراقبت‌های پزشکی ممکن را به رسمیت می‌شناسیم.
ما متعهد می‌شویم که
۱. از صدور مجوز و یا تأیید هرگونه تنبیه بدنی خودداری کنیم.
۲. از مشارکت در هرگونه شکنجه امتناع نماییم.
۳. هیچ‌نوع آزمایش پزشکی در میان افراد زندانی انجام ندهیم، مگر با رضایت خود آنان و به شرطی که آنان از محتوای آزمایش آگاهی کامل داشته باشند.
٤. دربارهٔ اطلاعاتی که طی رابطهٔ شغلی ما با بیماران زندان به‌دست می‌آوریم به اصل رازداری احترام بگذاریم.
۵. معاینات پزشکی ما طبق نیازهای بیمار باشد و معاینه را از هر مسئله غیرپزشکی دیگر مقدم‌تر بشماریم.»

۲۱. سوگندنامه آتن زمانی نهایت کارآیی را خواهد داشت که مدیران و پزشکان زندان مراقب باشند که تمامی کارمندان پزشکی، چه آنها که به‌طور دائمی برای بهداشت زندانیان کار می‌کنند و چه آنها که موقتاً این وظیفه را انجام می‌دهند، با محتوای این سوگندنامه آشنا باشند. برای تضمین امدادهای پزشکی سریع و متناسب و نیز برای انتشار عمومی آیین‌نامه‌های حرفه‌ای پزشکان و پرستاران، باید منابع مالی تأمین شود و مقرراتی وضع گردد. این وظیفه به‌عهدهٔ دولت‌هاست که به پرسنل پزشکی زندان‌ها اطلاعات لازم (نام، آدرس و غیره) دربارهٔ سازمان‌های مسئول در زمینهٔ اخلاق پزشکی را ارائه کنند.

www.ParsBook.org

خدمات پزشکی ضروری است

۲۲. مقررات زیر نیازهای ضروری در زمینهٔ خدمات و مراقبت‌های پزشکی را مشخص می‌کنند:

قاعده ۲۲ــ(۱)

هر زندان باید حداقل از خدمات یک پزشک حاذق برخوردار باشد. این پزشک باید با روان‌درمانی نیز آشنا باشد. خدمات پزشکی باید طی روابط تنگاتنگی با ادارهٔ عمومی خدمات بهداشتی منطقه یا کشور سازماندهی شود. این خدمات باید شامل بخش روان‌درمانی برای تشخیص و در صورت لزوم معالجه ناهنجاری‌های روانی باشد.

(۲)

برای بیمارانی که نیاز به مراقبت‌های ویژه دارند، باید امکان انتقال آنان به زندان‌های تخصصی و یا بیمارستان‌های شهری پیش‌بینی شود. زمانی‌که معالجات در داخل زندان صورت می‌گیرد، زندان مذکور باید مجهز به ابزار، آلات و فرآورده‌های دارویی باشد تا امکان مراقبت و معالجهٔ مناسب برای زندانیان بیمار فراهم آید و پرسنل پزشکی نیز باید مهارت حرفه‌ای لازم را کسب کرده باشند.

(۳)

هر زندانی باید بتواند از مراقبت‌های یک دندانپزشک حاذق برخوردار شود.

۲۳. در زمینهٔ مراقبت‌های پزشکی، اولین الزام شامل حضور یک پزشک است که به‌طور دائم باید در دسترس باشد. البته همیشه امکان آن نیست و ضرورت هم ندارد (با توجه به بزرگی زندان) که یک پزشک به‌طور تمام‌وقت در اختیار زندان باشد. در این صورت طبق بند ۲۲ــ(۱) لازم است که روابط تنگاتنگی با خدمات پزشکی خارج زندان برقرار شود. مجموعه اصول اساسی مربوط به معالجهٔ زندانیان، الزامات بیشتری را مطرح کرده است:

اصل ۹

زندانیان باید به خدمات بهداشتی موجود در داخل کشور دسترسی داشته باشند، بدون آنکه به‌خاطر وضعیت قضایی خود دچار تبعیض شوند.

قاعده RMT۹۱ ها فقط به متهمان اختصاص دارد:

قاعده ۹۱

یک متهم باید مجاز به دیدار و دریافت مراقبت‌های پزشکی از سوی پزشک یا دندانپزشک خاص خود باشد، به‌شرطی که درخواست وی مبنای معقولی داشته باشد و خود متهم بتواند هزینه‌های لازم را پرداخت نماید.

۲٤. اصل ۹ و قاعده ۹۱ به دلیل پیچیده‌بودن روند اجرایی، به‌ندرت اجرا می‌شوند. با این حال، نباید این

www.ParsBook.org

مقررات را نادیده گرفت. سرویس‌های پزشکی زندان الزاماً دچار محدودیت‌هایی هستند، لذا روابط ساختاری و کاری آنها با سرویس‌های مراقبتی خارج زندان اهمیتی اساسی دارد. طبق این شرایط است که می‌توان کمک‌های پزشکی گسترده و اضطراری را برای زندانیان تضمین کرد. برخی از مدیران و پزشکان زندان به این موضوع توجه کافی نشان نمی‌دهند. در اصل، این مسئولیت به‌عهدهٔ مدیر است، و وظیفهٔ پزشک زندان آن است که رابطه با سرویس‌های پزشکی خارج زندان را سازماندهی و اداره کند و شیوه و شرایط تحقق این روابط را مشخص نماید. این امر به‌عنوان مثال اهمیت دارد که کاغذبازی مانعی در راه انتقال سریع بیمار به یک بیمارستان و یا یک کلینیک مشاوره در خارج زندان نباشد.

کارمندان بهداشتی

۲۵. قاعده ۲۲ــ(۲) مقرر می‌کند که پزشکان «حاذق» و باتجربه در واحدهای بیمارستانی وابسته به ادارهٔ زندان حضور داشته باشند. این الزام هم شامل پزشکان است و هم پرستاران. پرستاران باتجربه همچنین باید در زندان‌هایی که دارای واحد مراقبت نیستند، حضور داشته باشند، به‌ویژه در صورتی که امکان دسترسی به پزشک دشوار باشد. پرستاران می‌توانند این کمبود را جبران کنند. در برخی کشورها، زندانبانان را برای امدادرسانی و معالجه زندانیان در شرایط اضطراری، آموزش می‌دهند، آنان باید بتوانند بیماری‌ها و جراحت‌های شدید را مداوا کنند، به همین دلیل گاهی کلمه «پرستار» به آنان اطلاق می‌شود که نادرست است.

۲۶. پزشک باید اطمینان حاصل کند که خدمات پرستاران زن، پرستاران مرد و کمک‌پرستاران به‌درستی سازماندهی شده است. دفاتری برای ثبت توصیه‌ها و گزارش‌ها باید تهیه شود که شامل توصیه و گزارش‌های شفاهی نیز خواهد بود. توزیع دارو نیز باید تحت نظر پزشک باشد. وی تنها کسی است که نسخه را تجویز می‌کند و ساختن داروها (ترکیب و حل داروهای پودرمانند یا مایع و سپس تقسیم‌بندی آنها متناسب با استفادهٔ هر فرد) نیز باید به پرستاران زن باتجربه سپرده شود، توزیع داروها می‌تواند به‌عهدهٔ پرستاران مرد و درغیر این‌صورت به‌عهدهٔ زندانبانان باشد که باید از دستورات دقیق و توصیه‌های نوشته‌شده توسط پزشک مطلع گردند ــ هر نوع مشکل یا بی‌نظمی به هنگام توزیع دارو باید طی گزارشی به اطلاع پزشک برسد. ساختن دارو به‌هیچ‌وجه نباید به افرادی که دانش و تجربهٔ کافی ندارند محول شود.

www.ParsBook.org

تجهیزات

۲۷. خدمات پزشکی، علاوه بر پرسنل پزشکی کافی و ذیصلاح، شامل سالن‌ها و تجهیزاتی است که دارای کیفیت مناسب هستند و به‌خوبی نگهداری می‌شوند. سالن‌های مراقبت، قفسه‌ها و کمدهای پزشکی و بقیه ابزارها باید مجهز به قفل‌های بزرگ باشند و فقط پرسنل بهداشتی ذیصلاح که مسئول بهداشت و امنیت در سرویس‌های پزشکی هستند بتوانند به آنها دسترسی پیدا کنند. در بسیاری از نقاط جهان، با توجه به بالابودن درجه حرارت، باید تدابیری برای حفاظت یا جایگزینی داروهای فاسدشدنی اتخاذ شود.

پزشک، مداواکنندهٔ زندانیان

۲۸. قاعده ۲۵ــ(۱) جنبه‌ای کاملاً عمومی دارد:

قاعده ۲۵ــ(۱)

پزشک، مسئول نظارت بر سلامتی جسمانی و روانی زندانیان است. او باید هر روز زندانیان بیمار را ملاقات کند، یعنی همهٔ زندانیانی که از بیماری شکوه دارند و آنهایی که نظر پزشک را به‌طرزی خاص جلب می‌کنند.

از این اصل سه نتیجه می‌توان گرفت: پزشک باید حاذق باشد. او باید اطاقی را جهت مراقبت‌های پزشکی و جراحی دراختیار داشته که مجهز به وسایل لازم و یک داروخانه غنی باشد. پزشک باید بتواند زندانیان را مانند هر بیمار دیگر معاینه و مداوا کند. به‌عبارت دیگر، پزشک زندان نباید به تجویز داروهای خواب‌آور و آرام‌بخش اکتفا کند، بلکه او باید تمامی آنچه را که توانایی حرفه‌ای او ملزم و مجاز می‌سازد به شکل اقدامات پزشکی برای بیمار انجام دهد.

اغلب پزشکان زندان را تحت فشار قرار می‌دهند تا انواع مختلف داروهای خواب‌آور را به زندانیان تجویز کنند، بدون آنکه دلایل پزشکی مشخصی وجود داشته باشد. آنان فقط هنگامی باید این نوع داروها را تجویز کنند که از نظر پزشکی استفاده آنها موجه باشد و به انگیزه‌های دیگر نباید توجیهی شود. قاعده ۲۵ــ(۱) به اقدامات پزشک به‌عنوان مشاور رییس زندان مربوط می‌شود. ابهاماتی در رابطه با این وظیفهٔ دوگانه وجود دارد که بعداً در پاراگراف ٤٣ همین فصل به آن خواهیم پرداخت.

معاینه‌های پزشکی سریع و متناسب

۲۹. قاعده ۲۵ــ(۱) دلایل خوبی را در اختیار پزشک می‌گذارد. که او به‌طور روزمره به دیدار از زندانیانی که از بیماری شکایت دارند. سلامتی زندانیان بیش از سایر شهروندان آسیب‌پذیر است که این امر به

www.ParsBook.org

شرایط حبس، برخی رفتارها و یا خطرات خاص مربوط می‌شود، خطراتی مانند: خودزنی، تلاش برای خودکشی، تجاوز و غیره. فشار روانی ناشی از حبس می‌تواند عامل بیماری باشد. زندانی می‌تواند تظاهر به بیماری کند و درپی سوءِاستفاده از مراقبت‌های پزشکی باشد، این فقط وظیفهٔ پزشک است که دربارهٔ صحت و سقم ادعای زندانی قضاوت کند و به‌خاطر داشته باشد که این‌گونه تظاهرها می‌تواند علائم مقدماتی برخی ناهنجاری‌های جسمانی یا روانی زندانی باشد.

۳۰. در صورت عدم دسترسی به پزشک، پرستار باید به‌طور دائمی حضور داشته باشد تا به کارهایی از قبیل معاینه سرپایی، پاسخ به درخواست‌های غیروخیم و رسیدگی به مراقبت‌های اولیه، بپردازد. ضمناً، تدابیری باید اتخاذ شود تا یک پزشک از خارج زندان بتواند در اسرع وقت جهت رسیدگی به یک وضعیت اضطراری وارد زندان شود.

۳۱. اصل ٢٤ از مجموعه اصول مقرر می‌کند که
هر زندانی یا فرد بازداشت‌شده در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از ورود به محل حبس یا بازداشت باید تحت معاینه پزشکی مناسب قرار گیرد؛ سپس، هربار که وی احساس نیاز به مراقبت‌ها و معالجات پزشکی کند باید بتواند از آن برخوردار شود. این مراقبت‌ها و معالجات، رایگان خواهند بود.
این اصل پزشک را ملزم نمی‌کند که به محض ورود زندانی به زندان وی را تحت معاینه قرار دهد، بلکه معاینه‌شدن را حق زندانی تازه‌وارد می‌داند. زندانی باید از این امکان مطلع شود و نیز آگاه شود که این معاینه و دیگر رسیدگی‌های پزشکی رایگان هستند.

۳۲. اهمیت این حق، که مسئولیت مراجعه به مراقبت‌های پزشکی را به زندانیان واگذار می‌کند، در اصول ۲۵ و ۲۶ مجموعهٔ اصول مورد تأکید قرار گرفته است.
اصل ۲۵
هر شخص زندانی یا بازداشت‌شده و یا مشاور او، به شرطی که شرایط لازم برای تأمین امنیت و حفظ نظم در محل بازداشت یا حبس رعایت شود، حق دارد که از مرجع قضایی و یا مرجع ثانی دیگر درخواست معاینه پزشکی کند و یا خواستار نظر پزشک دیگری، شود.
اصل ۲۶
معاینهٔ پزشکی بر روی فرد زندانی یا بازداشت‌شده، نام پزشک معاینه‌کننده و نتایج معاینه باید به‌شکل صحیح ثبت گردد. بدین‌ترتیب، طبق مقررات مربوطه داخلی، امکان دستیابی به این اطلاعات تضمین می‌شود.
این مقررات هم به مقامات زندان و هم به پزشکان زندان مربوط می‌شود. با این حال هردو گروه تعابیر متفاوتی از عبارت‌های: «هرگاه که زندانی احساس نیاز به مراقبت‌های پزشکی کند» (اصل ٢٤)، «شرایط لازم برای تأمین امنیت و حفظ نظم» (اصل ۲۵) و «امکان دستیابی به این اطلاعات» (اصل ۲۶) دارند.

www.ParsBook.org

به‌علاوه، دیدگاه هردو طرف می‌تواند با نظر زندانی که ذینفع اصلی در این مسئله است، متفاوت باشد. ما بعداً خواهیم دید که چگونه این تضادها و اختلاف نظرها در رابطه با اصول مربوط به «دستیابی به مراقبت‌ها» (پاراگراف‌های ۳۵ و ۳۶)، «اطلاعات دربارهٔ شدت جراحات» (پارگراف ۳٤) قابل حل هستند و کدام مرجع باید برای حل این گونه مناقشات تأسیس شود (پارگراف‌های ۸۶ و ۸۸).

لزوم اطلاع کارمندان پزشکی از حوادث

۳٤. پزشک و پرستارها باید به هروسیله ممکن از خشونت‌هایی که میان زندانیان و خشونت‌هایی که علیه آنان (تنبیه بدنی) روی می‌دهد مطلع شوند. زندانیان ذینفع باید مورد معاینه و تحت مراقبت قرار بگیرند و گزارش لازم باید به اطلاع مدیر زندان برسد. همین تدابیر باید دربارهٔ حادثه‌هایی همچون اقدام به خودکشی، خودزنی، اعتصاب غذا، سوءِاستفاده جنسی و غیره به‌کار بسته شود. زخم‌ها و علایم ناشی از تنبیه بدنی، شکنجه و غیره باید تحت معاینهٔ پزشکی که ترجیحاً مستقل است قرار گیرد. او باید با صداقت تمام و به‌دور از هر نوع فشار رسمی به این معاینه اقدام نماید. اگر یکی از طرفین خواستار «معاینهٔ مجدد پزشکی» گردد، این خواسته باید اجرا شود، پزشک مسئولیت دارد که به یک سازمان (قضایی) مستقل دربارهٔ اعمال شکنجه و علایم خشونتی که به زندانبانان نسبت داده می‌شود گزارش ارائه دهد.
«مجموعهٔ اصول» به وضوح هرنوع رفتار خشن و تحقیرآمیز را ممنوع می‌کند (به پاراگراف ۱ رجوع شود) و خاطرنشان می‌سازد که ارائهٔ گزارش دربارهٔ هر نوع تجاوز به این اصل مسلم، وظیفهٔ پزشکان و دیگر شاهدان است. آنان باید گزارش خود را به مقام شخصی بالاتر و یا به مقامات و مراجع ذیصلاحی که عهده‌دار کنترل و نظارت هستند ارسال نمایند (اصل ۷).

دسترسی آزاد به مراقبت‌های پزشکی

۳۵. دسترسی به مراقبت‌ها باید به‌راحتی و سریع انجام گیرد و نتیجهٔ مؤثری درپی داشته باشند. به زندانبان‌ها توصیه می‌شود که شکایات دریافتی از زندانیان را جدّی بگیرند و آنها را در کوتاه‌ترین مدت به نزد سرویس‌های پزشکی هدایت نمایند؛ آنان باید رفتاری انسانی و دقت و توجه از خود نشان بدهند و هیچگاه نباید خود دربارهٔ اینکه آیا زندانی باید به دیدار پزشک برود یا خیر، تصمیم بگیرند.

۳۶. درخواست برای مراقبت و امکان دستیابی به سرویس‌های پزشکی نباید مشروط به پُرکردن فرم‌های پیچیده باشد. پذیرفتنی نیست که بیمار یک یا چند روز پس از درخواست بتواند نزد دکتر یا پرستار برود. دستیابی به سرویس‌های پزشکی، بدون تشریفات زاید، بدین معنی نیست که در خواست‌ها ثبت نشوند،

www.ParsBook.org

این امر برای جلوگیری از بروز اختلاف، لازم و ضروری است. درخواست ملاقات با پزشک باید بر روی یک برگه ساده و یا در دفتر ویژهٔ ثبت شود، درخواست می‌تواند توسط زندانبان یا زندانی نوشته شود، اما هردو باید آن را امضأ کنند. پزشک، مسئول نگهداری از برگه‌ها و یا دفتر ویژه است.

پزشک زندان باید وظایف و تعهدات اخلاقی خود به زندانیان را توضیح دهد

۳۷. پزشک زندان که شغل دوگانه‌ای به‌عهده دارد (مداوای زندانیان و مشاوره با مدیر)، وظیفه دارد که ابهام‌زدایی بکند و به زندانیان توضیح دهد که چه محدودیت‌هایی برای حفظ اسرار پزشکی در زندان وجود دارد (مثلاً کدام وقایع و کدام اطلاعات را می‌توان با یا بدون رضایت زندانی گزارش داد)، پزشک می‌تواند دربارهٔ ماهیت و محتوای گزارش‌ها و نظرات پزشکی که به مدیر می‌فرستد، به زندانیان توضیح دهد.

پزشک، مشاور مدیر زندان

۳۸. پزشک زندان دربارهٔ مسائل بهداشت عمومی و خصوصی به مدیر زندان مشاوره می‌دهد. با اینکه بهداشت با تمام جنبه‌های زندگی در زندان درارتباط است، نیازی نیست که پزشک در مسائلی مانند حفظ نظم و امنیت دخالت داده شود و هیچ‌گاه نباید از توانایی‌های وی در جهت این مسائل استفاده شود. یک پزشک زندان به‌هیچ‌وجه نباید با پزشک قانونی یکی دانسته شود، وظیفهٔ پزشک قانونی کار بر روی پرونده‌های تحقیقاتی پلیس‌است. اگر از پزشک زندان انتظار داشته باشیم که وظایف پزشک قانونی را انجام دهد، در این صورت وی نخواهد توانست به‌طور مستقل اقدامات پزشکی را بر روی زندانیان انجام دهد، لذا چنین امری پذیرفتنی نیست.

۳۹. طبق قاعده ۳۲ــ(۱) و (۲)۲۳، پس از تعیین تنبیه علیه زندانیان، می‌توان نظر پزشک را جویا شد. این قاعده اکنون متروک شده است. چنین امری مغایر با اخلاق است که یک پزشک در اقدامی که می‌تواند به سلامتی جسمی و روحی یک فرد لطمه بزند همکاری نماید و گواهی بدهد که زندانی قادر به تحمل تنبیه است.۲٤

www.ParsBook.org

محدوده‌های رازداری پزشکی

٤٠. مقرراتی وجود دارد که مسائل ناشی از «وظیفهٔ دوگانهٔ» پزشک در زندان را مطرح کرده‌اند. شایسته است که به این مقررات دقت کنیم.

قاعده ٢٤

پزشک باید هر زندانی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از پذیرش وی در زندان و به دفعات ممکن و لازم پس از آن، مورد معاینه قرار دهد، به‌ویژه به این منظور که بیماری جسمی و روحی احتمالی را در وی کشف نماید و تدابیر لازم را اتخاذ نماید؛ پزشک باید زندانیان مشکوک به بیماری‌های عفونی و مُسری را از دیگر زندانیان جدا نماید؛ او باید تلاش کند تا نواقص جسمی و روحی زندانی را که مانعی در راه بازگشت او به جامعه هستند برطرف سازد و میزان توانایی جسمی هر زندانی برای کارکردن را مشخص نماید.

(٢)ـ٢٥

پزشک هربار که معتقد شود تمدید حبس و یا هر تنبیه دیگر باعث لطمه‌زدن بر سلامت جسمانی و روانی زندانی می‌شود باید گزارش در این زمینه به مدیر زندان ارائه کند.

(٣)ـ٣٢

پزشک باید هر روز زندانیانی را که متحمل چنین تنبیه‌های انضباطی می‌شوند تحت معاینه قرار دهد و در صورتی که معتقد به اصلاح و یا پایان تنبیه، بنا بر دلایل جسمانی یا روانی، باشد باید گزارش امر را به اطلاع مدیر زندان برساند.

٤١. پزشک که پس از معاینهٔ زندانی (قاعده ٢٤) گزارشی ارائه می‌دهد، ممکن است به حق زندانی مبنی بر حفظ مسائل خصوصی و حیثیت فردی او تجاوز نماید. این‌گونه گزارش‌های پزشکی می‌تواند به وخیم‌ترشدن وضعیت زندانی و واردآمدن لطمه بر سلامتی و شرایط زندگی او گردد.

٤٢. نتایج معاینهٔ پزشکی ممکن است باعث شود که زندانی در ردیف کسانی قرار گیرد که قادر به تحمل کارهای سخت هستند و یا برعکس، او را از کارکردن معاف سازد. نتایج این معاینه‌ها به جداسازی و انزوای برخی زندانیان بیمار، مثلاً افراد مبتلا به ایدز و یا حامل ویروس، بیانجامد و این جداسازی موجب انگشت‌نماشدن زندانی گردد. به‌هرحال نتایج معاینه‌ها می‌تواند به تنبیه، انزوا و اعمال شاقه منتهی شود و بر سلامت جسمی و روانی زندانی لطمه وارد کند.

www.ParsBook.org

پزشک و تنبیه‌ها

۴۳. اصل ٤ــ(ب) از اصول اخلاق پزشکی که توسط پرسنل بهداشتی و به‌ویژه پزشکان، برای حفاظت از زندانیان و بازداشت‌شدگان در مقابل شکنجه و دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز قابل اجراست، مقرر می‌کند.

اگر اعضای پرسنل بهداشتی و پزشکی اعمال زیر را انجام دهند، در این‌صورت اخلاق پزشکی را زیرپا گذاشته‌اند:

الف) [...]

ب) دادن گواهی و یا همکاری در تهیه آن، مبنی بر اینکه زندانیان و بازداشت‌شدگان توانایی لازم بر تحمل تنبیه یا مجازاتی خاص را دارند، درحالی‌که این تنبیه می‌تواند تأثیرات ناگواری بر سلامتی جسمانی یا روانی زندانی داشته باشد؛ و با تمهیدات بین‌المللی متناسب نباشد. همکاری به‌نحوی از انحأ در تنبیه و مجازاتی که مطابق تمهیدات بین‌المللی نیست مصداق تجاوز به اخلاق پزشکی است.

٤٤. این امر اهمیت دارد که پزشک زندان هیچ نقشی در مسائل انضباطی و امنیتی نداشته باشد. پزشک تنها به‌عنوان پزشک در زندان مشغول به کار می‌شود و نه به‌عنوان پرسنل اداری و یا مدیریت در زندان. او علیرغم «وظیفهٔ دوگانه»ای که دارد نباید با رفتار، زبان و اعمال خود این احساس را به‌وجود آورد که همدست مدیریت زندان است. وظیفهٔ او به‌عنوان مشاور باید در محدوده‌ای انجام گیرد که برای همه قابل درک است. پزشک و مدیر زندان باید آگاه باشند که ایفای این نقش دوگانه، اگر نگوییم غیرممکن، حداقل بسیار دشوار است و برای فردی که از اصول اخلاق پزشکی پیروی می‌کند مشکلات وجدانی شدیدی به‌وجود می‌آورد.

٤٥. پرستاران نیز مانند پزشکان در شرایط حساسی به‌سر می‌برند. آنان که زیردستان ساده محسوب می‌شوند باید از نظر حرفه‌ای استقلال کامل داشته باشند و این استقلال باید با احتیاط بیشتری به آنان داده شود.

در نهادهای تخصصی (مانند بیمارستان روانی)، پزشکان می‌توانند مسئولیت‌های اداری را به‌عهده گیرند. پیش از تحلیل ابهامات و مناقشاتی که به نقش دوگانهٔ آنان مربوط می‌شود بهتر است به تجربهٔ کاری آنان توجه شود، به‌ویژه وقتی که این پزشکان روابط خاصی با بیماران خود برقرار می‌کنند.

www.ParsBook.org

آزمایش پزشکی و تحقیقات کلینیکی

۴۶. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حکم می‌کند: هیچکس نباید تحت شکنجه و مجازات‌ها یا رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد. به‌ویژه، انجام آزمایش پزشکی یا علمی بر روی هر فرد، بدون رضایت آزادانهٔ او، ممنوع است.
موافقت یک زندانی برای انجام آزمایش پزشکی بر روی او مثلاً به‌شرط کاهش مجازات و یا دادن پاداش با اصل رضایت آزادانه مغایرت دارد. این نوع سوءِاستفاده با ماده ۷ در تضاد است. اصل ۲۲ از مجموعهٔ اصول (که در ۱۹۸۸ به تصویب رسید و لذا جدیدتر محسوب می‌شود) در این زمینه سختگیرتر است:
هیچ فرد زندانی یا بازداشت‌شده، حتی با رضایت خود، نباید تحت آزمایش پزشکی یا علمی‌ای که می‌تواند بر سلامتی او لطمه زند قرار گیرد.
این اصل به‌طور قاطعانه بهانهٔ رضایت زندانی را وقتی که آزمایش خطرناک باشد، رد می‌کند.

۴۷. بیانیهٔ هلسینکی که توسط انجمن جهانی پزشکی در سال ۱۹۶٤ صادر و در سال‌های ۱۹۷۵، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۹ مورد بازنگری قرار گرفت، توجه ویژه‌ای به این مسئله کرده است و به‌وضوح از اهمیت آن در دوران حاضر سخن گفته است. این بیانیه که تمامی پزشکان زندان باید آن را در ذهن داشته باشند، بیشتر به مسئلهٔ تحقیقات پزشکی می‌پردازد تا آزمایش‌های پزشکی. این بیانیه در مقدمهٔ خود اعلام می‌کند:
تحقیقات کلینیکی را نمی‌توان به‌طور قانونی انجام داد مگر آنکه اهمیت هدف تحقیقات با خطراتی که متوجه فردِ تحت آزمایش است، متناسب باشد.
این بیانیه در ادامه می‌آورد:
پزشک به هنگام معالجهٔ بیمار باید در استفاده از پروتکل جدید درمانی، آزاد باشد، اگر یقین دارد که این پروتکل امید به نجات زندگی بیمار را افزایش و یا آلام وی را کاهش می‌دهد و یا سلامتی را به او بازمی‌گرداند.
بیانیه می‌افزاید:
در صورت امکان، با توجه به وضعیت روانی بیمار، پزشک باید موافقت آزادانه بیمار را، پس از اطلاع کامل وی، به‌دست آورد.
این بیانیه میان تحقیقات کلینیکی که هدف آن معالجه بیمار است و تحقیقات کلینیکی که هدفی کاملاً علمی دارد و برای فرد تحت آزمایش، ارزش معالجه‌ای ندارد، «تفاوتی بنیادین» قائل شده است. این بیانیه خاطرنشان می‌کند:
وظیفهٔ پزشک حفاظت از زندگی و سلامتی فرد تحت آزمایش است. ماهیت، هدف وخطرات تحقیق کلینیکی باید توسط پزشک و فرد تحت آزمایش توضیح داده شود. تحقیقات کلینیکی نباید بر روی انسان

www.ParsBook.org

صورت گیرد مگر با موافقت آزادانهٔ او و پس از اطلاع کامل او از جزئیات آزمایش. چنین موافقتی باید طبق قاعدهٔ عمومی به‌طور کتبی درج گردد و فرد ذینفع به هنگام اعلام موافقت باید از وضعیت جسمی، روانی و قانونی مناسب که وی را قادر به اِعمال حق انتخاب می‌کند، برخوردار باشد.
متن بیانیه این چنین نتیجه‌گیری می‌کند:
آزمایش‌کننده باید به حقوق فرد مبنی بر حفظ حیثیت شخصی او احترام بگذارد، به‌ویژه وقتی که فرد تحت آزمایش، نوعی رابطهٔ وابستگی با فرد آزمایش‌کننده داشته باشد.
این توصیه‌ها دقیقاً دربارهٔ زندانیان، به‌ویژه آنان‌که در قبال دریافت پاداش تن به موافقت می‌دهند، قابل اجراست.

بیماری‌های مسری و ایدز

۴۸. زندانیان آلوده به ویروس HIV که از بیماری ایدز رنج می‌برند و زندانیان مبتلا به سل، هپاتیت و دیگر بیماری‌های مسری معمولاً خطری برای هم‌بندها و زندانبانان محسوب می‌شوند. آلودگی به HIV تهدیدی جدی به‌حساب می‌آید، به‌ویژه به خاطر آنکه اغلب با مصرف مواد مخدر رابطه دارد. اولین کار، معاینهٔ اجباری زندانیان و گرفتن آزمایش خون است، سپس بیماران در قرنطینه و یا در واحدهای مجزا نگهداری می‌شوند، هرچند که این تدابیر می‌تواند تبعیض‌آمیز باشد.۲۵ راه‌حل‌ها می‌تواند از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد، اما این راه‌حل نباید بر نظر زندانیان، زندانبانان و یا مردم مبتنی باشد، بلکه باید به اصل رعایت حیثیت بیمار، اعتماد به نظریه پزشکی و الزام به رعایت رازداری متّکی باشد. شایسته است که ابتدا زندانیان و پرسنل از نوع بیماری، خطرات واقعی آن و راه‌های جلوگیری از آن مطلع گردند، لازم است که کاندوم و حتی سرنگ برای معتادین به مواد مخدر تهیه شود۲۶. هرچند که رابطهٔ جنسی میان زندانیان مرد و مصرف مواد مخدر امری بسیار تأسف‌برانگیز است، اما این رفتارها بخشی از زندگی در زندان هستند و حتی گاهی منتج از آثار حبس می‌باشند. مسلماً این رفتارها مطلوب نیستند: مقررات انضباطی و قوانین کیفری باید روابط جنسی تحمیلی را ممنوع و عاملین آن را تنبیه نمایند؛ با مواد مخدر نیز باید به‌شدت مبارزه گردد. با این‌وجود هیچ لزومی ندارد که واقعیات نادیده گرفته شوند.

۴۹. پزشک در مقابل مشکلات روزافزون باید ضمن احترام به زندگی خصوصی افراد بر تعداد ابتکارات خود بیافزاید. این احترام زمانی بیشتر تضمین می‌شود که وی از خدمات بهداشتی خارج زندان کمک بگیرد.
این مشکل ابعاد پیچیده‌ای دارد، لذا این اجبار اکید وجود دارد که کارمندان بهداشتی به‌خوبی آموزش دیده باشند و از سوی دیگر مسائل اخلاقی به‌دقت تحت نظر گرفته شود.۲۷ این امر ضرورت و فوریت کامل دارد که اصول مشخصی دربارهٔ ابعاد رازداری پزشکی در زمینهٔ بیماری ایدز وضع و تعریف گردد.

www.ParsBook.org

۵۰. در وضعیت‌های وخیم، جداسازی بیماران قابل توجیه است و نیز لزوم انجام آزمایش‌های پزشکی که طبق شرایط مشخص و دقیقی صورت می‌گیرد. پزشک و مدیر زندان نمی‌توانند این تدابیر را آزادانه و طبق ابتکارهای شخصی به‌کار بندند؛ تدابیر مذکور باید براساس قوانین خاص و از سوی مقامات سیاسی مسئول و پس از مشاورات گسترده با کارشناسان اتخاذ گردد.

خودکشی

۵۱. در زندان، خودزنی و تلاش برای خودکشی رواج بسیاری دارد. این رفتارها عموماً نتیجهٔ مشکلات روانی، ذهنی، اجتماعی و فرهنگی هستند. با این رفتارها باید با احتیاط کامل برخورد نمود. این برخورد باید با رعایت حساسیت مسئله و مورد به مورد باشد و برخورد کلی براساس قوانین انضباطی چندان مناسب نیست. ناامیدی در قبال آینده، شرایط حبس (مثلاً تحمل سوءِاستفاده‌های جنسی)، مشکلات نژادی، تفاوت‌های محیط فرهنگی، جداشدن از محیط خانوادگی و دوستان، دوربودن از وطن خویش و مجبوربودن به زندگی با افراد غریبه، همگی عواملی هستند که به درک رفتارهایی مانند خودکشی و خودزنی کمک می‌کنند. اغلب اوقات این معضلات را از طریق حبس انفرادی حل وفصل می‌کنند، درحالی‌که باید کاملاً عکس این کار را انجام داد، یعنی زندانی‌ای را که دست به خودکشی‌زده، باید در میان پرسنل و یا زندانیان قابل اعتماد قرار داد.
جلوگیری از خودزنی و خودکشی زندانیان، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. مرگ و جراحت‌های وخیم، تأثیر سویی بر روحیهٔ زندانبانان و زندانیان می‌گذارد. زندانبانان برای آگاهی از انگیزه‌های خودکشی، شناخت علائم تمایل به آن و استراتژی‌های کمک به زندانیان آسیب‌پذیر باید تحت آموزش کارشناسان قرار گیرند. این‌گونه حوادث باید به‌طور دقیق و مفصل گزارش شود. همچنین، دستورالعمل‌های واضحی باید تدوین شود که طبق آنها زندانبانان بتوانند در صورت بروز این‌گونه حوادث به مداخلهٔ مؤثر بپردازند.

۵۲. در صورت تلاش یک زندانی برای خودکشی یا خودزنی، پرسنل زندانبان در خط مقدم اقدامات قرار دارند. باید به پرسنل پزشکی اطلاع داده و راه‌حل مناسبی جستجو شود. مثلاً از یک مقام مذهبی، مددکار اجتماعی یا زندانی دیگر کمک گرفته شود. پیشگیری هیچگاه نمی‌تواند به‌طور مطلق باشد، زیرا عوامل خارجی نیز می‌توانند در امر خودکشی مؤثر باشند (نتیجهٔ محاکمه، ترک همسر، مرگ یکی از نزدیکان و غیره). در تمامی موارد، تنها راه‌حل مقدماتی شامل ارائهٔ کمک بی‌قید و شرط، مؤثر و مستقیم به زندانی است: زندانبان باید حاضر باشد، ابزار خودزنی را جمع‌آوری کند، به سخنان زندانی گوش دهد و به او امید و دلگرمی بدهد. زندانیان در قبال این نوع توجهات، ابراز قدرشناسی خواهند کرد. این امر مانع از آن نیست که سازمان‌های مبارزه با خودکشی که در خارج زندان فعال هستند، برای کمک به حل این مداخله کنند.

www.ParsBook.org

اعتصاب غذا

۵۳. میان اعتصاب غذای اعتراض‌آمیز و اعتصاب‌هایی که به منظور خودکشی انجام می‌گیرند و علامت ناهنجاری روانی هستند باید تفاوت قائل شد. خودداری از غذاخوردن، اغلب نوعی اعتراض است تا تلاشی برای خودکشی و بیشتر جنبه‌ای سیاسی یا اجتماعی دارد تا جنبهٔ پزشکی. این تفاوت اهمیتی بسیار دارد، زیرا معاینهٔ یک زندانی اعتصاب‌کننده و پی‌بردن به وضعیت جسمانی او ممکن است به غذاخوراندن اجباری به او و حتی به تزریق سرم از سوی پزشک، برخلاف میل زندانی، بیانجامد و این امر باعث شود که مسئلهٔ اعتراض متوقف و کلاً به فراموشی سپرده شود. آن‌گونه که در بیانیهٔ انجمن جهانی پزشکی (AMM) دربارهٔ اعتصاب غذا آمده است، چنین مداخله‌هایی از سوی پزشک نباید انجام گیرد:
پزشک وظیفه دارد به آزادی انتخاب بیمار دربارهٔ سرنوشت شخص خودش، احترام بگذارد.
بیانیهٔAMM بر مشکلی تأکید کرده که عبارت است از قائل‌شدن مرز میان حق اختیار بیمار بر سرنوشت خویش و وظیفهٔ پزشک برای عمل‌کردن در جهت منافع بیمار. بیانیهٔ مذکور نتیجه‌گیری می‌کند که اگر یک پزشک بپذیرد به شخصی که اعتصاب غذاکرده است کمک نماید، فرد مذکور بیمار وی محسوب می‌شود و بدیهی است که این امر بر مسئلهٔ موافقت و مسئولیت تأثیر می‌گذارد و تصمیم نهایی دربارهٔ مداخله یا عدم مداخله باید فقط به پزشک واگذار شود و در این میان لازم نیست به درخواست‌های طرف سومی که به بهداشت بیمار اهمیت نمی‌دهد توجهی شود.

۵۴. زندانیان می‌توانند از غذاخوردن امتناع نمایند و دلیل آن می‌تواند ناهنجاری روانی، یا تلاش برای جلب توجه و یا واداشتن طرف‌های سوم برای اقدام یا عدم اقدام باشد. همیشه رابطه‌ای منطقی میان خودداری از غذا و هدف مورد نظر وجود ندارد. اگر یک زندانی به این هدف اعتصاب غذا کند که تصمیم دادگاه آینده دربارهٔ او تغییر یابد، کمتر با احتمال موفقیت روبروست. زندانبانان و دوستان باید این موضوع را به او بفهمانند و اگر در تلاش برای متقاعدکردن او شکست بخورند، پزشک باید وضعیت جسمانی او را تحت نظر گیرد و خطرات احتمالی را به اطلاع او برساند. در صورت لزوم زندانی باید به یک بیمارستان منتقل و طبق دستورالعمل‌هایی که دقیقاً مشخص شده‌اند در آنجا تحت معالجه قرار گیرد.

۵۵. سیاست حبس در این زمینه باید از اصول ذکرشده در بیانیه‌های انجمن جهانی پزشکی در توکیو (۱۹۷۵) و مالت (۱۹۹۲) پیروی نماید:
هر انسانی وظیفه دارد که به جنبهٔ مقدس زندگی احترام بگذارد. این وظیفه به‌ویژه برعهدهٔ پزشکان است، پزشکانی که توانایی‌های خود را به هدف نجات زندگی انسان‌ها و اقدام در جهت منافع بیماران به‌دست آورده‌اند.

www.ParsBook.org

پزشک وظیفه دارد که به حق اختیار بیمار بر سرنوشت خویش احترام بگذارد. او پیش از اقدام برای کمک به بیماران باید موافقت آنان را جلب نماید، مگر در شرایط اضطراری که در این صورت نیز، پزشک باید حداکثر تلاش خود را در جهت منافع بیمار به‌کار ببندد.
بیانیه‌های مذکور ادامه می‌دهند:
تصمیم نهایی دربارهٔ مداخله یا عدم مداخله باید فقط به پزشک واگذار شود و در این میان لزومی ندارد به درخواست‌های طرف‌های سومی که به بهداشت بیمار اهمیت نمی‌دهند توجهی شود.
بیانیه‌های توکیو و مالت به وضوح حکم می‌کنند:

پزشکان و دیگر اعضای پرسنل بهداشتی نباید برای متوقف‌کردن اعتصاب غذا فشار زیادی بر زندانی وارد کنند؛

زندانی‌ای که اعتصاب غذا کرده است باید توسط پزشک از عواقب فیزیولوژیک و روانی اقدام خود مطلع شود؛

هر نوع معالجه‌ای باید با موافقت اعتصاب‌کننده صورت گیرد؛

پزشک باید به‌طور روزمره از تمایل وی به ادامه یا توقف اعتصاب اطلاع حاصل کند.

بیماران علاج‌ناپذیر و مشرف به موت

۵۶. زندانیان بیمار که در مراحل نهایی بیماری به‌سر می‌برند، آنان که به‌طرز علاج‌ناپذیری معلول شده‌اند و یا وضعیت امیدوارکننده‌ای ندارند، به‌هیچ‌وجه نباید فراموش یا به حال خود رها شوند، برعکس وضعیت آنان توجهات و مراقبت‌های بیشتری را ایجاب می‌کند. مشخص‌ترین راه‌حل برای آنان، پایان‌دادن (و یا تعلیق) مجازات حبس و انتقال آنان به یک نهاد بهداشتی مناسب است. پزشک باید بر بند ۲۵ــ(۲) که قبلاً ذکر شد تکیه کند و ضمن رعایت اصل حفظ اسرار پزشکی، ملاحظات لازم را به اطلاع مدیر زندان برساند.

۵۷. پزشک به هنگام فوت یک زندانی در موقعیت دشواری قرار می‌گیرد. نیازی به گفتن نیست که پزشک باید دلیل مرگ را بررسی و بلافاصله گواهی فوت صادر کند. با این حال، بهتر است یک پزشک مستقل و غیروابسته به زندان یا ادارهٔ مرکزی زندان، چنین وظایفی را به‌عهده گیرد، به‌ویژه به هنگام کالبدشکافی فرد متوفی که در صورت درخواست نزدیکان او حتماً باید انجام گیرد. در چنین شرایطی، پزشک باید

www.ParsBook.org

حداکثر احتیاط را پیشه کند، زیرا ممکن است رابطهٔ مشهودی میان محیط حبس و فوت زندانی وجود داشته باشد و یا پزشک به وجود چنین رابطه‌ای ظن برده باشد.

۵۸. در تمامی این موارد، پزشک زندان که هم پزشک خصوصی زندانیان است و هم مشاور مدیر زندان، باید با دقت تمام عمل کند و به زندانیان نشان دهد که در زمینهٔ این نقش دوگانه و پیامدهای آن کاملاً صادقانه رفتار می‌کند. مدیر زندان نیز باید چنین احتیاطهایی را درپیش گیرد.

پزشک، مسئول سلامتی و بهداشت در درون زندان

۵۹. این شغل نباید منحصراً به پزشک زندان محول شود؛ و این شغل باید رابطه‌ای با مشاغل پیشین او داشته باشد: زندانیان در محیطی بسته زندگی می‌کنند، محیطی که محدودیت‌های مختلفی و بر وضعیت جسمانی آنان کاملاً تأثیر می‌گذارد. پزشک زندان از بیماری‌های روانی و جسمی بیماران خود اطلاع دارد؛ او می‌تواند دلایل این ناهنجاری‌ها را پیدا کند و معلوم کند چه مواردی ناشی از شرایط حبس و چه مواردی به‌دلیل نابسامانی و یا عدم توجه به بهداشت هستند. لذا پزشک زندان این صلاحیت را دارد که دربارهٔ بهبود شرایط زندان (مقررات، سازماندهی کار، محل اقامت) نظر خود را اعلام کند. طبق آنچه در قاعده ۲۶ خواسته شده، شرایط پیشنهادی پزشک می‌تواند تأثیر مثبتی بر سلامتی زندانیان داشته باشد.

وظیفه پزشک زندان: بازرسی و گزارش وضعیت بهداشت و سلامتی در زندان

۶۰. قاعده ۲۶ــ(۱)

پزشک باید مرتباً از زندان بازرسی به‌عمل آورد و دربارهٔ مسائل زیر به مدیر زندان مشاوره بدهد:

الف) کیفیت، کمیت و نحوهٔ تهیه و توزیع غذا؛

ب) بهداشت و نظافت زندان و زندانیان؛

ج) خدمات بهداشتی، سیستم گرمایی، نور و تهویه زندان؛

د) کیفیت و نظافت لباس‌ها و رختخواب زندانیان؛

ه) ملاحظهٔ مقررات مربوط به تربیت بدنی و ورزش زمانی که این برنامه‌ها توسط پرسنل غیرتخصصی سازماندهی شده باشد.

www.ParsBook.org

(۲)
مدیر باید گزارش‌ها و توصیه‌های پزشک، موضوع بند ۲۵، پاراگراف ۲ و بند ۲۶، را مدّنظر قرار دهد و در صورت موافقت، سریعاً تدابیر مورد لزوم برای اجرای توصیه‌ها را اتخاذ نماید؛ اگر وی با پیشنهادهای پزشک موافق نباشد و یا انجام توصیه‌ها در حدّ وظایف و صلاحیت او نباشد، باید بلافاصله گزارش پزشکی و نظرات خاص خود را به مقام بالاتر اطلاع دهد.

۶۱. تمرین بدنی روزانه در هوای آزاد، که موضوع قاعده ۲۱ است، و نیز مقررات امنیتی در مکان‌های کار که موضوع پاراگراف ٧٤ می‌باشد، باید تحت توجه پزشک قرار گیرد، هرچند که بازرسی‌های دیگر توسط نهادهای تخصصی دیگر در این زمینه انجام گرفته باشد.

۶۲. پزشک در تمامی زمینه‌هایی که در پاراگراف ۶۰ یاد شده، کارشناس محسوب نمی‌شود. مدیریت زندان باید از خدمات تخصصی، دولتی، خصوصی و داوطلب نیز کمک بخواهد، این نهادها که خارج زندان هستند می‌توانند پزشک را در قلمرو وظایف او در کنترل بهداشت و سلامتی زندانیان یاری کنند.۲۹

بهداشت غذایی

۶۳. در زندان، غذا، آب و سرویس‌های بهداشتی باید تحت نظارت هوشیارانه‌ای قرار بگیرند. در فصل دوم این کتاب به کیفیت مناسب آب و لزوم دسترسی دائمی به آن که اولویتی مهم است اشاره کردیم، نظافت در سرویس‌های بهداشتی نیز اهمیت بسیار دارد. اما در بسیاری از کشورها تا رسیدن به بهداشت کامل در زندان‌ها فاصله بسیار است: در این کشورها معمولاً سلول‌ها در وضعیتی رقت‌بار قرار دارند و بخار روغن و رنگ و محصولات شیمیایی و دیگر زباله‌ها محیط و هوا را آلوده می‌سازند. بهداشت و سلامتی تضمین نمی‌شود مگر با جریان دائمی هوا که مثلاً می‌تواند به‌وسیلهٔ سیستم تهویه انجام گیرد.

٦٤. بازرسی غذا و بشقاب‌های غذا هرچند که اهمیت خیلی زیادی دارد امّا همیشه به‌طور مرتب و متناوب و توسط افراد کارشناس صورت نمی‌گیرد. فقط بازرسی غذا، نحوهٔ تهیه و بهداشت آشپزخانه کافی نیست، بلکه بر توزیع غذا نیز باید نظارت شود: آیا هنگام توزیع غذا به زندانیان هنوز غذا گرم است؟ آیا سهمیهٔ غذایی کافی است؟ آیا آلات توزیع غذا و محل خوردن آن بهداشتی هستند؟ به مقدار و کیفیت غذای سروشده به جوانان، بیماران و کارگران اجباری باید توجه ویژه‌ای شود.

۶۵. کیفیت غذا مستلزم کنترلی جدی و تخصصی است. غذا از نظر رژیم غذایی باید متناسب و با شرایط آب و هوایی سازگار باشد؛ فهرست غذاها باید متنوع باشد و غذاهای ویژه‌ای با توجه به عقاید مذهبی و

www.ParsBook.org

دلایل پزشکی باید تهیه گردد. زنان باردار، مادران جوان و نوزادانِ آنها، باید از رژیم غذایی مخصوصی برخوردار شوند. این الزامات غذایی جنبه‌ای اکید دارند، حتی اگر هرچند شرایط تغذیه در زندان‌ها با جامعه بیرون تفاوت بسیاری داشته باشد. فراموش نکنیم: دولت‌ها مسئولیت دارند که نیازهای افراد تحت تکفل خود را تأمین و سلامتی آنان را تضمین نمایند.

کنترل بیرونی

۶۶. یک بازرس خدمات بهداشتی دولتی می‌تواند این بخش از وظایف پزشک زندان را به‌عهده گیرد. در بسیاری از کشورها، انجمن‌های داوطلب که در قالب «گروه‌های ناظر» یا «شورای بازرسی» تشکیل شده و شامل متخصصان بهداشت هستند، اقدام به بازدید از زندان‌ها می‌کنند و به‌ویژه شرایط بهداشت و وضعیت جسمانی زندانیان را مورد توجه قرار می‌دهند.۳۰

جایگاه پرسنل پرستاری

۶۷. بیانیهٔCII (شورای بین‌المللی پرستاران، سنگاپور، ۱۹۷۵). در بیان وظایف پرستاران در زندان، به آیین‌نامهٔ پرستاران که توسطCII تدوین و تصویب شده رجوع کرده است و تأکید می‌کند: مسئولیت اساسی پرستار شامل چهار محور است: ارتقأ سطح بهداشتی، پیشگیری از بیماری، بازگرداندن سلامتی و کاهش دردها.

بیانیهٔ مذکور به‌عنوان نتیجه‌گیری اعلام می‌کند:

CII استفاده از هر چیزی را که برای سلامتی جسمانی و روانی زندانیان مضر است محکوم می‌کند. پرستارانی که از تحمیل برخوردهای جسمانی و روانی نامناسب به زندانیان اطلاع حاصل می‌کنند سکوت نخواهند کرد و این رفتارها را در قالب ارسال گزارش به نهادهای ذیصلاح ملّی و یا بین‌المللی محکوم خواهند کرد.

۶۸. پرستارها وظیفهٔ مهمی در زندان به‌عهده دارند، هرچند که میزان استقلال آنان در مقایسه با پزشکان بسیار کمتر است. لذا ممکن است به زندانیان به پرستاران توجه کمتری بکنند، مخصوصاً وقتی که پرستاران به انضباط و نظم در زندان بیشتر از سلامتی زندانیان اهمیت بدهند.

۶۹.RMT ها به‌طور صریح از پرستاران نام نبرده‌اند، اما در جاهایی که به «سرویس‌های پزشکی» مربوط می‌شود، با اشاره‌ای ضمنی به آنها تأکید شده است که سرویس‌های پزشکی بدون پرستاران نمی‌توانند

www.ParsBook.org

عملکرد صحیحی داشته باشند. وظایف آنان گاهی حساس‌تر از وظایف پزشکان است: آنها به پزشک‌ها کمک می‌کنند و در موارد حادّ به‌جای آنها وارد عمل می‌شوند و لذا به‌طور دائمی با زندانیان درتماس هستند، و زندانیان نیز به پرستاران اعتماد نمی‌کنند مگر آنکه پرستاران اصول رازداری را به‌دقت رعایت نمایند.

کنترل پرستاران

۷۰. برخی کشورها آیین‌نامهٔ بین‌المللی پرستاران را به رسمیت نمی‌شناسند و معتقدند که پرستاران، با توجه به سطح پایینِ تخصص‌شان، نمی‌توانند به امر «رازداری پزشکی» متعهد باشند. لذا آنان به هنگام کار در زندان، تحت پوشش ادارهٔ زندان قرار می‌گیرند و لذا جزءِ کارمندان زیردست مدیران زندان محسوب می‌شوند.
در کشورهای دیگر، پرستاران هیچگاه در داخل زندان مشغول به‌کار نمی‌شوند، و وظیفهٔ آنان را زندانبانان معمولی انجام می‌دهند. مدیران زندان‌ها، کارمندان رده‌های مختلف و پزشکان باید مسئولیت رفتار پرستاران را به‌عهده گیرند و مراقب باشند که آنان و دیگر اعضای پرسنل بهداشتی، مقررات ملّی و بین‌المللی مربوط به اخلاق پرستاری را رعایت کنند. از سوی دیگر، آنان باید اطمینان حاصل کنند که پرستاران و پرسنل خدمات بهداشتی فقط در چارچوب کارهای تخصصی خود مشغول به کار هستند و از دست‌زدن به اقداماتی که آیین‌نامهٔ شغلی آنان ممنوع می‌سازد، خودداری می‌کنند.

۷۱. برای پیشگیری از هر نوع مناقشه، پرستاران باید تحت هدایت و کنترل پزشک زندان باشند و او مسئول کارهای آنان خواهد بود.

وضعیت حقوقی پرسنل پرستاری

۷۲. پرستاران که عضو بخش‌های پزشکی هستند، می‌توانند همانند پزشکان به طرح شکایت بپردازند و همانند آنان محرم اسرار پزشکی محسوب گردند. آنان موظف به رعایت آیین‌نامهٔ بین‌المللی پرستاران هستند (و زندانبانانی را که دستیار آنها محسوب می‌شوند باید وادار به رعایت آیین‌نامهٔ مذکور نمایند).
این آیین‌نامه شامل چندین محور کلی در رابطه با نحوهٔ ارائهٔ مراقبت‌ها و حفظ حقوق بشر از سوی پرستار است. آیین‌نامهٔ بین‌المللی پرستاران (CII) (برزیل، ۱۹۸۳) به‌عنوان مثال تصریح می‌کند:
در زمینهٔ حقوق بشر، پرستاران دارای مسئولیت فردی هستند، اما تلاش گروهی از سوی آنان معمولا

www.ParsBook.org

مؤثرتر است. انجمن‌های ملّی پرستاری باید مرجعی در اختیار داشته باشند که پرستاران بتوانند در صورت مشاهدهٔ تجاوزات به حقوق بشر از مشورت، حمایت و یاری آن مرجع برخوردار شوند و در این میان اصل رازداری از سوی مرجع مذکور باید کاملاً رعایت شود.

صلاحیت حرفه‌ای پرستاران

۷۳. پزشک زندان باید مراقب باشد که پرستاران آموزش کافی دیده باشند و به آموزش خود ادامه دهند. این امر به آنان امکان می‌دهد که بیماری‌های خاص و بیماری‌های جدید را بشناسند، از آنها پیشگیری کنند و به درمان آنها کمک نمایند (به شناسایی علایم ایدز و بیماری‌های مسری و نیز مشکلات اعتیاد باید توجه ویژه‌ای بشود).

۷٤. پرستاران باید در زمینهٔ برخورد با «بیماران زندانی» آموزش‌های تکمیلی ببینند. شیوه‌های برخورد مستبدانه و پدرسالارانه و یا القأ این امر به زندانیان که مراقبت‌های پزشکی، لطفی در حق آنان است، به‌هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست (چه این رفتار از سوی پرستاران باشد و چه از سوی پزشکان یا مأموران مشغول به کار در زندان).

نقش دستیاران پزشک

۷۵. دستیاران نقش بسیار مهمی در زندان به‌عهده دارند، به‌شرطی که آموزش کافی دیده باشند و از نظر شغلی تحت ریاست کامل و دائمی پزشک زندان و یا معاون او باشند، معاون نیز می‌تواند یک پرستار باتجربه یا از کادرهای بیمارستان باشد. وظایف دستیاران بدین شرح است:

ــ ارائهٔ مراقبت‌های اولیه؛

ــ همکاری در انجام برخی وظایف که از یک‌سو در صلاحیت پزشک است و از سوی دیگر در صلاحیت پرستار؛

ــ ردیابی علایم تنش در یک بیمار و اطلاع‌دادن آن به پزشک یا پرستار؛

ــ بازشناسی علایم مصرف یا خودداری از مصرف در زمینهٔ اعتیاد، علایم بیماری ایدز و دیگر بیماری‌های مسری و ارائهٔ گزارش به پزشک یا پرستار.

www.ParsBook.org

۷۶. دستیاران باید به‌طور دایمی در سرویس‌های پزشکی حضور داشته باشند و بدین‌ترتیب کمک‌های اضطراری پزشکی را تضمین نمایند. ضرورت کامل دارد که آنها آموزش دیده و تحت کنترل باشند. در زندان‌هایی که زندانبان‌های معمولی از سطح آموزشی ذکرشده در پاراگراف ۷۸ برخوردار شده‌اند، حضور دستیاران ضرورت ندارد. اما اگر آنها در چنین زندان‌هایی مشغول به کار باشند، زندانبان‌ها نباید جایگزین آنها بشوند.

مسائل وجدانی پزشک زندان

۷۷. در زندان، پزشک ــ و پرستاران ــ پیش از هر چیز مسئول بیماران خود هستند. بیماران، با اینکه زندانی هستند اما از حق اختیار بر سرنوشت خویش برخوردارند: وظیفهٔ پزشک است که این حق را به زندانیان بشناساند و بدین منظور باید روابط اعتمادبرانگیزی با آنان برقرار کند. مدیر زندان باید این‌گونه روابط را تشویق و تسهیل کند و فقط در شرایط اضطراری و پس از آنکه هر دو طرف (پزشک و مدیر) ابعاد مسئله را بررسی کردند، می‌تواند از پزشک و پرستاران خواهان اعلام نظر و مداخله شود.

۷۸. وظیفهٔ دولت است که طبق محورهای مشخص، سیاست مراقبت از بیماران در داخل زندان‌ها را تعریف و تبیین کند. مشخص‌کردن این محورها فرصتی است برای تهیه فهرستی از بیماری‌های مهم جسمی و روانی، که به‌ویژه در اماکن زندان شیوع دارد و لازم است که تحت نظارت قرار گیرند. این محورها شامل شیوه‌هایی برای تشکیل پرونده‌های پزشکی زندانیان، مطابق اصل ۲۶ از مجموعه اصول، خواهد بود، این اصل مقرر می‌کند که نتایج معاینه‌ها به‌طرز مناسبی درج شود و امکان دستیابی به این اطلاعات تضمین گردد.۳۱ بیماران و وکلای آنها باید بتوانند به محتوای این پرونده‌ها دسترسی داشته باشند. در صورت انتقال زندانی، وظیفهٔ پزشک زندان است که پروندهٔ وی را نیز، با رعایت اصل محرمیت، منتقل نماید. در صورت آزادشدن زندانی، پزشک باید به زندانی اطلاع دهد که به صلاح اوست که پزشک شخصی او از کلّ یا بخشی از پروندهٔ پزشکی او مطلع گردد. راهکارهایی برای تضمین اصل رازداری پزشکی و امکان دسترسی بیمار به پروندهٔ پزشکی پس از آزادی از زندان، باید اندیشیده شود.

۸۰. طبق مقررات بین‌المللی، پزشک باید زندانیان را از محتوای گزارش‌هایی که به ادارهٔ زندان می‌فرستد، باخبر سازد. به‌جاست که زندانیان حق تصمیم‌گیری دربارهٔ این امر را داشته باشند که آیا نتایج معاینه‌های پزشکی به مدیر زندان اطلاع داده شود یا خیر.

۸۱. پزشک فقط در شرایط استثنایی باید مدیر را در جریان اطلاعات قرار دهد، مثلاً وقتی تهدیدی علیه جمع در داخل یا خارج زندان وجود دارد، و البته پزشکان بیرون زندان نیز می‌توانند برای مقابله با چنین

www.ParsBook.org

وضعیتی وارد عمل گردند. در اغلب اوقات، زندانی باید از ایـن امکـان برخـوردار باشـد کـه نظـر خـود را دربارهٔ انتشار یا عدم انتشار اطلاعات پزشکی مربوط به او اعلام کند و مدیر زندان مسئول بررسی صـحت و سقم اطلاعات موجود نزد پزشک است. اگر یک زندانی از ارائهٔ اطلاعات دربارهٔ وضعیت سلامتی خود بـه یک مأمور باتجربهٔ زندان که در حال انجام تحقیق قانونی و مفید است خـودداری کنـد، نحـوهٔ حـبس ایـن زندانی را می‌توان تغییر داد، بدون آنکه هدف تنبیه‌های انضباطی قرار گیرد، هر زنـدانی بایـد همـواره از تمام حقوق خود در زمینهٔ حفظ مسائل خصوصی برخوردار باشد.

حقوق زندانیان در زمینه شکایات پیرامون مراقبت‌ها

۸۲. قاعده ۳۶ـ(۱)RMT ها حکم می‌کند:
هر زندانی باید هر روز غیرتعطیل از امکان درخواست بررسی و طرح شکایت در مقابل رییس زنـدان یـا نمایندهٔ مجاز او برخوردار باشد.
اصل ۳۳ از مجموعهٔ اصول، شامل همین تمهیدات است. مراقبت‌های پزشکی از جمله زمینه‌هایی اسـت کـه زندانی می‌تواند دربارهٔ آنها به طرح شکایت بپردازد و برای رعایت حقوق زندانی لازم اسـت بررسـی‌هـا بلافاصله آغاز شود. طی این بررسی‌ها، نهادهای بهداشتی مستقل باید مجاز به مداخله باشند، نهادهایی که باید صلاحیت بررسی مجدد تصمیم‌های پزشکی، اعلام نظـر پزشـکی مجـدد، انجـام معالجـهٔ دیگـر و ارائـهٔ توصیه‌هایی به مقامات، به منظور بهبود خدمات پزشکی در زندان را داشته باشند.۳۲

۸۳. زندانیان باید از شیوه‌های طرح شکایت آگاه باشند که به شکل شـفاهی یـا کتبـی بـه محـض ورود بـه زندان و توسط یک پرستار یا یک زندانبان متخصص به اطلاع آنـان مـی‌رسـد. همزمـان اطلاعـاتی دربـارهٔ مقررات و امکانات زندان به آنان ارائه می‌شود.

۸٤. مقامات پزشکی مستقل باید در کنترل وضعیت بهداشتی زندان‌هـا و نحـوهٔ بـه‌کاربسـتن اصـول اخـلاق پزشکی، شرکت داشته باشند.

۸۵. در زمینهٔ حساسی مانند بهداشت، زندانیان باید بتوانند به دادگاه‌های عادی و کمیته‌های انضـباطی کـه بر مشاغل پزشکی، شامل پزشکان و پرستاران، نظارت دارند، شکایت ببرند.

شیوه‌های تجدیدنظرخواهی از سوی کارمندان امور پزشکی

۸۶. اعضای پرسنل پزشکی، به هنگام انجام وظیفه برای زندانیان، ممکن است با مقامات زندان و به‌ویژه بـا

www.ParsBook.org

مدیر زندان اختلاف‌نظر پیدا کنند. این‌گونه مناقشه‌ها زمانی بیشتر روی می‌دهد که پزشک مجبور به انجام سه وظیفهٔ همزمان که قبلاً ذکر کردیم باشد و مدیر زندان او را به این سبب که وظایفش را مطابق نظرات مدیر انجام نمی‌دهد توبیخ کند. اگر توضیحات صادقانه و دلایل پزشک برای حل این معضل کافی نباشد، ناگزیر باید به نهادی رجوع کرد که مستقل و مورد پذیرش هردو طرف باشد. این سازمان، با توجه به اخلاق پزشکی و دشواری انجام سه وظیفهٔ همزمان، باید از اعضایی تشکیل شده باشد که در زمینه‌های متعدد تخصص دارند.

۸۷. رسیدگی به تجدیدنظرخواهی باید طوری ترتیب داده شود که هم به نفع پزشکان، هم به نفع مدیر و هم به نفع زندانیان باشد. نهادی که باید به دفاع از ارزش‌های والای بهداشتی بپردازد، شکی نیست که باید بی‌طرف باشد. کارمندان مشاغل مختلف پزشکی، براساس این ارزش، باید از امکان مشابهی برای طرح شکایت برخوردار باشند، این شکایت‌ها زمانی مطرح می‌شود که آیین‌نامه‌های پزشکی و یا نظرات پزشکان در زمینهٔ پیشگیری و بهداشت نادیده گرفته شود و به زیان بهداشت زندانیان باشد.

۸۸. در محیطی مانند زندان که مسائل بهداشتی در آن از اولویت کامل برخوردارند، عملیات پزشکی، ابزار و نفرات خدمات بهداشتی، روابط میان این افراد و دیگر سرویس‌های زندان و نیز وضعیت بهداشتی به‌طور کلی، الزاماً باید تحت کنترل عمومی و منظم قرار گیرد.

مراقبت‌های پزشکی ویژه

۸۹. اصل ۵/۲ از مجموعهٔ اصول مقرر می‌کند:
تدابیری که مطابق قانون و انحصاراً به منظور حفاظت از حقوق و شرایط خاص زنان، به‌ویژه زنان باردار و مادرانی که کودک خردسال دارند، کودکان، نوجوانان و افراد کهنسال، بیمار یا معلول اتخاذ می‌شوند، هیچگاه تدابیری تبعیض‌آمیز محسوب نمی‌شوند. یک مرجع قضایی یا مراجع دیگر می‌توانند لزوم اتخاذ این تدابیر و اجرای آنها را مورد بررسی قرار دهند.

مراقبت از زنان زندانی (و نوزادان آنها)

۹۰. RMT ها بر لزوم اتخاذ تدابیر ویژه به‌نفع زنان باردار و مادرانی که کودک خردسال دارند تأکید کرده‌اند.
قاعده ۲۳ــ(۱)

www.ParsBook.org

«در زندان‌های زنان، باید تأسیسات ویژه‌ای برای رسیدگی به زنان باردار وجود داشته باشد، این رسیدگی‌ها به‌ویژه شامل زایمان و دورهٔ نقاهت پس از زایمان خواهد بود. تا حدّ ممکن، تمهیداتی باید اتخاذ شود که زایمان در یک بیمارستان شهری انجام گیرد. اگر نوزاد در زندان به‌دنیا بیاید، مهم است که در گواهی تولد (شناسانامه) ذکری از این موضوع به میان نیاید.

(۲)

وقتی که به مادران زندانی اجازه داده شود که نوزادان خود را به‌همراه داشته باشند، باید تدابیری جهت تأسیس شیرخوارگاهی که مجهز به پرسنل متخصص باشد اتخاذ گردد؛ و نوزادان در زمانی که تحت مراقبت مادر خود نیستند در آنجا قرار داده شوند.»

۹۱. نظرات دربارهٔ بهترین راه‌حل‌ها برای برخورد با مشکلات مادران و کلاً زنان زندانی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در هر صورت، برخی تدابیر اساسی را نباید از نظر دور داشت، تدابیری که در توصیه‌های ذکرشده در «گزارش کلی پیرامون زندان‌ها» توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر (نیویورک، ۱۹۹۳) یادآوری شده‌اند:

ــ زنان زندانی باید نوار بهداشتی یا هر چیز جایگزین آن را در اختیار داشته باشند و در طول دوران قاعدگی باید بتوانند به‌طور روزمره از دوش برای استحمام استفاده کنند؛

ــ امکانات کار و آموزش باید برای مردان و زنان زندانی مساوی باشد؛

ــ اگر به‌دلیل فاصلهٔ جغرافیایی میان زنان زندانی و اقوام آنها، امکان ملاقات میان‌آنها دشوار و مشکل‌سازباشد، مقامات‌باید تدابیری‌جهت جبران این نقیصه اتخاذ کنند و مثلاً به خانواده‌های زندانیان کمک مالی برسانند؛

ــ زنان زندانی باردار باید به‌طور مرتب تحت معاینه‌های پیش از زایمان قرار گیرند و از رژیم غذایی بهتر و مناسب‌تری برخوردار شوند؛

ــ مادرانی که به نوزادان خود شیر می‌دهند باید رژیم غذایی بهتر و مناسب‌تری داشته باشند؛

ــ روابط مادران با کودکان آنها باید تسهیل شود و حق آنها مبنی بر رسیدگی به آموزش فرزندان باید محترم شمرده شود.

۹۲. زندان‌های مخصوص زنان معمولاً در مقایسه با زندان‌هایی که به مردان اختصاص دارد دارای تفاوت‌های لازم نیستند. امنیت در آنجا غالباً از طریق شیوه‌های احتیاطی سطحی تأمین می‌شود. به‌ندرت کارهایی به زندانیان زن سپرده می‌شود و اگر هم سپرده شود بسیار کم‌سود است. این زندان‌ها، اغلب برای مردان ساخته شده‌اند و کمتر با نیازهای خاص زنان متناسب هستند. در برخی کشورها، حتی حیاتی‌ترین نیازهای زنان برآورده نمی‌شود، ازجمله نیازهایی که به قاعدگی، بارداری و بچه‌داری مربوط می‌شود؛ این کوتاهی از سوی مقامات با الزامات «گزارش کلی پیرامون زندان‌ها» که در بالا ذکر شد مغایرت دارد. این کمبودها به سلامتی جسمی و روانی زنان زندانی لطمه می‌زند. به‌علاوه، بانوان زندانی

www.ParsBook.org

ممکن است در معرض سوءِاستفادهٔ جنسی قرار بگیرند. درنتیجه پزشکان و پرستاران باید توجه ویژه‌ای به زنان زندانی، شرایط زندگی آنها و امکان طرح شکایت از سوی آنها داشته باشند. مراقبت‌های مربوط به بیماری‌های زنان باید تضمین شود.

معالجه معتادان

۹۳. زندان‌ها تعداد روزافزونی از معتادان را در خود جای می‌دهند، درحالی‌که معالجهٔ پزشکی معتادان کاملاً ضروری به‌نظر می‌رسد. RMT ها به‌طور صریح و روشنی از زندانیان معتاد نام نبرده‌اند، زیرا اصولاً پدیدهٔ اعتیاد در نوع خود تازگی دارد. از سوی دیگر، توافقی کلی دربارهٔ شیوه‌های برخورد با معتادان در جامعهٔ آزاد وجود ندارد. پزشک زندان باید به هنگام انتخاب شیوهٔ درمان بسیار محتاطانه عمل کند و همواره از همکاران و متخصصین امر، نظرخواهی نماید و ضمناً، به نکات مراقبتی که در گزارش‌های اخیر کارشناسان ذکرشده، پایبند باشد، در همه موارد، توافق زندانی با معالجهٔ او لازم است، و او ابتدا باید از ماهیت و عواقب معالجه‌ای که برای او درنظر گرفته شده اطلاع کامل به‌دست آورد. لذا تصمیم‌های کلی در سطح ملّی باید در این راستا اتخاذ شود و شامل مقرراتی باشد که استفاده از محصولات اعتیاد درمانی طبق تصمیم پزشک را مجاز می‌سازد، و گفتنی است که این نوع استفاده هنوز در برخی کشورها ممنوع می‌باشد. تصمیم‌های کلّی باید راه‌های ترک اعتیاد تحت نظر پزشک را مشخص سازد و از سوی دیگر، محروم‌کردن زندانیان از دسترسی به مواد مخدر باید در محیط زندان با حمایت پزشک و کمک‌های دارویی همراه باشد.

مراقبت از بیماران روانی و نامتعادل

۹٤. علیرغم مشکلات موجود، مهم است که شرایط زندگی برای زندانیان روان‌پریش، غیرعادی و یا زندانیانی که دچار آشفتگی روانی هستند، رضایت‌بخش باشد. قواعد ۸۲ و RMT۸۳ ها نکاتی در این باره ذکر کرده‌اند.

قاعده ۸۲ــ(۱)

افراد روان‌پریش نباید در زندان‌ها حبس شوند و تمهیداتی برای انتقال هرچه سریع‌تر آنان به مؤسسات مخصوص بیماران روانی باید اتخاذ شود.

(۲)

زندانیان‌مبتلابه‌امراض وناهنجاری‌های‌روانی بایدتحت‌نظرودرمانِ نهادهای تخصصی قرار بگیرند، نهادهایی

www.ParsBook.org

که تحت ریاست مراجع پزشکی هستند.

(۳)

این افراد در مدت اقامت‌شان در زندان باید تحت نظارت ویژه یک پزشک قرار بگیرند.

(٤)

سرویس پزشکی یا روان‌پزشکی زندان‌ها باید به درمان تمامی زندانیانی که به چنین معالجه‌ای نیاز دارند بپردازد.

بند ۸۳

بهتر است تدابیری با توافق سازمان‌های ذیصلاح اتخاذ شود تا معالجه‌های روان‌پزشکی در صورت لزوم پس از آزادی زندان ادامه یابد و نوعی توانبخشی اجتماعی با ابعاد روان‌درمانی برای دورهٔ پس از زندان سازماندهی شود.

۹۵. در برخی کشورها، تعداد زندانیانی که به مراقبت‌های روان‌درمانی نیاز پیدا می‌کنند رو به افزایش است. معمولاً برای توضیح این پدیده به دلایلی همچون خودداری نهادها و سرویس‌های روان‌درمانی از پذیرش بیماران بزهکار اشاره می‌کنند. بسیار پیش می‌آید که افراد روان‌پریش و یا آنان که دچار اختلال روانی هستند در میان زندانیان دیگر به حال خود رها و یا کلاً فراموش می‌شوند. وانگهی، نفس مجازات حبس و مسئلهٔ دوری از خانواده می‌تواند به اختلالات ذهنی و روانی در محکومان به حبس‌های طولانی دامن بزند. مشکلات روانی در زندان‌های بزرگ بیشتر ظاهر می‌شود و حالت دوره‌ای دارد که دلایل آن عبارتند از: تراکم زیاد جمعیت، فعالیت کم، حبس دائمی در میان چهار دیوار سلول و سرانجام بی تفاوتی محکومین دیگر (که به توسعه نوعی خرده‌فرهنگ جنایی می‌انجامد). این عوامل معمولاً یک جا جمع هستند و تعداد ناکافی زندانبانان به تشدید مشکلات کمک می‌کند: تماس پرسنلی آنها با زندانیان کمتر می‌شود و آنها قادر نیستند به زندانیانی که از نظر روانی آسیب‌پذیر هستند توجه یا کمک خاصی بکنند. شدت تفاوت‌های فرهنگی نیز می‌تواند به ایجاد فضای اضطراب و احساس ناامنی در میان زندانیان خارجی و گروه‌های اقلیت کمک نماید. بدین‌ترتیب مسئولیت پزشکان، به‌ویژه روان‌پزشکان و روان‌شناسان، در چنین محیطی بسیار سنگین است.

۹۶. قواعد ۸۲ و ۸۳ (پاراگراف ۹٤ فصل حاضر) به لزوم ایجاد فضایی آرام اشاره دارد که ویژگی آن، رفتار پذیرنده و خیرخواهانهٔ پرسنل مأموران مراقبت زندان؛ مراقبان باید شناخت کاملی ازاین نوع زندانیان و نیازهای آنها به دست بیاورند. برای برآورده شدن سریع نیازهای این بیماران و تحت نظرگرفتن آنها باید راه‌هایی برای بیان شفاهی و کتبی مشکلات پیش‌بینی شود. این شیوه‌ها به ردیابی زندانیانی که نیاز به مراقبت‌های گسترده دارند کمک می‌کند، مراقبت‌هایی که می‌تواند پس از آزادی نیز ادامه یابد و حتی به انتقال زندانیان به یک مؤسسهٔ تخصصی بیانجامد.

www.ParsBook.org

۹۷. برای آنکه برخورداری این‌افراد از توجهات متناسب‌وتخصصی تضمین شود، باید برای تمامی زنـدانیانی که اختلال روانی دارند و یا رفتارشان ناهنجار به‌نظر می‌رسد پرونـدهٔ پزشـکی تشـکیل گـردد. پزشـکان و روان‌شناسان باید درخواست کنند که زندانبانان به‌طور مرتب از رفتار زندانیان به آنها گزارش دهند.
در بخش‌های تخصصی زندان به رسیدگی به این‌گونه زندانیان اختصاص خواهند داشت، بایـد شـیوه‌هـایی به‌کار بسته شود که امکان ارزیابی وضعیت روانی بیماران و نظارت بر آنها، هم از سوی زندانبانان و هـم از سوی کارمندان تخصصی، فراهم آید و ضـمناً تعـداد کارمنـدان نیـز بایـد کـافی باشـد. ایـن نظـارت‌هـا و ارزیابی‌ها باید به‌طور شفاهی و کتبی گزارش شود. جای تأسـف اسـت کـه حتـی در بیمارسـتان‌هـای روان درمانی زندان‌ها، برخی اعمال، همواره مطابق با مقررات نیستند و بیماران مـدت زمـان طـولانی در آنجـا به‌سر می‌برند بدون آنکه کسی توجه خاصی به آنان نشان دهد.

محکومان به مرگ

۹۸. همان‌گونه که در مقدمه بیان شد،RMT ها و دیگر مقررات بین‌المللی مربوط به رفتـار بـا زنـدانیان، دربارهٔ محکومان به مرگ قابل اجـرا هسـتند. سـازمان ملـل متحـد، هماننـد دیگـر سـازمان‌هـای ملّـی و بین‌المللی، در راه الغای حکم اعدام تلاش می‌کند. حکـم اعـدام در برخـی کشـورها، علیـرغم اسـتدلال‌هـای تکان‌دهنده‌ای که برای لغو آن وجود دارد، هنوز پابرجاست.

۹۹. قطعنامه ۲۸۵۷ مجمع عمومی سازمان ملل، مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱، تأکید می‌کند که «برای تضـمین کامل حق زندگی، طبق اصل ۳ بیانیه جهانی حقوق بشر، مهم‌ترین هدف پیش‌رو، تلاش برای کاستن از تعداد جرم‌هایی است که منجر به صدور حکم اعدام می‌شوند، و هدف نهایی آن است که این مجازات در تمـامی کشورهای جهان لغو شود».
شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل قطعنامه‌ای به تصویب رسـانده (۱۹۸۹/٦٤) کـه در آن از وجـود اعمالی که با اصل حفاظت از حقوق محکومان به اعدام ناسـازگارند ابـراز نگرانـی کـرده اسـت. ایـن شـورا توصیه می‌کند که «کشورهای عضو تدابیری برای حفاظت و تقویت حقوق محکومان به اعدام، اتخاذ نمایند و در صورت امکان هربار مورد اعدام پیش بیاید اقدامات زیر را انجام دهند:
الف) باید حمایت ویژه از افرادی که به‌خاطر جرم‌های منجر به اعدام، گناهکار شـناخته شـده‌انـد، صـورت گیرد. به این افراد متهم باید وقت و ابزار کافی جهت تهیه دفاعیه داده شود و در تمامی مراحـل دادرسـی آنها باید مجاز به برخورداری از کمک‌های وکلای مدافع باشند؛
ب) پیش‌بینی شیوه‌های فرجام‌خواهی و بازنگری اجباری در رأی‌های صادره و نیـز امکـان عفـو یـا تخفیـف مجازات؛
ج) تعیین حداکثر سنی که فراتر از آن هیچ فردی را نتوان به اعدام محکوم کـرد یـا ایـن حکـم را بـه اجـرا

www.ParsBook.org

درآورد؛
د) لغو مجازات مرگ برای هر فردی که از نوعی عقب‌ماندگی یا ناتوانی ذهنی رنج می‌برد و این ناتوانی چه به هنگام صدور رأی و چه به هنگام اجرای حکم آشکار شده باشد.

شرکت پزشک در اجرای حکم اعدام

۱۰۰. در برخی کشورها، مجازات مرگ‌مان همچنان در قوانین موجود است امّا به‌طور موقتی کنار گذاشته شده است؛ لازم است که در این کشورها توجه فعالانه‌ای به محکومان به اعدام گردد زیرا شرایط حبس آنان بسیار بدتر از شرایط حبس دیگر محکومان است: آنان معمولاً مدت‌های طولانی در حالت حبس انفرادی به‌سر می‌برند، هیچ احترام به زندگی خصوصی آنان گذاشته نمی‌شود، شرایط مادی رقت‌باری دارند و غیره. در چنین شرایطی، وضعیت جسمی، روانی و معنوی محکومان به مرگ آسیبی جدی می‌بیند. هر تلاشی باید به‌کار بسته شود تا این افراد از شرایط زندگی انسانی‌تر، فعالیت‌های مختلف و ابزارهای ارتباط با داخل و خارج زندان برخوردار شوند؛ و کارشناسان روان‌درمانی به ارائهٔ کمک‌های روحی و روانی به این افراد بپردازند. شرایط زندگی محکومان به مرگ نباید بدتر از شرایط زندگی دیگر محکومان باشد.

RMT.۱۰۱ ها مسئلهٔ حضور و مسئولیت پرسنل پزشکی به هنگام اجرای حکم اعدام را مطرح نکرده‌اند. این نکته را در پاراگراف ۴۳ همین فصل به شکلی دیگر مطرح کرده‌ایم، اسناد حقوقی بین‌المللی دیگری نیز به آن اشاره کرده‌اند. انجمن جهانی پزشکی قطعنامه‌ای را در سال ۱۹۸۱ در همین زمینه به تصویب رسانده است که محتوای آن چنین است:
همکاری در اجرای حکم اعدام، خلاف اخلاق پزشکی است، مگر آنکه پزشک فقط به منظور صدور گواهی فوت، طبق درخواست ادارهٔ زندان، اقدام کند.
دبیرکل انجمن جهانی پزشکی از سوی مجمع عمومی این انجمن اجازه یافت تا بیانیهٔ زیر را در سپتامبر ۱۹۸۱ منتشر کند:
دادگاه ایالتی اوکلاهما، در ایالات متحدهٔ آمریکا، تصمیم گرفته است که هفتهٔ آینده اولین حکم اعدام به‌وسیلهٔ تزریق وریدی مقدار کشنده‌ای از دارو را به‌اجرا درآورد.
شیوهٔ اعدام هرچه باشد، هیچ پزشکی نباید به‌طور فعالانه در چنین اقدامی مشارکت کند. رسالت پزشک‌ها، تلاش برای حفاظت از زندگی است.
رفتار دژخیم‌گونه هیچ نسبتی با فعالیت پزشکی ندارد و اعضای خدمات بهداشتی نباید انواع اعدام‌ها را با استفاده از عوامل دارویی به‌اجرا درآورند، یعنی همان عوامل دارویی که در جاهای دیگر توسط پزشکان برای نجات زندگی انسان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

www.ParsBook.org

نقش پزشک فقط محدود به صدور گواهی فوت، پس از انجام حکم اعدام از سوی دولت، می‌باشد.

www.ParsBook.org

فصل پنجم

تماس‌های زندانیان با محیط خارج

مقدمه

۱. زندانی‌کردن به محدودشدن تعامل و ارتباط میان زندان و جهان خارج می‌انجامد. «نماد این اصل عام و غالب، موانعی است که زندانیان را از داشتن رابطهٔ اجتماعی با محیط خارج محروم می‌کند و تجسم عینی آن، درهای بسته و دیوارهای بلند و سیم خاردار هستند که به‌شکل یک صفحه عمودی چشم‌انداز هموار را قطع می‌کند. این انقطاع گاه نیز توسط موانع طبیعی مانند صخره‌ها، دریاها، جنگل‌ها و مرداب‌ها صورت می‌پذیرد.» (گوفمان، آسیلوم، ۱۹۶۱، ص ٤) با این همه، برخی ملاحظات و استدلال‌هایِ عملی و نیز بشردوستانه با آنچه محور اصلی مفهوم حبس را تشکیل می‌دهد به مخالفت برمی‌خیزند.

حقوق حفاظت‌شده

۲. مجموعهٔ حقوق بشر در زمینهٔ حبس و ارتباط میان زندانیان و جهان خارج، در اثر حبس‌شدن به‌طور کامل زایل نمی‌گردد. هرچند که مجازات حبس ناگزیر به محدودشدن برخی از این حقوق می‌انجامد، امّا باید دانست که میزان این محدودیت‌ها تا چه حدّ است. RMT ها پاسخ قاطعانه‌ای به این سؤال نمی‌دهند، اما اصل پنجم از اصول اساسی مربوط به رفتار با زندانیان دارای چند نکتهٔ روشن در این زمینه است:

www.ParsBook.org

جز در مواردی که به محدودیت‌های الزامی حبس مربوط می‌شود، همهٔ زندانیان باید از حقوق بشر و آزادی‌های اساسیِ ذکرشده در بیانیهٔ جهانی حقوق بشر برخوردار شوند و در کشورهایی که به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل اختیاری ضمیمهٔ آن پیوسته‌اند، تمامی حقوق ذکرشده در این معاهدات باید در قبال زندانیان رعایت شود. زندانیان باید از تمامی حقوق دیگری که قراردادهای مختلف سازمان ملل اعلام شده، برخوردار شوند.

اجتماعی‌کردن، هدف نهایی

۳. این اصل که زندانیان همچنان صاحب حقوق و آزادی‌های خود، طبق برخی محدودیت‌ها، هستند با این اندیشه در ارتباط است که آنان باید در جامعهٔ مدنی ادغام شوند و جایگاه یک شهروند عادی را در آن جامعه بازیابند. حفظ ارتباط با محیط خارج یکی از عوامل اساسی برای اجتماعی‌کردن زندانیان محسوب می‌شود. این اندیشه به‌طور کاملاً روشن در قاعده RMT۶۱ ها بیان شده است:
رفتار با زندانیان نباید به تشدید طرد اجتماعی آنان بیانجامد، بلکه برعکس باید بر این امر تأکید شود که زندانیان همچنان بخشی از جامعه هستند.
برای آنکه زندان در پیشگیری از جرم و جنایت حداقل تأثیر را داشته باشد، مهم است که تماس زندانیان با اطرافیان آنان و نیز با نمایندگان جامعهٔ بیرون زندان از نظر کیفی و کمّی تقویت شود. محدودکردن تماس‌های خانوادگی بدون دلیل قانع‌کننده، پایه‌های این هدف اساسی حبس را متزلزل می‌کند، هدفی که همیشه و همه‌جا مطرح می‌شود. هرچند که قاعده ۶۱ فقط برای محکومان وضع شده است، اما طبق قاعده RMT٤ ها، برای تمامی گروه‌های زندانیان قابل اجراست و باید به اجرا درآید.۳۳

زندان‌های باز و نیمه‌باز

٤. روابط زندانیان با خارج انواع مختلفی دارد: روابط با خانواده و دوستان، با جهان شغلی، با ادارات و غیره. واضح است که روابط زندانیان با محیط خارج به‌طور تنگاتنگی به میزان سختگیری‌های هر زندان بستگی دارد. بی‌شک در زندان‌های باز و نیمه‌باز امکان برقراری این روابط سهل‌تر است ــ و اصل عادی بودن در آنها بیشتر تضمین می‌شود.۳٤ زندانیان با توجه به وضعیت کیفری‌شان و نیز پیشرفت‌های حاصله در زمینهٔ رفتار با زندانیان باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن به زندان‌های باز و نیمه‌باز انتقال یابند. درعمل، اگر اقوام زندانیان فاصلهٔ زیادی از این‌گونه زندان‌ها داشته باشند و یا دسترسی آنان به این نوع زندان‌ها دشوار باشد، می‌توان زندانی را طبق درخواست خود او در زندان‌های غیرباز که به محل زندگی خانوادهٔ او

www.ParsBook.org

نزدیک است نگهداری کرد.

تماس با خانواده و دوستان

۵. قاعده ۳۷

زندانیان باید تحت مراقبت‌های لازم، مجاز به داشتن رابطه با خانوادهٔ خود و دوستان معتمدشان باشند، این رابطه هم از طریق مکاتبه و هم به شکل ملاقات حضوری، باید در فاصله‌های منظمی صورت گیرد.

قاعده ۹۲

یک بازداشتی متهم باید بتواند در اسرع وقت خانوادهٔ خود را از موضوع بازداشت باخبر سازد و از تمامی تسهیلات عادی برای برقراری رابطه با خانواده و دوستان خود برخوردار شود و با این افراد ملاقات کند، مگر آنکه منافع مدیریت دادگستری و امنیت و برقراری انضباط در زندان، محدودیت‌ها و نظارت بیشتری را ایجاب کند.

روابط زندانی با محیط خارج باید به‌عنوان حق او درنظر گرفته شود و نه به‌عنوان امتیازی برای او. درنتیجه، ایجاد امکان ارتباط او با خارج نباید یک پاداش ــ و یا منع او از داشتن چنین ارتباطی، نباید یک تنبیه ــ محسوب گردد، جز در مواردی که این ارتباط موجبات عدول از قانون را فراهم آورد. روابط با خانواده همیشه باید امکان‌پذیر باشد.

روابط خانوادگی، عامل اصلی اجتماعی‌شدن

۶. قواعد ۳۷ و ۹۲، با نظر به مادهٔ ۱۲ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر، اساساً به موضوع روابط خانوادگی توجه نشان داده‌اند.

در زندگی خصوصی و خانوادگی و در محل اقامت و نیز در مکاتبات هیچ فردی نباید به‌طور خودسرانه دخالت شود.

این اصل در زندان اهمیت بیشتری دارد تا در جامعه آزاد. برای یک زندانی که به حبس طولانی‌مدت محکوم شده است، تنها راه ارتباط با محیط خارج اقوام او هستند و به کمک آنان است که امید به اجتماعی‌شدن زندانی کاملاً از میان نمی‌رود. جداشدن از خانواده و دوستان یکی از عواقب رنج‌آور و بسیار غم‌انگیز حبس است.۳۵ روابط خانوادگی که برای تمامی گروه‌های زندانیان اهمیت دارد، به‌ویژه برای زندانیان جوان و والدین محبوس که از فرزندان خود در خارج از زندان دور مانده‌اند، نقشی حیاتی دارد.

www.ParsBook.org

تماس با دوستان

۷. محدودکردن روابط خارجی زندانیان به تماس‌های خانوادگی چندان منطقی و معقول نیست. بسیاری از زندانیان، غیرمتأهل هستند یا طلاق‌گرفته‌اند یا از همسر خود جداشده‌اند. برخی از آنان از ملاقات با اعضای خانوادهٔ خود امتناع می‌کنند. در این زمینه باید انعطاف بیشتری وجود داشته باشد و مقامات زندان باید به حفظ، برقراری و یا تسهیل روابط زندانی با اقوام او کمک نمایند. اصل ۱۹ از مجموعهٔ اصول حفاظت از تمامی افرادی که به‌نحوی از انحأ در بازداشت یا زندان به‌سر می‌برند، می‌تواند این تعبیر را داشته باشد که بهترین نوع رابطهٔ ممکن، رابطه با خانواده است:

هر فرد بازداشت‌شده یا زندانی حق دارد به‌ویژه با اعضای خانوادهٔ خود ملاقات کند و با آنها به مکاتبه بپردازد؛ او باید از امکانات مناسب برای برقراری رابطه با جهان خارج برخوردار شود، مگر آنکه شرایط و محدودیت‌های پذیرفته‌شدهٔ دیگری از سوی قانون و مقرراتِ مطابق قانون تعیین شده باشد.

می‌توان از خود پرسید که آیا آن‌گونه که از قاعده ۳۷ برمی‌آید، معقول است که روابط زندانیان فقط به تماس با دوستانی که به خوب‌بودن مشهور هستند محدود گردد؟ عبارت «مشهوربودن به‌خوبی» که بار اجتماعی سنگینی به همراه دارد، می‌تواند به‌طرز نامناسبی به ممنوعیت ملاقات با اکثر دوستانِ زندانیان بیانجامد. مفهوم اشتهار به نیکی نیز به گذشتهٔ فرد ذینفع مربوط می‌شود. ممانعت از ملاقات‌های یک زندانی قدیمی به‌هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست، چرا که در روند جامعه‌پذیری مجدد او، تداوم روابط میان او و خانواده‌اش و دوستانش اهمیت به‌سزایی دارد. فقط اطلاعات دقیق و حوادث خاص که امکان جامعه‌پذیری مجدد زندانی و یا امنیت زندان را به مخاطره می‌افکند، می‌تواند ادارهٔ زندان را به محدودکردن این نوع روابط وادار سازد.

اطلاعات دربارهٔ انتقال زندانی

۸. خانواده و دوستان زندانی فقط در صورتی می‌توانند به ارتباط و تعامل با زندانی بپردازند که از محل بازداشت او مطلع باشند. ابلاغ رسمی محل نگهداری زندانی، در صورت انتقال او، یکی از راهکارهای مناسب برای جلوگیری از «ناپدیدشدن» و یا «مخفی‌کردن» زندانیان است.RMT ها این حق را برای زندانیان به رسمیت شناخته‌اند که محل بازداشت خود را به اطلاع اقوام خود برسانند. این تدابیر طبق قاعده ۳۶۹۲ به‌ویژه برای کسانی که برای اولین بار زندانی می‌شوند اهمیت بسیاری دارد.

همین تمهیدات به هنگام انتقال زندانیان نیز قابل اجراست.

قاعده ٤٤ــ(۳)

www.ParsBook.org

هر زندانی حق دارد خبر بازداشت یا انتقال خود به زندان دیگر را بلافاصله به اطلاع خانوادهٔ خود برساند. تمامی مکان‌های حبس (سلول‌های پلیس، بازداشتگاه‌ها، بیمارستان‌های روانی و غیره) مشمول این بند هستند. مفهوم این مقررات در اصل ۱۶/۱ از مجموعهٔ اصول بار دیگر مورد تأکید قرار گرفته است:
فرد بازداشت‌شده یا زندانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از بازداشت یا انتقال به مکان بازداشت یا زندان دیگر باید بتواند دربارهٔ دستگیری، بازداشت و یا حبس خود و یا انتقال و محل نگهداری خود به خانواده یا هر فردی که خود انتخاب می‌کند اطلاع دهد و یا از یک مرجع ذیصلاح خواهان کسب اطلاع گردد.
اطلاعات دربارهٔ انتقال نه‌تنها حق زندانی بلکه حق فرزندان او نیز است. ماده ۹/٤ از کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) دولت‌های امضاکننده را ملزم می‌کند که «اطلاعات اساسی دربارهٔ محل نگهداری عضو یا اعضای یک خانواده را به اطلاع فرزند یا هر عضو دیگر خانواده برسانند».

۹. ابلاغ خبر حبس یا انتقال باید «بلافاصله» (قاعده ٤٤ــ۳) و یا «در کوتاه‌ترین زمان ممکن» (مجموعهٔ اصول، ۱۶/٤) صورت گیرد. جای بسی تأسف است که مجموعهٔ اصول اجازه می‌دهد که ابلاغ خبر «در صورتی‌که مقتضیات استثنایی تحقیقات ایجاب کند» برای مدتی معقول به تعویق بیافتد. ظاهراً منطقی است که ابلاغ خبر بازداشت در عرض ۲٤ ساعت الزامی گردد (دیده‌بان حقوق بشر، گزارش کلی دربارهٔ زندان‌ها، ۱۹۹۳، ص ۱۰۷). ضمناً، اگر زندانی قادر به نوشتن نباشد، ریاست زندان مسئولیت دارد که به امر ابلاغ خبر کمک نماید، اصل ۱۶/۳ از مجموعهٔ اصول در این زمینه تصریح می‌کند:
در مورد زندانیان نوجوان و یا افرادی که قادر به درک حقوق واقعی خود نیستند، مقامات ذیصلاح باید، به ابتکار خود، اقدام به ابلاغ خبر کنند. مقامات ذیصلاح باید مراقب باشند که اطلاعات مذکور به‌ویژه حتماً به‌دست اقوام و یا قیّم‌ها برسد.

حبس در نزدیکی محل سکونت

۱۰. اهمیت حفظ رابطه با اعضای خانواده و دوستان بر مسئلهٔ تعیین محل حبس زندانیان بی‌تأثیر نیست. دوربودن محل حبس از محل سکونت باعث می‌شود تا ملاقات‌ها (و مرخصی‌ها) به‌سختی انجام گیرد و پرهزینه باشد، اصل ۲۰ از مجموعهٔ اصول در این باره خاطرنشان می‌کند:
در صورت تقاضای فرد بازداشت شده و یا زندانی، چنانچه امکان آن موجود باشد، باید او را در بازداشتگاه یا زندانی در نزدیکی محل سوکنتش قرار داد.
امکان انتقال زندانی به محلی در نزدیکی خانهٔ او، باید به محض ورود او به زندان با وی در میان گذاشته شود. در بسیاری از کشورها، چنین انتقالی برای زنان زندانی دشوار است، چرا که زندان‌های معدود و مشخصی در خاک آن کشورها به زنان اختصاص یافته است. اگر نگهداری زندانی در محلی نزدیک به خانهٔ او غیرممکن باشد، می‌توان تدابیری برای انتقال موقتی او، به منظور تسهیل ملاقات‌ها، اتخاذ کرد. زندانیان خارجی باید در صورت امکان بتوانند محکومیت حبس را در کشور خود بگذرانند؛ الگوی توافقی دربارهٔ

www.ParsBook.org

انتقال زندانیان خارجی که در هفتمین کنگرهٔ سازمان ملـل پیرامـون بزهکـاری در سـال ۱۹۸۵ بـه‌تصـویب رسید، چنین درخواستی را مطرح کرده است.

نامه‌ها و مکالمات تلفنی

۱۱. نامه‌نگاری یکی از شیوه‌های پذیرفته‌شدهٔ جهانی برای حفظ ارتباط با جهان خارج است. بـه‌طـور سـنتی، مقررات زندان‌ها همیشه در این زمینه سختگیر هستند. این امر که تمامی نامه‌ها توسط یک مأمور زنـدان خوانده و سانسور می‌شوند، نباید به ایجاد اخلال در تبادل نامه‌های مکتوب بیانجامد. طبق محتوای اصل ۱۹ از مجموعهٔ اصول که به «شرایط و محدودیت‌های قابل قبول» اشاره دارد، به‌نظـر مـی‌رسـد کـه فقـط در برخی موارد استثنایی وجود سانسور قابل توجیه است. طبق قاعـدهٔ کلـی، نبایـد محـدودیتی بـرای تعـداد نامه‌های ارسالی و دریافتی و یا تعداد طرف‌های مکاتبهٔ فرد زندانی تعیین شود. این قاعده در زمینهٔ مکاتبه میان زندانیان نیز معتبر است. در برخی کشورها، فقط نامه‌های دریافتی را مورد بررسی قرار مـی‌دهنـد. اگر هدف از این بررسی، جلوگیری از ورود اجناس ممنوعه به زندان است، پس نیازی به مطالعـهٔ نامـه‌هـا نیست و گشودن پاکت‌ها کفایت می‌کند. مناسب است که گشایش نامه‌ها در حضور زندانی صورت گیرد تا هر نوع احساس مداخله در زندگی خصوصی زندانی از او رفع شود.

۱۲. ادارهٔ زندان، به هدف تسهیل مکاتبه برای زندانیانِ فاقد ابزار نگارش (زندانیان فقیر)، باید نوشت‌افـزار و تمبر در اختیار آنان قرار دهد و مهم نیست که آنان به کدام‌یک از گـروه‌هـای کیفـری و یـا گـروه‌هـای زندانی تعلق داشته باشند. دربارهٔ متهمین نیز، قاعده ۹۲ برخی محدودیت‌ها و نظارت‌های ضروری بـرای منافع ادارهٔ دادگستری و امنیت و نظم زندان را مجاز می‌شمارد. این کلمات جنبهٔ محدودکننـده ندارنـد و برعکس به کاهش آثار نهفته در نظام‌های دادرسی که مشابه دادگاه‌های تفتیش عقاید هستند می‌انجامـد. براساس اصل برائت، هر محدودیتی از این قبیل می‌تواند مسئله‌ساز باشد (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مادهٔ ۱٤/۲).

۱۳. نه RMT ها و نه مجموعهٔ اصول هیچکدام اشارهٔ روشنی به تماس‌های تلفنی نکرده‌انـد. اگـر کشـوری دارای شبکهٔ پیشرفتهٔ تلفن عمومی یا خصوصی باشد، چنین تماس‌هایی می‌توانـد ابـزار مهمـی بـرای حفـظ ارتباط میان زندانیان و خانواده و دوستان آنها باشد. تماس‌های تلفنی نیز باید مانند هر نوع شـیوهٔ ارتبـاط مجاز باشد: «این واژه (ارتباط) هر نوع شیوهٔ تماس از راه دور، تلفن، تلکس، تلگرام و فاکس و هر نوع ابزار مکانیکی و الکتریکی را دربرمی‌گیرد» (مانفرد نوواک، تفسیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کهـل، ۱۹۹۳، ص ۳۰٤). کابین‌های تلفن عادی باید در زندان‌ها نصب شود. لزوم دسترسی به سکه‌هایی کـه در کـابین‌هـای تلفن قابل استفاده هستند، دیگر به این بهانه که گردش پول در زندان ممنوع است، دلیلی بر عـدم نصـب

www.ParsBook.org

این کابین‌ها نیست چرا که این مشکل به لطف اختراع کارت‌های تلفن حل شده است. امکان مکالمهٔ تلفنی برای زندانیانی که قادر به خواندن و نوشتن نیستند اهمیت بسیاری دارد. اگر خانواده و دوستان زندانیان در فاصلهٔ دوری از محل حبس به‌سر می‌برند، تماس‌های تلفنی می‌تواند تا حدّی جایگزین ملاقات‌های حضوری باشد. برای مثال در آفریقای جنوبی، اغلب زندانیان مجاز هستند که یک مکالمهٔ تلفنی حداکثر ده دقیقه‌ای را جایگزین یک ملاقات حضوری کنند (دیده‌بان حقوق بشر، گزارش کلی دربارهٔ زندان‌ها، ۱۹۹۳، ص ۱۰۷).

ملاقات‌ها

۱٤. ملاقات‌ها در مقایسه با نامه‌ها و مکالمات تلفنی، شیوهٔ مناسب و مؤثرتری برای توسعهٔ روابط اجتماعی خارجی هستند. به‌طور کلی، باید امکان ملاقات حضوری میان دو طرف فراهم آید و جدایی فیزیکی میان ملاقات‌کننده‌ها فقط در شرایط استثنایی باید صورت گیرد. سازماندهی شرایط ملاقات اهمیت بسیاری در تداوم روابط اجتماعی و حفظ شأن انسانی زندانیان دارد. کارمندان زندان باید دوره‌های خاصی را برای نظارت بر مکان ملاقات بگذرانند و ملاقات‌ها باید در فضایی حاکی از احترام به شئون انسانی انجام گیرد.
اگر زندانیان مجاز به خروج از محوطهٔ زندان نیستند، ملاقات‌ها فرصت مناسبی برای قاچاق مواد مخدر، الکل، پول و سلاح به درون زندان است. اگر پرسنل زندان بخش نامناسبی از وقت خود را صرف کارآگاه‌بازی برای یافتن و تنبیه قاچاقچیان بکنند، این کار عواقب ناگواری بر روابط میان زندانبانان و زندانیان خواهد داشت. امنیت زندان بیشتر به روابط سالم میان زندانبانان و زندانیان بستگی دارد تا بازجویی‌ها و تفتیش‌های تکراری. سازماندهی مکان ملاقات‌ها به طرزی پذیرا و انسانی و لزوم حداقل کنترل، دو عاملی هستند که میان آنها باید تعادل صحیحی ایجاد شود.

۱۵. اعطای زمان بیشتر ملاقات برای کسانی که راه دور و دشواری را برای رسیدن به زندان پیموده‌اند، شیوهٔ مناسب و صحیحی است. گاهی اوقات، امکان و آپارتمان‌هایی دراختیار این‌گونه ملاقات‌کننده‌ها قرار می‌گیرد تا آنها بتوانند در شرایط آسوده‌تر و راحت‌تری با زندانیان دیدار کنند، این شرایط به هنگام ملاقات میان خانواده‌ها و فرزندان کاملاً ضروری است.
در شرایط عادی و در صورت فقدان تدابیر شدید امنیتی، خانواده‌ها باید بتوانند به‌طور عادی در کنار زندانی بنشینند، این ملاقات می‌تواند در مقابل دیدگان زندانبان‌ها باشد امّا هیچکس نباید گفتگوهای آنها را بشنود «(درآمدی بر آموزش حقوق بشر به مسئولین زندان‌های کشورهای مشترک‌المنافع»، لندن، ۱۹۹۳، ص ۱۱۰). این توصیه به هنگام ملاقات دوستان با زندانیان نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد.

www.ParsBook.org

ملاقات خصوصی

۱۶. در برخی کشورها، روابط جنسی میان زندانیان و ملاقات‌کننده‌ها ممنوع است. در کشورهای دیگر، این نوع روابط تحمّل می‌شود. برای مثال در کاستاریکا: «اصولاً ملاقات زناشویی (ملاقات خصوصی) در تمامی مراکز حبس مجاز و قانونی است. [...] شیوه‌های ملاقات براساس نوع حبس متفاوت است: در زندان‌هایی که حداقل تدابیر امنیتی را دارند، ملاقات‌کننده‌ها و ملاقات‌شونده‌ها می‌توانند وارد حیاط زندان بشوند؛ در زندان‌هایی که تدابیر امنیتی شدید است، ملاقات‌ها هر پانزده روز انجام می‌گیرد. همچنین اطاق‌هایی مخصوص ملاقات میان زوج‌ها وجود دارد که می‌توانند چهارساعت تا یک شب را در آنجا به‌سر برند» (دیده‌بان بین‌المللی زندان‌ها، گزارش سالیانه، لیون، ۱۹۹٤، ص ۵۳). در اینجا مسئلهٔ ملاقات میان همسران رسمی مطرح است، اما زوج‌های غیررسمی نیز از این سیستم طرد نشده‌اند۳۸. متأسفانهRMT ها در این زمینه سکوت کرده‌اند. طبق اصل عادی‌بودن (قاعده ۶۰ــ۱)، روابط جنسی میان زندانیان و همسران آنها باید مجاز باشد و شرایط بهداشتی و خصوصی برای آنان باید فراهم آید. ابزار پیشگیری از بارداری نیز باید در اختیار زندانیان و ملاقات‌کننده‌ها قرار گیرد.

مرخصی‌ها

۱۷. بهترین راه تشویق زندانیان به داشتن روابط با محیط خارج، اعطای مرخصی و تعطیلات به آنان است. بازگشت دوره‌ای زندانی به کانون خانواده می‌تواند برخی مشکلات ناشی از حبس را کاهش دهد، به‌ویژه مشکلات مربوط به روابط جنسی میان زندانیان و همسران آنها. مرخصی‌ها باید به‌طور مرتب به زندانیان اعطا شود، و تناوب آن باید به گروه‌بندی زندانی در این یا آن مرحله از نظام حبس بستگی داشته باشد. مرخصی‌های بی‌حساب و کتاب به بهانه دادن امتیاز یا پاداش در مقابل رفتار خوب، اغلب اقدامی خودسرانه هستند و برخی زندانیان آن را نوعی بی‌عدالتی در قبال خود می‌دانند و احساس می‌کنند که در راه رسیدن به هدف نهایی که همانا حفظ روابط خانوادگی و تسهیل ارتباطات اجتماعی است، به آنان بی‌توجهی می‌شود. در کشور آلمان، راه‌حلّی به‌نام Besuchausgang (مرخصی به‌جای ملاقات) به‌اجرا گذاشته شده که ترکیبی از ملاقات‌ها و مرخصی‌ها است: برخی زندانیان برگزیده مجاز هستند که در مدت تعیین‌شده با ملاقات‌کننده‌ها در خارج از محیط زندان دیدار کنند. زندانیان و ملاقات‌کننده‌ها می‌توانند شرایط ملاقات را خود انتخاب نمایند. این امر به نفع ادارهٔ زندان نیز می‌باشد، زیرا می‌تواند بدون نگرانی از تعداد زندانبان‌ها و مکان‌های قابل دسترس، اجازهٔ ملاقات صادر نماید.

www.ParsBook.org

روابط زندانیان خارجی با محیط خارج

۱۸. خارجی‌ها باید از تمامی امکاناتی که در اختیار بومیان است بهره‌مند شوند. علاوه بر این، آنها باید از تدابیر حمایتی مضاعفی برخوردار گردند. هفتمین کنگرهٔ سازمان ملل برای پیشگیری از جنایت و نحوهٔ برخورد با بزهکاران، توصیه‌های زیر را در رابطه با زندانیان خارجی مطرح کرده است: «تماس زندانیان خارجی با خانواده‌های‌شان و نیز با سازمان‌های مختلف باید از طریق تهیهٔ ابزار لازم برای ملاقات‌ها و مکاتبات تسهیل گردد، مگر آنکه زندانیان با این تماس‌ها موافق نباشند. سازمان‌های بشردوستانهٔ بین‌المللی، مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ، باید بتوانند کمک‌های خود را به زندانیان خارجی ارائه دهند» (برگزیدهٔ مقررات و استانداردهای سازمان ملل برای پیشگیری از جنایت و دادرسی کیفری، ۱۹۹۲، ص ۱۰۹).

تماس‌های شغلی، قضایی و اداری

تماس با وکیل

۱۹. تماس با وکیل می‌تواند اهمیت بی‌حدوحصری برای فرد زندانی داشته باشد. این نوع تماس باید به‌طور محرمانه و بدون محدودیت انجام گیرد، RMT ها این حق را فقط برای متهمین مورد تأکید قرار داده‌اند.

قاعده ۹۳

متهم مجاز به درخواست انتخاب وکیل تسخیری است، و حق دارد برای تنظیم دفاعیهٔ خویش با وکیل خود ملاقات کند. او باید بتواند اسناد محرمانه را تهیه و در اختیار وکیل قرار دهد. بدین منظور، در صورت تقاضای متهم، باید به او نوشت‌افزار داده شود. دیدار میان متهم و وکیل می‌تواند در معرض دید مأمور پلیس یا زندانبان صورت گیرد، امّا هیچکس نباید سعی در شنیدن مکالمات میان متهم و وکیل بنماید.

۲۰. این قاعده باید برای تمامی گروه‌های زندانیان قابل اجرا باشد. در تمام طول حبس می‌توان از وکیل یاری خواست (مثلاً به منظور تخفیف مجازات و یا برخورداری از شرایط حبس مناسب‌تر). مراجعه به وکیل حتی ممکن است به‌خاطر مسائل زندگی عادی ضرورت یابد و ارتباطی به مجازات و روند اجرای آن نداشته باشد، این امر در اصل ۱۸ از مجموعهٔ اصول و اصل ۸ از اصول اساسی سازمان ملل پیرامون زندان‌ها مورد پذیرش واقع شده است:

هر فرد دستگیر یا بازداشت‌شده یا زندانی باید بتواند با وکیل خود، بدون هیچ تأخیری و به‌طور خصوصی ملاقات کند، با او گفت‌وگو نماید و به مشورت بپردازد، هیچ نوع سانسوری نباید در جریان ملاقات اعمال

www.ParsBook.org

شود و گفت‌وگوها نباید استراق گردد، زندانی باید زمان و ابزار لازم برای این ملاقات را در اختیار داشته باشد. مشاورهٔ وکیل و زندانی می‌تواند در مقابل چشم مسئول اجرای قانون انجام گیرد امّا نباید توسط او شنیده شود.

اصل محرمانه‌بودن و عدم دخالت برای تمامی شکل‌های ارتباط (مکاتبه، تلفن، ملاقات حضوری و غیره) قابل اجرا است. بازبینی پرونده‌های وکیل و شنود مکالمات تلفنی او توسط کارمندان زندان ممنوع است. مسئولان زندان باید پیش از برقراری ارتباط تلفنی میان وکیل و زندانی، هویت وکیل را شناسایی کنند.

روابط با نمایندگان مذهبی

۲۱. اغلب امتیازاتی که برای وکیل‌ها به هنگام تماس با زندانی‌ها مقرر شده، برای نمایندگان مذهبی و انجمن‌ها که بنا بر اهداف مذهبی یا قومی با زندانی‌ها ملاقات می‌کنند نیز قابل اجراست. این امتیازات ریشه در حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب دارند، حقی که در مادهٔ ۱۸ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر و مادهٔ ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تعریف و مشخص شده است. RMT ها به‌وضوح این حق را برای زندانیان به‌رسمیت شناخته‌اند.

قاعده ٤١ــ(۳)

حق برقراری تماس با نمایندهٔ ذیصلاح یک مذهب نباید از هیچ زندانی سلب شود. متقابلاً، اگر یک زندانی از ملاقات با یک نمایندهٔ مذهبی خودداری کند، باید به این رفتار وی احترام گذاشته شود.

RMT ها دربارهٔ شرایط ملاقات میان نمایندهٔ یک مذهب و زندانی سکوت کرده‌اند. به‌دلیل ماهیت کاملاً خصوصی این نوع ملاقات‌ها، مقررات حاکم بر دیدار میان وکیلا و زندانیان باید در ملاقات‌های مذهبی نیز به‌اجرا درآید و مأمورین زندان نباید استراق سمع کند.

روابط با مقامات دولتی (ملّی) و انجمن‌ها

۲۲. RMT ها هیچ اشاره‌ای به تماس میان زندانیان و اعضای دولت، دادگاه‌ها و مجامع پارلمانی نکرده‌اند. با این حال، در بسیاری از کشورها، اهمیت زیادی به این نوع تماس‌ها داده می‌شود: مکاتبات میان زندانیان و مقامات سانسور نمی‌شود و ملاقات‌های حضوری آنها نیز تحت نظارت قرار نمی‌گیرد. زندانیان می‌توانند بدون هیچ ترسی از تنبیهات پرسنل زندان، به طرح شکایت بپردازند. همین تدابیر باید در زمینهٔ تماس میان زندانیان و سازمان‌های بین‌المللی دفاع از حقوق بشر، به‌ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، نیز به‌اجرا درآید.

www.ParsBook.org

۲۳. طبق روح کلی حاکم بر RMT ها، به‌ویژه طبق بند ۶۱، همهٔ تلاش‌ها در جهت تشویق و تسهیل تماس میان زندانیان و خدمات بازپروری و جامعه‌پذیری مجدد و هر سازمان مسئول دیگر، و طبق قاعده ۶۱، در جهت حفظ و بهبود روابط میان زندانی و خانوادهٔ او و سازمان‌های اجتماعی باید به‌کار بسته شود.
این قاعده حکم می‌کند که چنین تماس‌هایی باید مجاز گردد، بدون آنکه تماس‌های مذکور از سوی مقامات زندان به زندانی ذینفع تحمیل شود.

روابط با نمایندگان هیئت دیپلماتیک و کنسولی

۲٤. خارجیان باید بتوانند آزادانه با نمایندگان دیپلماتیک یا کنسولی کشور خود ارتباط داشته باشند.
قاعده ۳۸ــ(۱)
زندانیان تبعهٔ یک کشور خارجی باید از امکانات قابل قبول برای برقراری ارتباط با نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی کشور خود برخوردار باشند.
(۲)
زندانیان تبعهٔ کشورهایی که فاقد هیئت نمایندگی دیپلماتیک یا کنسولی در کشور محل حبس هستند و نیز پناهندگان و افراد بدون ملیت باید از امکانات مشابهی برای تماس با نمایندهٔ دیپلماتیک کشوری که حافظ منافع کشور متبوع زندانی در کشور محل حبس است و یا برای تماس با هر مرجع ملی و بین‌المللی که مسئول حفاظت از این‌گونه زندانیان است، برخوردار باشند.

۲۵. مادهٔ ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی وین (۲٤ آوریل ۱۹۶۳) کشورهای امضاکننده را به مقررات سختگیرانه‌تری در این زمینه ملزم می‌سازد:
الف. مأموران کنسولی باید برای برقراری ارتباط با اتباع کشور خود آزادی کامل داشته باشند و بتوانند به آنان دسترسی پیدا کنند. خارجیان هم باید از همین آزادی ارتباط برخوردار باشند و بتوانند به مأمورین کنسولی کشور متبوع خود دسترسی یابند؛
ب. در صورت درخواست یک زندانی، مقامات ذیصلاح باید بدون تأخیر خبر بازداشت زندانی، حبس وی و محل نگهداری وی را به اطلاع کنسولگری کشور متبوع وی برسانند. هر نوع پیام که از سوی فرد زندانی به کنسولگری خطاب می‌شود باید بدون تأخیر ارسال گردد. مقامات ذیصلاح باید بدون تأخیر زندانی ذینفع را از حقوقش مطلع سازند؛
ج. مأموران کنسولی باید بتوانند آزادانه با زندانی ذینفع دیدار کنند و با او مکالمه و مکاتبه نمایند و او را در انتخاب نمایندهٔ حقوقی یاری کنند. آنان باید بتوانند با هر متّهمی که تابعیت کشور متبوع آنان را دارد ملاقات نمایند. در صورتی که متهم از دیدار با مأموران کنسولی کشور متبوع خود به‌طور علنی خودداری

www.ParsBook.org

کند، آنان باید از ملاقات با او امتناع نمایند.
همهٔ زندانیان تمایل ندارند که نمایندگان دیپلماتیک کشور متبوع آنان از خبر زندانی‌شدن آنها آگاه گردند. لذا به مقامات زندان توصیه می‌شود که خبر حبس یک فرد را بدون توافق وی منتشر نسازند. مدیریت زندان باید زندانی را از حقوقی که طبق قاعده ۳۸ و کنوانسیون وین داراست مطلع کنند، به‌ویژه حق برقراری تماس با سفارتخانه یا کنسولگری کشور متبوع وی. همچنین باید خاطرنشان کرد که کنوانسیون وین (مادهٔ ۳۶ــ ج) به زندانیان اجازه می‌دهد که از دیدار با مقامات دیپلماتیک خودداری کنند. صلیب سرخ بین‌المللی نیز به‌نوبهٔ خود مسئولیت دارد که به زندانیان خارجی در کشورهایی که فاقد نمایندگی کنسولی یا دیپلماتیک هستند کمک نماید؛ اگر صلیب سرخ در کشور محل حبس دارای یک نمایندگی دائمی باشد و یا بتوانند به‌طور عادی هیئتی به آن کشور بفرستد، درقبال فرد زندانی نقش میانجی بی‌طرف را ایفأ خواهد کرد.

دیگر حقوق حفاظت‌شده

تماس با رسانه‌ها

۲۶. هیچ امری نمی‌تواند جایگزین تماس میان انسان‌ها شود، امّا راه‌های دیگری برای ارتباط زندانی با محیط خارج وجود دارد. یکی از مهم‌ترین حقوق جهانی بشر، دریافت و انتشار اخبار و اندیشه‌ها، بدون توجه به مرزها و نوع ابزار بیان، می‌باشد (مادهٔ ۱۹ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر). آزادی عقیده، بیان و اطلاعات به‌طور اکیدتری در مادهٔ ۱۹/۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است:
هر فرد از حق آزادی بیان برخوردار است؛ این حق شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و توزیع انواع اخبار و اندیشه‌ها، بدون توجه به مرزها، به شکل شفاهی، کتبی، چاپی و هنری و یا هر شیوهٔ انتخابی دیگر می‌باشد. محدودکردن آزادی بیان می‌تواند به دلیل مقتضیات نظم عمومی قابل توجیه باشد، به‌شرطی که این مقتضیات ضرورت مطلق داشته و به‌وضوح در قانون تعیین شده باشند. «محدودیت‌های آزادی اخبار برای زندانیان، که در بسیاری از کشورها رواج بسیاری دارد، فقط زمانی مجاز هستند که از سوی قانون تعیین‌شده و برای پیشگیری از جرم و بی‌نظمی در زندان مطلقاً ضروری باشند» (مانفرد نوواک، تفسیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کهل، ۱۹۹۳، ص ۳۵۷ نسخهٔ انگلیسی).

۲۷. توصیه‌های RMT ها جنبهٔ الزام‌آورتری دارند.
قاعده ۳۹
زندانیان باید به‌طور مرتب در جریان حوادث مهم قرار گیرند، این کار می‌تواند از طریق مطالعهٔ روزنامه، نشریات و یا مطبوعات ویژهٔ زندان و یا از طریق برنامه‌های رادیویی، کنفرانس‌ها و یا هر وسیلهٔ مشابه

www.ParsBook.org

دیگر، با مجوز و نظارت ادارهٔ زندان، صورت گیرد.
به‌سادگی نمی‌توان ضرورت و فایدهٔ دستیابی به رسانه‌ها را به اثبات رساند، زیرا در بسیاری از کشورها امکان دسترسی به رسانه‌ها به‌شدت محدود است. با این حال، به کمک اصل عادی‌بودن (قاعده ۶۰ــ۱)، به‌نظر منطقی می‌رسد که زندانیان از امکان دستیابی به رسانه‌های قانونی موجود در جامعهٔ آزاد برخوردار گردند. محدودیتها فقط باید ناشی از مقتضیات امنیتی و مسئلهٔ حفظ نظم باشد و فقط ابزاری را دربرگیرد که می‌تواند به رفتار و شورش زندانیان کمک کند. دستیابی گستردهٔ زندانیان به رسانه‌هایی که در جهت توسعهٔ رفتار با زندانیان کار می‌کنند، بسیار مناسب و منطقی است. «رفتار سازنده با زندانیان بر اصل حفظ روابط با جهان خارج استوار است. محرومیت مستمر از کسب اخبار روزمره نمی‌تواند بخشی از برنامهٔ آموزشی باشد، به‌ویژه وقتی که هدف چنین برنامه‌ای، کمک به زندانیان برای بازیافتن جایگاه یک شهروند باشد، شهروندی که در زندگی اجتماعی مشارکت کامل دارد.» (وان زیل اسمیت، قانون و اجرای آن در زندان‌های آفریقای جنوبی، ۱۹۹۲، ص ۲۰۷ نسخهٔ انگلیسی).

۲۸. قاعده ۳۹ ظاهراً الزام مضاعفی برای ادارهٔ زندان مقرر می‌کند، یعنی فراهم‌آوردن امکان دستیابی تمامی زندانیان به «اخبار مهم»، ازجمله زندانیانی که هیچ نوع ابزار شخصی برای دریافت چنین اخباری دراختیار ندارند. مهم‌ترین روزنامه‌ها و نشریات ادواری باید در کتابخانهٔ زندان قابل دسترس باشد. زندانیان باید بتوانند برای اشتراک هر نشریه‌ای که به‌طور قانونی در جامعه مدنی به‌فروش می‌رسد، ثبت‌نام نمایند. باید از سازمان‌های خصوصی خواسته شود تا امکان اشتراک رایگان زندانیان بومی در روزنامه‌ها و نشریات اصلی را فراهم آورند.

۲۹. بهترین شیوه برای رساندن اخبار به زندانیان آن است که آنها از امکان دنبال‌کردن برنامه‌های رادیویی و تلویزیون برخوردار شوند، لذا زندان باید ابزار لازم برای دریافت این برنامه‌ها را تهیه نماید. معمولاً دستگاه‌های دریافت در سالن‌های عمومی قرار داده می‌شوند و زندانیان می‌توانند پس از کار روزانه در این سالن‌ها گردهم آیند. در کشورهایی که اغلب ساکنان آنها دارای دستگاه‌های دریافت‌کنندهٔ خصوصی هستند، زندانیان نیز باید از چنین امکانی برخوردار شود و این منتج از اصل عادی‌بودن است.

دارایی‌های زندانیان

۳۰. مالکیت اموال مادی به تضمین و تداوم هویت اشخاص کمک می‌کنند. در زندان، داشتن اموال شخصی شیوهٔ مناسبی برای حفظ هویت و عدم احساس جدایی از جهان خارج است. مادهٔ ۱۷ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند:
(۱)

www.ParsBook.org

هر فرد، هم به تنهایی و هم به‌طور جمعی، از حق مالکیت برخوردار است.

(۲)

هیچکس را نمی‌توان به‌طور خودسرانه از مالکیت اموال خود محروم کرد.

این دو اصل برای زندانیان معتبر است، هرچند که امکان استفاده از اموال شخصی برای آنان محدود می‌باشد. اما آنها می‌توانند آزادانه اموال خود را دراختیار بگیرند، آنها را بفروشند، هدیه بدهند و غیره و اموال جدیدی، مانند مال ارث یا مال اهدایی به‌دست بیاورند یا بخرند. مقامات زندان نباید در روند این‌گونه معاملات دخالت کنند.

RMT.۳۱ ها خواهان کنترل نحوهٔ نگهداری اموال زندانیان توسط ادارهٔ زندان هستند.

قاعده ٤٣ــ(١)

وقتی که مقررات به زندانی اجازه نمی‌دهد پول، اشیأ قیمتی، لباس و دیگر اموال خود را دراختیار داشته باشد، این اموال باید به هنگام پذیرش وی در زندان در محل امنی قرار داده شود. فهرستی از این اموال باید تهیه شود و به امضای زندانی برسد. تدابیر لازم برای سالم‌ماندن این اموال باید اتخاذ گردد.

(۲)

این اموال و پول باید به هنگام آزادی به زندانی مسترد گردد، به‌جز پول‌هایی که زندانی مجاز به خرج‌کردن آنها بوده، اموالی که به خارج زندان فرستاده و لباس‌هایی که به دلایل بهداشتی امحأ شده‌اند. زندانی باید در قبال اشیأ و پول‌های مستردشده، رسید بدهد.

(۳)

اعتبارات یا اشیایی که از خارج به زندانی ارسال شده‌اند مشمول همین مقررات هستند.

(٤)

اگر زندانی به هنگام پذیرش در زندان حامل دارو یا مواد مخدر باشد، پزشک دربارهٔ مصرف آن تصمیم خواهد گرفت.

این مقررات نیازی به تفسیر ندارد. معمولاً زندانی یک نسخه از فهرست و رسیدهای ذکرشده در مقررات بالا را پیش خود نگه می‌دارد و این اوراق باید به امضای زندانبان مسئول برسد. از محتوای مقررات فوق چنین برمی‌آید که زندانی می‌تواند برخی از اموال خود را در درون زندان نزد خود نگه دارند. مقرراتی که با چنین حقی مخالفت می‌کنند، باید در این راستا اصلاح شوند، زیرا مسئلهٔ امنیت با این نوع ممنوعیت‌ها حل‌وفصل نمی‌شود. دستگاه‌های رادیو و تلویزیون را می‌توان مهروموم کرد تا زندانیان آنها را به جعبهٔ جمع‌آوری مواد مخدر و سلاح تبدیل نکنند. زندانیان باید همیشه مجاز به حفظ حداقل اموال در داخل سلول خود باشند، به‌ویژه عکس‌های اعضای خانواده یا دوستان.

www.ParsBook.org

حق رأی زندانیان

۳۲. در برخی کشورها، به‌عنوان تنبیه یا پیامد محکومیت‌های ناشی از جرایم سنگین حق رأی را از فرد سلب می‌کنند. طبق اصل برائت، متهمان همچنان از حق رأی برخوردار هستند. معمولاً حق رأی را فقط به‌خاطر زندانی‌شدن از زندانیان سلب می‌کنند و این اقدام هیچ‌گونه پایهٔ قانونی ندارد. مادهٔ ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «حق و امکان» رأی‌دادن را برای تمامی شهروندان به رسمیت می‌شناسد و قائل به هیچ نوع محدودیت غیرمنطقی در این زمینه نیست. زندانی‌شدن، فی‌نفسه نمی‌تواند توجیهی بر سلب حق رأی باشد و کارمندان زندان باید تسهیلات لازم برای استفاده از حق رأی را فراهم آورند.

۳۳. زندانی باید بتواند روند مبارزات انتخاباتی را دنبال نماید تا، به‌ویژه به کمک مباحثات سازماندهی‌شده در رسانه‌ها، عقیدهٔ خود را مشخص کند.۳۹ نامزدهای انتخاباتی می‌توانند در برخی زندان‌ها پذیرفته شوند و مستقیماً با رأی‌دهندگان بالقوهٔ خود که زندانیان هستند سخن بگویند. این‌گونه تجمعات را می‌توان از طریق مشورت با زندانیان سازماندهی کرد.

۳٤. عملیات اخذ رأی می‌تواند به شیوه‌های مختلفی انجام گیرد. در برخی کشورها، دفاتر سیار اخذ رأی در زندان‌ها مستقر می‌شوند. گاهی اوقات، حتی صندوق‌های رأی را به داخل سلول‌ها می‌برند. در کشورهای دیگر، زندانیان می‌توانند از طریق مکاتبه یا وکالت‌نامه رأی خود را اعلام نمایند.

۳۵. اگر عملیات اخذ رأی در داخل زندان به دشواری انجام گیرد، نامزدشدن از درون یک سلول زندان امر بسیار دشوارتری خواهد بود. حتی در کشورهایی که قانون به صراحت، حق انتخاب‌شدن را از زندانیان سلب نکرده است، مشکلات عملی بسیاری در راه نامزدشدن آنان وجود دارد، و امکان مبارزهٔ انتخاباتی، برگزاری گردهمایی‌ها و سخن‌گفتن در رسانه‌ها برای زندانی ــ نامزد بسیار محدود است. یک مبارزه انتخاباتی نیاز به مرخصی دارد و اگر در قوانین کشوری چنین تمهیداتی وجود ندارد، باید از ظرافت‌های قضایی برای دورزدن قانون استفاده کرد. به دلیل اهمیت انتخابات در بطن یک نظام دموکراتیک، توصیه می‌شود که به مقامات زندان آزادی عمل بیشتری داده شود به طوری که بتوانند زمینهٔ مبارزهٔ صحیح انتخاباتی را برای زندانیان داوطلب فراهم آورند.

گواهی فوت یا بیماری وخیم

۳۶. بعید نیست که عده‌ای در زندان جان خود را از دست بدهند. میزان خودکشی یا آلودگی به ویروس ایدز در زندان بیش از محیط بیرون است و این امر جای بسی نگرانی دارد. معمولاً پیرامون مسئولیت

www.ParsBook.org

مستقیم و غیرمستقیم مقامات زندان در مرگ یک زندانی سؤالات بسیاری مطرح می‌شود. افرادی که در مرحلهٔ نهایی بیماری قرار دارند، نباید در زندان نگه داشته شوند (قاعده ۲۵ــ۲)، و باید به یک بیمارستان انتقال یابند (قاعده ۲۲ــ۲) و یا تحت مراقبت اقوام خود قرار گیرند.RMT ها مقرر می‌کنند که مقامات زندان باید خبر مرگ یا مشرف به مرگ‌بودن زندانی را به اطلاع اقوام یا دوستان او برسانند.

قاعده ٤٤ــ(۱)

در صورت فوت، بیماری وخیم، حادثهٔ جدّی و یا انتقال زندانی به بیمارستان روانی، مدیر زندان باید بلافاصله موضوع را به اطلاع همسر زندانی (در صورت متأهل‌بودن وی)، یا نزدیک‌ترین اقوام وی و یا هر کسی که زندانی مشخص کرده، برساند.

(۲)

زندانی باید بلافاصله از فوت یا بیماری وخیم اقوام نزدیک خود مطلع شود. در صورت بروز بیماری خطرناک برای یکی از اقوام او، چنانچه شرایط اجازه بدهد، زندانی باید مجاز به حضور در بالین او باشد و این حضور می‌تواند آزادانه و یا با همراهی مأموران انجام گیرد.

در صورت فوت، بیماری جدی، جراحت و یا انتقال زندانی به بیمارستان روانی، مدیر زندان شخصاً مسئولیت دارد که اقدام به ارسال اخبار لازم کند (قاعده ٤٤ــ۱). لذا به هنگام پذیرش زندانی در زندان، مقامات باید از او درخواست کنند تا علاوه بر خانواده، یا به جای خانواده، نام افرادی که چنین اخباری را باید دریافت کنند، ذکر نماید. در صورت فوت زندانی، توصیه می‌شود که خبر مربوطه در عرض ۲٤ ساعت ابلاغ شود. در آب و هوای گرم، ضرورت دارد که خبر سریع‌تر ارسال گردد. در هر صورت، مدیریت زندان باید از جسد فرد متوفی مواظبت کند.

۳۷. همچنین، یک زندانی باید بلافاصله از خبر درگذشت، یا جراحت جدی اقوام نزدیک خویش مطلع شود و این در صورتی است که مقامات زندان نیز از موضوع آگاهی داشته باشند. از واژهٔ «اقوام نزدیک» نباید برداشتی کاملاً رسمی شود، چرا که این مفهوم در فرهنگ‌های مختلف، تعابیر مختلفی دارد. به‌هرحال پدرومادر، نوادگان، همسر و فرزندان همیشه مشمول این مفهوم هستند. اگر بیماری یکی از اقوام «خطرناک» باشد، یعنی زندگی وی در معرض تهدید باشد، زندانی باید اجازه حضور در کنار فرد مذکور را داشته باشد، «اگر شرایط چنین اجازه‌ای بدهد». او می‌تواند طبق همین شرایط در مراسم تشییع جنازه اقوام خود شرکت کند، هرچند که چنین موردی درRMT ها پیش‌بینی نشده است.

www.ParsBook.org

فصل ششم

رفتار با زندانیان

مقدمه

۱. رفتار با زندانیان بر اصل شناسایی شئون تمامی اعضای خانوادهٔ بشری و نیز شناسایی حقوق مساوی و تغییرناپذیر آنان استوار است (مقدمهٔ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر). این اصل در تمامی قوانین بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و نیز در RMT ها مورد تأکید مجدد قرار گرفته است. حقوق بین‌المللی بر لزوم احترام به حقوق زندانیان به‌عنوان شخصیت‌های انسانی تأکید کرده است اما در این باره که رفتار با زندانیان در نظام‌های حبس و فعالیت‌های مختلف شامل چه نکاتی باید باشد، نظر روشنی ارائه نکرده است. با این حال واضح است که افراد به‌عنوان تنبیه به زندان فرستاده می‌شوند، نه برای اینکه در آنجا متحمل تنبیهات دیگری شوند؛ همچنین رفتار با زندانیان نباید باشد.

۲. RMT ها فلسفهٔ این رفتارها را در بخش دوم که به محکومان اختصاص دارد توضیح داده‌اند. تدابیر ذکرشده در بخش دوم زمانی می‌تواند دربارهٔ متهمان و زندانیان بدهکار قابل اجرا باشد که به‌کاربستن آنها برای این گروه ویژه از زندانیان مفید ارزیابی شود، بدین شرط که تدبیری مبنی بر لزوم قابل اجرابودن برنامه‌های بازآموزی و سازگاری برای افراد غیرمحکوم اتخاذ نشود (بند ۹۵).

www.ParsBook.org

از رفتار تا مددرسانی به زندانیان

۳. زمانی‌که RMT ها نوشته می‌شدند، «رفتار» به معنی اصلاح زندانی بود و فقط دربارهٔ زندانیان متهم یا محکومان به جنایت اجرا می‌شد. این مفهوم تحول‌یافته است و RMT ها به احتمال چنین تحولی اشاره کرده‌اند: در بخش ملاحظات مقدماتی تصریح شده که RMT ها به قلمرویی تعلق دارند که در آن اندیشه در حالِ تحول دائمی است (بند ۳).

٤. با گذشت زمان، اعتماد به توانایی زندان‌ها در اصلاح زندانیان جای خود را به انتظارات واقع‌بینانه‌تری در رابطه با آثار حبس داده است. اکنون بر مسئلهٔ مددرسانی به زندانیان تأکید بیشتری می‌شود؛ این مددرسانی باید فرصت بیشتری برای توسعهٔ توانایی‌های فردی مهیا کند و زندانیان را برای رویارویی موفقیت‌آمیز با مسئلهٔ بازگشت به زندگی آزاد آماده کند. هم به نفع زندانی است و هم به نفع جامعه که روندهای جامعه‌پذیری زندانی از طریق رفتار سازنده با وی در زندان مورد تشویق قرار گیرد. محکومان به حبس ابد از این هدف مستثنی نیستند و برنامه‌های طولانی‌مدت برای بازگرداندن احتمالی آنان به جامعه آزاد باید تدارک دیده شود.

امنیت پویا

۵. RMT ها در دوره‌ای نوشته شده‌اند که مقتضیات رفتار با زندانیان به‌طور مستقیم با مقتضیات امنیتی متضاد به‌نظر می‌رسیدند. RMT ها اشارهٔ اندکی به مسئلهٔ امنیت می‌کنند، درحالی‌که در بند نگه‌داشتن زندانیان بی‌شک اولین وظیفهٔ زندان‌هاست. RMT ها مسئلهٔ امنیت را یکی از عوامل محدودکننده در رفتار با زندانیان قلمداد می‌کنند. مفهوم «امنیت پویا» در آن زمان وجود نداشت، و مقامات زندان و زندانبانان مجبور بودند هم امنیت را برقرار سازند و هم به موضوع رفتار با زندانیان بپردازند، بدون آنکه میان این دو موضوع سازشی برقرار شود. پس از ناکامی‌های بسیار، معلوم شد که مسئلهٔ رفتار با زندانیان فی‌نفسه یک مسئله مجزا و مستقل نیست و از سوی دیگر خود زندانی نیز باید در این رفتار همکاری نماید. اکنون می‌توان مفاهیمی همچون «مددرسانی» و «تلاش‌های فردی» را مطرح ساخت.

۶. امروزه فقط با همکاری زندانیان می‌توان زندان‌ها را به شیوه‌ای مطمئن و مثبت اداره کرد. امنیت خارجی (جلوگیری از فرار زندانیان) و امنیت داخلی (پیشگیری از هرج‌ومرج) به شرطی کاملاً تضمین می‌شوند که روابط سازنده‌ای میان زندانیان و زندانبانان برقرار شود. جوهر امنیت پویا در همین امر نهفته است: امنیت پویا به روابط خوب در داخل زندان و رفتار سازنده با زندانیان بستگی دارد.

www.ParsBook.org

۷. رفتار با زندانیان چنان اهمیتی دارد که هیچ چیز نمی‌تواند عدم اجرای برنامه‌های آموزشی برای زندانیان را توجیه کند و حتی اشاره به مشکلات بودجه‌ای نیز توجیه مناسبی نیست (رجوع شود به: کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، تفسیرهای عمومی، ۲۱ــ«٤٦»، ۶ آوریل ۱۹۹۲).

۸. می‌توان به زندانیان کمک کرد تا خود را به‌عنوان افراد بالغ و دارای حس مسئولیت پرورش دهند و این امر در کاهش خطر بازگشت به جرم مؤثر است. رفتار با زندانیان باید توأم با احترام و رعایت حقوق آنان باشد: رفتار (به معنی عام کلمه) باید توأم با توجه به امیدها و آرزوهای زندانیان و با هدف کمک به شکوفایی شخصیت آنان باشد.

رفتار باید بر شخص متکی باشد نه بر حفظ نظم در زندان

۹. مقدمهٔ بخش دوم RMT ها (قواعد ۵۶ الی ٦٤) شامل چندین اصل محوری است که به درک فلسفهٔ رفتار با زندانیان کمک می‌کند. در ورای مسائلی همچون امنیت، طبقه‌بندی، مراقبت و اجتماعی‌سازی، اصول مهم دیگر را می‌توان به طریق زیر خلاصه کرد:

ــ رنج ناشی از حبس باید تا حداکثر ممکن کاهش یابد؛

ــ تفاوت میان زندگی در زندان و زندگی در خارج آن باید تا حد امکان کاهش پیدا کند؛

ــ زندانی باید به کمک تمامی ابزارها، تشویق شود که پس از آزادی، زندگی درستکارانه و مستقلی را دنبال نماید؛

ــ رفتار باید با نیازهای هر زندانی متناسب باشد؛

ــ رفتار باید امکان بازگشت تدریجی به زندگی در جامعه را فراهم آورد؛

ــ رفتار باید براساس مشارکت مداوم زندانی در زندگی جمعی شکل گیرد.

۱۰. هرچند ادارهٔ زندان مهم‌ترین نقش را در اجرای این اصول به‌عهده دارد، اما دولت نیز به‌نوبهٔ خود موظف است مردم را از این اصول مطلّع سازد و جمعیت‌های داخل کشور را تشویق به همکاری در اجرای این اصول نماید.

۱۱. اغلب این اصول محوری، برای تمامی زندانیان بدون توجه به وضعیت حقوقی آنان، قابل اجراست.

بند ۵۶

هدف اصول راهنما که درپی می‌آید، بیان روح حاکم بر نحوهٔ ادارهٔ نظام‌های حبس است و نیز مشخص‌کردن اهدافی است که این نظام‌ها باید، طبق موارد ذکرشده در ملاحظات مقدماتی (بند ۱) متن

www.ParsBook.org

حاضر، درصدد دستیابی به آن باشند.

قاعده ۵۷

حبس و دیگر تدابیری که به هدف جداکردن فرد بزهکار از جهان خارج به اجرا درمی‌آیند، به این دلیل که او را از طریق سلب آزادی، از داشتن حق اختیار بر خویشتن محروم می‌کنند، فی‌نفسه رنج‌آور هستند. جز در مواردی که عمل جداسازی توجیه‌پذیر است و یا به حفظ انضباط مربوط می‌شود، نظام حبس نباید آلام مربوط به چنین وضعیتی را تشدید کند.

قاعده ۵۸

هدف و توجیه مجازات و تدابیر سلب‌کنندهٔ آزادی، نهایتاً حفاظت از جامعه در برابر جرم و جنایت است. چنین هدفی تحقق نمی‌یابد، مگر آنکه دوران سلب آزادی صرف آن شود که فرد بزهکار، تا حد ممکن، به هنگام آزادی نه‌تنها علاقمند، بلکه قادر به رعایت قانون و تأمین مایحتاج خود باشد.

قاعده ۵۹

به این منظور، نظام حبس باید از تمامی ابزارهای درمانی، آموزشی، اخلاقی و معنوی و دیگر ابزارها و نیز از تمامی شیوه‌های کمک‌رسانی که در اختیار دارد استفاده نماید و این ابزارها باید مطابق با نیازهای فردی زندانیان به کار بسته شود.

RMT.۱۲ ها بر نیروهای اخلاقی و اصلاح‌کننده تأکید دارند. اکنون عقیده بر آن است که تغییر واقعی و توسعه مستقل یک فرد فقط با همکاری و مشارکت او امکان‌پذیر است. اما در محیطی مانند زندان که ماهیتاً محدودکننده است، این خطر وجود دارد که خیرخواهی‌های ناشی از ارادهٔ اصلاح‌طلبی به اعمال محدودیت‌های مضاعف بیانجامد و بر زندانیان فشار آورد.

زندان‌هایی با هدف تربیت زندانی برای سازگاری با جامعه

۱۳. قاعده ۶۰ـ(۱)

ادارهٔ زندان باید در پی کاستن از تفاوت‌هایی باشد که میان زندگی در زندان و زندگی آزادانه وجود دارد، خصوصاً تفاوت‌هایی که مفهوم مسئولیت‌پذیری زندانی و احترام به حیثیت فردی او را محدود می‌کند.

(۲)

پیش از پایان اجرای مجازات یا تنبیه، بهتر است که تدابیر ضروری برای بازگرداندن تدریجی زندانی به زندگی اجتماعی، اتخاذ شود. این هدف، برحسب مورد، از طریق ایجاد نظام مهیاسازی برای آزادی قابل حصول است، نظامی که می‌تواند در همان زندان محل حبس یا زندان مناسب دیگر سازماندهی شود و یا به شکل آزادی مشروط و تحت کنترل باشد، این کنترل نباید به پلیس سپرده شود و باید شامل مددهای اجتماعی مؤثر باشد.

قاعده ۶۱

www.ParsBook.org

رفتار با زندانیان نباید به تشدید طرد آنان از اجتماع بیانجامد، بلکه بر عکس باید بر این امر تأکید شود که آنان هنوز هم بخشی از جامعه هستند. بدین منظور، باید تا حد ممکن از همکاری سازمان‌های اجتماعی برای کمک به کارمندان زندان در بازگشت زندانیان به جامعه استفاده شود. مددکاران اجتماعی که با زندان همکاری می‌کنند باید وظیفهٔ حفظ و بهبود روابط زندانی با خانواده‌اش را به‌عهده بگیرند و نیز رابطه با سازمان‌های اجتماعی‌ای که می‌تواند برای زندانی مفید باشد. متناسب با قانون و مجازات تعیین‌شده، باید روش‌هایی در جهت حفظ حقوق مربوط به منافع مدنی، حق برخورداری از بیمه‌های درمانی و دیگر امتیازات اجتماعی زندانیان درپیش گرفته شود.

اندیشهٔ ایجاد قرابت میان زندگی در زندان و زندگی در خارج زندان، طی سالیان اخیر رشد و توسعه یافته است. ٤٠ امروزه این اندیشه در سطح وسیعی پذیرفته شده است که تشدید محدودیت‌های ناشی از حبس نه‌تنها توجیه‌پذیر نیست، بلکه بخت جامعه‌پذیری مجدد را کاهش می‌دهد و این خطر را برای جامعه دربردارد که زندانی آزادشده برای بقای خود به دامن بزهکاری بازگردد.

عادی‌بودن زندگی در زندان

١٤. ابتکارهایی که برای حفظ روابط زندانی با محیط خارج به‌کار بسته می‌شود، بخش مهمی از روند عادی‌سازی را تشکیل می‌دهد و فراهم‌آوردن این امکان برای زندانیان که لباس‌های شخصی خود را بپوشند، آنها را بشویند و حتی غذای خود را خودشان تهیه کنند، بخشی از ابتکارات محسوب می‌شود. سازماندهی این‌گونه فعالیت‌ها، علاوه بر اینکه به کاهش تفاوت‌ها میان زندگی در درون زندان و زندگی در خارج زندان می‌انجامد، مهارت‌های یدی را نیز توسعه و میزان وابستگی به خدمات ارائه‌شده از سوی ادارهٔ زندان را کاهش می‌دهد.

١٥. این‌گونه فعالیت‌ها نباید انگیزه‌ای برای بی‌عملی از سوی ادارهٔ زندان باشد. وقتی که برای مثال، زندانیان فاقد لباس‌های مناسب هستند، ادارهٔ زندان ملزم به تهیهٔ پوشاک است، به شرطی که زندانیان این لباس‌ها را با استفاده از امکانات موجود در زندان، تمیز و مرتب نگه دارند.

١٦. RMT ها قبول دارند که روابط زندانیان با جهان خارج یکی از عوامل اساسی زندگی در زندان و درواقع اساس برنامه‌های اجتماعی‌سازی زندانیان است. این‌گونه برنامه‌ها نه در پایان دوران مجازات، بلکه در ابتدای حبس باید به‌اجرا درآیند.

بهداشت زندانیان بیمار

١٧. قاعده ٦٢

خدمات پزشکی زندان باید در جهت تشخیص و درمان کمبودها یا بیماری‌های جسمی و روانی که می‌تواند مانعی در راه بازگشت یک فرد زندانی به جامعه باشد، تلاش نمایند. هر نوع معالجهٔ پزشکی، عمل جراحی

www.ParsBook.org

یا روان‌درمانی که لازم تشخیص داده می‌شود باید در راستای این هدف انجام گیرد.
بهداشت و سلامتی فرد زندانی به‌طور ضمنی در روند توسعهٔ شخصی و اجتماعی‌سازی دخیل هستند. با اینکه معلوم است که افراد مبتلا به بیماری‌های روانی نباید در زندان باشند، اما زندان ملزم به مراقبت از بهداشت روحی و روانی تمامی زندانیان است. قاعده ۲۲ به هنگام تعریف نقش پزشک، بر این الزام تأکید کرده است.

۱۸. سایر متخصصان نیز در این زمینه می‌توانند به ایفای نقش بپردازند. در برخی زندان‌ها، متخصصان و کارمندان آموزش‌دیده باید به ارائهٔ مددهای روان‌شناختی، توصیه‌ها و درمان‌هایی برای حل مسئلهٔ اعتیاد بپردازند و همچنین در جهت جلوگیری از خطرات بهداشتی مانند انتقال ویروس ایدز تلاش نمایند.
برنامه‌ها و تدابیر امنیتی سازگار با افراد
۱۹. قاعده ۶۳ــ(۱)
تحقق این اصول مستلزم فردی‌کردن رفتار است، و بدین منظور، به نظام انعطاف‌پذیری برای دسته‌بندی زندانیان در گروه‌های مختلف نیاز دارد؛ لذا بهتر است هر گروه، در زندان مشخص و مجزایی نگهداری شود و در آنجا از برنامه‌های لازم برخوردار گردد.
(۲)
این زندان‌ها نباید برای تمامی گروه‌ها درجه یکسانی از امنیت را اعمال کنند. بهتر است که درجهٔ امنیت متناسب با نیازهای هر گروه باشد. در زندان‌های باز، به این دلیل که از تدابیر فیزیکی در مقابل فرار استفاده نمی‌شود و مقامات بیشتر به نظام خودگردان انضباطی متوسل می‌شوند، زندانیان برگزیده برای این نظام از شرایط بهتری برای اجتماعی‌شدن برخوردار می‌شوند.
(۳)
بهتر است که در زندان‌های بسته، روند فردی‌سازی رفتار با زندانیان به‌خاطر جمعیت بالای زندانیان مختل نشود. در برخی کشورها، ارزیابی می‌شود که جمعیت چنین زندان‌هایی نباید از ۵۰۰ نفر تجاوز کند. در زندان‌های باز، جمعیت زندانی را باید تا حدممکن کاهش داد.
(٤)
متقابلاً، چندان مناسب نیست که زندان‌های کوچکی که در آن امکان سازماندهی چنین نظامی وجود ندارد، برقرار بمانند.
این بخش از RMT ها به تنگی رابطه میان ملاحظات امنیتی و رفتار با زندانیان تأکید دارند، همین رابطه به شکل‌گیری اندیشهٔ گزینش زندانیان می‌انجامد، گزینشی که با ارزیابی دقیق جمعیت زندانیان صورت می‌گیرد.

۲۰. اجرای برنامه‌های رفتار فردی‌شده برمبنای طبقه‌بندی انعطاف‌پذیر، نیاز به برنامه‌های دیگری دارد که با وضعیت گروه‌های مختلف زندانیان سازگار باشند. هرقدر که این سازگاری انعطاف‌پذیرتر باشد،

www.ParsBook.org

حیطهٔ صلاحیت‌های کارمندان نیز باید گسترده‌تر باشد، و این امر در گـزینش و آمـوزش مـأموران تـأثیر دارد، گزینش و آموزش نیز مطابق نوع زندان و زندانیانی که در آن هستند باید متفاوت باشد.

۲۱.RMT ها خواهان آن هستند که جداسازی زندانیان در قالب گروه‌ها، در داخـل واحـدهایی در درون یک زندان انجام گیرد و نگهداری آنان با توجه همزمان به ضرورت‌های رفتاری و مقتضیات امنیتی صورت گیرد، و به این موضوع نیز توجه شود که میزان متغییر امنیت در قبال هریک از گروه‌ها فقـط بایـد حالـت سطحی داشته باشد.

۲۲. به‌طور سنتی، میزان امنیت از زندانی به زندان دیگر متغیر است. درعمـل ممکـن اسـت در درون یـک زندان، واحدهایی متفاوت با درجهٔ امنیتی متفاوت وجود داشته باشـد و میـزان امنیـت نـه‌تنهـا بـه عوامـل فیزیکی، بلکه به میزان انگیزه‌های زندانیان بستگی داشته باشد.

واحدهایی در مقیاس بشری

۲۳. حتی اگر داشتن زندان‌های بازِ مجزا بنا بر دلایل اقتصادی غیرممکن باشد، درعمـل مـی‌تـوان شـرایط لازم برای بازبودن محیط زندان را فراهم کرد و این امر از طریق ایجـاد انگیـزه در برخـی از گـروه‌هـای زندانیان می‌تواند انجام گیرد.

۲٤. تقسیم زندان‌ها به واحدهای مجزا و متناسب با نیازهای مربـوط بـه رفتـار مختلـف، مـی‌توانـد شـیوهٔ کم‌هزینه‌تری برای فردی‌کردن رفتار با زندانیان باشد. واحدهای کوچک به رفتارهای فـردی‌شـده کمـک می‌کند، به‌ویژه اگر زندانبانان برای کار گروهی در درون گروه‌هایی که شـامل برخـی از زنـدانیان خـاص است، گزینش شده و آموزش دیده باشند.

۲۵. مقررات، میزان هزینه‌های ایجادشده در اثر رفتارهای فردی‌شده را مشخص می‌کنند. استفادهٔ حداکثر از تجهیزات سنگین یک زندان از واحدی به واحد دیگر طبق زمان‌بندی دقیق، مـی‌توانـد ایـن هزینـه‌هـا را کاهش دهد. تجربه نشان می‌دهد که زندانیان، زندان‌های کوچک و دارای نظام‌ها و تجهیزاتِ کمتر متغیـر را ترجیح می‌دهند، به‌شرطی که در آنها احساس کنند به فردفرد آنان توجه می‌شود.

www.ParsBook.org

حق زندانیان در داشتن چشم‌اندازی برای جامعه‌پذیری مجدد

۲۶. قاعده ۶۴

وظایف جامعه در قبال زندانی با آزادی او پایان نمی‌پذیرد. باید سازمان‌هایی دولتی یا خصوصی دراختیار جامعه باشند که بتوانند به زندانی آزادشده کمک‌های مربوط به دوران پس از حبس را ارائه کنند، این کمک‌ها باید مؤثر بوده و پیشداوری‌ها در قبال فرد آزادشده را کاهش دهند و به او امکان دهند، جای خود را در جامعه پیدا کند.

RMT ها قبول دارند که روند آماده‌سازی برای خروج از زندان و جامعه‌پذیری مجدد، در داخل زندان شروع می‌شود و پس از آزادی ادامه می‌یابد، و راه‌حلی برای تداوم این روند در قبل و بعد از آزادی باید وجود داشته باشد. لذا لازم است که همکاری مؤثری میان ادارهٔ زندان و انجمن‌های کمک به جامعه‌پذیری مجدد انجام گیرد، انجمن‌هایی که به امر اسکان یا اشغال می‌پردازند و یا علیه واکنش‌های احتمالی جامعه در جهت طرد فرد آزادشده مبارزه می‌کنند.

۲۷. قاعده ۷۰

باید در هر زندان نظامی از امتیازات شکل گیرد که با گروه‌های مختلف زندانیان و شیوه‌های مختلف رفتار سازگار باشد، هدف از تأسیس این نظام، تشویق رفتار صحیح، تقویت حس مسئولیت و انگیختن علاقه و همکاری زندانیان در روند برنامه اصلاحی که برای آنها تدارک دیده شده است، می‌باشد.

RMT ها از «امتیازات» در زمینهٔ رفتار با زندانیان سخن می‌گویند. این واژه به مفهومی اشاره دارد که اکنون کهنه به‌نظر می‌رسد، زیرا امروزه بر مفاهیمی از قبیل انتخاب، همکاری و مسئولیت و مسائلی همچون حقوق و وظایف بیشتر تأکید می‌شود. سازمان‌های زندان‌ها درپی تسهیل فعالیت‌هایی هستند که از نظر زندانی می‌تواند برای انجام‌دادن، مناسب یا غیرمناسب باشد، و در این میان به اهداف واقع‌بینانهٔ روند اجتماعی‌سازی که به‌طور مشترک توسط زندانی و ادارهٔ زندان مشخص می‌شود باید توجه گردد. همچنین الگوهای رفتاری سازنده، برپایهٔ همکاری و مسئولیت‌پذیری، مورد تشویق واقع می‌شود.

۲۸. مهم است که زندانیان قادر به درک مقررات زندان و پیشنهادات انتخابی آنان باشند، این پیشنهادات بی‌شک بسیار محدود هستند. رفتار با زندانیان به‌عنوان افراد بالغ توضیح محدودیت‌های موجود در امر انتخاب از سوی آنان، بسیار مهم‌تر از آن است که کسی به‌جای آنان اقدام به انتخاب کند. زندانیان به انتخاب آگاهانه، امکان درک پیامدها و مسئولیت‌پذیری در قبال آن نیاز دارند، ازجمله زمانی که تصمیم می‌گیرند تا از ورود به داخل این نظام خودداری کنند.

www.ParsBook.org

تمایزیابی و فردی‌سازی

زندانی، فردی مسئول

۲۹. در این قسمت، RMT ها به بیان شیوه‌های رفتاری می‌پردازند که از اصول محوری نشأت می‌گیرند.

قاعده ۶۵

رفتار با افراد محکوم به مجازات یا هر تدبیر سلب‌کنندهٔ آزادی، باید تا آنجا که مدت محکومیت اجازه می‌دهد، با هدف ایجاد انگیزه و پرورش قابلیت‌های زندانی صورت گیرد، تا او بتواند پس از آزادی به زندگی توأم با احترام به قانون و تأمین مایحتاج زندگی خود قادر شود. ماهیت این رفتار باید به‌گونه‌ای باشد که زندانیان را به احترامِ به خویشتن تشویق کرده، حس مسئولیت را در آنها تقویت کند.

بند ۶۶ــ(۱)

بدین منظور، باید از مراقبت‌های مذهبی در کشورهایی که امکان آن موجود است، آموزش، ارشاد و دوره‌های شغلی، شیوه‌های مددرسانی اجتماعی به فرد، مشورت‌های مربوط به اشتغال، تربیت بدنی و آموزش‌های اخلاقی استفاده شود که هرکدام باید با نیازهای فردی هر زندانی متناسب باشد. مناسب است که گذشتهٔ اجتماعی و جنایی فرد محکوم، توانایی‌ها و استعدادهای جسمی و ذهنی او، آمادگی‌های شخصی او، مدت محکومیت و دورنمای اجتماعی‌سازی او کاملاً مورد توجه قرار گیرد.

(۲)

مدیر زندان حتی‌المقدور در مدت زمانی کوتاه پس از پذیرش فرد زندانی که برای مدتی به مجازات حبس یا هر تدبیر سلب‌کنندهٔ آزادی محکوم شده است، باید گزارش کاملی دربارهٔ ابعاد مختلف وضعیت وی، که در پاراگراف قبلی ذکر شد، دریافت کند. این گزارش‌ها باید شامل نظرات پزشک دربارهٔ شرایط جسمی و روانی فرد زندانی باشد و پزشک در صورت امکان باید در زمینهٔ روان‌درمانی نیز تخصص داشته باشد.

(۳)

گزارش‌ها و دیگر اسناد باید در یک پروندهٔ شخصی قرار داده شوند. این پرونده باید به‌روز باشد و طوری طبقه‌بندی شود که در صورت لزوم امکان مراجعه به آن توسط پرسنل مسئول وجود داشته باشد.

۳۰. این مقررات به‌طور مشروح معیارهای مختلفی را که برای تهیهٔ برنامه‌های رفتار با زندانیان باید درنظر گرفته شوند، توضیح می‌دهند. شاید به‌نظر بیاید که چنین رویکردی فاصله بسیاری با دلمشغولی‌های عینی سازمان زندان‌ها در برخی کشورها دارد، دلمشغولی‌هایی مانند تهیهٔ جا و غذای کافی برای زندانیان. اما این معیارها درواقع مشخص‌کنندهٔ محورهای بزرگی هستند که مسئولان زندان‌ها باید طبق آنها سیاست‌های خود را توسعه دهند، این سیاست‌ها می‌تواند شامل تشویق زندانبانان به این امر باشد که با زندانیان به‌عنوان شخصیت‌های انسانی رفتار کنند و مسئولیت ادارهٔ زندگی روزمره را هربار

www.ParsBook.org

که ممکن است به خود آنان بسپارند.

برنامه‌های درمانی

۳۱. RMT ها به برنامه‌های درمانی اشاره می‌کنند، بدون آنکه وارد جزییات شوند، منظور از برنامه‌های درمانی، برنامه‌هایی است که به هدف حل مشکلات رفتاری، ازجمله رفتار بزهکارانه، به‌اجرا درمی‌آید. این برنامه، مانند کنترل حالت تهاجمی یا کسب توانایی اعتراض، می‌تواند زندانی را در درک و اصلاح رفتار خود یاری دهد و هدف نهایی از این امر، اعادهٔ حیثیت زندانیان است. برنامه‌های خاصی مثلاً برای برخورد با بزهکاری جنسی لازم است که مستلزم مشارکت کارشناسان رشته‌های مختلف می‌باشد.

۳۲. در بسیاری از کشورها، اعتیاد (شامل سیگار و الکل) هم در زندان و هم در خارج آن به بروز مشکلات رفتاری و جسمی می‌انجامد. علاوه بر تدابیر امنیتی که به منظور جلوگیری از ورود مواد مخدر به درون زندان اتخاذ می‌شود، مبارزه علیه اعتیاد باید یکی از اهداف عمدهٔ ادارهٔ زندان باشد.

۳۳. تدابیری که برای ترک اعتیاد به‌کار بسته می‌شود باید جنبه‌ای انسانی داشته باشد و در کنار آن، برنامه‌های طولانی‌مدتی با توجه به جنبه‌های پزشکی و اجتماعی شیوه‌های درمان به‌اجرا درآید.٤١ آموزش بهداشتی و اطلاعات دربارهٔ پیشگیری از خطر، باید در این برنامه گنجانده شود و به مسایلی از قبیل جنسیت، سن و سطح فرهنگی زندانیان توجه گردد؛ خطر استعمال مواد مخدر و احتمال بروز بیماری‌های مقاربتی، به‌ویژه ایدز، در میان زندانیان بسیار بالاست.

۳٤. برنامه‌های درمانی اغلب از طریق آموزش و تشویق می‌توانند کارآمد باشند. تجربه نشان می‌دهد که مشارکت داوطلبانهٔ زندانیان، شرط لازم و ضروری برای مؤثربودن این‌گونه برنامه‌هاست.

آزادی باورها و آیین‌های مذهبی

۳۵. با توجه به اینکه آزادی مذهب یکی از حقوق بنیادین بشر است، زندانیان باید بتوانند همواره در داخل زندان از آرامش معنوی مناسب حال خود برخوردار باشند. این حق خدشه‌ناپذیر در برخی موارد باید به فوریت مورد استفاده قرار گیرد ازجمله وقتی که زندانیان دچار افسردگی هستند، منزوی شده‌اند، اقدام به خودکشی کرده‌اند، در اعتصاب غذا به‌سر می‌بردند، قربانی یک بیماری جدی شده‌اند، از مرگ

www.ParsBook.org

خویشان نزدیک رنج می‌برند و یا در حال احتضار هستند.

مذهب یک حق است نه یک وظیفه

۳۶. مذهب در قلمرو مسئولیت‌های شخصی قرار دارد و برای زندانی یک حق محسوب می‌شود و نه یک وظیفه.

قاعده ٤١ــ(١)

اگر در زندان تعدادی کافی از پیروان یک مذهب وجود داشته باشند، یک نماینده ذیصلاح برای این مذهب باید منصوب یا از بیرون پذیرفته شود. اگر تعداد زندانیان کافی باشد و شرایط اجازه دهد، تنظیم امور مذهبی باید برای تمام اوقات پیش‌بینی شود.

(۲)

نمایندهٔ ذیصلاح که طبق پاراگراف (۱) منصوب یا پذیرفته می‌شود باید مجاز به سازماندهی دوره‌ای مراسم مذهبی باشد و بتواند هربار که لازم است، با زندانیان هم‌مذهب خود، ملاقات خصوصی برقرار کند.

(۳)

حق برقراری تماس با نمایندهٔ ذیصلاح یک مذهب نباید از هیچ زندانی سلب شود. متقابلاً، اگر یک زندانی مخالف دیدار با یک نمایندهٔ مذهبی باشد، به این رفتار وی باید احترام گذاشته شود.

قاعده ٤٢

هر زندانی تا حد ممکن باید مجاز به رفع نیازهای مذهبی خود باشد و بتواند در مراسم سازماندهی‌شده در زندان شرکت کند و کتاب‌های احکام و تعالیم مذهبی مربوط به باورهای خود را دراختیار داشته باشد.

۳۷.RMT ها موضعی عملگرایانه در قبال مراسم مذهبی دستجمعی اتخاذ کرده‌اند. تعداد زندانیان و دراختیار داشتن مکان‌ها، امکان برگزاری مراسم جمعی را برای پیروان یک مذهب اقلیت مشخص می‌کند. کم‌بودن تعداد نباید عامل بی‌تفاوتی در قبال مراسم مذهبی باشد. اگر در کشوری دین رسمی وجود دارد، باید مراقب بود که در زندان مکان مراسم فقط دارای نشانه‌های مذهب رسمی نباشد.

اگر پیروان یک مذهب دیگر مجبور به استفادهٔ مشترک از این مکان نیایش باشند، نشانه‌های مذهب رسمی باید قابل جابه‌جایی باشند تا وجود آنها توهینی به پیروان مذاهب دیگر محسوب نشود.

۳۸. واضح است که اگر یک زندانی پیرو باورهای مذهبی افراطی خشونت‌آفرین و مضر برای آزادی مذهبی دیگران باشد، نباید مجاز به برگزاری چنین آیین‌هایی گردد. مقامات زندان موظف به حفاظت از

www.ParsBook.org

زندانیان در مقابل چنین اعتقاداتی هستند.

مددرسانی مذهبی و رفتار با زندانیان

۳۹. اهمیت مددرسانی مذهبی در رفتار با زندانیان‌ریشه در تاریخ زندان‌ها دارد، یعنی دوره‌ای که «رفتار با زندانیان» بر مفاهیمی مانند اصلاح و بازپروری متکی بود. هرچند نباید انکار کرد که برخی زندانیان می‌توانند به لطف باورهای مذهبی، رفتار خود را اصلاح کنند، اما نباید فراموش کرد که خطرات حبس همچنان به قوت خود باقی هستند، به‌ویژه در کشورهایی که مذهب رسمی وجود دارد.

٤٠. در چارچوب هر برنامه‌ای که در جهت رفتار با زندانیان به‌اجرا درمی‌آید، میزان پیشرفت‌های یک زندانی در کسب استقلال را نباید با نظریه تعلق او به این یا آن مذهب مورد ارزیابی قرار داد. به این خاطر که اعتقادات مذهبی یک زندانی با عرف مذهبی حاکم متفاوت است، نباید او را فردی غیراخلاقی و اصلاح‌ناپذیر دانست.

ارزیابی نیازها، طرح‌مندکردن مجازات

٤١. قاعده ۶۶ــ(۱) معیارهای اساسی برای ارزیابی یک زندانی را برمی‌شمرد.٤٤ با توجه به تنوع این معیارها، روند ارزیابی باید تکامل یابد و نیاز به زمان و پرسنل ذیصلاح دارد. این بند خواهان همکاری یک متخصص روان‌درمانی است: تعداد اندکی از نظام‌های حبس به این درجه از تکامل دست می‌یابند و کمک‌گرفتن از پزشکان روان‌درمان فقط به موارد خیلی وخیم محدود می‌شود، مثلاً در مورد محکومان به حبس ابد.

آموزش زندانبانان برای ارزیابی استعدادهای زندانیان

٤٢. آموزش زندانبانان در امر مشاوره و ارزیابی استعدادهای زندانیان کاربرد بسیاری دارد، به‌شرطی که این آموزش به شکل ایجاد گروه‌های ارزیابی، متشکل از کارشناسان رشته‌های مختلف، باشد. اگر امکان ایجاد این گروه‌های تخصصی در داخل زندان وجود داشته باشد، باید یک یا چند واحد مرکزی برای

www.ParsBook.org

ارزیابی و تقسیم‌بندی زندانیان سازماندهی شود.

۴۳. نیازهای زندانیان در طول مدت مجازات تغییر می‌کند، لذا لازم است که گزارش‌های مداومی دربارهٔ تحول زندانیان در قالب یک روند به‌روزسازی ارائه گردد. حتی اگر ارزیابی اولیه توسط یک گروه مرکزی صورت گرفته باشد، رفتار با زندانیان و تنظیم آن با وضعیت فعلی زندانی به‌عهدهٔ پرسنل زندان است، کارمندان که باید آموزش‌های لازم را دیده باشند.

طرح‌مندکردن رفتار، روند مداومی که از لحظه حبس آغاز می‌شود

۴۴. طرح‌مندکردن رفتار با زندانیان باید از لحظهٔ قطعی‌شدن محکومیت آغاز شود.
قاعده ۶۹
بلافاصله پس از پذیرش زندانی و بعد از مطالعه شخصیت هر زندانی که برای مدتی به مجازات یا تنبیه سلب‌کنندهٔ آزادی محکوم شده، برنامه رفتار با او باید تنظیم شود و این امر باید به کمک اطلاعات دربارهٔ نیازهای شخصی، توانایی‌ها و روحیهٔ زندانی صورت گیرد.
هر برنامه‌ریزی باید منطبق بر وضعیت یک زندانی خاص باشد. RMT ها زندانی را عامل منفعل این برنامه‌ها می‌دانند، اما تجربه نشان داده است که برنامه بازسازی زندانیان تنها با مشارکت فعالانهٔ زندانی در برنامهٔ مذکور مؤثر است.

۴۵. قاعده ۶۹ برای محکومان به حبس‌های طولانی‌مدت قابل اجراست و به‌نظر می‌رسد که محکومان به مجازات کوتاه‌مدت، یعنی زندانیانی که به‌جای چندین ماه، چند روز یا چند هفته را در زندان می‌گذرانند، مشمول این بند نیستند. با این حال، وقتی معلوم شود که یک زندانی باید مدتی طولانی را در حبس پیشگیرانه بگذراند، ادارهٔ زندان مسئولیت دارد که برای او برنامه‌ای مطابق با نیازهایش تنظیم کند، به‌شرطی که زندانی مایل به آن باشد و حقوق شخصیِ ناشی از اصل برائت، پایمال نشود.

نظام منعطف طبقه‌بندی

۴۶. طبق RMT ها، نظام طبقه‌بندی باید:
ـ حقوق زندانیان را حفظ کند؛
ـ از گروه‌های مختلف زندانیان محافظت نماید؛
ـ درجهٔ امنیتی لازم را مشخص کند؛
ـ فعالیت‌های متناسب با نیازهای فردی را تضمین نماید.

www.ParsBook.org

قاعده ۶۷

اهداف طبقه‌بندی زندانیان باید عبارت باشند از:

الف) دورکردن زندانیانی که به‌دلیل سوءِ سابقه و یا سوءِ رفتار، نفوذ نادرستی بر همبندان خود داشته‌اند؛

ب) تقسیم‌بندی زندانیان در گروه‌ها، به منظور تسهیل فرآیند رفتار با آنان، به هدف سازگارکردن آنان با جامعه انجام می‌گیرد.

قاعده ۶۸

باید تا حد ممکن زندان‌های مجزا یا بخش‌های متمایزی در داخل یک زندان، برای اجرای برنامه رفتار با گروه‌های متفاوت زندانیان، وجود داشته باشد.

۴۷. این مقررات، معیارهای مثبت و منفی طبقه‌بندی زندانیان را تعیین می‌کنند. معیارهای منفی به کمک نظریه‌های سنتیِ سرایت (خشونت) و یا کاهش خطرات تعیین شده‌اند. معیارهای مثبت بر نیازهای شخصی لازم برای اعادهٔ حیثیت و توسعه شخصیت فردی استوار هستند.

۴۸. معیارهای مثبت و منفی هیچ تضادی با هم ندارند. اجرای نظام طبقه‌بندی مستلزم برقراری تعادل میان اولویت‌هایی است که به‌طور بالقوه با هم در حالت رقابت هستند. در عمل، طبقه‌بندی زندانیان با توجه به معیار خطرآفرینی برای امنیت صورت می‌گیرد و منافع ادارهٔ زندان بر منافع زندانی مرجح است. این روند نمی‌تواند تغییر یابد، مگر آنکه کارمندان زندان آموزش دیده باشند، آموزشی که توجه خاصی به روابط با زندانیان می‌دهد و آنان را شخصیت‌هایی انسانی تلقی می‌کند. تمایل به روابط انسانی اهمیتی اساسی دارد، به‌ویژه روابط در زمینهٔ امنیت داخلی و خارجی. درواقع، تمایل به برقراری روابط انسانی متوازن، نیاز به تکنیک‌های امنیتی داخلی و خارجی را رفع می‌کند، مگر در مواردی که این تکنیک‌ها به‌عنوان آخرین چاره و یا در موارد استثنایی به‌کار برده می‌شود.

۴۹.RMT ها مسئلهٔ طبقه‌بندی و جداسازی را به هم مرتبط می‌کنند که هدف از آن، تأکید بر اهمیت تمایز میان طبقات مختلف زندانیان است و به لطف این تمایز می‌توان به رفتار فردی‌شده با زندانیان پرداخت.

۵۰. از لحاظ عملی، طبقه‌بندی همیشه همزمان با جداسازی نیست، زیرا جداسازی شیوه‌ای پرهزینه برای اداره‌کردن زندانیان است. در صورت تراکم زیاد جمعیت، جداسازی زندانیان در قالب طبقات مختلف، بلافاصله کارآیی خود را از دست می‌دهد.

www.ParsBook.org

۵۱. نظام‌های طبقه‌بندی اغلب سطوح مختلف امنیتی (داخلی و خارجی) را مشخص می‌کند. در صورت فقدان طبقه‌بندی، سطح امنیتی معمولاً با وضعیت زندانیانی متناسب است که احتمال فرار یا ایجاد آشفتگی از سوی آنان زیاد می‌باشد، این امر موجب می‌شود که محدودیت‌های نابه‌جایی بر تعداد زیادی از زندانیان تحمیل گردد. اگر طبقه‌بندی بدون دقت و ظرافت انجام گیرد، باز هم برخی از زندانیان مجبور به تحمل محدودیت‌های غیرمفید خواهند بود، اما اکثریت زندانیان مجبور نیستند محدودیت‌های امنیتی شدید را که به‌خاطر اقلیت کوچکی از زندانیان اعمال می‌شود تحمل کنند.

۵۲. نباید خطرات طبقه‌بندی سختگیرانه را نادیده گرفت. زندانیانی که جزءِ «خطرناک‌ها» طبقه‌بندی شده‌اند، ممکن است چنین توصیفی دربارهٔ خود را، اگر نگوییم غیرقابل تحمل، حداقل مبالغه‌آمیز ارزیابی کنند، به‌ویژه وقتی که ساختمان‌ها و زندان‌های شدیداً امنیتی برای این طبقه از زندانیان پیش‌بینی شده باشد. لازم است بازنگری و ارزیابی مجدد در نظام‌های طبقه‌بندی انجام گیرد تا تعادلی میان امنیت و مسئلهٔ جامعه‌پذیری مجدد ایجاد شود؛ بازنگری‌ها باید در فواصل منظم صورت گیرد و طی آنها به تحوّل هریک از زندانیان توجه شود.

انتقال زندانیان

۵۳. در رفتار با زندانیان باید به نیازهای آنها و حتی حقوق آنان در موارد انتقال توجه شود. هرقدر که یک نظام حبس متنوع‌تر باشد، امکان انتقال زندانیان از یک زندان به زندان دیگر، با توجه به برنامه‌های فردی‌شده، بیشتر است. انتقال زندانیان دارای مشکلاتی خاص است و منشأ رنج و ناراحتی برای آنان می‌باشد. متهمانی که از زندان به دادگاه منتقل می‌شوند و برعکس از دادگاه به زندان، نیز دچار چنین وضعیتی هستند.RMT ها توجه ویژه‌ای به این پدیده دارند.

قاعده ٤٥ــ(۱)

زندانی، هنگام انتقال، باید حتی‌الامکان از انظار عمومی دور بماند و تمهیداتی باید اتخاذ شود تا آنها از دشنام‌ها و کنجکاوی مردم و هر نوع اقدام تبلیغاتی درامان بمانند.

(۲)

حمل ونقل زندانیان در شرایط ناگوار جوّی یا نور نامساعد و یا به هر طریقی که به ناراحتی جسمی آنان بیانجامد باید ممنوع شود.

(۳)

حمل‌ونقل زندانیان باید به هزینهٔ ادارهٔ زندان و در شرایطی مساوی برای همگان انجام گیرد.

۵٤. زندگی در زندان، حیطهٔ زندگی خصوصی آنان را محدودتر می‌کند. آنان اغلب بنا بر دلایل امنیتی، از

www.ParsBook.org

سوی زندانبانان مورد تفتیش قرار می‌گیرند. با این حال، RMT ها به حق داشتن زندگی خصوصی اشاره کرده‌اند، و زندانیان باید به هنگام نقل‌وانتقال از انظار عمومی دور باشند.

۵۵. به هنگام انتقال زندانیان، سوءِاستفاده‌هایی به‌راحتی می‌تواند انجام گیرد. ادارهٔ زندان مسئول محافظت و سلامتی زندانیان انتقال‌یافته است، هرچند که آنان خارج از محل زندان باشند؛ مراقبت از عملیات انتقال زندانیان باید به پرسنلی سپرده شود که آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده‌اند.٤٥

۵۶. مأموران زندان باید این موضوع را درک کنند که قرارگرفتن یک انسان در معرض دید عموم، درحالی‌که دستبند به دست و تحت محافظت قرار دارد، به شأن انسانی او لطمه می‌زند و بر او فشار روانی وارد می‌آید اگر چنین تدابیری ضروری به‌نظر برسند، مأمور انتقال زندانی باید به زندانیان دلیل اتخاذ تدابیر محدودکننده در قبال آنان را توضیح دهد، مسیر و مقصد حرکت را به آنها بگوید و از آنان درخواست کنند تا برای تضمین ناشناخته‌ماندن‌شان در میان مردم، خود در امر انتقال همکاری نمایند. ارائه این اطلاعات به کاهش تنش روحی و ایجاد فضای اعتماد و احترام متقابل کمک می‌کند.

تمایز و امنیت افراد

۵۷. مادهٔ ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هرنوع جداسازی زندانیان براساس معیارهای سن و وضعیت کیفری (متهم یا محکوم) را الزامی می‌سازد. طبقه‌بندی و جداسازی زندانیان طبق جنسیت، وضعیت کیفری یا وضعیت حبس و یا براساس سابقهٔ جنایی یا سن درواقع رویکردی عملی در قبال آسیب‌پذیری احتمالی گروه‌های مختلف در میان زندانیان و نیاز به محافظت از این گروه است. این جداسازی درواقع نوعی بازشناسی سوابق متفاوت افراد و تأکید بر لزوم رفتار متفاوت و سازگار با تحوّل و احتیاجات هریک از افراد، برحسب جنسیت، شدت و ضعف میزان مجرمیت، ماهیت مدنی یا جزائی حکم، و سن، بند ۸ به این تفاوت‌ها توجه نشان داده است.

قاعده ۸
گروه‌های مختلف زندانیان باید در زندان‌های مجزا یا بخش‌های مجزای یک زندان نگهداری شوند و این امر با توجه به جنسیت، سن، سابقه کیفری، علت حبس و مقتضیات رفتار با آنان باید صورت گیرد. بدین ترتیب:
الف) مردان و زنان باید حتی‌الامکان در زندان‌های مجزا از هم حبس شوند؛ در زندان‌هایی که هم مردان و هم زنان نگهداری می‌شوند، مجموعه اماکن مربوط به زنان باید کاملاً مجزی باشد؛
ب) زندانیان متهم باید جدا از محکومان نگه داشته شوند؛

www.ParsBook.org

ج) افرادی که به‌خاطر بدهکاری زندانی شده‌اند و محکومان به حبس‌های مدنی (غیرجنایی) باید از زندانیان مجرم جدا شوند؛
د) جوانان زندانی باید جدا از بزرگسالا نگهداری شوند.

جنسیت

۵۸. خطر سوءِاستفاده جنسی، تعدی به عنف و آزار جنسی مقامات را ملزم به حفاظت از زندانیان در زندان می‌کند. درعین حال باید به‌خاطر داشت که چنین خطراتی فقط به زندانیان و جنس مخالف محدود نمی‌شود.

۵۹. توجه ویژه‌ای باید به موضوع تجاوز به زنان زندانی و شیوه‌های جلوگیری از آن مبذول شود. گزینش پرسنل ــ زن یا مرد ــ برای کار در زندان‌های زنان باید با دقت انجام گیرد، پرسنل مرد باید تحت کنترل قرار گیرد وزنان زندانی به‌طور پیاپی باید مورد معاینه پزشکی قرار بگیرند و بتوانند به راحتی به طرح شکایت، ازجمله در نزد سازمان‌های مستقل، بپردازند.

۶۰. در اغلب زندان‌ها، زنان اقلیت ضعیفی را تشکیل می‌دهند. از نظر اقتصادی، تدارک مکان‌های مجزا برای فعالیت زنان بسیار پرهزینه به‌نظر می‌رسد. لذا فشار اقتصادی برای یکی‌کردن زندان‌های زنان و مردان بسیار زیاد است. این آمیختگی عملاً موضع ضعیف زنان را از میان نمی‌برد، زیرا آنان در یک زندان مختلط همچنان اقلیت خواهند بود. اگر تهیهٔ مکان‌های مجزا برای فعالیت زنان، غیرممکن باشد، زنان باید فقط به میل خود مکان‌های مختلط برای فعالیت را انتخاب و از آنها استفاده نمایند.

۶۱. ممنوعیت نگهداری زنان زندانی در زندان‌های ویژهٔ مردان اهمیت بسیاری دارد. در برخی کشورها، زندان‌های مختلطی وجود دارد که زندانیان آن براساس معیارهای سختگیرانه گزینش می‌شوند، به‌شدت تحت کنترل قرار می‌گیرند و تحت نظارت پرسنل آموزش‌دیده، از نظام حبس متوازنی برخوردار می‌شوند. این‌گونه فاصله‌گرفتن از مقررات (قاعده ۳) به شرطی قابل پذیرش است که روح مقررات همچنان حفظ شود.۴۶ مختلط‌کردن زنان و مردان زندانی نباید برخلاف میل آنان صورت گیرد. برای زنان زندانی باید امکان خصوصی‌بودن محیط فراهم آید و تمهیداتی اندیشیده شود که آنان حداقل خارج از ساعات کار از مردان جدا شوند. پرسنل گزینش‌شده و به تعداد کافی، علاوه بر نظارت دقیق، باید در صورت بروز مشکل به مددرسانی مؤثر و با کیفیت بپردازند.

www.ParsBook.org

وضعیت حقوقی

۶۲. مقررات، زندانیان را طبق و وضعیت حقوقی آنان طبقه‌بندی می‌کند (افراد تحت نظر یا متهم، محکومان و زندانیان به‌دلیل بدهکاری) و توصیه می‌نماید که براساس این معیارها، میان زندانیان تمایز و جدایی ایجاد شود. قاعده ۸۵ــ(۱) مقرر می‌کند:
متهمان باید از محکومان جدا نگه داشته شوند.

۶۳. جداسازی زندانیان براساس وضعیت حقوقی آنان در مادهٔ ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته و طبق آن، متهمان باید از حقوق ویژه‌ای برخوردار شوند که از اصل برائت نشأت می‌گیرد، آنان همچنین باید از ضمانت‌های لازم برای دفاع از خویش بهره‌مند شوند، این ضمانت‌ها در مادهٔ ۱۱/۱ بیانیهٔ جهانی حقوق بشر و مواد ۹، ۱٤ و ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده است.٤٧

۶٤. وقتی که برای متهمان (حداقل در تئوری) زندان مجزایی پیش‌بینی شده است، ادارهٔ زندان موظف است که آنها را از حقوق خاص‌شان برخوردار کند و نیازهای ویژهٔ آنان را برآورده سازد (اطلاعات دربارهٔ وثیقه‌ها، امکان ارتباط با وکلا و سرویس‌های مشاورهٔ قضایی و غیره). درعمل، زندان‌هایی که انحصاراً به متهمین اختصاص دارند، اغلب از نظر ابزار کمکی و مشاورهٔ قضایی و نیز برنامه‌های مختلف نسبت به زندان‌هایی که هم متهمان و هم محکومان را می‌پذیرند، ضعیف‌تر هستند.

۶۵. در زندان‌های مخصوص متهمان، فرصت کار بسیار کمتر است، زیرا متهمان مجبور و مایل به کار نیستند و چنین ضرورتی برای آنان وجود ندارد و سازماندهی کار برای آنان جزو اولویت‌های ادارهٔ زندان نیست.٤٨

۶۶. در برخی کشورها، ادارهٔ زندان قاعدهٔ جداسازی متهمان را نادیده می‌گیرد، به این بهانه که این نوع جداسازی کمک‌ها و فعالیت‌های کمتری را در اختیار متهمان قرار می‌دهد، و باید توجه داشت که این امر هزینه‌ها را به‌طور گسترده‌ای کاهش می‌دهد. درواقع، آمیختن متهمان با دیگر گروه‌های زندانیان معمولاً برای متهمان نوعی خسارت محسوب می‌شود، و محکومین با توجه به ثبات وضعیت کیفری آنان و احتمال سازماندهی رفتارهای پیچیده در قبال آنان برای مدتی معین، از خدمات مضاعفی که از سوی ادارهٔ زندان ارائه می‌شود بهره‌مند می‌گردند.

۶۷. متهمان جزءِ گروه‌های ناهمگون و زندانیان بدهکار جزو گروه‌های حاشیه‌ای هستند، و هردو گروه معمولاً به اندازهٔ خیلی کمی از زیربناهای زندان استفاده می‌کنند، این درحالی است که گاهی تعداد متهمان

www.ParsBook.org

در میان زندانیان بسیار زیاد است. کم‌بودن یا فقدان برنامهٔ فعالیت برای متهمان نباید به‌خاطر موقتی‌بودن دوران حبس آنان توجیه شود. در بسیاری از کشورها، متهمان عملاً مدت بیشتری را نسبت به محکومانِ به حبس‌های کوتاه‌مدت، در زندان می‌گذرانند.

سن

۶۸. RMT ها محدوده‌های سنی را معین نکرده‌اند و فقط به تمایز میان زندانیان جوان و بزرگسال اکتفا نموده‌اند. این نکته دربارهٔ تمایز میان خردسالان و بزرگسالان نیز صادق است، مادهٔ ۲/۲ الف از مجموعهٔ مقررات حداقل سازمان ملل دربارهٔ مدیریت دادرسی خردسالان (مقررات بیجینگ) فرد خردسال را این‌گونه تعریف می‌کند:
کودک یا جوانی که از نظر نظام قضایی، می‌تواند طبق شیوه‌هایی که از نظر کیفی با شیوه‌های به‌کاربسته شده در بارهٔ بزرگسالان متفاوت است، مسئول یک عمل بزهکارانه باشد.

۶۹. طبق مقررات بیجینگ، خردسالان باید از بزرگسالان جدا شوند و در زندان‌های متمایز یا بخش‌های مجزایی از یک زندان که بزرگسالان را نیز در خود جای می‌دهد، نگهداری شوند. (مقررات بجینگ مادهٔ ۱۳/٤ و ۲۶/۳).
مادهٔ ۱۰/۲ ب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همین نظر را دارد. کنوانسیون حقوق کودک (یونیسف ۱۹۸۹) اصلاحیهٔ مختصری به گفتهٔ فوق افزوده است (مانند ۳۷ ج):
[...] هر کودکی که از او سلب آزادی شده باید از بزرگسالان جدا شود، مگر آنکه عدم جداسازی به نفع کودک تشخیص داده شود [...] .

۷۰. برخی آیین‌نامه‌های کیفری با توجه به سن واقعی زندانیان حکم به جداسازی داده‌اند، این درحالی است که محدوده‌های سنی در فرهنگ‌های مختلف با هم فرق دارد. گرچه سن واقعی همیشه نشان‌دهندهٔ تفاوت واقعی در میزان بلوغ یک زندانی با زندانی دیگر نیست.

۷۱. در دیگر نظام‌های کیفری، تمایزهای سنی شکل پیچیده‌تری دارد که در آن هم به سن واقعی و هم به نحوهٔ رفتار زندانی توجه می‌شود. در زمینهٔ مسئولیت جنایی، می‌توان افراد صغیر را در قبال هر نوع جرحی عفو کرد، به‌جز جرم‌های بسیار وخیم. وقتی برای مثال، یک فرد خردسال جنایتی مرتکب می‌شود، او را در دادگاه خردسالان محاکمه می‌کنند، اما این احتمال وجود دارد که وی به تحمل حبس‌هایی که دربارهٔ محکومان بزرگسال اعمال می‌شود محکوم گردد.

www.ParsBook.org

۷۲. قاعده ۸۵ــ(۲)
متهمان جوان باید از متهمان بزرگسال جدا نگه داشته شوند. اصولاً، آنان باید در زندان‌های مجزایی حبس گردند.
این قانون، به اصل برائت توجه می‌کند و بر لزوم حفاظت از متهمان جوان در مقابل نفوذ احتمالی و مخرب محکومان بزرگسال تأکید دارد.

۷۳. در برخی کشورها، اختلاط سنی در زندان‌ها را به این بهانه که در جامعه آزاد هم اختلاط سنی وجود دارد توجیه می‌کنند. درعمل، اختلاط سنی باعث می‌شود که افراد بزرگسال نوعی کنترل بر افراد جوان‌تر اعمال کنند. درواقع، این اختلاط اگر نگوییم محکوم‌شدنی، حداقل مسئله‌ساز است چرا که زندانیان جوان معمولاً زندانیان سنگدل را الگوی خود قرار می‌دهند و ممکن است که قربانی خشونت‌ها و حتی استثمار از سوی زندانیانی قرار گیرند که به ارزش‌های خشن و مردسالارانه پایبند هستند.

۷٤. همه می‌دانند که جوانان زندانی در معرض سوءاستفادهٔ جنسی و حتی شکنجه قرار دارند، به‌ویژه وقتی که با بزرگسالان در یک‌جا باشند. در برخی زندان‌ها، خردسالان تحت کنترل بزرگسالانی قرار دارند که در داخل یک سلول نقش رییس گروه را ایفأ می‌کنند. این نظام به این دلیل که می‌تواند منشأ سوءاستفاده باشد باید ممنوع گردد.

حفاظت از زندانیان در مقابل دیگر زندانیان

۷۵. در برخی نظام‌های حبس، زندانیان به سه دسته تقسیم می‌شوند: قربانیان بالقوه، مهاجمان بالقوه و افراد خنثی. این طبقه‌بندی از معیارهای متعددی پیروی می‌کند: نیروی بدنی، شخصیت، گرایش‌های جنسی و ماهیت جرم انجام یافته از سوی زندانی، برخی از اعمال بزهکارانه، به‌ویژه سوءاستفادهٔ جنسی از خردسالان، باعث ملامت‌ها و طرد زندانی می‌شود و خطر انجام خشونت علیه او را افزایش می‌دهد. ادارهٔ زندان وظیفه دارد که از این زندانیان در مقابل دیگر زندانیان محافظت کند.

۷۶. در برخی کشورها، زندانیان آسیب‌پذیر از دیگران جدا می‌شوند که این امر به‌نفع آنان است. آنان اغلب در داخل سلول‌هایی که به سلول‌های تنبیهی شبیه است محبوس می‌شوند و به‌ندرت از فعالیت‌ها و مزایای یک حبس عادی استفاده می‌کنند. این‌گونه رفتار با زندانیان می‌تواند به عمل تنبیه تشبیه شود.٤۹

۷۷. تا پیش از این عاملان تعدّی به عنف بیش از سایرین در معرض خشم و آزار از سوی هم‌بندان، و حتی در برخی از کشورها، از سوی مأموران زندان، قرار داشتند. اما اکنون گروه‌های دیگری از زندانیان نیز

www.ParsBook.org

دچار این نوع آسیب‌پذیری هستند: زندانیانِ آلوده به ویروس ایدز، بیماران روانی و عقب‌ماندگان ذهنی.

تشکیل گروه‌های تبهکار

۷۸. تشکیل گروه‌های تبهکار، برخی زندانیان را آسیب‌پذیر می‌کند، به‌ویژه جوانان و زندانیان فقیر را؛ آنان در اثر فشار تهدیدها ممکن است تن به اعتیاد بدهند و از گروه‌های تبهکار برای خود مواد مخدر تهیه نمایند.

جداسازی زندانیان آسیب‌پذیر، شیوه‌ای نامناسب

۷۹. ادارهٔ زندان باید به شیوه‌ای مثبت حفاظت از زندانیان آسیب‌پذیر را به‌عهده گیرد، این امر به معنی آن نیست که آسیب‌پذیرها در اثر محافظت از دیگر زندانیان منزوی شوند، مگر به درخواست خود. این شیوه می‌تواند آثاری برعکسِ آنچه پیش‌بینی شده به‌بار آورد؛ زندانی منزوی را به‌راحتی می‌توان در میان جمع تشخیص داد. بهتر است که زندانیان آسیب‌پذیر را به گروه‌های کوچکی از افراد وارد کرد: این گروه‌ها را بهتر می‌توان کنترل کرد و زندانیان در داخل این گروه‌ها همانند دیگر افراد خواهند بود. اگر اجرای این شیوه برای تمامی زندانیان آسیب‌پذیر، دشوار باشد، حداقل می‌توان آن را در مورد تعدادی از آنان به‌اجرا درآورد.

نوزادان در زندان

۸۰. نه RMT ها و نه دیگر اسناد بین‌المللی هیچکدام دربارهٔ رفتار با نوزادان و کودکانی که همراه مادر خود در زندان هستند سخنی نگفته‌اند. ۵۰ نگهداری از نوزادان در زندان همانند الزام به دو انتخاب متضاد است. منافع کودکان باید در اولویت قرار گیرد. رابطه با مادر در سن و سال نوزادی اهمیتی اساسی دارد. زمانی‌که کودکان به همراه مادر در زندان نگهداری می‌شوند، از وضعیت حقوقی یک فرد زندانی برخوردار نیستند و نظامی که برای آنان درنظر گرفته می‌شود باید با توجه به این نکته باشد: آنان همانند کودکانی که در جامعهٔ مدنی آزاد زندگی می‌کنند باید تحت مراقبت وآموزش قرارگیرند. اگر نوزاد یاکودک حداقل‌هفته‌ای یک‌بار به‌بیرون زندان جهت آشنایی با محیط خارج برده نشود، رشد فکری و

www.ParsBook.org

احساسی او به تأخیر خواهد افتاد و سازگاری او با جامعه دچار اختلال خواهد شد.

آموزش حرفه‌ای برای زندانبانان

۸۱. برای تمامی زندانیان، ازجمله آسیب‌پذیرها، برنامه‌هایی جهت فعالیت‌های مختلف، برحسب انتظارات‌شان، باید به‌اجرا درآید، برنامه‌هایی در زمینهٔ مشاوره و مراقبت از زندانیان آلوده به ویروس، مددرسانی روانی، آموزش آگاهی‌دهنده و شیوه‌های درمانی برای بزهکاران جنسی و غیره.

۸۲. زندانبانان باید برای داشتن روابط دورادور با تمامی زندانیان، بدون توجه به نوع جرم یا معلولیت آنان، آموزش ببینند تا هیچگاه در قبال آنان رفتار تحقیرآمیز یا قضاوت‌های اخلاقی نداشته باشند.

فعالیت‌ها در زندان: مشارکتی، سازنده، و غیراستثماری

۸۳.RMT ها قبول دارند که بی‌تحرکی و افسردگی بخشی از بدترین عواقب حبس هستند. به‌علت تراکم جمعیت، که از ویژگی‌های بسیاری از زندان‌ها است، مهم است که زندانیان مشغول فعالیت‌هایی شده که به جهت آن در طول روز از سلول خود خارج شوند.

۸۴.RMT ها خواهان آن هستند که فعالیت‌های پیشنهادی مشابه فعالیت‌هایی باشد که در محیط خارج زندان انجام می‌گیرد و زندانیان هرچه طولانی‌تر و به‌طور سودمندی مشغول به فعالیت‌هایی باشند که بخشی جدایی‌ناپذیر از روند رفتار با آنان محسوب می‌شود.

۸۵.RMT ها علیه فعالیت‌های سودجویانه هشدار می‌دهند، در این فعالیت‌ها از زندانیان به‌عنوان نیروی کار ارزان و فراوان استفاده می‌شود. RMT ها نسبت به برنامه‌های خودکفایی (ادارهٔ زندان) و یا سودآورانه (از نوع تولیدی) ابراز بدگمانی می‌کنند و شرایط کار سخت و ناسالم را محکوم می‌نمایند. برای جلوگیری از این افراطها و بی‌مسئولیتی‌ها، زندان باید درهای خود را به روی بازرسان امور کار و بهداشت بگشایند و امنیت و نظافت کارگاه‌ها مورد بازبینی قرار گیرد، زیرا در محیط اقتصادی خارج زندان نیز این عوامل رعایت می‌شود.۵۱

www.ParsBook.org

کار در زندان

۸۶. حداقل از قرن نوزدهم به این سو، کار یکی از محورهای اساسی فلسفهٔ نظام‌های حبس محسوب می‌شود. کار، به‌طور سنتی، یکی از فعالیت‌های اساسی است که زندانیان به آن مشغول می‌شوند. با این حال ایجاد شغل تمام وقت برای تمامی زندانیان امری دشوار و گاه ناممکن است.

قاعده ۷۱ــ(۱)

کار در زندان نباید جنبهٔ آزاردهنده داشته باشد.

(۲)

تمامی زندانیان محکوم‌شده، با توجه به توانایی جسمی و ذهنی که توسط پزشک تشخیص داده می‌شود موظف به انجام کار هستند.

(۳)

برای زندانیان باید کارهایی فراهم شود که به اندازهٔ کافی ثمربخش باشند و بخش قابل قبولی از یک روز کاری را اشغال کنند.

(٤)

این کار باید حتی‌الامکان از ماهیتی برخوردار باشد که به حفظ و افزایش توانایی زندانیان در معاش آبرومندانه پس از آزادی کمک نماید.

(۵)

زندانیان و به‌ویژه جوانان باید از آموزش‌های حرفه‌ای مفید و قابل استفاده‌ای برخوردار شوند.

(۶)

تا حدی که روند گزینش منطقی برای اشتغال و مقتضیات ادارهٔ زندان و نیز انضباط زندان اجازه می‌دهد، زندانیان باید بتوانند نوع کاری را که دوست دارند خود انتخاب نمایند.

۸۷. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مادهٔ ۸/۳ الف) به‌وضوح کار اجباری را ممنوع کرده است: هیچکس نباید مجبور به انجام کار تحمیلی یا اجباری باشد.

عدول از این قاعده فقط زمانی قابل پذیرش است که یک دادگاه ذیصلاح، فرد را به تحمل کار اجباری محکوم نماید (مادهٔ ۸/۳ ب). علاوه براین، مادهٔ ۱ کنوانسیون ۱۰۵ سازمان بین‌المللی کار، تحمیل هر نوع کار اجباری به‌عنوان محدودیت سیاسی و یا تنبیه علیه افرادی که به‌خاطر افکار غیرقانونی تحت تعقیب هستند ممنوع می‌سازد.

۸۸. فقط زندانیانی که توانایی آن را دارند، باید کار کنند و استعدادهای آنها، همانند محیط بیرون، باید به تأیید پزشک ذیصلاح برسد؛ به هنگام پذیرش زندانیان در زندان، می‌توان از پزشک ذیصلاح برای معاینهٔ آنان درخواست همکاری نمود. اگر یک زندانی مدعی بیماری یا ناتوانی در انجام کار باشد، پزشک باید او

www.ParsBook.org

را معاینه و گزارش لازم را به مدیر ارائه نماید. در این زمینه، پزشک نقش بسیار حساسی دارد.۵۲

روز کاری عادی

۸۹. عملاً تعیین یک روز کاری عادی در زندان، امری بسیار دشوار است. با این حال، مهم است که به هدف اجتماعی‌سازی زندانیان، شرایط کار در زندان شباهت بسیاری به شرایط کار در بیرون پیدا کند، این امر نیز در سازماندهی خدمات زندانبانان بی‌تأثیر نیست.

۹۰. به‌ندرت اتفاق می‌افتد که زندانیان به‌طور کامل در یک روز کاری «عادی» مشغول به‌کار شوند، در این صورت فعالیت‌هایی مانند تدریس یا دیگر شکل‌های آموزشی می‌تواند جای خالی کار را پر کند و جایگزین مناسبی برای آن باشد، چرا که در روند رفتار با زندانیان، توسعه استعدادهای فکری نیز مانند رفع نیازهای مادی کاملاً اجتناب‌ناپذیر است.

کار: شیوه‌ای برای آموزش

۹۱. تعداد کمی از زندانیان تجربه کار با درآمد را دارند و اغلب از داشتن توانایی‌های لازم محروم هستند. وقتی نرخ بیکاری در بیرون بالا باشد و در بازار کار فقط مشاغل تخصصی وجود داشته باشد، اقامت در زندان می‌تواند فرصتی برای کسب نوعی تخصص باشد. آموزش حرفه‌ای تأثیر مهمی بر توسعهٔ فردی دارد، هرچند که تضمینی برای یافتن کار در محیط بیرون نیست.

۹۲. زندانیان می‌توانند در بخش خدمات عمومی زندان به‌کار گرفته شوند. این نوع کار باید نوعی تجربهٔ پربار باشد و به زندانی امکان دهد که عادات و توانایی‌های کار را در خود توسعه دهد، هرچند ممکن است زندانیان به کارهایی ابتدایی مشغول شوند. باید در هر فرصتی کار و آموزش را همگام ساخت و به زندانی امکان داد که به سطح مهارت لازم، در محیط بیرون، دست پیدا کند. به‌عنوان مثال، تقریباً در تمامی زندان‌ها کارهایی از قبیل آشپزی و رختشویی به زندانیان واگذار می‌شود. این کارها را می‌توان با آموزش همگام ساخت و به یک سابقه کاری تبدیل کرد؛ می‌توان به آنان گواهی سابقه کار یا گواهی توانایی انجام کار داد که پس از آزادی مورد استفاده قرار دهند.

۹۳. ارائهٔ آموزش حرفه‌ای بستگی به این دارد که فرد ماهری که قادر به ارائهٔ آموزش عملی و نظری

www.ParsBook.org

است در اختیار زندان باشد. از تجهیزات امکانات، باید حداکثر استفاده را کرد تا بدین ترتیب تعداد زیادی از زندانیان بتوانند از آموزش‌ها برخوردار شوند. در ارائهٔ آموزش‌ها باید به تعداد پرسنل، زیربناهای زندان و امکان کار در بازار اشتغال توجه شود.

۹٤. داشتن حق انتخاب شیوهٔ مؤثری برای مسئولیت‌پذیری است. گرچه در زمینهٔ کار، امکان انتخاب به‌شدت محدود است. وقتی که امکان کار به‌طور واقعی وجود داشته باشد، زندانیان باید الزاماً مورد مشورت قرار گیرند تا بتوانند با شناخت کامل از موضوع، یکی از چندین گزینه را انتخاب نمایند. کار در محیط بیرون یا به‌طور نیمه‌آزاد باید مورد تشویق قرار گیرد، زیرا این نوع تجربهٔ حرفه‌ای که به شرایط کار «عادی» شبیه است، به اجتماعی‌سازی زندانیان کمک بی‌قید وشرطی می‌کند.

شرایط کار

۹۵. قاعده ۷۲ـــ(۱)
سازماندهی و شیوه‌های کار در زندان باید تا حد ممکن به شرایط کار مشابه در محیط بیرون نزدیک باشد، تا زندانیان برای کار آزاد در شرایط عادی آماده شوند.
(۲)
با این حال، منافع و آموزش حرفه‌ای زندانیان نباید تحت‌تأثیر نیت سودآوری برای زندان قرار گیرد.
تعریف کار «عادی» از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. این تعریف هرچه باشد، کار زندانیان باید با الهام از مقررات جاری در جامعه آزاد سازماندهی شود.

۹۶. این امر که برخی زندانیان به حالت زانو زده و با پارچهٔ کهنه‌ای در دست باید به شستن کف اتاق‌ها بپردازند، اقدامی محکوم‌شدنی است زیرا در محیط بیرون، شاغلین به چنین کارهایی از جارو و تجهیزات مدرن‌تری استفاده می‌کنند و اصولاً هرنوع اقدامی که به هدف طولانی‌کردن مدت کار و تحقیر زندانی انجام گیرد محکوم‌شدنی است.

۹۷. از لحاظ عملی، کار و آموزش در زندان می‌تواند با شکست روبرو شود که دلیل آن یا عدم سازماندهی است و یا اینکه کالاهای تولیدشده در زندان از تقاضای کافی در بیرون برخوردار نیستند. با این حال، کارگاه‌های نمونه‌ای در زندان‌ها وجود دارد که سودآور هستند.RMT ها بدون آنکه معیار سودآوری را انکار کنند، اولویت را بیشتر به آموزش می‌دهند تا بهره‌برداری از نیروی کار زندانیان.

www.ParsBook.org

کار تحت نظارت دولت یا تحت مدیریت مقاطعه‌کار خصوصی

۹۸. قاعده RMT۷۳ ها به پیشگیری از سوءِاستفاده‌ها و تضمین دستمزد صحیح زندانیان اشاره دارد، هرچند این هدف در عمل به ندرت تحقق می‌یابد.

بند ۷۳ــ(۱)

صنایع و مزارع زندان‌ها باید ترجیحاً توسط دولت اداره شود و نه توسط مقاطعه‌کاران خصوصی.

(۲)

زمانی‌که زندانیان برای انجام کارهایی که تحت نظارت دولت نیست مورد استفاده قرار می‌گیرند، باید همچنان تحت نظارت پرسنل زندان باشند. به استثنای مواردی که کار در بخش‌های دیگر دولتی انجام می‌گیرد، کارفرمایان باید حقوق عادی مورد انتظار برای این کار را به ادارهٔ زندان بپردازند و البته به میزان بازدهی زندانیان نیز باید توجه شود.

۹۹. کارگاه‌ها و مزارع تحت نظارت ادارهٔ زندان‌ها اغلب ناکارآمد هستند، همین باعث شده تا در برخی از کشورها، از مقاطعه‌کاران خصوصی طلب همکاری شود. ممکن است که مقاطعه‌کاران خصوصی به فکر سوءِاستفاده از کارگران زندانی بیافتند. کنوانسیون ۲۹ سازمان بین‌المللی کار (کنوانسیون کار اجباری) کار در زندان را در صورتی که تحت سازماندهی و کنترل نهاد دولتی نباشد ممنوع کرده است؛ و زندانی نباید دراختیار افراد، شرکت‌ها و انجمن‌های خصوصی قرار گیرد. وقتی که شرکت‌های خصوصی زمینهٔ کار برای زندانیان را فراهم می‌کنند، دولت باید کنترل شدیدی بر این امر اعمال کند. زندانیان باید بتوانند کار یا عدم کار برای مقاطعه‌کاران خصوصی را خود انتخاب نمایند.

۱۰۰. قاعده ۷۳ انگیزه‌های مالی را که می‌تواند مقاطعه‌کاران را به بهره‌برداری از کار زندانیان وادارد غیرقانونی می‌شمارد و خواهان ایجاد شرایط مناسبی برای پرداخت دستمزد مطابق قرارداد عادی کار است. این قرارداد باید تا حد ممکن روشن و صریح باشد. ادارهٔ زندان باید ضامن شفافیت قرارداد و آزادی انتخاب از سوی زندانیِ طرف قرارداد باشد.

ایمنی کار

۱۰۱. مقتضیات بهداشتی و ایمنی کار برحسب محل کار بسیار متفاوت است. با کمک کارشناسانِ مسئول بازرسی از کارگاه‌ها زندانی، قوانین کار در بیرون نیز باید در زندان به‌اجرا درآید.

www.ParsBook.org

قاعده ۷٤ــ(۱)

تدابیر پیش‌بینی‌شده برای حفظ ایمنی و سلامتی کارگران آزاد، باید در داخل زندان‌ها (و در قبال زندانیان) نیز به‌کار بسته شود.

(۲)

تمهیداتی برای جبران خسارات وارده به زندانیان در اثر سوانح کار و بیماری‌های مربوط به کار باید اندیشیده شود، و شرایط جبران خسارات باید طبق قوانینی باشد که برای کارگران آزاد درنظر گرفته شده است.

۱۰۲. نحوهٔ حفاظت از زندانیان کارگر، به‌دلیل دخالت شرکت‌های خصوصی، حالت پیچیده‌ای دارد. سؤال این است که آیا ادارهٔ زندان مسئول جراحت‌های وارده به زندانیان مشغول به کار در شرکت‌های بیرون زندان است یا خیر؟ اگر شرکت‌های مذکور، شرکت‌هایی چندملیتی باشند، اوضاع پیچیده‌تر می‌شود.

۱۰۳. قاعده ۷۵ــ(۱)

حداکثر ساعات کاری زندانیان در روز و در هفته باید توسط قانون یا مقررات اداری تعیین شود و به مقررات و عرف محلی در عرصه کار آزاد نیز باید توجه شود.

(۲)

در این ساعاتِ تعیین‌شده، باید یک روز استراحت در هفته و وقت کافی برای آموزش و فعالیت‌های دیگری که در برنامه توانمندسازی و بازپروری زندانیان پیش‌بینی شده است، منظور گردد.

RMT ها در این‌جا نیز قصد دارند شرایط کار در زندان را به قوانین و شرایط کار در بیرون نزدیک کنند. اگر، برای مثال، زندانیان مجبور به اضافه‌کاری هستند، میزان دستمزد آنان باید با ارقام بیرون زندان مشابه باشد. بهتر است که بازرسان و کارمندانِ مسئول کنترل شرایط کار در جامعه مدنی از صلاحیت لازم برای کنترل کار در زندان نیز برخوردار شوند، این امر در بسیاری از کشورها رواج یافته است.

کمبود کار، دستمزد و جبران خسارت

۱۰٤. فرصت‌های کاری برای زندانیان به تجهیزات و کارگاه‌های موجود بستگی دارد. دست به دست‌کردن تجهیزات می‌تواند میزان استفاده از آنها را به حدّ مطلوب برساند. درعمل، زمان کار اغلب با زمان فعالیت‌های آموزشی همزمان می‌شود و امکان انتخاب بین این دو تا حدّی دشوار می‌شود.RMT ها پیشنهاد می‌کنند که برنامهٔ فعالیت‌ها مجدداً سازماندهی گردد تا زندانیان از امکان انتخاب گسترده‌تری برخوردار شوند، و البته این امر خدمات ارائه‌شده از سوی زندانبانان را با مشکل مواجه می‌کند.

www.ParsBook.org

۱۰۵. میزان دستمزد زندانیان اغلب به حدّ مضحکی کم وحتی به صفر نزدیک است. با این حال،RMT ها این موضوع را بسیار پراهمیت می‌دانند.

قاعده ۷۶ــ(۱)
دستمزد زندانیان باید به‌طرز عادلانه‌ای پرداخت شود.
(۲)
مقررات باید به زندانیان اجازه دهد که حداقل بخشی از درآمد خود را صرف خرید اشیأ مجاز نمایند، اشیایی که می‌تواند کاربرد شخصی داشته باشد، و بخش دیگر را برای خانوادهٔ خود بفرستند.
(۳)
در مقررات همچنین باید پیش‌بینی شود که بخشی از درآمد زندانیان در اختیار ادارهٔ زندان باقی بماند تا کم‌کم جمع‌آوری شود و به هنگام آزادی به زندانیان مسترد گردد.

۱۰۶.RMT ها این امر را القأ می‌کنند که دستمزد زندانیان باید صرف هزینه‌های شخصی و حمایت از خانواده گردد و مابقی پس‌انداز شود. اما تقریباً هیچگاه چنین اتفاقی روی نمی‌دهد. ادارهٔ زندان باید پولی را که زندانی به هنگام آزادی نیاز دارد به او بدهد، به‌ویژه وقتی‌که او نه خانواده‌ای دارد و نه مسکن. اگر دستمزد زندانیان با دستمزد کارگران بیرون هم‌سطح باشد، شکایات کارگران آزاد در زمینهٔ رقابت غیرقانونی زندان با آنان، چندان موجه نخواهد بود و از تعداد این‌گونه شکایات کاسته خواهد شد. برای مثال در کشور برزیل، برخی از شرکت‌های خصوصی حقوق برابری برای زندانیان و کارگران آزاد پرداخت می‌کنند. کارگران زندانی باید از حداقل دستمزدهای قانونی، اگر چنین حداقل‌هایی در قوانین کشوری تعیین شده، برخوردار باشند و رقم دستمزد یا هر نوع پرداخت و پاداش دیگر باید در فیش حقوقی ذکر شود، این پرداخت‌ها ممکن است به خاطر مشارکت در فعالیت‌های تحصیلی، اجتماعی ـ فرهنگی و یا دیگر فعالیت‌ها باشد.

۱۰۷. زندانیان زن و خانواده‌های آنان معمولاً بیش از سایرین به‌خاطر عدم اجرای مقررات یا کار با درآمد دچار رنج هستند: زنان زندانی می‌توانند از خانواده‌های خود که در اثر غیبت آنان در ورطهٔ تنگدستی افتاده‌اند، حمایت نمایند. به خانواده‌های این زنان باید کمک شود و زنان زندانی که نتوانسته‌اند در طول مدت حبس دستمزد مناسبی کسب نمایند، باید به هنگام آزادی از نظر مادی و اجتماعی تحت امداد قرار گیرند.

www.ParsBook.org

کار متهمان

RMT.۱۰۸ ها تقریباً به‌طور انحصاری به مسئلهٔ کار محکومان توجه کرده‌اند. قواعد ۸۹ و ۹٤ حاوی چندین نکتهٔ باارزش دربارهٔ کار متهمان و زندانیان بدهکار است.

قاعده ۸۹

به متهمان همواره باید امکان کارکردن داده شود، اما نباید مجبور به انجام آن گردند. متهم در برابر کار باید دستمزد دریافت کند.

قاعده ۹٤ نیز حکم می‌کند که رفتار با زندانیان بدهکار نباید از امتیازات کمتری نسبت به رفتار با متهمان برخوردار، با این تفاوت که از بدهکاران ممکن است خواسته شود کار کنند.

۱۰۹. عملاً تعداد متهمانی که می‌توانند کار کنند بسیار اندک است، زیرا مکان‌های کار اغلب به زندانیانی اختصاص دارد که مجبور به کار هستند. بدین‌ترتیب، متهمان از مزایای کار محروم می‌باشند.

۱۱۰. عدم کارکردن نباید به محبوس‌کردن متهمان در داخل سلول‌های آنها بیانجامد. ادارهٔ زندان اغلب انجام فعالیت‌های جایگزین برای متهمان را بی‌فایده و موقتی ارزیابی می‌کند، زیرا به‌درستی نمی‌توان مدت حبس این افراد را مشخص نمود. پیامد توجیه‌ناپذیر این امر، تحمل شرایط سخت حبس، بی‌تحرکی و انزوا و تحمل حضور افراد دیگر برای مدتی طولانی توسط متهم است. ادارهٔ زندان باید برنامه‌های کوتاه‌مدتی را برای فعالیت متهمان تهیه کند که این امر هم به نفع محکومان جرم‌های سبک و هم به نفع متهمان است.

آموزش و تفریح

۱۱۱. فعالیت‌های اجتماعی- آموزشی و فرهنگی تأثیر مهمی در توسعهٔ جنبه‌های انسانی دارند. حق شرکت در فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی برای زندانیان در اصل ۶ از اصول اساسی رفتار با زندانیان با قوت تمام مورد تأکید قرار گرفته است:

تمامی زندانیان از حق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و حق استفاده از آموزش به منظور شکوفایی شخصیت انسانی برخوردار هستند.

RMT ها نیز در این زمینه عقب نمانده‌اند.

قاعده ۷۷ــ(۱)

تمهیداتی باید اندیشیده شود تا آموزش زندانیانی که قادر به استفاده از آموزش هستند، توسعه یابد، ازجمله آموزش‌های مذهبی در کشورهایی که این نوع آموزش امکان‌پذیر است. آموزش بی‌سوادان و

www.ParsBook.org

زندانیان جوان باید اجباری باشد و اداره زندان نظارت دقیقی بر این امر اعمال کند.

(۲)

حتی‌الامکان، آموزش زندانیان باید با نظام آموزشی کشور هماهنگ باشد تا آنان بتوانند تحصیلات خود را پس از آزادی بدون هیچ مشکلی ادامه دهند.

قاعده ۷۸

برای بهداشت جسمی و روانی زندانیان، باید فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی در تمامی زندان‌ها سازماندهی شود.

رفتار با زندانیان در عرصهٔ آموزش بر اصول زیر استوار است:

ــ آموزش برای شکوفایی فرد و جمع اهمیت بسیاری دارد؛

ــ آموزش،شیوه‌ای‌برای انسانی‌کردن شرایط زندگی در درون‌زندان‌است؛

ــ آموزش روند اجتماعی‌سازی را تسهیل می‌کند؛

ــ آموزش بسیاری از نیازهای زندانیان را رفع می‌کند.

آموزش در زندان: به شکل همیاری یا نهادمند، اما داوطلبانه

۱۱۲. تمایز میان آموزش و تحصیل در زندان عملاً مفهوم چندانی ندارد. در زندان، کلمهٔ «آموزش» باید در مفهوم گستردهٔ آن مورد استفاده قرار گیرد. بسیاری از زندانیان جز چند کلمه چیز زیادی از تحصیل نمی‌دانند، و باید مفاهیم اولیه در ذهن آنان حک شود. باید از تمامی شیوه‌ها استفاده کرد، مثلاً می‌توان از زندانیان باسوادتر برای آغاز یا تکمیل آموزش هم‌بندان آنها استفاده نمود، این شیوه تأثیر مثبت دیگری نیز دارد و آن از میان‌رفتن شکاف سنتی میان زندانیان مددشده و زندانبانان مددرسان است.

۱۱۳. در زندان‌هایی که فاقد امکانات لازم در زمینهٔ تحصیلاتِ کلاسیک هستند، زندانیانی که قادر به خواندن هستند می‌توانند محتوای مقررات زندان وRMT ها را به هم‌بندان کم‌سواد و بی‌سواد خود توضیح بدهند. اما آموزش بزرگسالان و اکابر نیاز به تمهید دارد، به‌ویژه دربارهٔ زندانیانی که خاطرهٔ خوبی از دوران مدرسه و آموزشگاه‌ها ندارند. لذا لازم است که در این افراد انگیزه‌های خاصی برای شرکت در کلاس‌های جبرانی که از سوی آموزگاران ذیصلاح تشکیل می‌شود وجود داشته باشد، این امر باعث می‌شود تا آنان عزت نفس خود را احیأ نمایند و با اعتماد به نفس به درون جامعه بازگردند.

www.ParsBook.org

نیازهای ویژه

۱۱٤. در RMT ها زندانیان به‌عنوان افرادی درنظر گرفته شده‌اند که همچنان بـه مشـارکت در زنـدگی اجتماعی ادامه می‌دهند. اگر آموزش و فعالیت‌های آغازشده توسط زندانیان در زندان بتوانـد در دوران پس از آزادی نیز ادامه یابد، دوران گذر برای زندگی در بیرون به‌سـادگی سـپری خواهـد شـد. گـذر از زندان به زندگی آزادانه بیشتر تسهیل خواهد شد، اگر برخی فعالیت‌های مربوط به رفتار بـا زنـدانیان در بیرون زندان انجام گیرد، و یـا اینکـه مـردم بیـرون در فعالیـت‌هـای سـازماندهی‌شـده در داخـل زنـدان مشارکت نمایند. هربار که شرایط امنیتی و ایمنی اجازه دهد، زندانیان باید مجاز به پیگیری آمـوزش‌هـا و شرکت در فعالیت‌های سازماندهی‌شده در خارج زندان باشند.

۱۱۵. رفع نیازهای زندانیانی که دارای مشکلات خاص هستند، اهمیت بسیاری دارد، به‌ویـژه زنـدانیانی کـه زبان کشور میزبان را نمی‌دانند و زندانیانی که دچار مشکلات روانی و غیره هسـتند. آمـوزش زنـدگی در جامعه و یادگیری عادات اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم آموزش را تشکیل می‌دهد و باید تعـداد زیـادی از زندانیان را دربرگیرد.۵۳

کتابخانه: مدیریت و ارزش‌های آموزشی

۱۱۶. کتابخانه‌های زندان‌ها نقش مهمی در بهبود روابـط زنـدانی بـا جامعـه ایفـأ مـی‌کننـد. کتابخانـه‌هـای زندان‌ها طی همکاری با کتابخانه‌های دولتی می‌توانند بـرای زنـدانیان فعالیـت‌هـای آموزشـی و تفریحـی سازماندهی کنند، این فعالیت‌ها باید مطابق با علایق، نیازها و توانایی‌های زندانیان باشد. قاعـده RMT٤٠ ها باید در این راستا مورد تعبیر قرار گیرد:
هر زندان باید کتابخانه‌ای را در اختیار تمامی گروه‌های زنـدانیان قـرار بدهـد و در آن بایـد کتـاب‌هـای آموزشی و سرگرم‌کننده موجود باشد. زندانیان باید به استفادهٔ هرچه بیشتر از کتابخانه تشویق شوند.
عملاً، کتابخانه‌های زندان‌ها بسیار کوچک و دارای کتاب‌های اندکی هستند و امکان دسترسـی زنـدانیان بـه آنها محدود است. این پیشداوری وجود دارد که زندانیان، چه بی‌سواد باشـند و چـه بـی‌علاقـه، هیچگـاه از کتابخانه استفاده نمی‌کنند و یا قادر به استفاده از آن نیستند. این موضع به‌هیچ‌وجه قابل دفاع نیست، زیـرا تهیه کتاب باید همگام با برنامه‌های آموزشی صورت گیرد. زیرا این دو (یعنی آموزش و کتـاب) ابزارهـای بی‌بدیلی برای زندانیان هستند تا از زمان حبس خود استفاده کنند.

۱۱۷. کتابخانه‌ها بایـد دارای مرکـز اسـناد، ویـژهٔ قـوانین و مقـررات زنـدان، باشـند و هـر نـوع کتـاب و

www.ParsBook.org

آیین‌نامه‌ای که به حقوق زندانیان مربوط می‌شود، ازجمله مقررات ذکرشده درRMT ها، باید در آنها موجود باشد.

۱۱۸. کتابخانه‌ها فقط کلکسیونی از کتاب‌ها نیستند، و پرسنل زبده (که می‌تواند یک کتابدار از خارج زندان به شکل داوطلب یا استخدامی باشد) باید در کتابخانه‌ها تحرک ایجاد کنند و اطلاعات، توضیحات و توصیه‌هایی به زندانیان ارائه نمایند.

۱۱۹. کتابخانه‌های زندان عموماً طیف گسترده‌ای از کتاب‌ها را در خود جای نمی‌دهند. لذا لازم است که این کتابخانه با سازمان‌های بیرون زندان در ارتباط باشند چرا که سازمان‌های مذکور می‌توانند تعداد گسترده‌ای از کتاب‌ها را به زندانیان ارائه نمایند.

۱۲۰. کتابخانه‌های زندان باید نیازهای زندانیان خارجی را برآورده سازند. پرسنل کتابخانه‌ها باید از ترکیب ملیت‌ها در میان زندانیان مطلع باشند و به لطف برقراری رابطه با مراکز و کتابخانه‌های مرکزی بتوانند نیازهای مختلف زندانیان را رفع کنند.

۱۲۱. قاعده ۹۰

هر متهم باید بتواند، به هزینهٔ خود یا به هزینه فرد ثالث، کتاب، روزنامه، نوشت‌افزار و دیگر ابزار سرگرمی را برای خود تهیه کند و این امر باید در چارچوب مصالح مدیریت اجرای عدالت و امنیت و نظم زندان صورت گیرد.

این قانون که بر وضعیت قضایی ویژهٔ متهمان تأکید دارد، نباید بهانه‌ای به‌دست ادارهٔ زندان بدهد تا از شرکت‌دادن متهمین در فعالیت‌های فرهنگی و یا از رفت‌وآمد آنان به کتابخانه جلوگیری نماید. متهمان نیازهای ویژه‌ای در زمینهٔ دسترسی به اطلاعات دارند، به‌ویژه اطلاعات قضایی. ادارهٔ زندان موظف است این‌گونه اطلاعات را در اختیار متهمان قرار دهد، اطلاعاتی که باید به کمک قوانین و متون قضایی جدید، جنبه‌ای واضح و روشن داشته و به زبان‌هایی که در میان زندانیان تکلم می‌شود، قابل دسترس باشند.

تفریح و ورزش

۱۲۲. فرد در زندگی روزمره علاوه بر آموزش و کار به فعالیت‌های دیگری هم می‌پردازد؛ در زندان نیز باید این‌گونه باشد، زیرا فعالیت‌های تفریحی به طرز مؤثری در سلامت زندانیان نقش دارد. بند ۷۸ از این نظر مکمل بند ۲۱ محسوب می‌شود.

قاعده ۲۱ــ(۱)

www.ParsBook.org

هر زندانی که در فضای آزاد مشغول به کار نیست باید در صورت مساعد بودن هوا، حداقل یک ساعت در روز به تمرین بدنی مناسب در فضای آزاد بپردازد.

(۲)

زندانیان جوان و دیگر زندانیانی که سن و شرایط جسمانی آنها اجازه می‌دهد، باید در ساعاتی که به تمرین اختصاص دارد آموزش‌های بدنی و تفریحی ببینند. بدین منظور، زمین، تأسیسات و تجهیزات باید در اختیار آنان قرار گیرد.

قاعده ۲۱ این احساس را به‌وجود می‌آورد که زندانیان مجبور به شرکت در برنامه‌های ورزشی و تمرینی هستند. اگر زندانیان کاملاً آزاد نیستند که در یک فعالیت ورزشی شرکت یا از آن خودداری کنند، در صورت خودداری آنان، زندانبانان باید به تشویق آنان برای انجام ورزش اکتفا نمایند. استفاده از شیوه‌های انضباطی، به هر دلیلی، نه معقول است و نه آموزنده.

۱۲۳.RMT ها بر اهمیت حضور زندانیان در فضای آزاد تأکید دارند. طبق RMT ها، زندانیان جوان نیاز خاصی به این امر دارند زیرا از یک‌سو آنان در حال پرورش جسمی هستند و از سوی دیگر تمرین بدنی برای آنان شیوهٔ مهمی در جهت رهایی از تنش و تخلیه انرژی فراوان روحی و جسمی است. در این‌جا به‌طور ضمنی تأکید شده که محدودیت‌های حبس، فشار زیادی بر زندانیان جوان وارد می‌آورد.

۱۲٤. بسیاری از زندان‌ها، چه ویژهٔ جوانان باشد و چه ویژهٔ بزرگسالان، جایگاه بسیار مهمی برای تمرینات بدنی و ورزش قائل هستند، هدف از این سیاست، کاهش تنشی است که در اثر حبس به‌وجود می‌آید. تهیهٔ تجهیزات ورزشی و تفریحی نباید به‌نحوی باشد که فشار مالی مضاعفی بر زندان‌ها وارد آورد. دسترسی به فضای آزاد اهمیت دارد، اما یک توپ هم برای تدارک یک فعالیت تفریحی و متمرکزکردن تمرینات یک گروه کامل از زندانیان کفایت می‌کند. این نوع فعالیت برای سلامتی زندانیان سودمند است و به بهبود روابط انسانی در داخل زندان کمک می‌کند، به‌ویژه وقتی که زندانیان و زندانبانان در کنار هم به چنین فعالیتی بپردازند.

۱۲۵. نظریهٔ قضایی، حق زندانیان در زمینهٔ تمرین بدنی در فضای آزاد را مورد تأیید قرار می‌دهد. کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل، درپی ارجاع پرونده‌ای به آن، در ۲۷ ژوییهٔ ۱۹۹۲، تأکید کرده است که اجازه‌دادن به یک زندانی که فقط پنج دقیقه در روز به‌عنوان رعایت بهداشت جسمی به تمرین بدنی در فضای آزاد بپردازد، تجاوز آشکاری به حقوق زندانی است، حقوقی که طبق آن باید با انسانیت و احترام با زندانی برخورد کرد (مادهٔ10CCPR ، پروندهٔ پاکای علیه مجارستان). در پروندهٔ کنژوایو علیه وزارت دادگستری، وزارت امور حقوقی و پارلمانی و آنور، دادگاه عالی حراره در روزهای ۲٤ ژانویه و ۲۱ فوریه ۱۹۹۱، به حقوق زندانیان مبنی بر تمرین بدنی در فضای آزاد تأکید گذاشت (به توصیه‌های شورای بین‌المللی فعالیت‌های ورزشی در زمینهٔ ورزش در زندان رجوع شود).

www.ParsBook.org

روابط اجتماعی و آماده‌سازی برای خروج از زندان

RMT.۱۲۶ ها به روابط زندانی با محیط خارج و آیندهٔ او پس از آزادی اشاره کرده‌اند، اما در دوران حاضر سخن از آماده‌سازی زندانی برای خروج از زندان درمیان است. این آماده‌سازی پس از آزادی آغاز نمی‌شود، بلکه روندی مداوم است که با صدور رأی محکومیت شروع می‌گردد.

قاعده ۷۹

توجه ویژه‌ای باید به مسئلهٔ حفظ و بهبود روابط میان زندانی و خانوادهٔ او مبذول شود، هنگامی که این روابط به نفع دو طرف باشد.

قاعده ۸۰

باید از ابتدای محکومیت، به آیندهٔ زندانی پس از آزادی توجه شود. زندانی باید به حفظ یا برقراری رابطه با افراد و سازمان‌های بیرون زندان تشویق شود، زیرا این روابط می‌توانند به تأمین منافع خانوادهٔ فرد زندانی و روند سازگاری اجتماعی خود او، کمک نمایند.

۱۲۷. اهمیت روابط خانوادگی و دیگر روابط با محیط خارج در فصل پنجم خاطرنشان شده است. در اینجا بر اهمیت نقش خانواده و دیگر روابط با محیط بیرون در امر شکوفایی فردی زندانی تأکید می‌شود، اهمیتی که با توجه به دورنمای بازپروری او، بارزتر می‌گردد. یکی از مهم‌ترین عوامل در عدم بازگشت زندانی به جرم و جنایت، ثبات در روابط خانوادگی است. برای حفظ این ثبات و بنابر دلایل انسانی، کاهش تنش و عوامل آزاردهندهٔ حبس اهمیت بسیار دارد، زیرا این عوامل می‌توانند تأثیری منفی بر روابط زندان با محیط خارج داشته باشند.

۱۲۸. عبارت «روابط مرجح» (پارگراف ۱۲۶، بند ۷۹) به مفهومی اشاره دارد که اکنون اندکی پدرسالارانه به‌نظر می‌رسد. توسعهٔ روابط شخصی به خود زندانی مربوط می‌شود، چه رابطه با خانواده باشد و چه با دوستان. دخالت در این زمینه معمولاً آثار معکوسی به‌بار می‌آورد؛ یک توصیه از سوی یکی از اعضای خانوادهٔ زندانی به شرطی کاملاً مفید خواهد بود که خود زندانی چنین توصیه‌ای را خواسته باشد.

۱۲۹. در موارد وخیم، مثلاً وقتی که زندانی در قبال یکی از اعضای خانوادهٔ خود مرتکب تجاوز به عنف شده باشد، ادارهٔ زندان می‌تواند از پرسنل متخصص خواهان میانجی‌گری میان زندانی و خانواده شود، در این حالت نمی‌توان امیدوار بود که وساطت کارشناسان، تحولی اساسی در روابط خانوادگی ایجاد کند. این نوع مداخله فقط باید در مورد استثنایی درخواست شود. وقتی که امنیت یک کودک مورد تهدید قرار بگیرد، وقتی که حق ملاقات یا حق حفاظت از کودک مطرح باشد، ادارهٔ زندان باید از موضع‌گیری و اقدام

www.ParsBook.org

به نفع یکی از طرفین خودداری نماید.

۱۳۰. RMT ها بر این امر تأکید دارند که روند آماده‌سازی برای آزادی، روندی طولانی است که از همان ابتدای مجازات حبس آغاز می‌شود. آنچه، احتمال سازگاری زندانی را با جامعه محتمل‌تر می‌سازد، وجود یک برنامه دقیق برای آماده‌سازی زندانی و تداوم تماس او با دنیای بیرون از زندان است. آزادی، تجربه‌ای شادی‌بخش و درعین حال ناراحت‌کننده برای زندانی و خانوادهٔ او می‌باشد: افراد در فاصلهٔ دوران حبس تغییر یافته‌اند، جاهای اشغال‌شده توسط هرکس در محیط خانوادگی تغییر کرده است و روابط میان افراد دچار تحول شده است. حفظ روابط در تمام طول حبس باعث می‌شود که زندانی از نزدیک و به آرامی شاهد این تحولات و تغییرات باشد.

۱۳۱. قاعده ۸۱ــ(۱)
سرویس‌ها و سازمان‌های رسمی یا غیررسمی که عهده‌دار کمک به زندانیان در بازیافتن جایگاه اجتماعی‌شان هستند باید تا جائی که امکان دارد و ضروری است، اسناد و اوراق هویتی لازم، مسکن، کار و لباس مناسب و متناسب با آب و هوا و فصل، هزینهٔ لازم برای رسیدن زندانیان به مقصد و ادامهٔ معاش به محض آزادی از زندان را در اختیار آنان قرار دهند.
(۲)
نمایندگان این سازمان‌ها که در زندان پذیرفته شده‌اند باید از امکان ورود به داخل زندان و حضور در کنار زندانیان برخوردار باشند. از همان آغاز محکومیت زندانی، باید در مورد برنامه بازپروری او، از این نمایندگان نظرخواهی شود.
(۳)
بهتر است که فعالیت‌های این سازمان‌ها تا حد ممکن به‌طور متمرکز یا هماهنگ صورت گیرد، تا از تلاش‌های آنان حداکثر استفاده حصول شود.
RMT ها توجه ویژه‌ای به جنبه‌ای عملی خروج از زندان مبذول داشته‌اند. برخی از زندانیان، خانواده یا دوستانی دارند که قادر به پذیرفتن و رسیدگی به او هستند، اما برخی دیگر هیچ‌کسی را در دنیا ندارند. ادارهٔ زندان مسئولیت دارد تا بر این امر نظارت کند که هیچ‌یک از زندانیان بدون داشتن امکان معاش از زندان بیرون رانده نشود. هزینهٔ کمک به دوران پس از مجازات در مقایسه با هزینه‌ای که تکرار جرم درپی دارد بسیار ناچیز است و زندانی آزادشده در اثر فقر و تنهایی تقریباً وادار به تکرار جرم می‌شود.

کمیتهٔ آموزش و امداد آزادشدگان (CPAL) و اجتماعی‌سازی زندانیان

۱۳۲. جمیع مردم باید با سازمان‌های غیردولتی که در جهت جامعه‌پذیری مجدد زندانیان آزادشده تلاش

www.ParsBook.org

می‌کنند همکاری نمایند. ادارهٔ زندان باید به‌نوبهٔ خود سرویس ویژه‌ای جهت کمک به آزادشدگان تشکیل بدهد (CPAL) .RMT ها، همان‌گونه که گفته شد، معتقدند که وظایف این‌گونه سرویس‌ها از داخل زندان آغاز می‌شود.

۱۳۳. بهترین شیوه برای بهبود روند اجتماعی‌سازی زندانیان، اجازه‌دادن به مددکاران اجتماعی و سرویس‌های اجتماعی‌سازی است که بتوانند آزادانه با زندانیان تماس پیدا کنند. اغلب اوقات، این نوع تماس‌ها فقط در آخرین لحظات از دوران حبس انجام می‌گیرد، و این دوره برای آغاز روند آماده‌سازی زندانی برای دوران پس از آزادی بسیار دیر است.

www.ParsBook.org

فصل هفتم

کارمندان زندان

مقدمه

۱. هر زندان باید کارمندان کاملاً صلاحیت‌داری دراختیار داشته باشد.
قاعده ۴۶ــ(۱) این امر را مورد تأکید قرار داده است: مدیریت صحیح یک زندان به درستکاری، انسانیت، قابلیت‌های شخصی و توانایی‌های حرفه‌ای کارمندان زندان بستگی دارد.
این کارمندان زندان باید به نیازهای زندانیان بپردازند، کارمندانی که تماس‌های روزمره با زندانیان دارند و مسئول روند صحیح اوضاع و نیز امنیت و ایمنی زندان هستند و باید مشکلات را شناسایی و با آنها مقابله کنند. زندان نمونهٔ کوچکی از جامعه است، ساکنان آن به‌طور دائم از یکدیگر مستقل هستند ـــ این وضعیت باعث می‌شود تا تقسیم ناعادلانهٔ قدرت در درون زندان تشدید گردد. زندانیان کمتر سخنی برای گفتن دارند، آنان برای رفع نیازهای خود، مانند غذا، کار و مسائل کوچک زندگی روزمره، به دیگر زندانیان و کارمندان زندان وابسته هستند.

فضایی آرام و امیدوارکننده

www.ParsBook.org

۲. روابط میان زندانیان بسیار پیچیده است و فقط به‌طور غیرمستقیم می‌توان بر آن تأثیر گذاشت. هرقدر زندگی در زندان دشوارتر باشد، به همان اندازه تمایل زندانیان به بقا و تلاش انفرادی بیشتر می‌شود و هرکس فقط به فکر خودش خواهد بود. نقش و منافع مأموران زندان در این است که روابط خوب میان زندانیان را تشویق کنند و هردو طرف ثمرهٔ این فضای آرام را برداشت خواهند کرد. زندانبانانی که از وظایف و مسئولیت‌های خود آگاه هستند، تمام تلاش خود را خواهند کرد تا از یک‌سو روابط سالمی با زندانیان برقرار کنند و از سوی دیگر جو مدارا و تحمل را در میان زندانیان گسترش بدهند. زندانبانان با کمال میل تلاش خواهند کرد تا در حد امکان علت مجازات را به زندانیان تفهیم کنند، زیرا این امر به حفظ امنیت در زندان کمک می‌کند. زندانیانی که علت سلب آزادی از خود را درک نمایند، آمادگی بیشتری برای سازش با شرایط حبس و زندگی دوستانه با همبندان و زندان‌بانان خواهند داشت؛ آنان کمتر به شورش علیه زندانبانان یا تعهدی علیه هم‌بندان گرایش خواهند یافت. زندانبانان باید به‌نوبه خود مراقب ایمنی خود و همکاران‌شان باشند، زیرا همبستگی تنها عامل اطمینان بخش در اجرای تلاشی این چنین دشوار است.

۳. تأمین شرایط یک زندگی شرافتمندانه و توسعه سیاست‌های طولانی‌مدت برای زندان‌ها، دو محور اساسی را تشکیل می‌دهند که نه‌تنها به‌نفع زندانیان، مأموران زندان و مسئولان اداری و سیاسی است، بلکه در جهت منافع کل جامعه است، جامعه‌ای که اکثریت زندانیان باید روزی به درون آن بازگردند و جایگاه خود را در آن بازیابند. هر نوع تلاشی باید در جهت آماده‌سازی این بازگشت، در بهترین شرایط ممکن، انجام گیرد.

ویژگی‌های فردی و نیاز به آموزش

RMT.٤ ها فقط به ویژگی‌های حرفه‌ای مأموران زندان توجه نشان داده‌اند و دربارهٔ سازماندهی و شیوه‌های کار آنان نکته روشنی بیان نکرده‌اند. دلیل این امر را می‌توان درک کرد، زیرا این سازماندهی و این شیوه‌ها باید به اندازه‌ای قابل انعطاف باشند که بتوانند با روند تحول مفاهیم در زمینه رفتار با زندانیان سازگار شوند. با این حال، برخی اصول پایه‌ای جای تأمل دارد: پذیرفتنی نیست که یک زندان، هرقدر هم که قدیمی باشد، طبق مفاهیم و شیوه‌هایی که نسبت به وضعیت جامعه و تمدن معاصر، کهنه هستند اداره گردد.

۵. ویژگی و شرایط کار کارمندان زندان از عواملی پیروی می‌کند که به ترتیب، تحت بررسی قرار خواهیم داد، این عوامل عبارتند از:

ـــ سازماندهی؛

www.ParsBook.org

ـ استخدام و آموزش اولیه؛
ـ صلاحیت و توانایی حرفه‌ای؛
ـ نوع خدمت و وضعیت شغلی؛
ـ کارمندان متخصص؛
ـ اعمال زور؛
ـ کارمندان زن؛
ـ نقش مدیر.

سازماندهی

۶. هدف RMT ها این نیست که «یک الگوی خاص برای نظام حبس را به تفصیل توضیح دهند» (بند ۱). در سازماندهی زندان باید به الزاماتی که به‌طور روشن یا به‌طور ضمنی توسط RMT ها مطرح شده‌اند توجه گردد و شیوه‌های مختلف عملکرد باید از این مقررات برگرفته شود.

۷. زندان به‌عنوان یک سازمان درواقع زیرمجموعه‌ای از یک مجتمع بزرگ‌تر است که این مجتمع اغلب اوقات یا وزارت دادگستری است یا وزارت کشور. ادارهٔ مرکزی برای تعیین مقرراتی که هدف اصلی زندان را مشخص می‌کنند، بر قوانین کشور تکیه می‌کند. این مقررات باید حداقل، تدابیر اصلی برای حفظ امنیت (خارجی) و ایمنی(داخلی، شامل کنش و واکنش میان زندانیان و زندانبانان) را تعیین نماید و تمهیدات لازم برای کاهش تفاوت میان جامعه آزاد و زندان را معین کند، تفاوت‌هایی که براساس آنها فرآیند بازپروری زندانیان انجام می‌گیرد.

سازماندهی در سطح داخلی: کنترل و مدیریت

۸. تکیه بر مبانی قانونی برای تعیین مقررات به‌تنهایی کافی نیست و این امر که مقررات به طرزی مؤثر به اجرا درآیند نیز بسیار حائز اهمیت است. در عرصهٔ کشوری، طبق توصیهٔ قاعده ۵۴۵۵، باید بازرسی‌هایی از سوی نهادهای مستقل به‌عمل آید. اما بهتر است تدابیری در سطح داخلی اتخاذ شود و مثلاً یک کمیسیون نظارت عهده‌دار بازرسی مستقل و جامعی از یک زندان گردد. وظیفهٔ کمیسیون باید شامل بازدیدهای مداوم از زندان باشد (این بازدیدها می‌تواند از قبل اعلام شود و یا اینکه سرزده صورت گیرد)؛ اعضای کمیسیون باید بتوانند به‌طور آزادانه و مداوم با مدیر، اعضای پرسنل زندان و زندانیان به

www.ParsBook.org

پرسش و پاسخ بپردازند؛ آنها باید نتایج مشاهدات خود را در قالب گزارش منتشر نمایند، در برخی امور تحقیق کنند و در صورت طرح شکایت، تدابیر مناسب را اتخاذ نمایند و چنانچه لازم باشد از ادارهٔ مرکزی کمک بخواهند. اعضای ــ داوطلبِ ــ کمیسیون نظارت، که بهتر است از یک حقوق‌دان، یک پزشک و یک شخصیت مذهبی تشکیل شده باشند، نباید به زندان یا وزارت‌خانه وابستگی داشته باشند.

۹. زندان دارای یک سازمان سلسله مراتبی است که رییس زندان در رأس آن قرار دارد و وظیفهٔ او به‌کاربستن قوانین و اولویت‌های وزارت‌خانهٔ متبوع در زمینهٔ سیاست و اهداف زندان‌هاست. این اهداف باید به آگاهی تمامی پرسنل زندان برسد. از توانایی‌ها و استعدادهای کارمندان زندان باید حداکثر استفاده در جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده انجام گیرد؛ کارمندان زندان باید از نوعی آزادی عمل محدود برخوردار باشند تا بتوانند شیوه‌های خاص خود را به‌کار بندند و در عین حال در مقابل رییس، مسئول اعمال خود باشند. به استثنای زندان‌های نظامی، کارمندان زندان نباید دارای تشکیلات نظامی باشند زیرا این مانع از بروز مسئولیت‌ها و ابتکارات فردی می‌شود.

شرایط کار حرفه‌ای

۱۰. شغل‌های مختلف در زندان باید به‌روشنی معین شود؛ و معلوم گردد که هریک از کارمندان زندان دارای چه سطحی از اختیارات و چه وظایفی هستند. همچنین باید مسئولیت هرکس مشخص شود: چه کسی چه کاری انجام می‌دهد و چه کسی چه کسی را کنترل می‌کند؟ هرقدر که صلاحیت یک مأمور در انجام شغل بیشتر باشد، استقلال وی در اتخاذ تصمیم‌ها نیز بیشتر خواهد بود. برای بهبود کار و ایمنی افراد باید جلسات کارمندان هر از گاهی تحت نظارت رییس سرویس یا واحد برگزار شود. این جلسات باید فرصتی برای مبادلهٔ اطلاعات باشد و به بهبود روابط با زندانیان کمک کند؛ در این جلسات باید ابعاد مشکلات پیش‌آمده برای هر مأمور مورد بررسی قرار گیرد و بر روی مسئلهٔ ادارهٔ امور در زندان، درنگ شود. وظیفهٔ رییس سرویس یا واحد آن است که با تشویق مدیر در جهت مطلوب‌کردن شرایط کار زندانبانان، ضمن رعایت منافع زندانیان، تلاش کنند. مقررات باید به‌طور کتبی نوشته شود و به اطلاع زندانبانان و زندانیان برسد. این مقررات باید شیوه‌های قانونی طرح شکایت را نیز دربربگیرند.

استخدام و آموزش اولیه

۱۱. قاعده ٤٧ــ(۱)

www.ParsBook.org

کارمندان باید از سطح تعلیم و تربیت و هوش کافی برخوردار باشند.

(۲)

کارمندان باید پیش از آغاز خدمت، دوره‌های آموزش عمومی و اختصاصی را بگذرانند و از آزمایش‌های نظری و عملی موفق بیرون آیند.

(۳)

کارمندان پس از آغاز خدمت و در طول زندگی شغلی باید از طریق شرکت در دوره‌های تکمیلی که به‌طور دوره‌ای برگزار می‌شوند، آگاهی و توانایی حرفه‌ای خود را حفظ کرده و توسعه دهند.

کارِ کارمندان زندان بسیار دشوار است. از یک‌سو، از مأموران انتظار می‌رود که حداکثر امنیت و ایمنی را تأمین کنند و از سوی دیگر، باید به‌طور مداوم در ذهن خود به این موضوع بیاندیشند که زندانیان دیر یا زود نیاز به حل‌شدن در لایه‌های اجتماع، دارند. زندان‌ها می‌توانند کانون تنش و انفجار خشونت زندانیانی باشند که از وضعیت خود به خشم آمده‌اند. در این صورت هم زندانبانان قربانی می‌شوند و هم زندانیان. هرقدر آموزش زندانبانان بهتر باشد، توانایی آنان برای شناسایی مشکلات و خطرات و اتخاذ تدابیر لازم در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای کاستن از احتمال خطر، بیشتر خواهد بود. مأموران باید ذهنی باز و نگاهی دقیق داشته باشند و از توانایی برقراری روابط حسنه با زندانیان برخوردار باشند. این ویژگی‌ها باید مهم‌ترین معیارها برای گزینش کارمندان باشد: زندانبانان باید هم به مسئلهٔ امنیت و هم به نیازهای زندانیان توجه دقیقی مبذول کنند. کسانی که برای رفع عطش کینه‌جویی می‌خواهند وارد ادارهٔ زندان شوند و تنبیهات مضاعف بر زندانیان روا کنند، هیچ جایگاهی در این سیستم ندارند. زندانیان به‌واسطهٔ حبس تنبیه شده‌اند و تنبیه مضاعفی نباید در کار باشد. واضح است که در استخدام کارمندان اداری یا فنی، ویژگی‌های دیگری مورد انتظار است: این‌گونه مأموران باید دارای قابلیت حرفه‌ای باشند، قابلیتی که راه رسیدن به برخی اهداف ویژه در روند مدیریت زندان را هموار می‌کند.

۱۲. همهٔ مأموران باید دارای سطح هوشی و آموزشی مناسبی باشند، و ادارهٔ زندان باید از طریق گفت‌وگو و در صورت امکان، از طریق آزمایش‌های روان‌شناختی پیش از استخدام از سطح هوشی و آموزشی مأموران اطمینان حاصل کند. تمایل به داشتن روابط انسانی کاملاً ضروری است، زیرا در محیط زندان باید تعادل ظریف و پایداری میان گروه‌های مختلف یا افرادی که مجبور به همزیستی هستند حفظ شود.

کارمندانی که مأمور جابه‌جایی در خارج زندان هستند باید به هنگام استخدام، داشتن همین ویژگی‌ها را به اثبات برسانند، این کارمندان باید حساسیت فوق‌العاده‌ای درقبال احساس تنش از سوی زندانیان به هنگام جابه‌جایی‌ها داشته باشند.

۱۳. زندانبان باید دوره‌های آموزش عمومی را بگذراند، این دوره‌ها باید توانایی وی را در زمینه‌های مختلف افزایش دهد و فرصتی برای تحلیل واکنش‌های او باشد. یک دورهٔ تخصصی‌تر برای تکمیل آموزش

www.ParsBook.org

باید درنظر گرفته شود که با مقتضیات فعالیت‌های بعدی زندانیان متناسب باشد؛ آموزش تکمیلی برای تمامی پرسنل مشغول به کار در زندان‌های مختلف باید یکسان و مشابه باشد. برای مأمورانی که به کارهای خاص مشغول هستند باید دوره‌های تکمیلی ویژه‌ای برگزار شود. ادارهٔ زندان باید از اهمیت عملکرد صحیح کارمندان زندان آگاهی کامل داشته باشد و به مأموران امکان دهد که از دوره‌های آموزش رایگان در ساعات خدمت برخوردار شوند.

موضوعات آموزش

۱۴. آموزش در حالت حداقل آن باید شامل موارد زیر باشد:

حقوق

ـ قانون اساسی، آیین‌نامهٔ جزایی، آیین دادرسی و متون مهم در زمینهٔ مقررات در زندان‌ها؛

ـ RMT ها و اسناد حقوق بین‌المللی مربوط به آنها؛

ـ حقوق بشر و نحوهٔ اجرای آنها در زندان‌ها؛

روابط انسانی

ـ جرم‌شناسی، مبانی رفتار جنایی؛

ـ تمایل به روابط اجتماعی؛

ـ روان‌شناسی زندانیانِ اقدام‌کننده به خودکشی؛

ـ رفتار در قبال زندانیان خشن و کاربرد مناسب زور؛

ـ تربیت جسمی، دفاع از خود؛

ارائهٔ کمک و مشاوره به زندانیان؛

ـ روان‌شناسی زندانیان؛

بهداشت

ـ شناخت و مهار بیماری‌های مسری؛

ـ کمک‌های اولیه؛

ـ آموزش بهداشت؛

آموزش فرهنگی

ـ آشنایی با زبان‌هایی که توسط تعداد زیادی از زندانیان، صحبت و یا فهمیده می‌شود؛

ـ شناخت فرهنگ و باورهای افرادی که بیشتر زندانی می‌شوند؛

ـ آموزش شیوه‌های ابتدایی روان‌درمانی برای پرسنلی که با زندانیان مبتلا به بیماری‌های روانی در تماس هستند؛

ـ رشد کودک و نوجوان برای کارمندانی که با خردسالان و نوجوانان در تماس هستند؛

www.ParsBook.org

ساختار اداری

ــ شناخت ساختار اداری زندان و اهداف آن

ــ شناخت سازمان وزارت‌خانه و روابطی که با زندان دارد؛ در صورت نیاز آموزش‌های زیر نیز باید ارائه شود:

در صورت لزوم

ــ آموزش استفاده از اسلحه برای زندانبانانی که مسئول حفاظت پیرامونی هستند (و هیچ تماس مستقیمی با زندانیان ندارند)؛

ــ آموزش تفتیش، ازجمله تفتیش بدنی.

۱۵. آموزش باید به سازمان‌های تخصصی سپرده شود و طی آن باید از نظرات دانشگاهی استفاده گردد و بر آگاهی‌ها و تجربیات مأموران باسابقه تکیه شود. آموزش باید همراه با آزمون باشد. ارتقأ شغلی باید به کسب برخی نتایج در انتهای دورهٔ آموزشی منوط باشد.

قابلیت‌های حرفه‌ای

۱۶. قاعده ٤٦ــ(۱)

ادارهٔ زندان، کارمندان تمامی بخش‌ها را باید با دقت تمام انتخاب کند زیرا ادارهٔ صحیح زندان به درستکاری، انسانیت، قابلیت‌های فردی و توانایی‌های حرفه‌ای پرسنل بستگی دارد.

(۲)

ادارهٔ زندان باید به‌طور مداوم تلاش کند تا در ذهن کارمندان و افکار عمومی این اعتقاد را زنده نگه دارد که وظیفهٔ کارمندان نوعی خدمات اجتماعی پراهمیت است؛ بدین منظور، تمامی ابزارهای مناسب برای روشن‌کردن ذهن مردم باید به‌کار گرفته شود.

بند ٤٨

تمامی کارمندان باید در هر شرایطی کار و وظیفه خود را دنبال کنند و به انجام برسانند، به‌طوری که آنان به‌عنوان یک الگو، تأثیر مساعدی بر روی زندانیان بگذارند و احترام آنان را برانگیزند.

بند ٥١ــ(۱)

مدیر زندان، معاون او و اکثریت کارمندان زندان باید به زبان اکثریت زندانیان سخن بگویند؛ و یا زبانی که توسط اکثریت زندانیان فهمیده می‌شود.

(۲)

در صورت لزوم باید به یک مترجم رجوع نمود.

کارمندان زندان باید براساس سطح بالای صلاحیت‌ها گزینش شوند، هرچند که ممکن است تصور شود که

www.ParsBook.org

یک فرد با سطح هوشی متوسط می‌تواند برای کار در زندان مناسب باشد. به هنگام گزینش باید به توانایی‌ها و رفتار هر داوطلب توجه شود. یک زندانبان باید حداقل قادر به خواندن، نوشتن و تکلم صحیح به زبان اکثریت زندانیان باشد. به‌علاوه، داوطلبان باید همانگونه که قبلاً ذکر کردیم، وجهه‌ای انسانی داشته باشند.

مجموعه کارمندان باید تا حد امکان دارای افرادی از اقلیت‌های قومی داخل کشور باشد، اقلیت‌هایی که شاید در میان زندانیان جمعیت بیشتری داشته باشند. این مأمورین بهتر می‌توانند با زندانیان هم‌فرهنگ خود روابط حسنه برقرار نمایند.

افکار و رفتار کارمندان در قبال زندان و زندانیان

۱۷. کارمندان زندان باید موجودیت زندان را درک کنند و بپذیرند، کارمندان باید متوجه باشند که مجازات فقط و فقط شامل حبس است و هیچ رنج مضاعفی نباید به آن افزوده شود. آنها همچنین باید بپذیرند که دولت می‌تواند و باید تدابیری را برای حفظ شأن و امنیت شهروندان اتخاذ نماید. یک مأمور زندان باید بر اختیارات دولت گردن نهد و بر اهمیت قضاوت‌های انجام‌شده از سوی قوهٔ قضایی مستقل واقف باشد، حتی اگر تصمیم قوهٔ قضاییه در برخی موارد نوعی برخورد و مخالفت با اعمال قوهٔ مجریه باشد.

۱۸. یک مأمور زندان باتوجه به این امر که زندانیان عضوی از کل وجود بشری هستند، باید با آنها بدون تبعیض رفتار کند. حداکثر کمک به زندانیان، در حدّی معقول، بخشی از وظایف مأمور زندان است. این وظیفهٔ کمک‌رسانی، در صورت نادیده گرفته‌شدن مقررات از سوی زندانیان، می‌تواند به حالت تعلیق درآید، زندانیانی که فقط درپی کسب امتیاز هستند و قدرت مأمورین را به چالش می‌طلبند و یا درصدد فرار هستند. مأموران باید در تمامی این حالات به زندانیان توضیح دهند که رفتار آنان منفی است و این رفتار به روابط صمیمانه در داخل زندان لطمه می‌زند و دورنمای بازپروری زندانیان را به‌خطر می‌افکند.

زندانیان باید بتوانند از شیوه‌های خاص خود برای مهار و حل مشکلات استفاده کنند، اما همکاری میان دو گروه ــ مأموران و زندانیان ــ شیوهٔ بی‌مانندی است. زندانبانان و زندانیان محکوم به زندگی در کنار یکدیگر هستند، حال هرچه پیش آید.

در زمینهٔ روابط یک مأمور با زندانیان، داشتن ویژگی‌های زیر از وی انتظار می‌رود: درستکاری، وجدان کاری، مددرسانی به زندانیان، توجه مساوی به همه، نوآوری، پیشرفت. همه کارمندان زندان باید بدانند که نحوهٔ رفتار آنها با زندانیان به رفتار همکاران‌شان (که کار آنها را ادامه می‌دهند) و به‌طور عمومی‌تر، به روابط دوجانبه میان زندانبانان و زندانیان بستگی دارد. داشتن روابط فردی تأثیر مثبتی دارد زیرا صفات خوب فرد را برجسته می‌کند و تمایلات منفی او را به عقب می‌راند. از هر مأمور انتظار می‌رود که نقش

www.ParsBook.org

الگو را به‌عهده گیرد، این نقش تأثیر مساعدی بر روابط کاری در زندان می‌گذارد و نقش مؤثری در رسیدن به هدف بازپروری ایفا می‌کند.

سازماندهی خدمات و جایگاه شغلی

۱۹. قاعده ٤٦ــ(۳)

برای تحقق اهدافی که ذکر شد، کارمندان زندان باید به‌طور تمام‌وقت و به‌عنوان کارمند تخصصی زندان مشغول به‌کار شوند، آنان باید از جایگاه «مأمور دولت» و درنتیجه از امنیت شغلی برخوردار شوند، این امنیت شغلی نباید به چیزی جز رفتار خوب، کارآیی و قابلیت جسمی، بستگی داشته باشد. میزان دستمزد باید به مقدرای باشد که امکان استخدام زنان و مردان لایق و تداوم استفاده از خدمات آنها را میسر کند؛ مزایای شغلی و شرایط کار باید با توجه به ماهیت دشوار کار، معین گردد.

کار در زندان نیاز به تعداد زیادی کارمند دارد. تنش حاکم بر زندان طاقت‌فرسا است و نیازی به گفتن نیست که در مقابل کاری این‌چنین دشوار باید دستمزد مناسبی پرداخت شود و در برنامهٔ کاری باید دوره‌های استراحت جهت جبران فشار کار پیش‌بینی گردد.

کارمندان‌بایدمکان‌های درخوری دراختیار داشته‌باشندکه در هر شرایطی نباید کیفیتی پایین‌تر از مکان‌های مربوط به زندانیان داشته باشد. در صورت امکان، ادارهٔ زندان باید خوابگاه و نیایش‌گاه در اختیار مأموران قرار دهد و امکان استفادهٔ رایگان از سالن ورزشی و کتابخانه را برای آنان فراهم آورد.

شرایط کار

۲۰. در قرارداد کار باید شرح وظایف و ساعات کار قید شده باشد و مدت کار نباید از ۵۰ ساعت در هفته تجاوز کند. تأمین شرایط مناسب کار، برعهدهٔ ادارهٔ زندان است و محیط زندان باید خوب و مناسب نگهداری شود و شرایط امنیتی و ایمنی (ازجمله در موارد اضطراری) در آن تأمین گردد و جوّ مساعدی بر آن حاکم باشد.

حقوق و دستمزدها

www.ParsBook.org

۲۱. مبلغ حقوق از جنبه‌های مختلف، اهمیت بسیاری دارد. پرسنلی که حقوق خوب دریافت می‌کنند، با رضایت تمام وظایف خود را انجام می‌دهند، و این امر خطر فرار و تنش از سوی زندانیان را کاهش می‌دهد و آنان را به سازگاری با مقررات تشویق می‌کند. با توجه به متفاوت‌بودن سطح زندگی در کشورهای مختلف، به‌سختی می‌توان رقم حقوق مناسب را مشخص کرد. در هر صورت، حقوق کارمندان زندان باید به اندازه‌ای باشد که آنان از زندگی مادی آبرومندانه‌ای برخوردار شوند و به کار سیاه (غیرقانونی) و یا فساد روی نیاورند، چه این پدیده (فساد) منشأ عدم رعایت مقررات است و مسائلی از این قبیل را به‌دنبال دارد: رفتارهای غیرقانونی، بی‌عدالتی، وحشت، بی‌اعتمادی، ناامنی، شورش و تهدیدهایی که می‌تواند زندگی افراد درگیر در کارهای قاچاق را به‌خطر اندازد.

عدم پنهان‌کاری

۲۲. کار در زندان، عموماً، به دور از انظار عموم مردم انجام می‌گیرد، زیرا زندان‌ها از بیرون جلوه‌ای اسرارآمیز دارند. لذا ممکن است که در افکار عمومی شایعات و اخبار دروغینی دربارهٔ زندان رواج پیدا کند، چرا که عموم مردم معمولاً زندانیان را مجرمان بزرگی می‌دانند که حق آنها، محبوس‌شدن در اعماق سیاهچال‌ها برای مدتی طولانی است.

۲۳. عملکرد صحیح در زندان نیازی به پنهان‌کاری ندارد. ادارهٔ زندان‌هایی که صدها زندانی را در خود می‌پذیرند، کار ساده‌ای نیست. عوامل زیر برای سازمان زندان‌ها ضروری است: یک ادارهٔ مرکزی که دارای اطلاعات و تجربیات کافی باشد، مقامات ذیصلاح که در تمامی سطوح مسئولیت و پرسنلی که دارای انگیزهٔ کافی باشند. به‌راحتی نمی‌توان محتوای وظایف و ماهیت اقدامات ادارهٔ زندان را به‌طور عینی به مردم شناساند. زندانیان اغلب چندین سال متمادی را در حبس می‌گذرانند و لیکن این امر مانع از تکرار جرم توسط آنها، پس از آزادی، از زندان نیست. فردی که خارج از زندان است و آگاهی کامل در این زمینه ندارد، شاید باور کند که مأموران زندان کار خود را به‌خوبی انجام نمی‌دهند. این ذهنیت می‌تواند تغییر کند، به‌شرطی که ادارهٔ زندان تماس گسترده‌ای با محیط بیرون داشته باشد و افکار عمومی را از وظایف پرسنل، شرایط زندگی زندانیان و شیوه‌های به‌کاررفته برای بازپروری آنان مطلع نماید.

تحول شغلی

۲٤. بهتر است که مأموران شغل سازمانی خود را مرتباً تغییر دهند. ادارهٔ زندان با همکاری دیگر اداره‌ها،

www.ParsBook.org

مثلاً اداره‌هایی که مسئول رسیدگی و حفاظت از کودکان و یا مراقبت از بیماران روانی هستند، می‌تواند به مبادلهٔ کارمند با آنان بپردازد. هدف اساسی از این اقدام، جلوگیری از خستگی و دلسردی پرسنل است و ضمناً با مبادلهٔ آنان، هریک از ادارات ذکرشده می‌تواند از کارمندان تازه‌ای که دارای تجربیات مورد لزوم در حرفه‌ای خاص هستند استفاده نماید. این‌گونه مبادله‌ها باید ترجیحاً میان بخش‌های مختلف یک ادارهٔ زندان صورت گیرد، زیرا فعالیت‌های یک ساختمان زندان می‌تواند مکمل فعالیت‌های ساختمان‌های دیگر باشد. مبادلهٔ کارمند در سطح بین‌المللی راهکار مناسبی است، اما ملاحظات عملی دامنهٔ چنین اقداماتی را به‌طور جدّی محدود می‌کند.

مسائل جنسی

۲۵. قاعده ۵۳ــ(۱)
در یک زندان مختلط، بخش زنان باید تحت ریاست یک مدیر زن قرار گیرد و تمامی کلیدهای این بخش از زندان باید دراختیار او باشد.
(۲)
هیچ کارمند مردی نباید بدون همراهی کارمند زن به داخل بخش زنان وارد شود.
(۳)
فقط کارمندان زن باید به امر نگهبانی از زنان زندانی بپردازند. اما این امر مانع از آن نیست که برخی از کارمندان مرد، به‌ویژه پزشکان و آموزگاران، به انجام وظیفه در زندان‌ها یا بخش‌های ویژهٔ زنان مشغول شوند.

RMT ها توصیه می‌کنند که زنان و مردان تقریباً به‌طور کامل از یکدیگر جدا نگه داشته شوند. این جداسازی در برخی کشورها ادامه دارد، درحالی‌که که در برخی دیگر، عمل جداسازی را منسوخ می‌دانند؛ در این کشورها، زنان به حقوق خود در بازار کار دست یافته‌اند و می‌توانند سمت‌های نظارتی و حتی مدیریتی را در زندان‌های ویژهٔ مردان به دست آورند. در این کشورها، کم نیستند مردانی که سمت‌های مشابه را در زندان‌های زنان اشغال می‌کنند. در کشورهای مذکور، اعتقاد براین است که هردو جنس می‌توانند صاحب شغل‌های مشابهی بشوند، و شرایط کار و دستمزد برای هردو جنس باید یکسان باشد. بهتر است برای مادران خانواده‌ها امکان کار در مشاغل نیمه‌وقت فراهم شود، مادرانی که مجبور نیستند در ساعات کاری به امور خانوادگی بپردازند.

۲۶. در زندان‌هایی که زنان و مردان در کنار یکدیگر کار می‌کنند، تجربیات مثبتی به‌دست آمده است. حضور زنان زندانبان اغلب از میزان خشونت زندانیان می‌کاهد و از سوی دیگر، حضور همکارانِ مردِ آنها در زندان‌های زنان، امنیت‌آفرین است. وانگهی، حضور پرسنل مختلط باعث می‌شود که تفاوت‌ها میان شرایط زندگی در زندان و شرایط زندگی آزاد کمتر شود. اما حضور کارمندان زن در میان زندانیان مرد

www.ParsBook.org

می‌تواند به افزایش فشار جنسی بیانجامد: ممکن است که هم زندانیان و هم کارمندانِ مرد نگاهی جنسی به زنان کارمند داشته باشند و درصدد مزاحمت برآیند، امری که ادامهٔ تلاش زنان را غیرممکن می‌سازد. یک مأمور زندان که لیاقت این عنوان را دارد باید از چنین رفتارهایی پرهیز کند.

۲۷. ممکن است که میان زندانبانان و زندانیان روابط جنسی یا همجنس‌بازانه برقرار شود. عشق دو انسان به یکدیگر را نمی‌توان با شیوه‌های خشک عقلی مورد انتقاد قرار داد، اما روابط عاشقانه میان یکی از کارمندان زندان با یکی از زندانیان (مرد یا زن) به‌هیچ‌وجه قابل دفاع نیست، زیرا این دو فرد جایگاهی مساوی ندارند و زندانی در حالت نوعی وابستگی به زندانبان قرار دارد. از سوی دیگر، مناسب نیست که یک زندانبان دچار فشار عاطفی بشود، هرچند که این امر می‌تواند غیراختیاری بوده و واقعاً احساسات صادقانه‌ای در این میان وجود داشته باشد؛ اما در این صورت خطر بهره‌کشی و استیلای جنسی همچنان وجود دارد. اگر فضایی آرام به‌وجود آید که در آن افراد زیردست به‌راحتی بتوانند مشکلات خود را به مافوق اظهار کنند، زندانبانی که دارای چنین روابطی است، می‌تواند موضوع را به اطلاع مقامات زندان برساند و آنان بدون استفاده از شیوه‌های انضباطی، تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.۵۶

کارمندان متخصص

۲۸. قاعده ٤٩ــ(۱)

تا حد امکان، باید تعدادی کافی از متخصصان مانند پزشک روان‌درمان، روان‌شناس، مددکار اجتماعی، آموزگار و مربی فنی به جمع پرسنل زندان اضافه شوند.

(۲)

خدمات مددکاران اجتماعی، آموزگاران و مربیان فنی باید به‌طور دائمی ارائه شود، و البته ارائه خدمات مشابه به شکل نیمه‌وقت یا از سوی داوطلبین منتفی نیست.

بند ۵۲ــ(۱)

در زندان‌هایی که به دلیل وسعت آنها، به خدمات یک یا چند پزشک تمام‌وقت نیاز است، حداقل یکی از آنان باید در محوطهٔ زندان یا نزدیکی آنجا زندگی کند.

(۲)

در زندان‌های دیگر، پزشک باید هر روز به بازدید از بیمار بپردازد و محل سکونت وی باید تا اندازه‌ای به زندان نزدیک باشد که در موارد اضطراری بتواند بدون فوت وقت در محل حاضر شود.

ادارهٔ زندان هربار که ممکن است باید از متخصصان کمک بگیرد. RMT ها فهرستی از تخصص‌های مورد لزوم ارائه کرده‌اند، هرچند که این فهرست، جامع نیست. متخصصان دیگری را می‌توان به فهرست بالا افزود، از جمله مقام مذهبی، زندان، کتابدار، مربی ورزشی، مأمور نقل‌وانتقال، پزشک و پرستار. این

www.ParsBook.org

کارمندان باید با اهداف زندان همگام شوند، اهدافی همچون:
تأمین ایمنی و امنیت و آماده‌سازی زندانیان برای بازگشت به آغوش جامعه؛ لذا ضرورت تام دارد که این پرسنل قادر به تسهیل روند جامعه‌پذیری مجدد زندانیان باشند.

استقلال شغلی متخصصین

۲۹. به نفع هیچ کشور، نظام یا سازمانی نیست که ساختار زندان‌ها ضعیف و مأموران آنها تندخو، معترض و آشفته‌حال باشند. منافع یک دولت در این است که تا حداکثر امکان، از جنبه‌های سوءِ حبس بکاهد و مراقب باشد که مجازات تعیین‌شده برای افراد، شدیدتر از معمول نباشد ــ در این‌جا، منافع مالی دولت با منافع زندانیان گره می‌خورد. متخصصان نباید در ادارهٔ روزمرهٔ زندان دخالت داده شوند، اما در صورت لزوم باید از توانایی‌های آنان بهره‌گیری شود. ارائه‌دهندگان خدمات باید به‌طور نسبی از ادارهٔ زندان مستقل باشند، شرطی که برای جلب اعتماد زندانیان ضروری به نظر می‌رسد، این استقلال نباید امنیت زندان را مختل کند. این اصل به‌ویژه شامل کارمندان امور بهداشتی (جسمی و روانی)، روان درمان‌ها، روان‌شناسان، پزشکان و پرستاران است و مقام مذهبی زندان را می‌توان به این فهرست افزود: این کارشناسان معمولاً به‌تنهایی کار می‌کنند و با تکیه بر ابتکارات خاص خود و یا در پاسخ به درخواست اشخاص ثالث به ارائهٔ حمایت‌های ویژه می‌پردازند.
کارمندان تخصصی باید توسط یکی از مسئولین زندان از امور مطلع و به داخل زندان هدایت شوند. متخصصان باید بدانند که چرا عده‌ای در زندان هستند؛ آنان باید با شرایط زندگی در زندان آشنا شوند و از مسایل مهم امنیتی اطلاع حاصل کنند؛ آنان همچنین نیاز به دانستن این مطلب دارند که برای کمک به زندانبانان در برقراری امنیت چه کاری باید انجام دهند و چه کاری نباید بکنند ــ معلوم است که گاهی میان مسئلهٔ جلب اعتماد و مقتضیات امنیتی، تضاد و تنش پیش می‌آید. زندانیان باید بتوانند بدون واسطه با متخصصان ارتباط برقرار کنند و به آنان اطلاع داده شود که در صورت ارائهٔ اطلاعات شخصی به این متخصصان، جنبهٔ محرمانهٔ اطلاعات حفظ خواهد شد، مگر آنکه متخصص دریافت‌کنندهٔ اطلاعات بخواهد پس از کسب توافق زندانیان، موضوع را با همکاران خود درمیان بگذارد.

۳۰. شیوه‌های کار و توانایی‌های هریک از متخصصان باید تحت کنترل دیگر متخصصان همان رشته قرار گیرد. متخصصان باید بتوانند با مقامات زندان دربارهٔ مسائل حبس و مشکلات کارمندان زندان مشورت نمایند؛ آنان باید هر نوع اطلاعات، مثلاً در زمینهٔ شیوه‌های برخورد با ناهنجاری‌های روانی، به زندانبان‌ها ارائه دهند، این امر به ایجاد فضای آرامش در زندان کمک می‌کند. وظیفهٔ متخصصان، درنهایت، جلوگیری از سوءِاستفاده‌ها و بی‌قانونی‌ها است که می‌تواند در روابط میان زندانبانان و زندانیان، یا بین خود زندانبانان و یا میان خود زندانیان، بروز نماید.

www.ParsBook.org

اعمال زور، اوضاع بحرانی

۳۱. قاعده ٥٤ــ(۱)

کارمندان زندان نباید در روابط خود با زندانیان از زور استفاده کنند، مگر در موارد دفاع مشروع، ممانعت از فرار زندانیان و مقاومت قهرآمیز یا عدم تحرک جسمی آنها در مقابل نظمی که برمبنای قانون و مقررات شکل گرفته است. کارمندانی که به زور متوسل می‌شوند باید استفاده از آن را فقط به جنبه‌های ضروری محدود کنند و بلافاصله گزارش حادثه را به مدیر زندان ارسال نمایند.

(۲)

به کارمندان زندان باید آموزش‌های بدنی ویژه‌ای برای مهار زندانیان مهاجم داده شود.

(۳)

به استثنای شرایط ویژه، مأمورانی که در تماس مستقیم با زندانیان، مشغول خدمتند، نباید به‌هیچ‌وجه مسلح باشند. از سوی دیگر، هیچگاه نباید به کارمندان زندان اسلحه سپرده شود، مگر اینکه در این زمینه دوره دیده باشند.

در یک زندان، تنش به‌طور تقریباً دائمی وجود دارد (و این اجتناب‌ناپذیر است)، و اکثریت بزرگی از زندانیان احساس می‌کنند که علیرغم میل خود محبوس شده‌اند، به همین دلیل، در هر لحظه آمادهٔ شورش هستند، در بهترین حالت، آنان از شرایط حبس ابراز خشم خواهند کرد و یا اینکه خشم خود را متوجه مقررات یا کارمندان زندان خواهند نمود، هرقدر هم که کارمندان درست و صحیح عمل کرده باشند. مأموران باید از قدرت خودآگاه باشد و از زندانیان انتظار می‌رود که در مقابل مقررات زندگی جمعی سر تعظیم فرود آورند. زندانبانان درواقع کلیدداران زندان هستند و مسئولیت تداوم برنامه‌های روزانه به‌عهدهٔ آنان است، و زندانیان اغلب دستخوش بوالهوسی‌های زندانبانان هستند. کارمندان زندان باید تمامی این واقعیت‌ها را در ذهن خود حفظ نمایند و تلاش کنند که با زندانیان به عنوان موجودات انسانی برخوردار از حقوق مساوی، برخورد کنند. درنتیجه، آنها نباید بیش از حد معقول و مناسب برای شرایطی خاص، به اعمال قدرت بپردازند.

۳۲. زمانی که توسل به زور ضرورت می‌یابد، باید توجه بی‌حد و حصری به شرایط ذکرشده در مقررات مبذول شود ــ استفاده از زور حالت شدیدی است، اما در زمینهٔ اعمال قدرت نقشی اساسی دارد. پیش از کاربرد زور، یک مأمور زندان باید مطمئن شود راه‌حل‌های (مسالمت‌آمیز) دیگر قابل اجرا نیستند. میزان استفاده از زور باید با مشکل پیش‌آمده متناسب باشد و این الزام، طبق اصول جایگزینی و نسبیت صورت می‌گیرد، اصولی که به هنگام تصمیم به کاربرد زور قطعاً باید به‌کار بسته شوند. آموزش‌های مربوط به کاربرد زور و محدودیت‌های مربوط به آن باید بخشی جدایی‌ناپذیر از مقررات زندان و برنامه‌های

www.ParsBook.org

آموزش زندانبانان باشد. پیش از توسل به زور، زندانبانان با رجوع به مافوق، که بسته بـه میـزان فوریـت می‌تواند شفاهی یا کتبی باشد، باید ماهیت حادثه و علت شکست تلاش‌های مسالمت‌آمیز را بـه اطـلاع وی برسانند.

جلوگیری از خشونت و کاربرد زور

۳۳. در برخی شرایط (شورش، نزاع و دیگر آشفتگی‌های جمعی)، کاربرد زور اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد، هرچند که خطر اشتباه به قوت خود باقی است. مطلع‌کردن کارمندان زندان از این خطر و نیـز از عواقـب بدرفتاری با زندانیان، اهمیت بسزایی دارد. شیوه‌های مناسب برای رویارویی با چنین وضعیت‌هایی، بـدون کاربرد افراطی زور و ضمن کاستن از خطـرات بـدرفتاری، بایـد بـه شـکل دسـتورالعمل‌هـای مکتـوب بـه کارمندان آموخته شود. در پی بروز حوادثی از این قبیل، روابط میان زندانبانان و زندانیان بسیار پرتنش و حتی خشونت‌آمیز می‌شود. این جوّ که زمینه را برای بروز دوبارهٔ حوادث مهیا می‌سازد، عموماً در شـرایط زیر ایجاد می‌شود:

ــ پس از شورش همراه با گروگان‌گیری که طی آن عده‌ای از مأموران زخمی می‌شوند؛

ــ وقتی سیاست مبهم و بسته‌ای از سوی ادارهٔ زندان جایگزین سیاست بـاز مـی‌شـود کـه در ایـن‌صـورت رفت‌وآمد افراد از بیرون به داخل زندان محدود می‌گردد و زندان که رابطه آن ناگهان با جامعـهٔ مـدنی قطع شده است، از مزایایی چون شفافیت عملکرد و کنترل‌هایی که از سوءِاستفاده‌ها جلوگیری می‌کردنـد، محروم می‌شود.

ــ تجربه نشان می‌دهد که کاربرد افراطی زور، عدم رعایـت احتـرام و بـدرفتاری بـه هنگـام حمـل‌ونقـل زندانیان‌و یا در قبال زندانیان آسیب‌پذیر مانند خارجیان و بیماران روانی رواج بسیاری دارد.

سلاح، پاسخی نامتناسب

۳٤. برای جلوگیری از اوج‌گیری خشونت، اولین قاعده این است که کارمندانی که دارای تماس مسـتقیم بـا زندانیان هستند، به‌هیچ‌وجه مسلح نشوند. زندانبانی که مجهز به سلاح گرم است می‌توانـد بـرای کـاربرد نامتناسب از آن وسوسه شود. زندانیان نیز به‌نوبهٔ خود می‌تواننـد ایـن سـلاح‌هـا را بـه‌سـرقت برنـد. امـا کارمندان زندان وظیفه دارند کـه از انفجـار خشـونت جلـوگیری و از خطـرات آن بکاهنـد، ایـن خشـونت می‌تواند در میان زندانیانی بروز کند که برخی از آنها آماده‌اند که برای برقراری قانون جنگل در محـیط زندان دست به هر کاری بزنند. هرقدر شرایط حبس بدتر باشد، تنازع بقأ و رفتارهای خشـونت‌بـار رواج

www.ParsBook.org

بیشتری خواهد یافت. کارمندان باید راه گفت‌وگو و مسالمت را به شیوه‌های خشونت در برابر خشونت، ترجیح بدهند. بحث و پیشنهاد راه‌حل‌های عادلانه می‌تواند پاسخ مؤثری به اختلافات باشد: گفت‌وگو به احیا یا ایجاد فضای درک متقابل، احترام و مدارا، کمک می‌کند. فقط در صورت شکست مذاکرات می‌توان از شیوه‌های اجباری استفاده کرد، شیوه‌هایی مانند: تغییر سلول یا بخش، تنبیهات انضباطی و یا حبس انفرادی زندانیان خشن.

۳۵. شیوه‌های جلوگیری از بدرفتاری، کاربرد زور و یا شکنجه عبارتند از:
الف) گشودن درهای زندان به روی جهان خارج: بنا بر دلایل مبرهن، زندانبانان تلاش دارند که از یکدیگر حفاظت کنند، درحالی‌که ناظران خارجی نه می‌توانند و نه می‌خواهند که مسئلهٔ آزار زندانیان را نادیده بگیرند. در این زمینه، نقش سازمان‌های غیردولتی بسیار اساسی است.
ب) مقررات: هر وضعیتی که بدرفتاری را ممکن کند (انفرادی، کاربرد فیزیکی زور، تعویض بخش طبق موازین انضباطی) باید تحت کنترل و طبق مقررات دقیق انجام گیرد. مأمورانی که این مقررات را رعایت نمی‌کنند باید تنبیه شوند.
ج) تعهد اخلاقی: مدیریت زندان باید اصول اخلاقی‌ای را که پایهٔ مقررات است به‌وضوح تعریف کند.

وظیفهٔ مدیر

۳۶. قاعده ۵۰ــ(۱)
مدیر یک زندان باید از صلاحیت کافی برای انجام وظایف خود برخوردار باشد، این صلاحیت دارای چند بُعد است: شخصیت، قابلیت‌های اداری، آموزش متناسب و تجربهٔ کافی در این عرصه.
(۲)
او باید تمام وقت خود را صرف شغل رسمی خود کند؛ این شغل نمی‌تواند یکی از مشغله‌های فرعی او باشد.
(۳)
مدیر باید در محوطهٔ زندان یا در جوار آن زندگی کند.
مدیر، مسئول ادارهٔ یک نهاد کیفری است. توانایی‌های یک مدیر در سایهٔ تحصیلات، رفتار و انگیزه‌های او قابل ارزیابی است. تحصیلات مدیر باید شامل مطالعات عمیق بر روی موضوع‌های دسته‌بندی‌شده در پارگراف ۱٤ باشد.

www.ParsBook.org

مدیر باید مشوق باشد

۳۷. مدیری که مسئولیت ادارهٔ یک زندان را به‌عهده دارد باید صاحب دو خصلت بزرگ باشد: حس فرماندهی دموکراتیک و انسانی و پویایی لازم برای الهام‌بخشیدن و ایجاد انگیزه در زیردستان. این خصوصیات به شخصیت هر فرد مربوط می‌شود اما خصلت‌های غریزی را می‌توان از طریق آموزش‌های متناسب و با کیفیت، توسعه داد. یک مدیر ضمن اشتغال به کار مدیریت، باید یک حقوقدان و نیز تحلیل‌گر پدیده‌های اجتماعی باشد؛ او به‌ویژه باید دربارهٔ جایگاه، کاربرد و مفهوم زندان در جامعه به تأمل بپردازد. مدیر باید آگاه باشد که قابلیت تبدیل‌شدن به یک الگو را دارد: هرگاه او مسئله‌ای را پراهمیت بداند، پرسنل نیز این مسئله را پراهمیت خواهند دانست. مدیر باید با دو وظیفهٔ متضاد کنار بیاید: اداره و کنترل کارمندان و داشتن ذهنی باز و برخوردی منعطف در قبال مأموران زندان؛ این عوامل مأموران را تشویق می‌کند که به هنگام انجام وظیفه، حداکثر ابتکار را اتخاذ نمایند. مدیر باید همیشه در دسترس و در معرض دید باشد؛ او باید روابطی رسمی و غیررسمی با همکاران خود برقرار نماید، به مشکلات آنها گوش فرادهد و آنها را با تکیه بر توانایی‌های خود حل نماید و درعین‌حال، در امر کنترل اجرای وظایف توسط هرکس، حس انتقادی و هوشیاری خود را بروز دهد. او نباید افراطها و سوءِاستفاده‌ها را تحمل کند.

مدیر در خدمت منافع زندانیان و جمع

۳۸. مدیر باید همیشه آمادهٔ گفت‌وگو با تمامی زندانیان باشد و با آنان به‌عنوان انسان‌های دارای شأن و احترام برخورد نماید. اگر فشار کاری مانع از ملاقات شخصی او با زندانیان می‌شود، وی باید این وظیفه را به یکی از معاون‌ها بپردازد و او نیز باید نیازهای زندانیان و شکایت‌های احتمالی آنان را به اطلاع مدیر برساند. این شکایت‌ها تا حد امکان باید به‌سرعت و جدیت مورد بررسی قرار بگیرند. مدیر باید از منافع زندانیان حمایت کند و وقتی که آنان برای شکایت علیه یک مأمور یا فرد دیگری دلایل کافی دارند، دفاع از آنان را به‌عهده گیرد. مدیر باید فعالیت‌های خود را بر این اصل استوار کند که کاستن از تفاوت‌ها میان شرایط زندگی در داخل زندان و شرایط زندگی در خارج، هم به نفع زندانیان است و هم به نفع جامعه. مدیر که فقط به منافع جمعیتِ تحت ریاست خود فکر می‌کند، باید تمامی تلاش خود را به‌کار بندد تا بودجهٔ لازم برای عملکرد مطلوب زندان را از ادارهٔ مرکزی دریافت کند.

۳۹. مدیر باید آگاه باشد که موظف به اعلام سیاست خود در درون زندان است. یعنی وی باید به ادارهٔ مرکزی اجازه دهد که از درون زندان بازدید نمایند؛ مرتباً گزارش‌های لازم را ارسال کند و ارتباط شفافی با نهادهای ذینفع در خارج زندان داشته باشد. یعنی به‌عنوان مثال، کمیسیون‌های مستقر در خارج زندان

www.ParsBook.org

باید بتوانند به‌طور منظم از زندان بازدید کنند، که البته در این موارد نیازی نیست که زندانیان در مقابل بازدیدکنندگان صف بکشند و یا برخلاف میل خود در معرض دید آنان قرار بگیرند. بازدیدکنندگان باید از واردشدن در سلول‌ها خودداری کنند، مگر آنکه ساکن سلول در مقابل درخواست آنان، چنین اجازه‌ای را بدهد. درهای یک زندان خوب باید به روی نمایندگان مجلس و نیز رسانه‌هایی که بیش از سایر رسانه‌ها معرّف افکار عمومی هستند باز باشد، تا بدین‌وسیله مردم متوجه مشکلات، نیازها و بیم و امیدهای زندانیان و کارمندان گردند. وقتی یک زندان مدیریت صحیح و کارمندان معتمد و باانگیزه‌ای داشته باشد، هیچ اتفاقی که در آنجا می‌افتد، نباید از جهان خارج پنهان نگه داشته شود.

www.ParsBook.org

فصل هشتم

بازرسی

مقدمه

۱. بازرسی‌های منظم، عمیق و کارشناسانه می‌تواند به تشویق و بهبود نحوهٔ اجرای مقررات ملی و بین‌المللی در زمینهٔ رفتار با زندانیان بیانجامد، به شرطی که این بازرسی‌ها طبق تدابیر مناسب اتخاذ شده از سوی مقامات محلی، دنبال گردد. گزارش‌های مربوط به بازرسی باید منتشر شود که هدف از آن برانگیختن واکنش از سوی مردم و سیاستمداران است، و این بهترین شیوه برای حصول اطمینان از پیشرفت‌های محسوس در داخل زندان است.

۲. بازرسی‌ها، با اینکه اهمیت بسیاری دارند، اما شیوهٔ منحصر به‌فرد برای تضمین اجرای مقررات نیستند. مطمئن‌ترین راه برای تضمین اجرای عملی RMT ها۵۸، پایان‌دادن به سنت پنهان‌کاری است که اغلب بر زندان‌ها و آنچه در پس دیوارهای‌شان می‌گذرد سایه می‌افکند.

www.ParsBook.org

دامنهٔ تحقیقات در بازرسی‌ها

۳. بازرسی‌ها، به شرط آنکه توسط اشخاص درستکار و صلاحیت‌دار انجام گیرد، یک ابزار مؤثر برای کنترل تلاش‌هایی است که به منظور اجرایRMT ها انجام می‌گیرد.

قاعده ۵۵

بازرسان صلاحیت‌دار و باتجربه، که از سوی مرجع ذیصلاح منصوب می‌شوند، باید به‌طور منظم از زندان‌ها و سرویس‌های آن بازرسی به عمل آورند. آنها به‌ویژه باید مراقب باشند که زندان‌ها مطابق قانون و مقررات جاری اداره شوند و در تلاش برای رسیدن به اهدافی باشند که برای سرویس‌های زندان و سرویس‌های تأدیبی درنظر گرفته شده است.

٤. کلمهٔ «بازرسی» به معنای «مشاهدهٔ دقیق» و «بررسی دقیق به منظور کنترل و یافتن حقیقت» است. در بازرسی‌ها، نظام‌های حبس به‌دقت مورد بررسی قرار می‌گیرند تا معلوم شود که آیا قوانین و مقررات در آنها به‌کار بسته می‌شود یا خیر، لذا بازرس‌ها نوعی چتر حمایتی برای زندانیان و حتی برای زندانبانان هستند. زندانیان حق دارند که مجازات خود را طبق شرایطی که قانون و مقررات حکم کرده تحمل نمایند، زندانبان‌ها نیز وظیفه دارند شرایط حبس را با قانون و مقررات منطبق کنند. اگر بازرسی‌ها به شیوه‌ای مناسب انجام گیرد، اصل انطباق با قانون نیز تضمین خواهد شد و لذا بازرسی‌ها از این نظر، نقش پیشگیرانه‌ای دارند: شناسایی زودهنگام اعمال نادرست، مانع از گسترش شرایطِ تحمل‌ناپذیر می‌شود. متقابلاً، تشویق و نشان‌دادن مسیر اعمال صحیح موجب شناخته‌شدن و تداوم آنها می‌شود و بدین ترتیب اهداف مجازات و اجتماعی‌سازی به واقعیت می‌پیوندد و جنبه‌ای بادوام به‌خود می‌گیرد.

بازرسی‌های منظم و متناوب توسط افراد صلاحیت‌دار

۵. کلمهٔ «زندان‌ها» باید تعبیری گسترده داشته باشد؛ وRMT ها تمامی گروه‌های زندانیان، از محکومان گرفته تا متهمان و زندانیان بدهکار و افراد تحت نظر را دربرمی‌گیرند. منظورRMT ها از «متهم»، هر فردی است که به دلیل «عدول از قانون جزایی بازداشت یا زندانی شده است و در اماکن پلیس یا بازداشتگاه نگهداری می‌شود» (قاعده ٨٤). بدین‌ترتیب، نه‌تنها زندان‌ها، بلکه سلول‌های پلیس و اماکن وابسته به دادگاه‌ها و نیز هر محل بازداشتی باید تحت بازرسی‌های مداوم قرار گیرد.

۶. بازرسی‌ها برای آنکه مؤثر باشند، باید از برخی شرایط پیروی کنند. آنها باید متناوب و منظم باشند، تمامی بخش‌ها و فعالیت‌های زندان را دربربگیرند و کیفیت روابط میان کارمندان زندان و زندانیان را

www.ParsBook.org

مشخص کنند. بند ۵۵ تصریح دارد که بازرسان باید از سوی مرجع ذیصلاح منصوب شوند و خود آنان باید صاحب صلاحیت و تجربهٔ کافی باشند؛ این توانایی‌ها برای کشف سوءِاستفاده‌ها، ایجاد تحولات مناسب، تهیهٔ گزارش و ارائهٔ توصیه‌ها ضروری است.

بازرسی‌های فوری

۷. هرچند که بازرسی‌ها از روندی ساختارمند و مداوم برخوردارند، اما در پی حوادث استثنایی مانند شورش، شلیک گلوله، نزاع جمعی، اعتصاب، مرگ مشکوک و غیره، باید بازرسی‌های ویژه‌ای به‌سرعت انجام گیرد. در صورت بروز مناقشه مسلحانه، لازم است بازرسی‌های جامع و بی‌طرفانه‌ای از محل حبس زندانیان جنگی به‌عمل آید و این بازرسی‌ها به سازمان‌های شناخته‌شده‌ای مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ سپرده شود. برای احتراز از بروز این وضعیت‌های استثنایی، وجود هیئتی از بازرسان باتجربه و صلاحیت‌دار اجتناب‌ناپذیر است، بازرسانی که پیش از هر چیز باید مستقل باشند؛ بعداً به این مسئله خواهیم پرداخت.

بازرسی‌ها، بررسی و شیوه‌ها

۸. بازرسی‌ها باید توسط بازرسانی هدایت شوند که به ادارهٔ زندان یا وزارتخانهٔ متولی امور زندان‌ها گزارش می‌دهند. بازرسی‌ها از برخی اهداف پیروی می‌کنند و به شیوه‌هایی متکی هستند که محورهای اصلی آن از سوی ادارهٔ زندان یا وزارتخانهٔ مسئول تعیین می‌شود. اکثر بازرسی‌ها از قبل پیش‌بینی و اعلام می‌شود، اما برخی از بازدیدها می‌تواند به‌طور ناگهانی و بدون اطلاع قبلی صورت بگیرد تا بدین ترتیب، صحنه‌سازی‌ها و اصلاحات سطحی لحظات آخر خنثی شود. در بازرسی‌ها باید به مسائل زیر توجه ویژه‌ای شود: روند پذیرش زندانیان تازه‌وارد، تنبیهات انضباطی و تقاضای تجدیدنظر در مورد آن، نگهداری ساختمان‌ها، مراقبت‌های ارائه‌شده از سوی خدمات بهداشتی، مددرسانی آموزشی و اجتماعی. بازرسی‌ها باید بر گفت‌وگو با زندانیان متکی باشد و آنان بتوانند آزادانه و به‌دور از افراد غیرمعتمد، به سخن‌گفتن دربارهٔ تجربه‌ای که از حبس دارند بپردازند. اگر زندان، بزرگ باشد، بازرسان می‌توانند به‌شکل گروهی کار کنند و هر گروهی مسئول کارکردن در زمینه‌ای باشد که به صلاحیتش مربوط می‌شود.

www.ParsBook.org

گزارش‌های بازرسی

۹. در پایان بازرسی باید یک گزارش کتبی تهیه و به اطلاع وزارتخانه، ادارهٔ زندان و پرسنل زندانی که بازرسی‌شده برسد. زندانبانان ذینفع باید به بحث دربارهٔ گزارش بپردازند و برای رفع نقاط ضعف کشف‌شده توسط بازرس‌ها، راه‌حل‌های اصلی یا موقتی را پیشنهاد نمایند. گزارش‌های بازرسی باید در دسترس عموم مردم باشد، به‌جز توضیحاتی که به مسائل امنیتی مربوط می‌شود، و به شرطی که احتیاطهای لازم برای ناشناخته‌ماندن زندانیان رعایت شود. گزارش‌های بازرسی باید عینی باشند؛ هم نقاط ضعف را نشان دهند و هم نقاط قوت را.

گزارش‌های تخصصی

۱۰. بازرسی از زندان‌ها هر روز بیش از روز پیش توجه سازمان‌های خارج از زندان را به خود جلب می‌کند. زیرا زندان‌ها را نباید از انواع بازرسی‌ها و کنترل‌هایی که امروز جامعهٔ مدنی را شامل می‌شود، معاف دانست. این بازرسی‌ها، به‌عنوان مثال، می‌تواند در رابطه با تأسیسات بهداشتی، قواعد بهداشتی به هنگام تهیهٔ غذا، ارائهٔ مراقبت‌ها، شرایط ایمنی در کارگاه‌ها، شیوه‌های پیشگیری و مبارزه علیه آتش‌سوزی و غیره انجام می‌گیرد.

۱۱. در تمامی زمینه‌ها، بازرسی‌ها عموماً به اعضای سازمان‌های خارج زندان که هرکدام در رشته‌ای خاص تخصص دارند واگذار می‌شود. این بازرس‌ها می‌توانند ــ و در حالت ایده‌آل، باید ــ عضو هیئت‌های بازرسی مشاغل باشند، هیئت‌هایی که به وزارت‌خانه‌ها، اداره‌ها و سرویس‌هایی وابسته هستند که هیچ وجه مشترکی با ادارهٔ زندان ندارند. آموزش و تربیت حرفه‌ای در سازمان‌های خارج زندان که به کسب مدرک تحصیلی معتبر در عرصهٔ کشور می‌انجامد و معمولاً تحت ارزیابی‌های کارشناسان وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد. چنانچه بازرسی‌های مستقل در حداکثر زمینه‌ها صورت بگیرد، این امر کاملاً به نفع ادارهٔ زندان خواهد بود. اگر درخواست‌های بودجه از سوی ادارهٔ زندان بر توصیه‌های کارشناسان مستقل متکی باشد، این درخواست‌ها از بختِ موفقیت بیشتری برخوردار خواهند بود.

بی‌طرفی و استقلال

۱۲. قاعده ۵۵ به‌طور ضمنی مقرر می‌کند که بازرسی‌ها به‌شکل بی‌طرف و مستقل انجام بگیرند. قاعده

www.ParsBook.org

شمارهٔ ٤ مقررات اروپایی زندان‌ها تقریباً با جملات مشابهی بر اهمیت استقلال بازرسی‌ها تأکید می‌کند. کارآیی و اعتبار سرویس بازرسی به میزان استقلال این سرویس از ادارهٔ زندان و انتشار مداوم نتایج بررسی‌ها بستگی دارد.

۱۳. استفاده از بازرسان صلاحیت‌دار و با تجربه، تا حدّی می‌تواند ضامن استقلال باشد. اگر بازرسان در مقابل یک فرد یا یک سازمان مستقل و یا یک مرجع مافوق مستقل از ادارهٔ زندان مسئول باشند، میزان استقلال بازرسی‌ها بیشتر خواهد بود. در کشورهایی که بازرسان مجبورند در مقابل وزیر پاسخگو باشند و نه در مقابل مدیر ادارهٔ زندان، میزان استقلال بازرسی‌ها بیشتر است. وقتی در زمینهٔ نقض حقوق زندانیان، پرونده‌ای به یک دادگاه ارجاع می‌شود، قضات می‌توانند شخص معتمدی را مسئول نظارت بر اجرای تصمیم‌های قضایی کنند، و این شخص باید گزارش مربوطه را به دادگاه ارائه دهد. عموماً، یک میانجی قضایی باید مسئول بازدید مداوم از زندان‌ها باشد و وقتی ادارهٔ زندان‌ها متهم به ناتوانی می‌شود فرد مذکور باید حقیقت را کشف نماید. این میانجی باید مراقب رعایت حقوق بشر در قبال زندانیان باشد. اعضای مجلس و کمیسیون‌های ذیصلاح پارلمانی باید به شرایط زندگی در زندان توجه نشان دهند و به بازرسی‌های مداوم از زندان‌ها بپردازند.

١٤. در بسیاری از کشورها، از مدت‌ها پیش کمیسیون‌های نظارتی وجود دارد که مسئول رسیدگی به زندانی خاص هستند و مرتباً از آنجا بازدید به‌عمل می‌آورند و هربار با دقت به شکایات زندانیان توجه می‌کنند. این کمیسیون‌ها اغلب تحت ریاست یک حقوق‌دان قرار دارند و شامل اعضایی صلاحیت‌دار و باتجربه هستند که به انجام شغلی خاص در ارتباط با زندان مشغولند. در کشورهای دیگر، یک قاضی متخصص در زمینه اجرای احکام می‌تواند مسئول بازرسی‌ها گردد.

۱۵. این خطر واقعاً وجود دارد که با گذشت زمان، افراد و سازمان‌های مسئول بازرسی به‌طرز کمابیش مصلحتی برگزیده شوند و روابط تنگاتنگی با ادارهٔ زندان برقرار نمایند، بدین‌ترتیب، بازرس‌ها به هنگام ارزیابی اصول و اقدامات در زندان، استقلال واقعی خود را از دست می‌دهند. مأنوس‌شدن بیش از حد با محیط زندان و مأموران آن و کسب دوبارهٔ «عادات قدیمی» باعث خواهند شد تا بازرس‌ها از شرایط ناگوار حبس اظهار رضایت کنند. برای جلوگیری از این امر، لازم است که بازرسی‌ها طوری سازماندهی شود که فقط شامل بازدیدهای معمولی و رسمی نباشد و همچنین لازم است که سازمان‌های مستقل‌تر بتوانند بر زندان نظارت کنند.
هیئت‌های مختلف بازرسی باید به مبادلهٔ گزارش با یکدیگر بپردازند، به‌طوری که هریک از آنها بتوانند از نظرات دیگری استفاده نمایند.

www.ParsBook.org

دخالت و نقش سازمان‌های غیردولتی، افراد و گروه‌های غیررسمی

۱۶. بازرسی‌ها نباید به قلمرو دائمی یک هیئت منحصربه‌فرد و سازمان‌های رسمی حرفه‌ای تبدیل شود. باید اشخاص و سازمان‌هایی که از نهاد زندان استقلال کامل دارند به فهرست بازرسی‌کنندگان افزوده شوند. ممکن است که بازدیدکننده‌ها از زندان به موارد از بی‌عدالتی و یا بدرفتاری برخورد کنند، مواردی که هرچه سریع‌تر باید متوقف شوند. سازمان‌های غیردولتی‌ای که با مسئلهٔ زندان سروکار دارند، تجربهٔ طولانی‌مدتی در سراسر جهان در زمینهٔ بهبود شرایط زندگی در حبس، کسب کرده‌اند؛ این سازمان‌ها نقش مهمی در بررسی نحوهٔ اجرای قوانین و مقرراتِ عادلانه در زندان دارند، و نیز بررسی این امر که شرایط حبس تا چه حدّ باRMT ها و دیگر اسناد مربوط به حقوق بشر منطبق است. این سازمان‌ها با بازدید از زندان‌ها و با جمع‌آوری اطلاعات از زندانیان فعلی، زندانیان سابق و زندانبانان، می‌توانند یک ذخیرهٔ اطلاعاتی مناسب در زمینهٔ جوّ حاکم بر یک زندان، شرایط عادی زندگی در حبس و رفتارهای روزمرهٔ مأموران، تهیه نمایند. دخالت سازمان‌های غیردولتی در بازرسی از زندان‌ها می‌تواند به کاهش یا قطع روند استقلال‌زدایی از بازرسان بیانجامد، بازرسانی که درپی انتخاب‌شدن به شکل مصلحتی و طبق عرف اداری، به همدستان ادارهٔ زندان تبدیل شده‌اند.

توجه ویژه به افراد آسیب‌پذیر

۱۷. بازرس‌ها باید به زندانیان آسیب‌پذیر، مانند بیماران روانی، خارجیان (به‌ویژه وقتی زبان کشور میزبان را نمی‌دانند) و پناهندگان، توجه ویژه‌ای مبذول کنند. آنان به هنگام بازرسی باید با این گروه از زندانیان به ملاقات و گفت‌وگو بپردازند و احتمال بدرفتاری با آنان را بررسی نمایند؛ بازرس‌ها باید در پی کشف این موضوع باشند که آیا قبل از آغاز بازدید آنها، زندانیان تحت فشار قرار گرفته‌اند و آیا ممکن است که پس از افشاگری‌های‌شان قربانی انتقام‌جویی شوند.

بازرسی‌های بین‌المللی

۱۸. امکانات جدیدی برای بازرسی‌های بین‌المللی به‌وجود آمده است، بازرسی‌هایی که مسائل خاصی را دربرمی‌گیرند. پیش از این به قدیمی‌ترین نوع بازرسی‌های بین‌المللی در پاراگراف ۷ اشاره کردیم، یعنی بازرسی‌های که از سوی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب‌سرخ به هنگام بروز مناقشه‌های مسلحانه انجام می‌گیرد: طبق مادهٔ ۱۲۶ سومین کنوانسیون ژنو و مادهٔ ۱۴۳ چهارمین کنوانسیون ژنو (هردو کنوانسیون در سال

www.ParsBook.org

۱۹٤۹ به امضأ رسیده‌اند)، کمیتهٔ بین‌المللی صلیب‌سرخ این قدرت را دارد که از تمامی مکان‌های نگهداری، حبس و کار اجباری بازدید کند و به‌طور خصوصی با زندانیان گفت‌وگو نماید؛ این کمیته (طبق مادهٔ ۳ که در کنوانسیون‌ها مشترک است) می‌تواند به طرف‌های درگیر در یک جنگ داخلی خدمات ارائه دهد و با زندانیان سیاسی ملاقات کند؛ و سرانجام این کمیته می‌تواند طی انواع برخوردهای خشونت‌آمیز و اختلافات بین‌المللی که در کنوانسیون‌های ژنو پیش‌بینی نشده‌اند، اما در مادهٔ ۵ اساسنامهٔ کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ و جنبش صلیب سرخ که به امضای برخی کشورها رسیده مورد تأکید قرار گرفته‌اند، به دیدار با زندانیان بپردازد.

۱۹. انتصاب یک گزارشگر ویژه از سوی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ که مسئول بازدید از مکان‌های حبس و بررسی مسایل مربوط به شکنجه است، پیشرفت بزرگی در این زمینه محسوب می‌شود. گزارشگر باید اطلاعات موثق دربارهٔ شکنجه را جمع‌آوری کند و بلافاصله واکنش نشان دهد؛ سپس او اطلاعات گردآوری‌شده را به دولت ذینفع ارائه می‌دهد که هدف از آن، «تضمین حفاظت از حقوق افراد مبنی بر سالم‌ماندن وضعیت جسمی و روحی آنان است» (سند شمارهٔ ٤ سازمان ملل). گزارشگر می‌تواند به تحقیق دربارهٔ حوادث اتفاق‌افتاده در تمامی کشورهای عضو سازمان ملل بپردازد و مهم نیست که کشوری کنوانسیون علیه شکنجه (مصوب ۱۹۸٤ و قابل اجرا از سال ۱۹۸۷) را امضأ کرده باشد یا خیر. سازمان ملل همچنین یک کمیتهٔ مبارزه علیه شکنجه را تأسیس کرده است که مسئول مطالعهٔ گزارش‌های کشورهای امضأکنندهٔ کنوانسیون [علیه شکنجه است، گزارش‌هایی که دربارهٔ تدابیر اتخاذشده برای جلوگیری از شکنجه یا شرایط حبسی که با شکنجه قابل مقایسه است از سوی کشورها منتشر می‌شود. اگر این کمیته اطلاع یابد که یکی از کشورهای امضأکنندهٔ کنوانسیون اعمال غیرقابل‌قبول در زندان‌ها انجام می‌دهد، باید موضوع را مورد تحقیق و تفحص قرار دهد.

جلوگیری از شرایط زیانبار برای زندانیان

۲۰. اختیارات گزارش‌گران ویژه و کمیتهٔ مبارزه علیه شکنجه، محدود است، بدین معنی که آنها مسئول تحقیق برای حل‌وفصل اعمال شکنجه‌آمیز نیستند: آنها فقط پس از وقوع شکنجه کار خود را آغاز می‌کنند. بدین‌ترتیب، یکی از اهداف مهم بازرسی‌ها که پیشگیری از شرایط خطرناک برای زندانیان است، عملاً غیرقابل تحقق می‌شود. سازمان ملل به بحث دربارهٔ تأسیس یک کمیتهٔ فرعی علیه شکنجه پرداخته است که اختیارات آن مشابه کمیتهٔ اروپایی پیشگیری از شکنجه باشد، و صلاحیت انجام بازرسی‌هایی را به منظور پیشگیری از اِعمال شکنجه، داشته باشد. تأسیس این کمیته فرعی تاکنون در مرحلهٔ طرح باقی مانده است.

۲۱. کمیتهٔ اروپایی پیشگیری از شکنجه و هر نوع مجازات یا رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز طبق

www.ParsBook.org

کنوانسیون اروپایی که به امضأ ۲٤ کشور اروپایی رسیده، تأسیس شده است، این کشورها متعهد شده‌اند که به اعضای کمیته اجازه دهند آزادانه به مکان‌های حبس رفت‌وآمد کنند، و بازدیدها می‌توانند از پیش اعلام شود یا بدون اطلاع قبلی باشد. هدف از بازدیدها، ارزیابی کلی شرایط حبس (به‌جای گوش‌دادن به شکایات فردی) و پیشگیری یا کشف موارد احتمالی غیرانسانی یا غیرعادلانه در شرایط حبس است.

۲۲. این کمیته از اعضای دائمی تشکیل می‌شود، و اعضای آن از میان «شخصیت‌های اخلاقی و مشهور به داشتن صلاحیت در زمینهٔ حقوق بشر یا داشتن تجربهٔ حرفه‌ای در زمینه‌های ذکرشده در کنوانسیون (مادهٔ ٤)، انتخاب می‌گردند.» کارشناسان جزایی توسط اعضای دائمی کمیته انتخاب می‌شوند، کارشناسانی که در امر بازدیدها کمیته را یاری می‌کنند. در پایان هر بازدید، گزارشی به دولت ذینفع ارائه می‌شود. این گزارش، فهرستی از جنبه‌های مثبت و بهبودهای حاصله از زمان بازدید قبلی به این سو، و نیز اصلاحاتی که باید انجام گیرد را ارائه می‌دهد. دولت ذینفع در دو مرحله می‌تواند پاسخ دهد: بلافاصله تفسیری از گزارش را ارائه کند؛ و شرحی از اقدامات انجام‌شده برای رفع نقایصی که در گزارش کمیته ذکر شده، تهیه نمایند. گزارش باید محرمانه باشد، مگر آنکه دولت ذینفع با انتشار آن موافقت نماید ـــ و تاکنون این‌گونه بوده است.

۲۳. کنوانسیون اروپایی به کمیتهٔ مذکور قدرت نداده است که دولتی را ملزم به اجرای این یا آن اصلاحات بکند. طبعاً، وقتی کشورها کنوانسیون را به تصویب رسانده‌اند، درواقع نشان داده‌اند که علاقمند به اجرای توصیه‌های کمیته خواهند بود. اگر در بدترین حالت، کشوری از اجرای توصیه‌های کمیته خودداری کند، کمیته می‌تواند گزارش خود را در قالب بیانیهٔ عمومی منتشر نماید و این مسئله تاکنون یک بار اتفاق افتاده است. وجود کمیسیون اروپایی و کمیتهٔ پیشگیری، باعث شده است که پیشرفت‌های مهمی در عرصهٔ بازرسی‌های بین‌المللی به‌عمل آید. باید امیدوار بود که این سیستم، تحت هدایت و اختیارات سازمان ملل، به تمامی جهان گسترش یابد. افراد و سازمان‌های غیردولتی باید در جهت تسریع ایجاد کمیتهٔ فرعی سازمان ملل علیه شکنجه، مشابه نسخهٔ اروپایی آن، وارد عمل شوند.

پیشرفت‌های حاصله

۲٤. بازرسی‌ها، همان‌گونه که گفته شد، می‌تواند از سوی ادارهٔ زندان صورت گیرد یا خیر، رسمی باشد یا غیررسمی و ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی باشد. شیوه‌های بازرسی هرکدام متفاوت اما مکمل یکدیگر هستند. ماهیت بازرسی‌ها هرچه باشد، بازرسی‌ها باید بی‌طرفانه و به‌طور مستقل کار خود را انجام دهند. توصیه‌هایی که درپی یک بازرسی ارائه می‌شود الزاماً باید به‌صورت اقدامات مناسب به‌اجرا درآید و در صورت لزوم می‌تواند به اصلاح قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌ها و نیز اصلاح رفتار یا نوع آموزش پرسنل

www.ParsBook.org

منتهی شود. زمانی‌که موارد وخیمی از سوءِرفتار مشاهده گردد، یک اقدام قضایی یا یک تفحص انضباطی می‌تواند علیه مسئولان انجام گیرد.

۲۵. قاعده ۵۵ مقرر می‌کند که یکی از اهداف بازرسی‌ها باید کمک به تحقق اهداف ادارهٔ زندان باشد. لذا کارمندان زندان باید از اهمیت بازرسی‌ها مطلع گردند، بازرسی‌هایی که درواقع ابزار لازم برای رسیدن به سطح مطلوب در زمینهٔ اجرای استانداردهای اصلی رفتار با زندانیان هستند، ازجمله استانداردهایی که در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر قید شده‌اند. کارمندان زندان باید بتواند از محتوای گزارش‌های بازرسی مطلع گردند، دربارهٔ نتایج گزارش‌ها به بحث بپردازند و در تحقق اصلاحات لازم مشارکت نمایند. در گزارش‌ها ممکن است از کارمندان زندان به‌خاطر کیفیت مطلوب کار آنها تمجید به‌عمل آید. گزارش‌های بازرسی به‌هیچ‌وجه نباید اعتراض و مقاومت کارمندان زندان را برانگیزد و یا موجب اعمال تنبیه علیه زندانیانی بشود که شکایت خود را مطرح کرده‌اند. گزارش‌های بازرسی درواقع شاخص‌های باارزشی برای ادارهٔ زندان هستند که نقاط قوت و نقاط ضعف سیستم زندان را که ادارهٔ زندان مسئول آنهاست نشان می‌دهند؛ این گزارش‌ها هم در عرصهٔ محلی و هم در عرصهٔ ملی، می‌تواند توجیه مناسبی برای درخواست اعتبارات بیشتر از سوی ادارهٔ زندان باشد.

انتشار گزارش‌های بازرسی

۲۶. اهمیت بازرسی‌ها نباید کمتر از واقعیت آنها ارزیابی شود، هرچند که فقط در یکی از RMT های نودوپنج‌گانه به آنها اشاره شده است. گزارش‌های بازرسی منبع مهمی برای کسب اطلاعات بی‌طرفانه دربارهٔ عملکرد یک نظام حبس است. این اسناد باید در سطح گسترده‌ای منتشر شود، به‌طوری که مسئولان سیاسی، کارمندان زندان و زندانیان و نیز عموم مردم بتوانند آگاهی دقیقی از عملکرد این نهاد به‌دست آورند، نهادی که براساس منافع همگان تأسیس شده است.

www.ParsBook.org

فصل نهم

رویهٔ قضایی در زمینهٔ مقررات سازمان ملل

مقدمه

۱. کتاب حاضر برمبنای حقوق بشر و مقررات لازم برای اجرای آنها، آن‌گونه که در مجموعه اسناد سازمان ملل ذکر شده، شکل گرفته است.

سازمان ملل متحد از هنگام تأسیس، درصدد توسعهٔ رفتار انسانی با زندانیان بوده است. بیانیهٔ جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹٤۸ به تصویب رسید در مادهٔ پنج خود هر نوع شکنجه و مجازات یا رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز را ممنوع کرده است (ماده ۵). این بیانیه از آن هنگام به‌بعد توسط کنوانسیون‌ها، پیمان‌ها و قطعنامه‌های متعددی تکمیل شده است، از جمله مجموعه مقررات حداقل برای رفتار با زندانیان (RMT ها) که در سال ۱۹۵۵ به تصویب رسید و به شرایط زندگی و نحوهٔ رفتار با زندانیان اختصاص دارد. این RMT ها به‌هنگام تصویب، به هدف تبدیل‌شدن به یک پیمان یا کنوانسیون بین‌المللی تهیه نشده بودند. آنها را می‌توان متون تکمیلی برای کنوانسیون‌های بین‌المللی عمومی تلقی کرد. RMT ها نیز به‌نوبهٔ خود توسط اسناد دیگر سازمان ملل تکمیل شده‌اند، اسنادی که به تعریف و تعیین شرایط حبس و نحوهٔ رفتار با زندانیان پرداخته‌اند و مقررات یا حقوق جدیدی برای زندانیان وضع کرده‌اند. مهم‌ترین اسناد در این زمینه عبارتند از:

ــ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب سال ۱۹۶۶ (به‌ویژه بخش ۳ آن)؛

www.ParsBook.org

ــ کنوانسیون مبارزه علیه شکنجه و هر نوع مبارزات یا رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز، مصوب ۱۹۸٤؛
ــ مجموعهٔ اصول حفاظت از افرادی که به نحوی از انحأ در بازداشت یا حبس به‌سر می‌برند، مصوب ۱۹۸۸؛
ــ اصول اساسی رفتار با زندانیان، مصوب ۱۹۹۰.
برخی سازمان‌های تخصصی بین‌المللی نیز به تدوین آیین‌نامه‌های شغلی پرداخته‌اند و مقرراتی را برای انجام شغل مربوطه در زندان وضع کرده‌اند.

برد و دامنهٔ اجرای RMT ها

۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اهمیت خاصی دارد. این میثاق به ممنوعیت شکنجه و دیگر مجازات و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز (ماده ۷) اکتفا نمی‌کند، بلکه حکم می‌دهد که با هر فردی که از او سلب آزادی شده، باید با انسانیت و رعایت شئون انسانی رفتار شود (مادهٔ ۱۰/۱). کمیته‌ای که مادهٔ ۱۰ را وضع کرده، مقرر نموده است که RMT ها باید توسط کشورهای امضأکنندهٔ میثاق به‌طور کامل رعایت شود، هرچند که در متن میثاق رجوع مستقیمی به RMT ها وجود ندارد. کمیتهٔ حقوق بشر که مسئول اجرای میثاق بین‌المللی است، به هنگام تفسیر مادهٔ ۱۰ متناوباً به RMT ها رجوع می‌کند.

۳. سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی از طریق کتاب حاضر قصد دارد نشان دهد که یک رویهٔ عملی در زندان زمانی قابل پذیرش است که از اسناد سازمان ملل در باب زندان‌ها و به‌ویژه از RMT ها الهام گرفته باشد. کتاب «رویه عملی در زندان» فقط تفسیر ساده‌ای از این اسناد نیست: این کتاب، در چارچوب RMT ها (که نظام‌مندترین و موجزترین متن حقوق بین‌المللی در زمینهٔ زندان‌ها هستند)، طرحی را پیرامون رویهٔ عملی مناسب در زندان‌ها، در این واپسین سال‌های قرن بیستم، ارائه می‌دهد. کارشناسانی که در نگارش این کتاب مشارکت داشته‌اند، به‌طور متفق القول اذعان دارند که مقررات حداقل ذکرشده در RMT های سال ۱۹۵۵، اکنون کارآیی لازم را ندارند و عموماً برخی مقررات جنبه‌ای موقتی دارند، و سرانجام، کتاب حاضر، چندین راهکار را به اغلب کشورها نشان می‌دهد تا بتوانند این مقررات را علیرغم کمبود منابع مالی به‌اجرا درآورند.

٤. کتاب رویه عملی در زندان به برخی مقررات ویژه تأکید کرده است، مقرراتی که از سوی جامعه بین‌المللی به‌طور متفق‌القول به رسمیت شناخته شده و دارای اعتبار می‌باشد. RMT ها جوهری قابل انعطاف دارند، لذا آنها از قدرت بی‌قید و شرطی برای تعیین استانداردها برخوردار هستند. دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که قصد پیوستن به RMT ها و اسناد بین‌المللیِ مربوط به آنها را دارند نمی‌توانند

www.ParsBook.org

مدعی شوند که برخی از این مقررات برای آنها قابل اجرا نیست.

۵. مقررات نود وچهارگانه و اصلی RMT ها هیچ‌گاه اصلاح نشده‌اند. این مقررات در سال ۱۹۵۷ از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مورد تأیید قرار گرفته‌اند و بیست سال بعد از آن قاعده تکمیلی ۹۵ به آنها اضافه شده است که دامنهٔ RMT ها را به افرادی که بدون محکومیت بازداشت یا حبس شده‌اند گسترش می‌دهد. لذا RMT ها تمامی مکان‌های بازداشت را دربرمی‌گیرند و فقط مخصوص زندان، به‌معنای دقیق کلمه، نیستند.
از هنگام تصویب RMT ها در سال ۱۹۵۵، توافقات منطقه‌ای و بین‌المللی مختلفی آنها را مورد تأیید قرار داده است. این مقررات در برخی از کشورها اساس سیاست جزایی را تشکیل می‌دهد، کشورهایی که مقررات مذکور را در مجموعه قوانین جزایی، رویه قضایی و آیین‌نامه‌های زندان گنجانده‌اند.
هدف کتاب حاضر، جمع‌آوری دانش و تجربیاتِ مربوط به اجرای RMT ها است تا بدین وسیله تمامی نظام‌های حبس در سراسر جهان از آن الهام بگیرند و آن را مورد استفاده قرار دهند.

جایگاه RMT ها

۶. RMT ها طی سالیان گذشته به‌وسیلهٔ توافقات تخصصی بین‌المللی تکمیل شده‌اند. مجموعه مقررات حداقل سازمان ملل دربارهٔ رویهٔ قضایی در قبال اطفال (مقررات بیجینگ)، که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۵ مورد تصویب قرار گرفته است، به قدرت قضایی RMT ها اشاره می‌کند و (قاعده ۹/۱) آن حکم می‌کند که هیچ‌یک از تمهیدات ذکر شده در مقررات بیجینگ نباید مانع از اجرای مجموعه مقررات حداقل سازمان ملل برای رفتار با زندانیان باشد، مقرراتی که توسط سازمان ملل و قوانین مربوط به حقوق بشر مورد تصویب قرار گرفته است و جامعه بین‌المللی آن قوانین مربوط به حقوق بشر را به رسمیت شناخته است (قطعنامهٔ ٤٠/٣٣ مجمع عمومی، ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵). در سال ۱۹۹۰، مجمع عمومی به مناسب تصویب اصول اساسی رفتار با زندانیان، مجدداً به‌طور مستقیم‌تری بر RMT ها مهر تأیید زده است. مجمع عمومی به‌ویژه تأکید کرده است: RMT ها که توسط اولین کنگرهٔ پیشگیری از جرم و رفتار با بزهکاران به تصویب رسیده‌اند، از اعتبار بالایی برخوردارند و باید الهام‌بخش سیاست جزایی و رویهٔ عملی در زندان‌ها باشند (قطعنامهٔ ٤٥/١١١ مجمع عمومی، ١٤ دسامبر ۱۹۹۰).

۷. RMT ها از سوی مراجع قضایی بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده‌اند. دیوان اروپایی حقوق بشر، به هنگام اعلام اولین احکام خود (مثلاً در پروندهٔ یونان)، در تفسیر مادهٔ ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اصول اساسی که شکنجه و دیگر مجازات و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز را ممنوع می‌سازند، مستقیماً به RMT ها رجوع کرده است. بدین ترتیب، مقررات اروپایی در زمینهٔ زندان‌ها، به کمک RMT

www.ParsBook.org

های سازمان ملل پالایش شده‌اند. دادگاه‌های برخی از کشورها مانند سوییس، آفریقای جنوبی و ایالات متحده چندین بار RMT ها را به‌کار بسته‌اند. یک دادگاه در ایالات متحده به هنگام بررسی پروندهٔ لارو علیه مانسون507) supp (1177 در سال ۱۹۸۰ چنین توضیح داده است: «تراکم جمعیت زیاد در زندان‌ها با مقررات بنیادین مربوط به شئون انسانی مغایرت دارد [...] لذا این پدیده با مجموعه مقررات حداقل برای رفتار با زندانیان که توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده، ناسازگار است، مقررات مذکور بخشی جدایی‌ناپذیر از مجموعهٔ اصول بین‌المللی در امر حقوق بشر است، اصولی که همهٔ کشورها را ملزم می‌کند تا از مقررات مربوط به رفتار احترام‌آمیز و انسانی پیروی نمایند.»

۸. RMT ها در اثر این تأییدها، به جایگاه خاصی در توافقات بین‌المللی مربوط به آیین دادرسی جزایی دست یافته‌اند. به هنگام تفسیر کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، رجوع به RMT ها اجتناب‌ناپذیر است و این مقررات حداقل باید به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از قوانین بین‌المللی در زمینه حقوق بشر به رسمیت شناخته شوند.

تفسیر RMT ها

۹. تأیید عمومی RMT ها که به آن اشاره کردیم، بدین معنی نیست که هر مقرره خود به تنهایی دارای قدرت قضایی است. RMT ها این نوع تفسیر را رد می‌کنند. باید تکرار کرد که ملاحظات مقدماتی ذکرشده در قواعد ۱ الی ٤ اظهاراتی هستند که راجع به تمامی RMT ها بیان شده‌اند.

قاعده ۱

مقرراتی که درپی می‌آیند قصد ندارند جزئیات یک نظام حبس الگو را ترسیم کنند. هدف مقررات مذکور آن است که با الهام از مفاهیم عموماً پذیرفته‌شده در دوران معاصر و نیز با الهام از مناسب‌ترین عناصر بنیادین نظام‌های معاصر، اصول و مقررات مربوط به سازماندهی مناسب زندان‌ها و نحوهٔ رفتار با زندانیان را پی افکنند.

قاعده ۲

واضح است که تمامی مقررات را نمی‌توان در هر مکان و هر زمانی به‌اجرا درآورد، زیرا شرایط قضایی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی در سراسر جهان تنوع بسیاری دارد. با این حال، تلاش‌هایی دائمی برای اجرای این مقررات باید انجام گیرد و همواره این موضوع مدّنظر باشد که مقررات مذکور، در کلیت خود، حداقل شرایط پذیرفته شده توسط سازمان ملل را ارائه می‌دهند.

قواعد ۳

از سوی دیگر، این مقررات به قلمروئی مربوط می‌شوند که در آن، اندیشه در حال تحول دائم است. این

www.ParsBook.org

مقررات قصد ندارند امکان استفاده از تجربیات و اقدامات را منتفی جلوه دهند، امّا این تجربیات و اقدامات باید با اصول و اهداف نهفته در متن مجموعه مقررات هماهنگ باشد. طبق این طرز تلقی، ادارهٔ مرکزی زندان از مبنای لازم برای مجازکردن برخی استثناها در مقررات برخوردار می‌شود.

قاعده ٤ــ(١)

اولین بخش از مجموعه مقررات به ادارهٔ عمومی زندان‌ها مربوط می‌شود و برای تمامی گروه‌های زندانی، محبوسان جنایی یا مدنی، افراد متهم یا محکوم، و زندانیانی که بنا بر تدابیر امنیتی یا تأدیبی به دستور قاضی در حبس به‌سر می‌برند، قابل اجرا هستند.

(٢)

بخش دوم شامل مقرراتی است که فقط برای گروه‌های خاصی از زندانیان، که در هر قسمت مشخص شده‌اند، قابل اجراست. با این حال مقررات قسمت الف که برای محکومان قابل اجرا هستند، همچنین دربارهٔ زندانیان ذکر شده در قسمت‌های ب، ج و د نیز قابلیت اجرایی دارند، به‌شرطی که با مقررات خاص مربوط به آن گروه از زندانیان در تضاد نبوده و برای آنان سودمند باشد.

(برای توضیح قاعده ٤، باید تصریح کنیم که RMT ها با یک مقدمه ــ موسوم به ملاحظات مقدماتی ــ آغاز می‌شوند که اهداف و ساختار RMT ها را به اختصار توضیح می‌دهد. لذا مجموعهٔ مقررات شامل این قسمت‌هاست: ملاحظات مقدماتی (قاعده ١ الی ٥)، بخش اول که به مقررات عمومی اختصاص دارد، و بخش دوم که مقررات قابل اجرا برای گروه‌های خاص زندانیان که الف، ب، ج و د نامیده شده‌اند را توضیح می‌دهد.)

١٠. محدودیت‌های نهفته در ملاحظات مقدماتی نیاز به سه نوع توضیح دارد:

الف) ملاحظات مقدماتی یکی از این محدودیت‌ها را به‌وضوح اعلام می‌کند. قاعده ٣ استفاده از تجربیات را مجاز می‌داند امّا به‌شرطی که این تجربیات با اصول و اهداف برآمده از متن مجموعهٔ مقررات هماهنگ باشند. همچنین وقتی قاعده ٢ امکان سازگاری با این مقررات را پیش‌بینی می‌کند و با توجه به تنوع «شرایط» در جهان به برشمردن این شرایط می‌پردازد، درواقع به‌طور ضمنی اذعان می‌کند که تعداد این شرایط، محدود است و تفاوت در اجرای مقررات باید بوضوح ناشی از وجود این یا آن شرایط خاص باشد.

ب) ساختار مجموعهٔ RMT ها طوری است که می‌توان مقررات مربوط به محورهای عمومی را از مقررات کاربردی تشخیص داد و مقررات کاربردی نیز به‌نوبهٔ خود یا برای عموم زندانیان قابل اجرا هستند و یا برای بخش خاصی از آنان. قاعده ٦ــ(١) نمونهٔ خوبی از مقرراتی است که خود اصل عمومی محسوب می‌شود: این بند به لزوم اجرای مقررات به‌طور بی‌طرف تأکید می‌کند و مقرر می‌سازد که نوع رفتار با زندانیان نباید براساس پیشداوری‌ها متفاوت باشد، به‌ویژه پیشداوری‌هایی که به نژاد، جنسیت، رنگ پوست، زبان، مذهب مربوط می‌شود و یا ناشی از افکار سیاسی یا هر عقیدهٔ دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، ثروت، محل تولد و یا هر شرایط دیگر است. این اصل نمی‌تواند با تجربه مورد اشاره ملاحظات

www.ParsBook.org

مقدماتی تغییر یابد، به معنای دیگر، تجربیات تبعیض‌آمیز، توسط RMT ها در ماده ۶ـ(۱) ممنوع اعلام شده است. مقرراتی که حاوی توصیه‌های اکید هستند و به گروه‌های خاصی از زندانیان مربوط می‌شوند در فصل‌های گذشته مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. ما در اینجا بر نحوهٔ جمله‌بندی مقررات مذکور تأکید می‌کنیم. به‌عنوان مثال، بند ۳۱ پیش‌بینی می‌کند که برخی تنبیه‌ها «کاملاً ممنوع» هستند، و بدین‌وسیله تصریح می‌کند که ممنوعیت جنبه‌ای مطلق دارد و از موارد محدودیت‌هایی که در ملاحظات مقدماتی ذکرشده، نیستند.

ج) وقتی که مقرره‌ای خاص توسط دیگر تمهیدات ملی و بین‌المللی مورد پشتیبانی و تأیید اکید قرار گرفته است، محدودیت‌های ذکرشده در ملاحظات مقدماتیRMT ها، مناسبت خود را از دست می‌دهند. در این کتاب چندین نمونه از توافقات بین‌المللی ذکرشده کهRMT ها را توسعه و تقویت می‌کنند. مثلاً در زمینهٔ مراقبت‌های پزشکی از زندانیان چنین حالتی وجود دارد.۵۹ همچنین، وقتی که یک مجموعه قوانین جزایی از RMT ها الهام می‌گیرد، هردو یکدیگر را به‌طور متقابل تقویت می‌کنند و محدودیت‌های ذکرشده در ملاحظات مقدماتی وجاهت خود را از دست می‌دهد. همچنین قاعده RMT۱۰ ها پیش‌بینی می‌کند که مکان‌های اختصاص‌یافته به اسکان شبانهٔ زندانیان باید نیازهای بهداشتی، به‌ویژه حداقل مساحت لازم برای خواب، را تأمین نمایند.۶۰ واضح است که این مقتضیات طبق شرایط جغرافیایی (آب و هوایی) تغییر می‌کند و در ابعادی کوچک‌تر به شرایط اجتماعی کشور مربوط می‌شود. نتیجه عملی چنین تفاوت‌هایی آن است که استانداردهای حداقل مساحت از کشوری به کشور دیگر می‌تواند متفاوت باشد، با این شرط ضروری که تمامی نیازهای بهداشتی زندانیان برآورده شود و این امر درواقع هدف اساسی بند ۱۰ است که محدودیت‌های ذکرشده در قواعد ۱ الی ۳ را مجاز نمی‌داند. ضمناً، وقتی که مقررات ملی (حداقل مساحت در سطح زمین برحسب مترمربع) دقیقاً تعیین شده باشد، این مقررات باید به‌شکل بی‌طرف به‌اجرا درآیند و توجه شود که در قاعده ۶ بر لزوم بی‌طرفی تأکید شده است.

وضعیت خاص اطفال

۱۱. از هنگام تصویبRMT ها در سال ۱۹۵۵، توافقات بین‌المللی مختلفی دربارهٔ حبس اطفال به امضأ رسیده است. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: مجموعه مقررات حداقل سازمان در زمینهٔ مدیریت دادرسی برای اطفال (مقررات بجینگ، قطعنامه ۴۰/۳۳ مجمع عمومی سازمان ملل)، اصول محوری سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری جوانان (اصول محوری ریاض، قطعنامهٔ ۴۵/۱۱۲ مجمع عمومی) و مقررات سازمان ملل برای حفاظت از اطفالی که از آنها سلب آزادی شده است (قطعنامهٔ ۴۵/۱۱۳ مجمع عمومی). تدابیر ویژهٔ مربوط به رفتار با خردسالان زندانی می‌توانست بخش مجزایی از این کتاب را تشکیل دهد. اما ما به ذکر چند نکته اکتفا می‌کنیم. آخرین بند از بخش ملاحظات مقدماتی (بند ۵ RMT ها) حکم می‌کند

www.ParsBook.org

که RMT ها، هرچند به مقررات مربوط به زندان‌های خردسالان نمی‌پردازند، اما در چنین زندان‌هایی قابل اجرا هستند. بند مذکور همچنین خاطرنشان می‌کند که اصولاً خردسالان نباید حبس شوند.

قاعده ۵ـ(۱)

این مقررات قصد ندارند ساختار زندان‌های ویژهٔ جوانان بزهکار (مانند دارالتأدیب‌ها و غیره) را مشخص نمایند. با این حال، به‌طور کلی، اولین بخش از مجموعه مقررات را می‌توان در چنین زندان‌هایی قابل اجرا دانست.

(۲)

گروه زندانیان جوان در هر صورت باید شامل اطفالی باشد که تحت اختیار محاکم قضایی ویژه کودکان قرار دارند. طبق قاعدهٔ عمومی، این جوانان بزهکار نباید به مجازات حبس محکوم شوند.

www.ParsBook.org

ضمیمه‌ها

مجموعه مقررات حداقل برای رفتار با زندانیان (RMT ها)

این مجموعه مقررات در اولین کنگرهٔ سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم و کار اجباری بزهکاران که در سال ۱۹۵۵ در ژنو برگزار شد به تصویب رسیده است و توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در قطعنامه‌های)663 (XXIV مورخ ۳۱ ژوییه ۱۹۷۵ و)2076 (LXII مورخ ۱۳ مه ۱۹۷۷ مورد تأیید قرار گرفته است.

ملاحظات مقدماتی

۱. مقرراتی که درپی می‌آیند قصد ندارند جزئیات یک نظام حبسِ الگو را ترسیم کنند. هدف مقررات مذکور آن است که با الهام از مفاهیم عموماً پذیرفته‌شده در دوران معاصر و نیز با الهام از مناسب‌ترین عناصر بنیادین نظام‌های معاصر، اصول و مقررات مربوط به سازماندهی زندان‌ها و نحوهٔ رفتار با زندانیان را پی افکنند.

۲. واضح است که تمامی مقررات را نمی‌توان در هر مکان و هر زمانی به اجرا درآورد، زیرا شرایط قضایی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی در سراسر جهان تنوع بسیاری دارد. با این حال، تلاش‌هایی دائمی برای اجرای این مقررات باید انجام گیرد و همواره این موضوع مدّنظر باشد که مقررات مذکور، در کلیت خود، حداقل شرایط پذیرفته‌شده توسط سازمان ملل را ارائه می‌دهند.

۳. از سوی دیگر، این مقررات به قلمروی مربوط می‌شوند که در آن، اندیشه در حال تحول دائمی است. این مقررات قصد ندارند امکان استفاده از تجربیات و اقدامات را منتفی جلوه دهند، اما این تجربیات و اقدامات باید با اصول و اهداف نهفته در متن مجموعه مقررات هماهنگ باشد. طبق این طرز تلقی، ادارهٔ مرکزی زندان از مبنای لازم برای مجازکردن برخی استثناها در مقررات برخوردار می‌شود.

٤ ــ ۱) اولین بخش از مجموعه مقررات به ادارهٔ عمومی زندان‌ها مربوط می‌شود و برای تمامی گروه‌های زندانی، محبوسان جنایی یا مدنی، افراد متهم یا محکوم، و زندانیانی که بنا بر تدابیر امنیتی یا تأدیبی به دستور قاضی در حبس به سر می‌برند، قابل اجرا هستند.

www.ParsBook.org

۲) بخش دوم شامل مقرراتی است که فقط برای گروه‌های خاصی از زندانیان، که در هر قسمت مشخص شده‌اند، قابل اجراست. با این حال، مقررات قسمت الف که برای محکومان قابل اجراست، همچنین دربارهٔ زندانیان ذکرشده در قسمت‌های ب، ج و د نیز قابلیت اجرایی دارند، به‌شرطی که با مقررات خاص مربوط به آن گروه از زندانیان درتضاد نبوده و برای آنان سودمند باشد.

۵ ــ ۱) این مقررات قصد ندارند ساختار زندان‌های ویژهٔ جوانان بزهکار (مانند دارالتأدیب‌ها و غیره) را مشخص نمایند. با این حال، به‌طور کلی، اولین بخش از مجموعهٔ مقررات را می‌توان در چنین زندان‌هایی قابل اجرا دانست.
۲) گروه زندانیان جوان در هر صورت باید شامل اطفالی باشد که تحت اختیار محاکم قضایی ویژه کودکان قرار دارند. طبق قاعدهٔ عمومی، این جوانان بزهکار نباید به مجازات حبس محکوم شوند.

قسمت اول

مقررات عمومی

اصول بنیادین

۶ ــ ۱) مقرراتی که درپی می‌آید باید به‌طور بی‌طرف به‌اجرا درآید. هیچ نوع تبعیضی در نحوهٔ برخورد با زندانیان نباید وجود داشته باشد، تبعیضی که می‌تواند ناشی از پیشداوری‌ها دربارهٔ نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، افکار سیاسی و یا هر نوع طرز تفکر دیگر، خاستگاه ملی، اجتماعی، مالی، محل تولد و هر شرایط دیگر باشد.
۲) برعکس، این امر حائز اهمیت است که به باورهای مذهبی و اصول اخلاقی زندانیان احترام گذاشته شود.

دفتر ثبت

۷ ــ ۱) در تمامی مکان‌هایی که افراد زندانی هستند، باید یک دفتر ثبت، به‌طور صحافی و کلاسه‌بندی شده، وجود داشته باشد و دربارهٔ هر زندانی موارد زیر در آن درج شود:
الف) هویت زندانی
ب) دلایل زندانی‌شدن وی ومرجع‌ذیصلاحی‌که این‌تصمیم راگرفته‌است؛
ج) روز و ساعت پذیرش وی در زندان و تاریخ خروج وی؛

www.ParsBook.org

۲) هیچ‌کس، بدون حکم معتبر، نباید به‌عنوان زندانی در یک زندان پذیرفته شود و جزییات حکم باید پیشاپیش در دفتر ثبت درج شده باشد.

جداسازی گروه‌ها

۸. گروه‌های مختلف زندانیان باید در زندان‌های مجزا یا بخش‌های مجزای یک زندان نگهداری شوند و این امر با توجه به جنسیت، سن، سابقهٔ، علت حبس و مقتضیات رفتار با آنان باید صورت بگیرد. بدین‌ترتیب:

الف) مردان و زنان باید حتی‌الامکان در زندان‌های مجزا از هم حبس شوند؛ در زندان‌هایی که هم مردان و هم زنان نگهداری می‌شوند، مجموعه اماکن مربوط به زنان باید کاملاً مجزی باشد؛

ب) زندانیان متهم باید جدااز محکومان نگه داشته شوند؛

ج) افرادی که به‌خاطر بدهکاری زندانی شده‌اند و محکومان به حبس‌های مدنی (غیرجنایی) باید از زندانیان، مجرم جدا شوند؛

د) جوانان زندانی باید جدا از بزرگسالان نگهداری شوند.

مکان‌های حبس

۹ ــ ۱) سلول‌ها و اتاق‌های انفرادی که برای نگهداری شبانه، زندانی‌ها اختصاص می‌یابد، حتماً باید یک‌نفره باشد. اگر بنا بر دلایل خاص، مانند ازدحام موقتی، ادارهٔ مرکزی زندان مجبور به عدول از این قاعده گردد، در هر صورت باید از اسکان‌دادن دو زندانی در اطاق یا سلول یک‌نفره خودداری کند.

۲) زمانی‌که برای اسکان زندانیان از خوابگاه استفاده می‌شود، زندانیان باید به‌دقت انتخاب شوند و ثابت گردد که آنها قادر به سکونت در چنین شرایطی هستند. شب‌ها، خوابگاه‌ها باید به‌طور مرتب تحت نظارت قرار بگیرند، نحوهٔ نظارت منطبق بر نوع زندان خواهد بود.

۱۰. مکان‌های حبس و به‌ویژه مکانی که برای خوابیدن زندانیان درنظر گرفته می‌شود باید، با توجه به آب‌وهوای منطقه، با نیازهای بهداشتی زندانیان، به‌ویژه در زمینهٔ حجم هوا، مساحت، روشنایی، سیستم گرمایی و تهویه، متناسب باشد.

۱۱. در تمامی مکان‌هایی که زندانیان باید زندگی یا کار کنند،

www.ParsBook.org

الف) پنجره‌ها باید به اندازه‌ای بزرگ باشد که زندانی بتواند با نور طبیعی به مطالعه و کار بپردازد؛ نحوهٔ قرارگرفتن پنجره باید طوری باشد که، در صورت وجود یا عدم وجود تهویهٔ مصنوعی، هوای آزاد به‌راحتی وارد محیط شود؛
ب) نور مصنوعی باید به اندازه‌ای باشد که زندانی، بدون آنکه آسیبی به بینایی او برسد، بتواند مطالعه یا کار کند.

۱۲. تأسیسات بهداشتی باید نیازهای طبیعی زندانی را هر زمان که وی بخواهد برآورده سازند، این تأسیسات باید به‌شکلی بهداشتی و مناسب در دسترس وی قرار بگیرد.

۱۳. تعداد حمام‌ها و دوش‌ها باید به اندازه‌ای باشد که هر زندانی بتواند به‌راحتی از آنها استفاده کند. دمای آب باید با آب‌وهوای محل متناسب باشد و زندانیان بتوانند مطابق فصول سال و منطقهٔ جغرافیایی، به هر تعداد دفعات که بهداشت عمومی ایجاب می‌کند، استحمام نمایند، تعداد دفعات استحمام در آب و هوای معتدل باید حداقل یک‌بار در هفته باشد.

۱٤. تمامی مکان‌هایی که محل رفت‌وآمد دائمی زندانیان است، باید کاملاً مرتب و تمیز نگه داشته شود.

بهداشت فردی

۱۵. باید از زندانیان خواسته شود که نظافت فردی خود را حفظ کنند، بدین منظور، آب و وسایل بهداشتی لازم برای سلامتی و نظافت باید دراختیار آنان قرار بگیرد.

۱۶. برای آنکه زندانیان ظاهری مناسب داشته و منزلت شخصی آنان حفظ شود، باید امکاناتی برای اصلاح موی سر و ریش آنان پیش‌بینی گردد؛ مردان باید بتوانند به‌طور مرتب ریش خود را اصلاح نمایند.

لباس و وسایل خواب

۱۷ــ۱) هر زندانی که مجاز به پوشیدن لباس شخصی خود نیست باید لباسی دریافت کند که با آب و هوا متناسب و برای حفظ سلامتی کافی باشد. این لباس‌ها به‌هیچ‌وجه نباید تحقیرآمیز باشند.
۲) تمامی لباس‌ها باید تمیز و مرتب و در وضعیت مناسبی باشند. لباس‌های زیر باید متناوباً عوض و شسته

www.ParsBook.org

شوند، زیرا این امر برای حفظ بهداشت ضروری است.
۳) در شرایط استثنایی، وقتی زندانی بنابر دلایل مجاز، از محیط زندان دور می‌شود، باید مجاز به استفاده از لباس‌های شخصی خود باشد و یا لباس‌هایی بپوشد که توجه دیگران را جلب نمی‌کند.

۱۸. زمانی‌که زندانیان مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی هستند، باید تمهیداتی اتخاذ شود تا از تمیز، مرتب و قابل استفاده بودن لباس‌های آنان به‌هنگام پذیرش در زندان اطمینان حاصل شود.

۱۹. هر زندان باید مطابق عُرف محلی یا ملّی، یک تخت‌خواب و رخت‌خواب شخصی کافی دراختیار داشته باشد و این وسایل به‌طور مناسب نگهداری و تعویض شوند، به‌طوری که از تمیز و مرتب‌بودن آنها اطمینان حاصل شود.

تغذیه

۲۰ــ۱) هر زندانی باید در ساعاتی که غذاخوردن معمول است، غذایی با کیفیت خوب که به‌طرز مناسب تهیه و پذیرایی می‌شود از ادارهٔ زندان دریافت نماید. این غذا باید از ارزش غذایی کافی برای سلامتی و نیروی بدنی زندانیان برخوردار باشد.
۲) هر زندانی باید از امکان تهیهٔ آب به‌هنگام تشنگی برخوردار باشد.

تمرین بدنی

۲۱ ــ ۱) هر زندانی که در فضای آزاد مشغول به کار نیست، باید در صورت مساعد بودن هوا، حداقل یک ساعت در روز به تمرین بدنی در فضای آزاد بپردازد.
۲) زندانیان جوان و دیگر زندانیانی که سن و شرایط جسمانی آنها اجازه می‌دهد، باید در ساعاتی که به تمرین بدنی اختصاص دارد، آموزش‌های بدنی و تفریحی ببینند. بدین‌منظور، زمین، تأسیسات و تجهیزاتی باید دراختیار آنان قرار بگیرد.

www.ParsBook.org

خدمات پزشکی

۲۲ــ۱) هر زندان باید حداقل از خدمات یک پزشک حاذق برخوردار باشد، این پزشک باید با روان‌درمانی نیز آشنا باشد. خدمات پزشکی باید طی روابط تنگاتنگی با ادارهٔ عمومی خدمات بهداشتی منطقه یا کشور سازماندهی شود. این خدمات باید شامل بخش روان‌درمانی جهت تشخیص، و در صورت لزوم، معالجهٔ ناهنجاری‌های روانی باشد.
۲) برای بیمارانی که نیاز به مراقبت‌های ویژه دارند، باید امکان انتقال آنان به زندان‌های تخصصی و یا بیمارستان‌های شهری پیش‌بینی شود. زمانی‌که معالجات در داخل زندان صورت می‌گیرد، زندان مذکور باید مجهز به ابزار، آلات و فرآورده‌های دارویی باشد تا امکان مراقبت و معالجهٔ مناسب برای زندانیان فراهم آید و پرسنل پزشکی نیز مهارت حرفه‌ای لازم را کسب کرده باشند.
۳) هر زندانی باید بتواند از مراقبت‌های یک دندانپزشک حاذق برخوردار شود.

۲۳ــ۱) در زندان‌های زنان باید تسهیلاتی برای ضروریات مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان وجود داشته باشد. باید در صورت امکان، ترتیباتی داده شود تا کودک در بیمارستانی خارج از زندان متولد شود. اگر کودک در زندان متولد شد، این امر نباید در گواهی تولد او درج شود.
۲) هنگامی که به مادران زندانی اجازه داده شود نوزادان خود را به همراه داشته باشند، باید تدابیری جهت تأسیس شیرخوارگاه مجهز به پرسنل متخصص، اتخاذ گردد؛ تا نوزادان در زمانی که تحت مراقبت مادر خود نیستند در آنجا قرار داده شوند.

۲٤. پزشک باید هر زندانی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از پذیرش وی در زندان و به دفعات ممکن و لازم پس از آن، مورد معاینه قرار دهد، به‌ویژه به این منظور که بیماری جسمی و روحی احتمالی را در وی کشف نماید و تدابیر لازم را اتخاذ نماید؛ پزشک باید زندانیان مشکوک به بیماری‌های عفونی و مُسری را از دیگر زندانیان جدا نمایند؛ او باید تلاش کند تا نواقص جسمی و روحی زندانی را که مانعی در راه بازگشت به جامعه هستند برطرف نماید و میزان توانایی جسمی هر زندانی برای کارکردن را مشخص سازد.

۲۵ ــ ۱) پزشک، مسئول نظارت بر سلامتی جسمانی و روانی زندانیان است. او باید هر روز زندانیان بیمار را ملاقات نماید، یعنی همهٔ زندانیانی را که از بیماری شِکوه دارند و نیز آنهایی که نظر پزشک را به‌طرزی جلب می‌کنند.
۲) پزشک هربار که معتقد شود تمدید حبس و یا هر تنبیه دیگر باعث لطمه‌خوردن بر سلامت جسمانی و روانی زندانی می‌شود، باید گزارشی در این زمینه به مدیر زندان ارائه کند.

www.ParsBook.org

۲۶ ــ ۱) پزشک باید مرتباً از زندان بازرسی کند و دربارهٔ مسائل زیر به مدیر زندان مشاوره بدهد:
الف) کیفیت، کمیت و نحوهٔ تهیه و توزیع غذا؛
ب) بهداشت و نظافت زندان و زندانیان؛
ج) خدمات بهداشتی، سیستم گرمایی، نور و تهویهٔ زندان؛
د) کیفیت و نظافت لباس‌ها و رخت‌خواب زندانیان؛
ه) ملاحظهٔ مقررات مربوط به تربیت بدنی و ورزش زمانی‌که این برنامه‌ها توسط پرسنل غیرتخصصی سازماندهی شده باشد.
۲) مدیر باید گزارش‌ها و توصیه‌های پزشک (موضوع بند ۲۵ پاراگراف ۲ و بند ۲۶)، را مدّنظر قرار دهد و در صورت موافقت، سریعاً تدابیر مورد لزوم را برای اجرای توصیه‌ها، اتخاذ نماید. اگر وی با پیشنهادهای پزشک موافق نباشد و یا انجام توصیه‌ها در حدّ وظایف و صلاحیت او نباشد، باید بلافاصله گزارش پزشکی و نظرات خاص خود را به مقام بالاتر اطلاع دهد.

انضباط و تنبیه

۲۷. نظم و انضباط باید با قاطعیت تمام حفظ شود، اما برای حفظ امنیت و زندگی جمعی منظم، نباید محدودیت‌ها بیش از حد لزوم باشد.

۲۸ ــ ۱) هیچ زندانی‌ای نمی‌تواند شغلی را که متضمن اختیارات انضباطی است به‌عهده گیرد.
۲) درعین حال، این قانون نباید مانعی برای عملکرد نظام‌های خودگردان (self-government) در داخل زندان‌ها باشد. چنین نظام‌هایی ایجاب می‌کنند که برخی از فعالیت‌ها یا مسئولیت‌های اجتماعی، آموزشی و ورزشی به شکل کنترل‌شده به زندانیان سپرده شود، زندانیانی که به دلیل اهداف اصلاحی در گروه‌هایی دسته‌بندی شده‌اند.

۲۹. نکات زیر باید یا توسط قانون و یا به‌واسطهٔ مقرراتی از سوی مرجع اداری ذیصلاح دقیقاً مشخص شود:
الف) رفتاری که عدول از انضباط محسوب می‌گردد؛
ب) نوع و مدّت تنبیه که می‌توان بر زندانی تحمیل کرد؛
ج) مرجع ذیصلاحی که باید این تنبیهات را تعیین نماید.

۳۰ــ۱) زندانیان فقط مطابق تمهیدات ذکرشده در چنین قانون یا مقرراتی باید تنبیه شوند و برای یکبار عدول از انضباط به‌هیچ‌وجه نباید دوبار تنبیه اعمال شود.
۲) هیچ زندانی بدون تفهیم عدول از انضباط نباید تنبیه شود و قطعاً باید از فرصت دفاع برخوردار گردد.

www.ParsBook.org

مرجع ذیصلاح باید مسئله را به‌طور کامل بررسی نماید.
۳) در صورت لزوم و امکان، زندانی باید بتواند از طریق مترجم به دفاع از خویش بپردازد.

۳۱. مجازات بدنی، زندانی کردن در سیاهچال‌های تاریک و هر نوع تنبیه خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز باید به عنوان تنبیه انضباطی، کاملاً ممنوع شود.

۳۲ــ۱) مجازاتی از قبیل منزوی‌کردن و کاهش جیرهٔ غذایی به‌هیچ‌عنوان نباید بر زندانی تحمیل شود، مگر آنکه پزشک وی را تحت معاینه قرار دهد و به‌طور کتبی گواهی بدهد که زندانی قادر به تحمل چنین مجازاتی هست.
۲) تمام تدابیر تنبیهی که احتمال دارد بر بهداشت جسمی یا روانی زندانیان لطمه وارد کند، مشمول پارگراف (۱) بند حاضر هستند. در هر صورت، چنین تدابیری نباید با اصل مطرح‌شده در بند ۳۱ مباینت داشته باشد و با این اصل فاصله بگیرد.
۳) پزشک باید هر روز زندانیانی را که متحمل چنین تنبیه‌های انضباطی می‌شوند تحت معاینه قرار دهد و در صورتی که معتقد به اصلاح و یا پایان تنبیه، بنا بر دلایل جسمانی یا روانی، باشد باید گزارش امر را به اطلاع مدیر زندان برساند.

آلات محدودکننده

۳۳. آلات محدودکننده مانند دستبند، زنجیر و غل نباید برای تنبیه مورد استفاده قرار گیرد. زنجیر و غل نیز نباید به‌عنوان ابزارهای محدودکننده به‌کار روند. آلات محدودکننده دیگر، فقط در موارد زیر می‌تواند به‌کار برده شود:
الف) برای پیشگیری از فرار زندانی به هنگام انتقال او، به‌شرط آنکه به محض حضور زندانی در مقابل مرجع قضایی یا اداری، آلات محدودکننده از بدن او باز شود؛
ب) بنا بر دلایل پزشکی و مطابق دستور صریح پزشک؛
ج) به دستور مدیر زندان، در صورتی که روش‌های دیگر برای کنترل زندانی کارآیی نداشته باشد و به هدف جلوگیری از لطمه‌زدن زندانی به خود و دیگران و یا واردکردن خسارت؛ در این حالت مدیر باید به‌طور اضطراری با پزشک مشورت کند و موضوع را به مقام اداری بالاتر گزارش نماید.

۳٤. الگو و شیوهٔ استفاده از آلات محدودکننده باید از سوی ادارهٔ مرکزی زندان‌ها مشخص شود. کاربرد این آلات نمی‌تواند بیش از مدّت لازم، که دقیقاً معین می‌شود، ادامه یابد.

www.ParsBook.org

اطلاعات و حق شکایت زندانیان

۳۵ــ۱) هر زندانی به هنگام پذیرش در زندان باید اطلاعاتی مکتوب دریافت کند که شامل نحوهٔ نگهداری زندانیان هم‌گروه او، مقررات انضباطی آن زندان، ابزار مجاز برای دستیابی به اطلاعات و نحوهٔ تنظیم شکایت و هر نکتهٔ دیگری که می‌تواند برای شناخت زندانی از حقوق وظایف خود و نیز نحوهٔ سازگاری با زندگی در آن زندان مفید و ضروری باشد است.
۲) اگر زندانی بی‌سواد باشد، این اطلاعات باید به‌طور شفاهی به اطلاع او برسد.

۳۶ــ۱) هر زندانی باید بتواند در همه روزهای غیرتعطیل درخواست رسیدگی یا شکایت خود را به مدیر زندان یا کارمندی که نمایندهٔ مجاز او محسوب می‌شود تسلیم نماید.
۲) درخواست یا شکایت را می‌توان به هنگام بازرسی به بازرس زندان‌ها تحویل داد. زندانی می‌تواند بدون حضور مدیر و دیگر کارمندان زندان، با بازرس و یا هر کارمندی که عهده‌دار بازرسی است گفتگو کند.
۳) هر زندانی باید مجاز باشد درخواست رسیدگی یا شکایت خود را، بدون سانسور محتوی، امّا به شکلی مناسب، به ادارهٔ مرکزی زندان‌ها یا مرجع قضایی یا دیگر مراجع ذیصلاح، از طرق مقررشده در قانون، ارسال نماید.
٤) درخواست رسیدگی یا شکایت، جز در مواردی که به‌وضوح بی‌پایه و دلیل باشد، باید بدون تأخیر مورد بررسی قرار گرفته و در مدت زمانی قابل قبول پاسخ زندانی داده شود.

تماس با محیط خارج

۳۷. زندانیان، باید تحت مراقبت‌های لازم، مجاز به داشتن رابطه با خانواده و دوستان معتمدشان باشند، این رابطه هم از طریق مکاتبه و هم به شکل ملاقات حضوری، باید در فاصله‌های منظم صورت گیرد.

۳۸ــ۱) زندانیان تبعه یک کشور خارجی باید از امکانات قابل قبول برای برقراری ارتباط با نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی کشور خود برخوردار باشند.
۲) زندانیان تبعه کشورهایی که فاقد هیئت نمایندگی دیپلماتیک یا کنسولی در کشور محل حبس هستند و نیز پناهندگان و افراد بدون ملیت باید از امکانات مشابهی برای تماس با نمایندهٔ دیپلماتیک کشوری که حافظ منافع کشور متبوع زندانی در کشور محل حبس است و یا برای تماس با هر مرجع ملی و بین‌المللی که مسئول حفاظت از این‌گونه زندانیان است، برخوردار باشند.

www.ParsBook.org

۳۹. زندانیان باید به‌طور مرتب در جریان حوادث مهم قرار بگیرند، این کار می‌تواند از طریق مطالعه روزنامه، نشریات و یا مطبوعات ویژهٔ زندان و یا از طریق برنامه‌های رادیویی، سخنرانی‌ها و یا هر وسیله مشابه دیگر، با مجوز و نظارت زندان، صورت بگیرد.

کتابخانه

٤٠. هر زندان باید کتابخانه‌ای را دراختیار تمامی گروه‌های زندانیان قرار بدهد و در آن باید کتاب‌های آموزشی و سرگرم‌کننده موجود باشد. زندانیان باید به استفادهٔ هرچه بیشتر از کتابخانه تشویق شوند.

مذهب

٤١ــ۱) اگر در زندان تعدادی کافی از پیروان یک مذهب وجود داشته باشند، یک نماینده ذیصلاح برای این مذهب باید منصوب و یا از بیرون پذیرفته شود. اگر تعداد زندانیان کافی باشد و شرایط اجازه دهد، تنظیم امور مذهبی باید برای تمام اوقات پیش‌بینی شود.
۲) نمایندهٔ ذیصلاح که طبق پارگراف (۱) منصوب و یا پذیرفته می‌شود، باید مجاز به سازماندهی دوره‌ای مراسم مذهبی باشد و بتواند هربار که لازم است، با زندانیان هم‌مذهب خود، ملاقات خصوصی برقرار کند.
۳) حق برقراری تماس با نمایندهٔ ذیصلاح یک مذهب نباید از هیچ زندانی سلب شود. متقابلاً، اگر یک زندانی مخالف دیدار با یک نمایندهٔ مذهبی باشد، به این رفتار وی باید احترام گذاشته شود.

٤۲. هر زندانی تا حد ممکن باید مجاز به رفع نیازهای مذهبی خود باشد و بتواند در مراسم سازماندهی‌شده در زندان شرکت کند و کتاب‌های احکام و تعالیم مذهبی مربوط به باورهای خود را در اختیار داشته باشد.

نگهداری اموال متعلق به زندانیان

٤۳ــ۱) وقتی مقررات به زندانی اجازه نمی‌دهد پول، اشیای قیمتی، لباس و دیگر اموال خود را دراختیار

www.ParsBook.org

داشته باشد، این اموال باید به هنگام پذیرش وی در زندان در محل امنی قرار داده شود. فهرستی از این اموال باید تهیه شود و به امضای زندانی برسد. تدابیر لازم برای سالم‌ماندن این اموال باید اتخاذ گردد.
۲) این اموال و پول باید به‌هنگام آزادی به زندانی مسترد گردد، به‌جز پول‌هایی که زندانی مجاز به خرج‌کردن آنها بوده، اموالی که به خارج زندان فرستاده و لباس‌هایی که به دلایل بهداشتی امحأ شده‌اند. زندانی باید درقبال اشیأ و پول‌های مستردشده، رسید بدهد.
۳) اعتبارات یا اشیایی که از خارج به زندانی ارسال شده‌اند مشمول همین مقررات هستند.
٤) اگر زندانی به هنگام پذیرش در زندان حامل دارو یا مواد مخدر باشد، پزشک دربارهٔ مصرف آن تصمیم خواهد گرفت.

ابلاغ مرگ، بیماری، انتقال و غیره

٤٤ــ۱) در صورت فوت، بیماری وخیم، حادثه جدّی و یا انتقال زندانی به بیمارستان روانی، مدیر زندان باید بلافاصله موضوع را به اطلاع همسر زندانی (در صورت متأهل‌بودن وی)، یا نزدیک‌ترین اقوام وی و یا هرکسی که زندانی مشخص کرده، برساند.
۲) زندانی باید بلافاصله از فوت یا بیماری وخیم اقوام نزدیک خود مطلع شود. در صورت بروز بیماری خطرناک برای یکی از اقوام او، چنانچه شرایط اجازه دهد، زندانی باید مجاز به حضور در بالین او باشد و این حضور می‌تواند آزادانه و یا تحت اسکورت مأمورین انجام گیرد.
۳) هر زندانی حق دارد خبر بازداشت یا انتقال خود به زندان دیگر را بلافاصله به اطلاع خانوادهٔ خود برساند.

حمل‌ونقل زندانیان

٤٥ ــ ۱) زندانی، هنگام انتقال باید حتی‌الامکان از انظار عمومی دور بماند و تمهیداتی باید اتخاذ شود تا آنها از دشنام‌ها و کنجکاوی مردم و هر نوع اقدام تبلیغاتی درامان بمانند.
۲) حمل‌ونقل زندانیان در شرایط ناگوار جوّی یا نور نامساعد و یا به هر طریقی که به‌ناراحتی جسمی آنان بیانجامد باید ممنوع شود.
۳) حمل‌ونقل زندانیان باید به هزینهٔ ادارهٔ زندانیان و در شرایط مساوی برای همگان انجام گیرد.

www.ParsBook.org

پرسنل زندان

۴۶ــ۱) ادارهٔ زندان، کارمندان تمامی رده‌ها را باید بادقت تمام انتخاب کند، زیرا ادارهٔ صحیح زندان به درستکاری، انسانیت، قابلیت‌های فردی و توانایی‌های حرفه‌ای پرسنل بستگی دارد.
۲) اداره زندان باید به‌طور مداوم، این اعتقاد را در ذهن کارمندان زندان و افکار عمومی زنده نگهدارد که کار کارمندان زندان، ارائه خدمات اجتماعی بسیار حائز اهمیتی است. بدین منظور تمامی ابزارهای مناسب برای روشن کردن ذهن مردم باید به کار گرفته شود.
۳) برای تحقق اهدافی که ذکر شد، کارمندان زندان باید به‌طور تمام‌وقت و به‌عنوان کارمند تخصصی زندان مشغول به کار شوند؛ آنان باید از جایگاه «مأمور دولت» و در نتیجه از امنیت شغلی برخوردار شوند، این امنیت شغلی نباید به چیزی جز رفتار خوب، کارآیی و قابلیت جسمی، بستگی داشته باشد. میزان دستمزد باید به مقداری باشد که امکان استخدام زنان و مردان لایق و تداوم استفاده از خدمات آنان را میسر کند؛ مزایای شخصی و شرایط کار باید با توجه به ماهیت دشوار کار تعیین شود.

۴۷ــ۱) کارمندان زندان باید از سطح تعلیم و تربیت و هوش کافی برخوردار باشند.
۲) کارمندان زندان باید پیش از آغاز خدمت، دوره‌های آموزش عمومی و تخصصی را بگذرانند و از آزمایش‌های نظری و عملی موفق بیرون بیایند.
۳) کارمندان زندان پس از آغاز خدمت و در طول زندگی شغلی باید از طریق شرکت در دوره‌های تکمیلی که به‌صورت دوره‌ای برگزار می‌شوند، آگاهی و توانایی حرفه‌ای خود حفظ کرده و توسعه دهند.

۴۸. تمامی کارمندان زندان باید در هر شرایطی، به گونه‌ای رفتار کرده و به انجام وظایف خود بپردازند، که به عنوان یک الگو، تأثیر مثبتی بر زندانیان گذاشته و احترام آنان را برانگیزند.

۴۹ ــ ۱) تا حد امکان باید تعدادی کافی از متخصصان مانند پزشک روان‌درمان، روان‌شناس، مددکار اجتماعی، آموزگار و مربی فنی به جمع کارمندان زندان اضافه شوند.
۲) خدمات مددکاران اجتماعی، آموزگاران و مربیان فنی باید به‌طور دائمی ارائه شود، و البته ارائهٔ خدمات مشابه به شکل نیمه‌وقت یا از سوی داوطلبان منتفی نیست.

۵۰ ــ ۱) مدیر یک زندان باید از صلاحیت کافی برای انجام وظایف خود برخوردار باشد، این صلاحیت دارای چند بُعد است؛ شخصیت، قابلیت‌های اداری، آموزش متناسب و تجربه کافی در این عرصه.
۲) او باید تمام وقت خود را صرف شغل رسمی خود کند؛ این شغل نمی‌تواند یکی از مشغله‌های فرعی او باشد.
۳) مدیر باید در محوطهٔ زندان یا در جوار آن زندگی کند.

www.ParsBook.org

٤) وقتی که دو یا چند زندان تحت اختیار یک مدیر واحد قرار دارند، او باید تمامی زندان‌ها را در فواصل منظم تحت بازدید قرار دهد. هریک از زندان‌ها باید یک کارمند مسئول در رأس خود داشته باشد.

۵۱ ــ ۱) مدیر زندان، معاون او و اکثریت کارمندان زندان باید به زبان اکثریت زندانیان سخن بگویند؛ و یا به زبانی که توسط اکثریت زندانیان فهمیده می‌شود.
۲) در صورت لزوم باید به یک مترجم رجوع شود.

۵۲ ــ ۱) در زندان‌هایی که به دلیل وسعت آنها، به خدمات یک یا چند پزشک تمام‌وقت نیاز است، حداقل یکی از آنان باید در محوطهٔ زندان یا مجاورت آنجا، زندگی کند.
۲) در زندان‌های دیگر، پزشک باید هر روز به بازدید از بیمار بپردازد و محل سکونت وی باید به اندازه‌ای به زندان نزدیک باشد که در موارد اضطراری بتواند بدون فوت وقت در محل حاضر شود.

۵۳ ــ ۱) در یک زندان مختلط، بخش زنان باید تحت ریاست یک مدیر زن قرار بگیرد و تمامی کلیدهای این بخش از زندان در اختیار او باشد.
۲) هیچ کارمند مردی نباید بدون همراهی کارمند زن به داخل بخش زنان وارد شود.
۳) فقط کارمندان زن باید به امر نگهبانی از زنان زندانی بپردازند. اما این امر مانع از آن نیست که برخی از کارمندان مرد، به‌ویژه پزشکان و آموزگاران، به انجام وظیفه در زندان‌ها یا بخش‌های ویژهٔ زنان مشغول شوند.

٥٤ ــ۱) کارمندان زندان نباید در روابط خود با زندانیان از زور استفاده کنند، مگر در موارد دفاع مشروع، ممانعت از فرار زندانیان و مقاومت قهرآمیز یا عدم‌تحرک جسمی آنها درمقابل نظمی‌که برمبنای قانون‌ومقررات شکل گرفته است. کارمندانی‌که به‌زور متوسل می‌شوند باید استفاده از آن را فقط به جنبه‌های ضروری محدود کنند و بلافاصله گزارش حادثه را به مدیر زندان ارسال نمایند.
۲) به کارمندان زندان باید آموزش‌های ویژه‌ای، برای مهار زندانیان مهاجم، داده شود.
۳) به استثنای شرایط ویژه، مأمورانی که در تماس مستقیم با زندانیان مشغول خدمتند، نباید به‌هیچ‌وجه مسلح باشند. از سوی دیگر، هیچگاه نباید به کارمندان زندان اسلحه سپرده شود، مگر اینکه در این زمینهٔ دوره دیده باشند.

بازرسی

۵۵. بازرسان صلاحیت‌دار و باتجربه، که از سوی مرجع ذیصلاح منصوب می‌شوند، باید به‌طور منظم از

www.ParsBook.org

زندان‌ها و سرویس‌های آن بازرسی به عمل آورند. آنها به‌ویژه باید مراقب باشند که زنـدان‌هـا مطـابق قانون و مقررات جاری اداره شوند و در تلاش برای رسیدن به اهـدافی باشـند کـه بـرای سـرویس‌هـای زندان و سرویس‌های تأدیبی درنظر گرفته شده است.

قسمت دوم

مقررات قابل اجرا برای گروه‌های خاص

الف ــ محکومان به زندان

اصول محوری

۵۶. هدف اصول راهنما که درپی می‌آید، بیان روح حـاکم بـر نحـوهٔ ادارهٔ نظـام‌هـای حـبس اسـت و نیـز مشخص‌کردن اهدافی است که این نظام‌ها باید، طبق موارد ذکرشده در ملاحظات مقدماتی (بند ۱) مـتن حاضر، درصدد دستیابی به آن باشند.

۵۷. حبس و دیگر تدابیری که به هدف جداکردن فرد بزهکار از جهان خارج به‌اجرا درمی‌آیند، به این دلیل که او را از طریق سلب آزادی، از داشتن اختیار بر خویشتن محروم می‌کنند، فی‌نفسه رنج‌آور هستند. جـز در مواردی که عمل جداسازی توجیه‌پذیر است و یا به حفظ انضباط مربوط می‌شود، نظام حبس نباید آلام مربوط به چنین وضعیتی را تشدید کند.

۵۸. هدف و توجیه مجازات و تدابیر سلب‌کنندهٔ آزادی، نهایتاً حفاظـت از جامعـه در برابـر جـرم و جنایـت است. چنین هدفی تحقق نمی‌یابد، مگر آنکه دوران سلب آزادی صرف آن شود که فـرد بزهکـار، تـا حـد ممکن، به هنگام آزادی نه‌تنها علاقمند، بلکه قادر به رعایت قانون و تأمین مایحتاج خود باشد.

۵۹. به این منظور، نظام حبس باید از تمامی ابزارهای درمانی، آموزشی، اخلاقی و معنوی و دیگر ابزارها و نیز از تمامی شیوه‌های کمک‌رسانی مناسبی که در اختیار دارد استفاده نماید و این ابزارها بایـد مطـابق بـا

www.ParsBook.org

نیازهای فردی زندانیان به کار بسته شود.

۶۰ ــ ۱) ادارهٔ زندان باید در پی کاستن از تفاوت‌هایی باشد که میان زندگی در زندان و زندگی آزادانه وجود دارد، خصوصاً تفاوت‌هایی که مفهوم مسئولیت‌پذیری زندانی و احترام به حیثیت فردی او را محدود می‌کند.
۲) پیش از پایان اجرای مجازات یا تنبیه، بهتر است که تدابیر ضروری برای بازگرداندن تدریجی زندانی به زندگی اجتماعی، اتخاذ شود. این هدف، برحسب مورد، از طریق ایجاد نظام آماده‌سازی برای آزادی قابل حصول است، نظامی که می‌تواند در همان زندان محل حبس یا زندان مناسب دیگر سازماندهی شود و یا به شکل آزادی مشروط و تحت کنترل باشد، و این کنترل نباید به پلیس سپرده شود و باید شامل مددهای اجتماعی مؤثر باشد.

۶۱. رفتار با زندانیان نباید به تشدید طرد آنان از اجتماع بیانجامد، بلکه برعکس باید بر این امر تأکید شود که آنان هنوز هم بخشی از جامعه هستند. بدین‌منظور، باید تا حد ممکن از همکاری سازمان‌های اجتماعی برای کمک به کارمندان زندان در امر بازگشت زندانیان به جامعه استفاده شود. مددکاران اجتماعی که با زندان همکاری می‌کنند باید وظیفهٔ حفظ و بهبود روابط زندانی با خانواده وی و با سازمان‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند برای زندانی مفید باشند را به عهده گیرند. متناسب با قانون و مجازات تعیین شده، باید روش‌هایی در جهت حفظ حقوق مربوط به منافع مدنی، حق برخورداری از بیمه درمانی و دیگر امتیازات اجتماعی زندانیان، درپیش گرفته شود.

۶۲. سرویس‌های پزشکی زندان باید در جهت تشخیص و درمان کمبودها یا بیماری‌های جسمی و روانی که می‌تواند مانعی در راه بازگشت یک فرد زندانی به جامعه باشد، تلاش نمایند. هر نوع معالجهٔ پزشکی، عمل جراحی یا روان‌درمانی که لازم تشخیص داده می‌شود باید در راستای این هدف انجام گیرد.

۶۳ ــ ۱) تحقق این اصول مستلزم فردی‌کردن رفتار است و بدین منظور، به نظام قابل انعطافی برای دسته‌بندی زندانیان در گروه‌های مختلف نیاز دارد؛ لذا بهتر است که هر گروه در زندان مشخص و مجزایی نگهداری شوند و در آنجا از برنامه‌های لازم برخوردار گردند.
۲) این زندان‌ها نباید برای تمامی گروه‌ها درجه یکسانی از امنیت را اعمال کنند. بهتر است که درجهٔ امنیت متناسب با نیازهای هر گروه باشد. در زندان‌های باز، به این دلیل که از تدابیر فیزیکی در مقابل فرار استفاده نمی‌شود و مقامات بیشتر به نظام خودگردان انضباطی متوسل می‌شوند، زندانیان برگزیده برای این نظام از شرایط بهتری برای اجتماعی‌شدن برخوردار می‌شوند.
۳) بهتر است که در زندان‌های بسته، روند فردی‌سازی رفتار با زندانیان به‌خاطر جمعیت بالای زندانیان مختل نشود. در برخی کشورها، ارزیابی می‌شود که جمعیت چنین زندان‌هایی نباید از ۵۰۰ نفر تجاوز کند.

www.ParsBook.org

در زندان‌های باز، جمعیت زندانی را باید تا حدّ ممکن کاهش داد.
٤) متقابلاً چندان مناسب نیست که زندان‌های کوچکی که در آن امکـان سـازماندهی چنـین نظـامی وجـود ندارد، برقرار بمانند.

۶۴. وظایف جامعه در قبال زندانی با آزادی او، پایان نمی‌پذیرد. باید سازمان‌هایی دولتـی یـا خصوصـی در اختیار جامعه باشد که بتوانند به زندانی آزادشده کمک‌های مربوط به دوران پس از حـبس را ارائـه کننـد، این کمک‌ها باید مؤثر باشد و پیشداوری‌ها در قبال فرد آزادشده را کاهش دهنـد و بـه او امکـان دهنـد، جای خود را در جامعه بازیابد.

رفتار با زندانیان

۶۵. رفتار با افراد محکوم به مجازات یا هر تدبیر سلب‌کنندهٔ آزادی، باید تا آنجا که مدّت محکومیت اجازه می‌دهد، با هدف ایجاد انگیزه و پرورش قابلیت‌های فردِ زندانی صورت گیرد، تا او بتواند پس از آزادی به زندگی توأم با احترام به قانون و تأمین مایحتاج خود قادر شود. ماهیت این رفتار باید به گونه‌ای باشد که زندانی را به احترام به خویشتن تشویق کرده، حس مسئولیت را در آنها تقویت کند.

۶۶ ــ ۱) بدین منظور، باید از مراقبت‌های مذهبی در کشورهایی که امکـان آن موجـود اسـت، آمـوزش، ارشاد و آموزش حرفه، شیوه‌های مددرسانی اجتماعی به فرد، مشورت‌هـای مربـوط بـه اشـتغال، تربیـت بدنی و آموزش اخلاقی استفاده شود که هرکدام باید با نیازهای فردی هر زندانی متناسب باشد. مناسب است که گذشته اجتماعی و جنایی فرد محکوم، توانایی‌ها و استعدادهای جسـمی و ذهنـی او، آمـادگی‌هـای شخصی او، مدت محکومیت و دورنمای بازگشت او به جامعه کاملاً مورد توجه قرار گیرد.
۲) پس از پذیرش فرد زندانی، که برای مدتی به مجازات حبس یا هر تدبیر سـلب‌کننـدهٔ آزادی محکـوم شده است، مدیر زندان باید در اسرع وقت گزارش‌های کاملی دربارهٔ ابعاد مختلـف وضـعیت وی کـه در پاراگراف قبلی ذکر شد، دریافت نماید. این گزارش‌ها باید شامل نظرات پزشک دربارهٔ شـرایط جسـمی و روانی فرد زندانی باشد، و پزشک در صورت امکان باید در زمینهٔ روان‌درمانی نیز تخصص داشته باشد.
۳) گزارش‌ها و دیگر اسناد باید در یک پروندهٔ شخصی قرار داده شوند. این پرونده باید بـه روز باشـد و طوری طبقه‌بندی شود که، در صورت لزوم، امکان مراجعه به آن توسط پرسنل مسئول وجود داشته باشد.

www.ParsBook.org

طبقه‌بندی و فردی‌سازی

۶۷. اهداف طبقه‌بندی زندانیان باید عبارت باشند از:
الف) دورکردن زندانیانی که به دلیل سوءِ سابقه و یا استعدادهای سوءِ رفتار، نفوذ نادرستی بـرهم‌بنـدان خود داشته‌اند؛
ب) تقسیم‌بندی زندانیان در گروه‌ها، به‌منظور تسهیل فرآیند رفتار با آنان که به هدف سازگارکردن آنان با جامعه انجام می‌گیرد.

۶۸. باید تا حدّ ممکن زندان‌های مجزا یا بخش‌های متمایزی در داخل یک زندان، برای اجرای برنامهٔ رفتار با گروه‌های متفاوت زندانیان، وجود داشته باشد.

۶۹. بلافاصله پس از پذیرش زندانی و بعد از مطالعه شخصیت هر زندانی که برای مـدتی بـه مجـازات یـا تنبیه سلب‌کنندهٔ آزادی محکوم شده، برنامهٔ رفتار با او باید تنظیم شود و این امر باید بـه کمـک اطلاعـات دربارهٔ نیازهای شخصی، توانایی‌ها و روحیه زندانی صورت گیرد.

امتیازات

۷۰. باید در هر زندان نظامی از امتیازات شکل بگیرد که با گروه‌های مختلف زندانیان و شیوه‌های مختلف رفتار سازگار باشد؛ هدف از تأسیس این نظام، تشویق رفتار صحیح، تقویت حس مسئولیت و انگیختن علاقه و همکاری زندانیان در روند رفتار با خود آنان، است.

کار در زندان

۷۱ ــ ۱) کار در زندان نباید جنبهٔ آزاردهنده داشته باشد.
۲) همه افرادی که به مجازات زندان محکوم شده‌اند، با توجه به توانایی جسمی و روانی که توسط پزشـک تشخیص داده می‌شود، موظف به انجام کار هستند.
۳) برای زندانیان باید کارهایی فراهم شود که به اندازهٔ کافی ثمربخش باشند و بخش قابل قبـولی از یـک روز کاری را اشغال کنند.
٤) این کار باید حتی‌الامکان از ماهیتی برخوردار باشد که به حفـظ و افـزایش توانـایی زنـدانیان در تـأمین

www.ParsBook.org

معاش آبرومندانه پس از آزادی کمک نماید.
۵) زندانیان و به‌ویژه جوانان باید از آموزش‌های حرفه‌ای مفید و قابل استفاده‌ای برخوردار شوند.
۶) تا حدی که روند گزینش منطقی بـرای اشـتغال و مقتضـیات ادارهٔ زنـدان و نیـز انضـباط زنـدان اجـازه می‌دهد، زندانیان باید بتوانند نوع کاری را که دوست دارند، خود انتخاب نمایند.

۷۲ ــ ۱) سازماندهی و شیوه‌های کار در زندان باید حتی‌الامکان به شرایط کـار مشـابه در محـیط بیـرون نزدیک باشد، تا زندانیان برای کار آزاد در شرایط عادی آماده شوند.
۲) با این حال، منافع و آموزش حرفه‌ای زندانیان نباید تحت‌تأثیر نیت سودآوری برای زندان، قرار گیرد.

۷۳ ــ ۱) صنایع و مزارع زندان‌ها باید ترجیحاً توسط دولت اداره شود و نه توسط مقاطعه‌کاران خصوصی.
۲) زمانی‌که زندانیان برای انجام کارهایی که تحت نظارت دولت نیست، مورد استفاده قرار می‌گیرند، باید همچنان تحت نظارت کارمندان زندان باشند.به استثنای مواردی که کار در بخش‌های دیگر دولتـی انجـام می‌گیرد، کارفرمایان باید حقوق عادی مورد انتظار برای این کار را بـه ادارهٔ زنـدان بپردازنـد و البتـه بـه میزان بازدهی زندانیان نیز باید توجه شود.

۷٤ ــ ۱) تدابیر پیش‌بینی‌شده برای حفظ ایمنی و سلامتی کارگران آزاد، بایـد در داخـل زنـدان‌هـا (و در قبال زندانیان) نیز به‌کار بسته شود.
۲) تمهیداتی برای جبران خسارت وارده به زندانیان در اثر سوانح کار و بیماری‌های مربـوط بـه کـار بایـد اندیشیده شود، و شرایط جبران خسارت باید طبق قوانینی باشد که برای کارگران آزاد درنظر گرفته شده است.

۷۵ ــ ۱) حداکثر ساعات کار زندانیان در روز و در هفته باید توسط قانون یا مقررات اداری تعیین شود؛ و به مقررات و عرف محلی در عرصهٔ کار آزاد نیز باید توجه شود.
۲) در این ساعات تعیین‌شده، باید یک روز استراحت در هفته و وقت کافی بـرای آمـوزش و فعالیـت‌هـای دیگری که در برنامهٔ توان‌بخشی و بازپروری زندانیان پیش‌بینی شده است، منظور گردد.

۷۶ ــ ۱) دستمزد زندانیان باید به‌طرز عادلانه‌ای پرداخت شود.
۲) مقررات باید به زندانیان اجازه دهد که حداقل بخشی از درآمد خود را صرف خرید اشیأ مجاز نماینـد، اشیایی که می‌تواند کاربرد شخصی داشته باشد، و بخش دیگر را برای خانواده خود بفرستند.
۳) در مقررات همچنین باید پیش‌بینی شود که بخشی از درآمد زندانیان در اختیار ادارهٔ زندان باقی بماند تا کم‌کم جمع‌آوری شود و به هنگام آزادی به زندانیان مسترد شود.

www.ParsBook.org

آموزش و تفریحات

۷۷ ــ ۱) تمهیداتی باید اندیشیده شود تا آموزش زندانیانی که قادر به استفاده از آموزش هستند، توسعه یابد، ازجمله آموزش‌های مذهبی، در کشورهایی که این نوع آموزش امکان‌پذیر است. آموزش بی‌سوادان و زندانیان جوان باید اجباری باشد و ادارهٔ زندان نظارت دقیقی بر این امر اعمال کند.
۲) تا حد ممکن، آموزش زندانیان باید با نظام آموزشی کشور هماهنگ باشد تا آنان بتوانند تحصیلات خود را پس از آزادی، بدون هیچ مشکلی ادامه دهند.

۷۸. برای بهداشت جسمی و روانی زندانیان، باید فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی در تمامی زندان‌ها سازماندهی شود.

روابط اجتماعی، کمک‌ها پس از آزادی

۷۹. توجه ویژه‌ای باید به مسئلهٔ حفظ و بهبود روابط میان زندانی و خانوادهٔ او مبذول شود هنگامی که این رواط به نفع دو طرف باشد.

۸۰. باید از ابتدای محکومیت، به آیندهٔ زندانی پس از آزادی توجه شود. زندانی باید به حفظ یا برقراری رابطه با افراد و سازمان‌های بیرون زندان تشویق شود، زیرا این روابط می‌توانند به تأمین منافع خانوادهٔ فرد زندانی و روند سازگاریِ اجتماعی خود او کمک نمایند.

۸۱ ــ ۱) سرویس‌ها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی که عهده‌دار کمک به زندانیان در بازیافتن جایگاه اجتماعی‌شان هستند، باید تا جایی که امکان دارد و ضروری است اسناد و اوراق هویتی لازم، مسکن، کار و لباس مناسب و متناسب با آب و هوا و فصل هزینهٔ لازم برای رسیدن زندانیان به مقصد و ادامهٔ معاش به محض آزادی از زندان را در اختیار آنان قرار دهند.
۲) نمایندگان این سازمان‌ها که در زندان پذیرفته شده‌اند باید از امکان ورود به داخل زندان و حضور در کنار زندانیان برخوردار باشند. از همان آغاز محکومیت زندانی، باید در مورد برنامه بازپروری وی، از این نمایندگان نظرخواهی شود.
۳) بهتر است که فعالیت‌های این سازمان‌ها تا حد ممکن به‌طور متمرکز یا هماهنگ صورت بگیرد، تا از تلاش‌های آنان حداکثر استفاده حاصل شود.

www.ParsBook.org

ب ــ زندانیان مجنون و مبتلایان به اختلال روانی

۸۲ ــ ۱) افراد روان‌پریش نباید در زندان‌ها حبس شوند و تمهیداتی برای انتقال هرچه سریع‌تر آنان به مؤسسات مخصوص بیماران روانی باید اتخاذ شود.
۲) زندانیان مبتلا به امراض و ناهنجاری‌های روانی باید تحت نظر و درمانِ نهادهای تخصصی قرار گیرند، نهادهایی که تحت ریاست مراجع پزشکی هستند.
۳) این افراد در مدت اقامت‌شان در زندان باید تحت نظارت ویژه یک پزشک قرار بگیرند.
٤) سرویس پزشکی یا روان‌پزشکی زندان‌ها باید به درمان تمامی زندانیانی که به چنین معالجه‌ای نیاز دارند بپردازد.

۸۳. بهتر است تدابیری با توافق سازمان‌های ذیصلاح اتخاذ شود تا معالجه‌های روان‌پزشکی در صورت لزوم پس از آزادی از زندان ادامه یابد و نوعی توان‌بخشی اجتماعی با ابعاد روان‌درمانی برای دورهٔ پس از زندان سازماندهی شود.

ج ــ افرادی که در انتظار تشکیل دادگاه، در بازداشت به سر می‌برند

۸٤ ــ ۱) هر فردی که به دلیل عدول از قانون کیفری بازداشت یا زندانی شده و در اماکن پلیس یا زندان به‌سر می‌برد، اما هنوز محاکمه نشده است در مقررات ذیل از او به‌عنوان «متهم» نام برده می‌شود.
۲) متهم از اصل برائت بهره‌مند است و بر همین اساس باید با او رفتار شود.
۳) نگهداری متهمان از نظام ویژه‌ای پیروی می‌کند که در مقررات بعدی به نکات اساسی آن اشاره خواهد شد، در این میان نباید به مقررات قانونی مربوط به حفاظت از آزادی فردی خدشه‌ای وارد شود و شیوه‌های قانونی در قبال این متهمان باید مشخص گردد.

۸۵ ــ ۱) متهمان باید از محکومان جدا نگه داشته شوند.
۲) متهمان جوان باید از متهمان بزرگسال جدا نگه داشته شوند. اصولاً آنان باید در زندان‌های مجزایی حبس گردند.

۸۶. متهمان باید شب‌ها در اتاق‌های یک‌نفره نگه‌داری شوند، مگر اینکه عرف محل به دلایل اقلیمی وضعیت دیگری را اقتضأ کند.

www.ParsBook.org

۸۷. در چارچوبی که مطابق با حفظ نظم در زندان است، متهمین می‌توانند در صورت تمایل به هزینهٔ خود غذا بخورند و مواد غذایی را توسط ادارهٔ زندان یا دوستان و خانوادهٔ خود از بیرون تهیه کنند. درغیر این‌صورت ادارهٔ زندان موظف به تأمین غذای آنان است.

۸۸ ــ ۱) متهم باید مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی خود باشد، به شرطی که این لباس‌ها مرتب و مناسب باشند.
۲) اگر متهم ملزم به پوشیدن یونیفرم مخصوص زندان است، این یونیفرم باید با یونیفرم محکومان متفاوت باشد.

۸۹. به متهمان همواره باید امکان کارکردن داده شود، اما نباید مجبور به انجام آن گردند. متهم در برابر کار باید دستمزد دریافت کند.

۹۰. هر متهم باید بتواند به هزینهٔ خود یا به هزینهٔ فرد ثالث، کتاب، روزنامه، نوشت‌افزار و دیگر ابزار سرگرمی را برای خود تهیه کند و این امر باید در چارچوب مصالح اجرای عدالت و امنیت و نظم زندان صورت بگیرد.

۹۱. یک متهم باید مجاز به دیدار و دریافت مراقبت‌های پزشکی از سوی پزشک یا دندانپزشک خاص خود باشد، به‌شرطی که درخواست وی مبنای معقولی داشته باشد و خود متهم بتواند هزینه‌های لازم را پرداخت نماید.

۹۲. یک بازداشتی متهم باید بتواند در اسرع وقت خانوادهٔ خود را از موضوع بازداشت باخبر سازد و از تمامی تسهیلات عادی برای برقراری ارتباط با خانواده و دوستان خود برخوردار شود و با این افراد ملاقات کند، مگر آنکه منافعِ مدیریت دادگستری و امنیت و برقراری انضباط در زندان، محدودیت و نظارت بیشتری را ایجاب کند.

۹۳. متهم، در جایی که امکان آن پیش‌بینی شده است مجاز به درخواست انتخاب وکیل تسخیری است و حق دارد برای تنظیم دفاعیه خویش با وکیل خود ملاقات نماید. او باید بتواند اسناد و اطلاعات محرمانه خود را تهیه و در اختیار وکیل قرار دهد. بدین منظور، در صورت تقاضای متهم، باید به او نوشت‌افزار داده شود. دیدار میان متهم و وکیل می‌تواند در معرض دید مأمور پلیس یا زندانبان صورت بگیرد، اما هیچکس نباید سعی در شنیدن مکالمات ملاقات کند.

www.ParsBook.org

د ــ محکومان به دلیل بدهی و محکومان به حبس مدنی

۹٤. در کشورهایی که قانون اجازه حبس بدهکاران را می‌دهد و یا افراد در پی دادرسی غیرکیفری توسط رأی قضایی به حبس محکوم می‌شوند، این دسته از زندانیان به‌هیچ‌وجه نباید بیش از آنچه برای تضمین امنیت و حفظ نظم ضروری است، متحمل محدودیت و سختگیری شوند. رفتار با آنها نباید از امتیازات نسبت به رفتار با متهمان، برخوردار باشد با این تفاوت که از بدهکاران ممکن است خواسته شود کار کنند.

هـ ــ افرادی که بدون اتهام، بازداشت یا حبس شده‌اند

۹۵. بدون آنکه از مقررات مادهٔ ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی عدول شود، افرادی که بدون اتهام بازداشت یا زندانی شده‌اند از حمایتی برخوردارند که در قسمت اول و بخش «ج» قسمت دوم تضمین شده است. تدابیری که در بخش «الف» قسمت دوم اندیشیده شده، زمانی قابل اجراست که برای این گروه از زندانیان مفید باشد، مگر آنکه مقرر شده باشد که برنامه‌های بازپروری و توان‌بخشی در تمامی زمینه‌ها دربارهٔ متهمان، به‌اجرا درآید.

www.ParsBook.org

سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی

سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی(PRI) یک سازمان بین‌المللی غیردولتی است. این سازمان که در ۱۲ نوامبر ۱۹۸۹ توسط اتباع کشورهای متعددی از جهان در شهر لندن تأسیس شد، هم‌اکنون اعضایی از پنج قارهٔ جهان دارد.PRI برنامه‌هایی را در سطح منطقه‌ای توسعه می‌دهد و در این راه به سازمان‌های غیردولتی و اشخاص در اجرای پروژه‌های ملی آنان کمک می‌کند. این سازمان درصدد تسهیل تبادل اطلاعات، دانش تجربی و اقدامات مثبت مربوط به جزا و حبس در میان کشورهاست.PRI برنامه‌هایی را در آفریقا، اروپای مرکزی و شرقی، آمریکای لاتین، جزایر کارائیب و آسیای جنوبی به‌اجرا درآورده است.
PRI تأسیس شده است تا:

ــ عرصهٔ افکار و فعالیت‌های افراد و سازمان‌هایی را که در راه اصلاحات جزایی کشور خویش مبارزه می‌کنند گسترش دهد و به آنها ابعادی بین‌المللی دهد؛

ــ به فعالان اصلاحات جزایی در سراسر جهان امکانِ مبادلهٔ اطلاعات و توانایی‌ها را بدهد و به آنها کمک کند تا منطق توسعه را بر این اصلاحات حاکم کنند؛

ــ برای افراد شاغل در بخش جزایی و فعالان اصلاحات امکان همکاری با سازمان‌های بین‌المللی که برای ارتقأ و حمایت از اصلاحات جزایی فعالیت می‌کنند را فراهم آورد.

هدف اساسی فعالیت این سازمان، همیاری در اجرای اصلاحات جزایی، با توجه به تنوع بسترهای فرهنگی، است. به همین دلیل در راه رسیدن به اهداف زیر مبارزه می‌کند:

ــ توسعه و اجرای استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در زمینهٔ اجرای قانون، استانداردها و شرایط حبس؛

ــ حذف تبعیض غیرعادلانه و خلاف اخلاق در تمامی تدابیر جزایی؛

ــ الغای حکم اعدام؛

ــ محدودکردن توسل به حبس در سراسر جهان؛

www.ParsBook.org

ــ توسل به مجازاتی غیر از حبس و مجازات سازنده، چنین امری روند جامعه‌پذیری مجدد بزهکاران را، با توجه به منافع قربانیان، مورد تشویق قرار می‌دهد.

PRI تمامی شیوه‌های دادرسی جزایی و نحوهٔ رفتار با افراد ذینفع را مورد توجه قرار می‌دهد.PRI به بررسی دلایل اجتماعی ـ اقتصادی جنایت و بزهکاری علاقه‌مند است؛ قصد دارد افراد و جامعه مدنی را در عملکرد نظام جزایی دخالت دهد؛ از فعالان داخلی در کشورها حمایت می‌کند و به آنها مشاوره می‌دهد و در زمینهٔ یافتن منابع مالی برای اجرای پروژه‌های مشخص همکاری می‌کند؛ و در مواردی که به مسائل فردی مربوط می‌شود دخالت نمی‌کند.

سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی در شهر گرونینگ‌در هلند به‌ثبت رسیده است. این سازمان اکنون دارای سه دفتر است: مقر اصلی در لندن (انگلستان)، در اماکن مربوط بهNACRO و دو نمایندگی، یکی در پاریس (فرانسه) و دیگری در سان خوان (پورتوریکو).

سازمان ما در سازمان ملل و شورای اروپا از جایگاه یک نهاد مشاوره‌ای برخوردار است. سازمان ما همچنین در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و حقوق ملت‌ها، جایگاه یک نهاد نظارتی را داراست.

مدیریت و ادارهٔPRI وابسته به هیچ دولتی نیست. این امر مانع از همکاری تنگاتنگ میان دولت‌ها و سازمان ما در اجرای وظایف آن نیست و سازمان به هنگام این همکاری‌ها به‌هیچ‌وجه استقلال خود را از دست نمی‌دهد. اعضایPRI در داخل سازمان نمی‌توانند به‌عنوان نمایندگان دولتی فعالیت کنند.

زیرنویس‌ها

۱. در این کتاب، «مجموعه مقررات حداقل سازمان ملل برای رفتار با حبس‌شدگان» با علامت اختصاری RMT نشان داده شده است. اگر مأخذ دقیق یکی از مقررات در این کتاب ذکر نشده باشد، به یکی از RMT ها مربوط می‌شود.

۲. برای توصیف کامل‌تری از این متون به فصل نهم همین کتاب رجوع شود.

۳. رجوع کنید به فصل نهم همین کتاب.

٤. به فصل چهارم همین کتاب رجوع شود.

۵. رجوع شود به فصل دوم کتاب حاضر.

۶. به فصول پنجم و ششم کتاب حاضر رجوع شود.

۷. به فصل هفتم همین کتاب رجوع کنید.

۸. به فصل پنجم همین کتاب مراجعه شود که در آن نتایج این اصل در نحوهٔ رفتار با زندانیان مورد تحلیل

www.ParsBook.org

قرار گرفته‌اند.

۹. به فصل دوم کتاب حاضر مراجعه شود.

۱۰. این نکته در ادامهٔ کتاب با تفصیل بیشتری مطرح خواهد شد.

۱۱. دربارهٔ مسئولیت اخلاقی پرسنل بهداشتی به فصل چهارم این کتاب رجوع کنید.

۱۲. این نکات در پاراگراف‌های ۱۱ و ۱۲ (شکایت و تقاضای تجدیدنظر) توضیح داده شده‌اند.

۱۳. به پاراگراف‌های ۸٤ ـ الی ۹۲ فصل حاضر مراجعه شود.

۱٤. در فصل چهار به تفصیل این موضوع خواهیم پرداخت.

۱۵. وظایف پزشکی و اخلاقی پرسنل بهداشتی در فصل چهار توضیح داده خواهد شد.

۱۶. به برخی از این شیوه‌ها در پاراگراف ۱۱ و بعد از آن اشاره شده است. به ساختار مکانیسم‌های مستقل در فصل هشت اشاره خواهیم کرد.

۱۷. رجوع کنید به پاراگراف‌های ۹ و ۱۰ مقدمه.

۱۸. همین کتاب، فصل اول، پارگراف‌های ٤۱ تا ٤۳.

۱۹. نگاه کنید به فصل ششم همین کتاب «کار در زندان».

۲۰. نگاه کنید به فصل اول، پاراگراف ۲۲.

۲۱. نگاه کنید به پاراگراف ۲۲ همین فصل.

۲۲. نگاه کنید به مقدمهٔ کتاب حاضر، پاراگراف ۱۳.

۲۳. فصل ۲، پاراگراف‌های ۵۰ تا ۵۳.

۲٤. همین فصل، پاراگراف‌های ٤۳ تا ٤۵.

۲۵. فصل اول، پاراگراف ۱۱.

۲۶. در حال حاضر، مجوز قانونی برای توزیع سرنگ در زندان‌های ایران وجود ندارد.

۲۷. همین فصل، پاراگراف ۱۵.

۲۸. فصل شش، پاراگراف ۱۲۲.

۲۹. فصل شش، پاراگراف ۱۰۱ تا ۱۰۳.

۳۰. رجوع شود به فصل نهم همین کتاب.

۳۱. همین فصل، پاراگراف ۳۲.

۳۲. فصل دوم به موضوع شکایت‌ها پرداخته است.

۳۳. فصل اول، پاراگراف‌های ۳، ٤ و ۲۱. تحلیل عمیق‌تری از بند ۶۱ در فصل ششم ارائه شده است.

۳٤. فصل اول، پاراگراف ۳۱. وقتی که راهکارهای عادی‌سازی به‌منظور نزدیکی میان شرایط زیست در زندان و شرایط زیست در جامعه به‌کار گرفته می‌شود، اصل عادی‌بودن قابل اجرا می‌گردد.

۳۵. رجوع شود به بندهای ۶۱ و RMT۷۹ ها.

۳۶. فصل حاضر، پاراگراف ۵.

۳۷. این نوع ملاقات در زندان‌های ایران تحت عنوان ملاقات شرعی وجود دارد و اکثر زندان‌ها دارای

www.ParsBook.org

امکاناتی جهت حضور همسران زندانی می‌باشند. (ناشر)

.۳۸ این قبیل موارد بر اساس فرهنگ، عرف و قوانین کشورها تنظیم می‌شوند.

.۳۹ همین فصل، پاراگراف ۲۵.

.٤٠ نگاه کنید به فصل ۱، پاراگراف ۳۱، اصل عادی‌بودن و پیامدهای آن.

.٤١ فصل سوم.

.٤٢ فصل اول، پاراگراف‌های ۱۵ و ۱۶.

.٤٣ پاراگراف ۲۹ فصل حاضر، قاعده ۶۶ــ(۱).

.٤٤ رجوع شود به پاراگراف ۲۹ فصل حاضر.

.٤٥ به فصل هفتم رجوع شود.

.٤۶ به پاراگراف ٤ فصل اول مراجعه شود.

.٤٧ به فصل دوم مراجعه شود.

.٤٨ در فصل حاضر توضیحات بیشتری دربارهٔ کار در زندان ارائه خواهد شد.

.٤٩ به فصل دوم رجوع شود.

.۵٠ به فصل سوم رجوع شود.

.۵١ به فصل هشتم مراجعه شود.

.۵٢ به فصل چهارم رجوع شود.

.۵٣ فصل حاضر، برنامه‌های درمانی.

.۵٤ به فصل هشتم رجوع شود.

.۵۵ بدیهی است که به کارگیری صحیح کارمندان و کارکنان زن در کنار کارکنان مرد می‌تواند تجربیات سازنده‌ای بدست دهد بویژه اگر شرایط ساختاری، اداری و فیزیکی و بنای زندان‌ها محیای چنین امری باشد نتایج مطلوبی به بار می‌آید چه برخی امور نظیر ارائه مشاوره، روان‌درمانی و ارائه خدمات مددکاری توسط زنها بهتر ارائه می‌گردد، البته باید افزود که با توجه به فرهنگ و تاریخ و مذهب کشور ما قبل از هر چیز لازم است که محیط زندان برای این امر کاملاً محیا گردد و همچنین کارمندان مرد همکار نیز برای برقراری یک رابطه اداری و کاری سازنده آموزشهای کافی و لازم را دیده باشند و برای این مهم آماده گردند، در این صورت است که می‌توان از معایب و مضار چنین طرحی بویژه نسبت به زنان در امان ماند. (ناشر)

.۵۶ در فرهنگ ما و در دین مبین اسلام اظهار تمایل نسبت به جنس مخالف به قصد تزویج اصولاً نه تنها مذموم نیست بلکه ممدوح بوده و بدیهی است که این اظهار تمایل چنانچه حتی در یک محیط کاری یا اداری بوجود آید و یا حتی از ناحیه یک فرد دانی نسبت به عالی یا بالعکس رخ دهد، هیچگونه منع و عقابی نخواهد داشت البته مشروط بر اینکه حدود عرفی و موازین شرعی در این وادی کاملاً رعایت گردد. در ماده ۲۷، تدوین‌کنندگان محترم هرچند که ممکن است به یک واقعیت که می‌تواند غیرقابل احتراز باشد اشاره نموده باشند. اما باید افزود که استعمال الفاظ یا عبارات باید طوری باشد که از ارزش علمی یک متن

www.ParsBook.org

معتبر نکاهد و یک متن معتبر نظیر این توصیه‌نامه جنبه عامیانه و کوچه بازاری به خود نگیرد، با این توضیح ماده ۲۷ می‌توانست به نحوی تنظیم و تدوین شود که هم به مشکل مذکور اشارت نماید و هم از دیگر سو از به کارگیری لغات و اصلاحات زننده و عوامانه اجتناب گردد. (ناشر)

۵۷. به فصل پنجم رجوع شود.

۵۸. به فصل‌های پنجم و هفتم رجوع شود.

۵۹. به فصل چهارم رجوع شود.

۶۰. فصل سوم، پاراگراف ۱۳ رجوع شود.

۶۱. Penal Reform International

۶۲. این موضع سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی است.

۶۳. Groningue

www.ParsBook.org